

ارتش آزادیبخش ملی ایران

هجرت پیروزمند انقلابی

انتقال مجاهدین از عراق به آلبانی

مسعود رجوی

نشست‌های مجاهدین در لیبرتی

آبان - بهمن ۱۳۹۴

هجرت پیروزمند انقلابی

انتقال مجاهدین از عراق به آلبانی

انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

بها: معادل ۵۰ یورو

فهرست

فصل اول ۹

رژیم بازنده استراتژیک پیش به سوی تحول بزرگ و خیر عظیم برای
مجاهدین - ۱۶ آبان ۱۳۹۴

موضوع چیست؟ صورت مسئله چیست؟ ۲۵

فصل دوم ۱۴۵

تغییر و طوفان در راه است، پیروزی پیشاپیش مبارک!

۱۴ آذر ۱۳۹۴

سلام و درود بر قهرمانان پایدار و برگشت ناپذیر مقاومت تاریخی

مردم ایران ۱۴۷

فصل سوم ۲۳۳

آماده باش برای حرکت مؤسسان چهارم بسوی پایگاه امن

۲۸ آذر ۱۳۹۴

فصل چهارم ۳۵۹

خطرها بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات-۱۷ بهمن ۱۳۹۴

قسمت اول

خطرهای جدی و واقعی برسرراه انتقال مؤسسان چهارم ۳۷۴

فصل پنجم ۴۰۷

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات- قسمت دوم

فصل ششم ۴۹۹

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات- قسمت سوم

فصل هفتم ۵۷۳

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات- قسمت چهارم

اتمام حجت نهایی قبل از آزمایش بزرگ و اعزام به مأموریت

اشرف- نشست عمومی، تغییر دوران پس از یک دهه پایداری-

۱۳۹۰ اسفند ۵۸۴

ابلاغیه مجدد اخراج و ترک لیبرتی-۱۷ بهمن ۹۴ ۵۹۵

پاسخ به ابلاغیه ترک لیبرتی

گزارش معاونت پرسنلی ارتش آزادیبخش- بهمن ۱۳۹۴ ۶۰۱

اتمام حجت پرچم فروغ و ابلاغیه ترک لیبرتی ۶۰۲

آنچه در این کتاب از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، متون بحث‌ها، برگرفته از ۷ برنامه تلویزیون سیمای آزادی در مورد سلسله نشستهای فرمانده ارتش آزادیبخش با مجاهدان مستقر در رزمگاه لیبرتی، ۶ ماه قبل از شروع هجرت پیروزمند و انتقال به آلبانی است. این برنامه‌ها در سال ۱۳۹۶ از ماهواره پخش شده است.



فصل اول

اولین نشست عمومی در لیبرتی
بعد از حمله موشکی
آبان ۱۳۹۴

رژیم بازنده استراتژیک
پیش به سوی تحول بزرگ
و خیر عظیم برای مجاهدین
۱۶ آبان ۱۳۹۴

درود بر یکایک شما
و سلام بر شهیدان
شما جایشان را پر کردید و خواهید کرد هر چند که هستند و
در اطراف و بالای نشست در پرواز هستند.
قهرمانان مجروح که در امداد خودمان هستند در یک نامه
مشترک از من خواسته اند که برای آنها آیه ای از قرآن بگویم.
حالا می خواهم در ابتدای نشست ، این آیه را هم برای آنها و
هم برای همه شما بگویم. این آیه مربوط به همان لحظات بعد از
حمله و شلیک موشکهاست یعنی پیامی برای همه ماست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَنْ كَانَ يُظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ
لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيبُ^۱

آن کس که گمان می کند و می پندارد که خدا او را (پیامبرش و راه او را) در این
دنیا و در آخرت یاری و نصرت نمی کند،

می تواند طنابی به آسمان (و سقف بالای سرش) بکشد، سپس
آن را قطع کند و نتیجه را ببیند - که آیا در نتیجه این کار- غیظ و
کین او برطرف می شود؟! آیا داغ دلش تسکین می پذیرد؟!

۱- سوره حج، آیه ۱۵

در یک جمله و فقط در یک جمله همه حرف را گفته است. . .
حرف این است که به دشمن و مزدوران و پشتیبانان و همدستان و خلاصه جمیع قاتلان و جنایتکاران و زمینه سازان به همان معنا که در زیارت عاشورا می خوانیم، می گوید برو خودت را از آسمان و یک سقفی در بالای سرت با یک طناب آویزان کن؛ آن وقت طناب را قطع کن و نتیجه را ببین.

واضح است که نتیجه این است که مدعی کله پا می شود و محکم بر زمین می خورد، سرنگون می شود، همان تعهد سرنگونی و استمرار آن در مدارهای بالاتر و بیان این که غیظ و کین دشمن و پشتیبانان و مزدوران پایان ناپذیر است.

همان غیظ و کینی که امروز به وضوح در کارزار تاریخی مجاهدین، برای سرنگونی به چشم می بینیم غیظ و کین نسبت به مجاهدین، نسبت به ایستادگی و رأیت شرف ملت ایران که بر دوش می کشند.
می گوید غیظ و کین اینها نسبت به شما پایان ناپذیر و به همین خاطر درمان ناپذیر است.

در یک مثال بسیار جالب در جنگ سیاسی، خدا خودش خیلی ظریف و پرمعنا این احاله را به آنها می دهد! خودت را از سقف و ارتفاع بالا آویزان کن، طناب را قطع کن، با سر به زمین بخور و سرنگون شو. . .
آنگاه بنگر که آیا غیظ و کینه ات نسبت به پیامبر رحمت و رهایی و مجاهدان رکابش رفع می شود؟ کدام غیظ و کین؟
این که فکر کنی خدا در دنیا و آخرت او و مجاهدینش را نصرت نخواهد کرد.

- باور کنید که حرف خدا جدی است، خیلی جدی است. . .
برای همین می گوید اگر کسی گمان می کند که خدا او را (پیامبرش و راه او را) در دنیا و آخرت یاری نمی کند، راهش این است که خود را از آسمان یا سقفی بیاویزد و سپس نقطه اتکا را قطع کند و بر زمین بخورد و سرنگون شود.

پیشرفت و پیروزی در مسیر تکامل را خدا خودش تضمین کرده است:

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعَلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۲

اگر او (پیامبر و راهش) را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری می‌کند هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند او را (از مکه) بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که در غار (ثور) بودند وقتی به همراه خود می‌گفت اندوه مدار که خدا با ماست پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با لشکریانی که دیده نمی‌شدند مدد کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است.

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعَلْيَا ۳

علت در این است که کلمه و پدیده و نقشه مسیر حق ستیزان، دست پایین و سفلی است، سفله‌گری است. ولی کلمه خدا دست بالا را دارد سرانجام خود را بالا می‌کشد؛ به اوج و نوک قلّه می‌رساند و اثبات می‌کند.

وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلْيَا: ۴

این همان تاریخچه ۵۰ساله سازمان است. همه کس از هر سو در این ۵۰سال بر سرش ریختند. ارتجاع و استعمار و هرکس و ناکس دیگر، از شیخ و شاه تا انواع و اقسام مزدوران و نظریه پردازان ارتجاعی و استعماری و قلم به مزدان، از خائن و زالو گرفته تا اپورتونیست و پیمان شکن و . . .

اما باز هم می‌بینیم که شاه رفت، شیخ هم رفتنی است و عنصر ماندگار همان «کلمه علیا» است. . . .
آیه ۴۰ از سوره توبه مربوط به لحظاتی است که پیامبر با ابوبکر در غار بودند.

۲- سوره توبه، آیه ۴۰

۳- همان آیه

۴- همان آیه

می‌گوید: شما هم که کمکش نکنید، خود خدا هست و کفایت است؛ وقتی که او را از شهر و دیارش بیرون کردند، وقتی که درصدد قتل او بودند و به تعقیب او برخاستند؛ اول به خانه‌اش رفتند تا او را در رختخوابش به قتل برسانند. اما دیدند علی به جای او در بسترش خوابیده است. به عبارت دیگر، در تاکتیک رزمی و جنگی، او برای رزمی بالاتر در این میدان، جاخالی داده و به جانبی دیگر هجرت کرده است. . . اکنون با ابوبکر در یک غار تحت محاصره است و دشمن دارد در پیگرد خود به او نزدیک و نزدیکتر می‌شود.

إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا
آن هنگام که به هم صحبت خود می‌گوید:

ناراحت و اندوهگین مباش، خدا با ماست. سپس خدا سکینه خود را (که همان آرامش و اطمینان قلب باشد) بر او فرستاد و او را با نیروها و لشگرهایی دیده ناشدنی مدد کرد.

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ

و به این ترتیب کلمه حق ستیزان را دست پایین و سفلی قرار داد و کلمه خدا را بالا و بالاتر برد و عالی و عالیتر قرار داد. یعنی که در جریان تکامل روی محور پیشرفت و ترقی هر چه فراتر و بالاتر، آینده متعلق به آنها و از آن آنهاست.

بله، ته دره نصیب و جایگاه نیروهای ظلمت و ارتجاع باد! نصیب و جایگاه کلمات خدایی و مجاهدان راه خدا و خلق نوک قله و پیکان تکامل است.

موشک باران ۷ آبان در منتهای استیصال

از همان نیمه شب ۷ آبان (شب جمعه را می‌گوییم) من که هر گزارشی را خواندم و با هر کسی که حرف زدم و هر ماجرای را شنیدم، بدون اینکه

۵- همان آیه

۶- همان آیه

شماها از حرفهای همدیگر خبر داشته باشید یا از نامه‌ها و گزارشات بقیه خبر داشته باشید، کد مشترک، «معجزه‌گونه» است. یعنی اینکه تعداد و ابعاد موشکها طوری بوده که انتظار شهدای خیلی بیشتری می‌رفت. خیلی از بچه‌ها می‌گفتند که شدت انفجار و صدای انفجار به حدی بود که فکر می‌کردیم موشک اسکاد B برای صفر صفر و قتل عام تمام مجاهدین در لیبرتی است. واقعیت هم این است که اگر فرمول ۵ تا ۱۰ ثانیه را اجرا نمی‌کردید و اگر به میان سنگرهای روباهی پر از آب در فاصله ۱۰ متری نمی‌پریدید، تعداد شهیدان و مجروحان بارها و بارها بیشتر می‌بود. فکرش را بکنید که اگر همه ۸۰ موشک که خودتان اعلام کرده‌اید و بر روی زمین حدود ۱۰ میلیون دلار خسارت ایجاد کرده است، به هدف می‌خورد، چه تعداد شهید می‌داشتیم...

قدروشان یکایک شهیدان را همه می‌دانیم از خواهر نیره گرفته تا فرمانده والا حسین ابریشمچی و حسن نورعلی و منوچهر و فرشید و حمید و حسین گندمی و اکبر و رجب و کیومرث و شریف و جواد و بقیه و سهراب و بهزاد و ابوطالب و محمدعلی و عبدالرضا و حمیدرضا تا حسین سرو آزاد که از ۳۶ گروگان بود و رستگار شد و بقیه... سلام الله علیهم اجمعین

در مورد شأن شهیدان از هواداران گرفته تا داخل ایران همه دارند می‌گویند و می‌نویسند و اصلاً چیزی نیست که نیازمند تشریح و توضیح باشد. البته هر چه بگوییم و بنویسیم کم است، به خدا کم است، ولی الان من چیز دیگری را می‌خواهم بگویم؛ کد مشترک خودتان «معجزه‌گونه»...

آیا مبالغه است؟ خیر هرگز!

دشمن بعد از ۲۲ ماه از آخرین شلیک در ۵ دی ۱۳۹۲، در هفته بعد از پایان اعتصاب ۱۰۸ روزه، حالا می‌خواست چه کند؟ چرا؟ چرا درست در شب سوریه؟ چرا در برشام و بگرام؟ چرا قبل از سفر آخوند روحانی به فرانسه که مریم در آنجاست؟ من در همان پیام شب اول، ساعتی بعد از شلیک نظرم را گفتم و تحولات آینده صحت و سقم آن را نشان خواهد داد. منظورم همان پیام کوتاه است که بعداً منتشر و پخش شد.



آثار خرابی های موشک









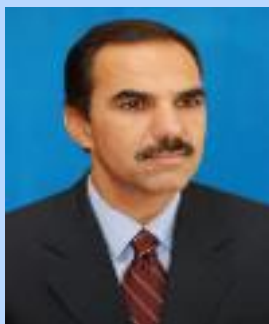




مجاهد شهيد حسين ابريشمچي



مجاهد شهيد نيره ربيعي



مجاهد شهيد حسن نور علي



مجاهد شهيد منوچهر براتي



مجاهد شهيد فرشير ربيعي



مجاهد شهيد حميد دهقان



مجاهد شهيد حسين گندمي



مجاهد شهيد اڪبر علي دوست



مجاهد شهید شریف ویسی مجاهد شهید کیومرث یوسفی مجاهد شهید رجبعلی قربانی



مجاهد شهید جواد میرسالاری مجاهد شهید بهزاد میرشاهی مجاهد شهید سهراب همایونفر



مجاهد شهید حسین سروآزاد مجاهد شهید رضا وادیان مجاهد شهید حمیدایمن کاشان



مجاهد شهيد جاسم قيصر مجاهد شهيد حسن ابراهيمي مجاهد شهيد احمد مسچيان



مجاهد شهيد امير حسين اداوي مجاهد شهيد حسن توفيق جو



مجاهد شهيد ابوطالب هاشمي مجاهد شهيد محمد علي ميرزايي

موضوع چیست؟ صورت مسأله چیست؟

موضوع این است که بعد از ۲۲ ماه که در کارزار شماره ۶ بودیم، تحول عظیمی صورت گرفته است. تا حدودی منتظر آن بودیم. چون تعهد سرنگونی و دوران سرنگونی رژیم جدی است و کارزارهای آن هم جدی است. بحران در درون و بیرون رژیم جدی است. توطئه‌های زنجیره‌یی دشمن برای انهدام مجاهدین، برای جداکردن سر از بدنه، برای نابود کردن مقاومت هم جدی است.

اما فعلاً بگذارید روی همان کد مشترک، روی همان کلمه و حرف مشترک در حرف‌ها و گزارش‌های خودتان، یعنی در مورد همان کلمه «معجزه» بگویم. واضح است که منظور شما در مکالمات درونی خودمان که برای کسی سوءتفاهم نمی‌شود، این است که به گونه‌یی معجزه آسا، به گونه‌یی نامتصور، خدا مجاهدین را حفظ کرده است والا هیچ بعید نبود که با این همه ضربات و موشک‌ها از پا در می‌آمدند یا کمرشان به لحاظ سازمانی و سیاسی در هم می‌شکست. . . .

اما در آیه‌ای که خواندیم، قرآن به صراحت گفت، یعنی در جنگ سیاسی و ایدئولوژیک، عمداً با یک طنز گزنده گفت، خاطرتان جمع باشد که خدا پیامبرش و روندگان راه او را نصرت می‌کند و اگر کسی خلاف آن می‌پندارد، برود خود را از سقف آویزان کند و آنگاه نقطه اتکا را قطع کند تا ببیند که آیا حقد و کین او فرو می‌نشیند یا خیر؟! به زبان خودمان، رژیم و سگ‌های زنجیری‌اش باید بروند سرشان را به دماوند و البرز کوه بکوبند!

توجه کنید که این کلمه و کد معجزه گونه و «معجزه» را من نگفتم. بلکه از حرف‌ها و بحث‌های خودتان گرفتم و از قضا با استغفار از چنین تمثیلی که فقط برای تفهیم و تفاهم در درون خودمان بکار می‌بریم، آن را خیلی بالا و پایین کردم. البته واضح بود که شما ابعاد ضربات و انفجارهای موشکی و ابعاد خصومت دشمن را در نظر داشتید و اینکه

مثل همیشه برون رفت خود را در ضربه به مجاهدین و مقاومت ایران می بیند. غیظ و کینگی که تسکین ناپذیر است و تا روز سرنگونی ادامه دارد. بخصوص ما از شلیک موشک ها تا امروز الآن بیش از یک هفته است در تحریم کامل و مضاعف قرار گرفته ایم. یعنی همان غذا و مختصر دارو و سوختی را هم که وارد می شد قطع کرده اند تا ترس و رعب ایجاد کنند. تا موشک و آتش سوزی و سیلابی که هنوز خشک نشده در تحریم کامل ضریب بخورد، بلکه این مجاهدین جا بزنند و نادم و تسلیم شوند. رژیم و سگ های زنجیری آن از این روال دست بر نمی دارند زیرا چاره دیگری ندارند.

مجاهدین هم ۵۰ سال است که در اتاق های شکنجه و میدان های تیر و تبر و پهنه های مختلف کارزار، دست بردار نیستند. می گویند بجنگ تا بجنگیم. . . ! و در جریان همین جنگ بر ضعف های خود غلبه می کنند. از آلودگی های طبقاتی و اجتماعی و انفرادی پاک و پاکیزه می شوند. می آموزند که می توان و باید جنگید و تا پیروزی ادامه داد... شما هم چنین دارید با مریم و مجاهدان و یاران اشرف نشان در سراسر جهان، زیر و بالای رژیم و محور شر و همدستان و سگ های زنجیری آن را در تمام دنیا افشا می کنید. زیرا تحول عظیمی صورت گرفته است، و اگر درست بگوییم، آثار عظیمی هم خواهد داشت که با گذشت زمان اثبات می شود. کاش هیچ شهید و مجروحی نمی داشتیم. کاش هیچ خرابی و خسارتی نمی بود. کاش اصلاً جنگی در میان نبود و تمام دنیا به خصوص ایران ما امن و امان و در صلح و آزادی و آبادی و عدالت و قانون بود. . .

اما اینها آرزوهایی ست که برای تحقق و فعلیت یافتن آن باید بهای سنگین و خونین پرداخت.

آیا وقتی که شماها می گوید آن شب، انگار که معجزه بود، به معنی چیز شگفت انگیز و خارق العاده یا نامتصور، واقعیت دارد؟ بله، زیرا حاوی

یک عنصر واقعی مشخص است. زیرا در این شرایط مشخص، در آن شب مشخص، اگر مجاهدین ۱۰ برابر یا ۲۰ برابر و بیشتر، شهید می‌دادند، جای تعجب نبود و دشمن برای همین طراحی کرده بود که طرح قتل عام در لیبرتی را مانند اشرف به اجرا دریاورد و البته باز هم ادامه خواهد داد. مگر این که خودمان با نبرد روزانه و کارزارهای پیاپی آن را پس برانیم.

اگر یادتان باشد - به لحاظ تاکتیکی و مخصوصاً از بابت همزمانی می‌گویم - رژیم در اشرف هم، شب سوریه را غنیمت شمرد و قاسم سلیمانی از ۶ شهریور ۹۲ به مدت ۴ روز با مالکی مشغول بحث و گفتگو برای حمله به اشرف بود. بعد از حمله هم، به خبرگان ارتجاع که بالاترین ارگان دربار و سلطنت آخوندهاست، رفت و گزارش داد.

این بار هم در آبان ۹۴، شبی بود که کنفرانس وین یا دعوت رژیم برای سوریه بود و به لحاظ تاکتیکی، رژیم زمان را مقتضی و مناسب و ضروری دید؛ البته با استفاده از ضعف آمریکا و عبادی در برابر رژیم که در یکدیگر ضرب می‌شوند.

گفته‌اید یا نوشته‌اید که اگر به جای ۲۴ شهید، مثلاً ۲۴۰ شهید یا خدای ناکرده ۴۸۰ شهید یا بیشتر هم شهید می‌داشتیم، در چنین حمله‌یی، جای تعجب نبود. بله این درست است. ابعاد حمله و محکم کردن طنابها و ریسمان محاصره تا امروز ۱۶ آبان، همین را نشان می‌دهد.

از طرف دیگر رژیم دنبال این است که از طریق وحوش عراقی و مزدوران و سگهای زنجیری در عراق و خارجه، به هر قیمت اطلاعات مشخص به دست بیاورد. مثل همیشه رژیم بهانه می‌کند که «خانواده‌ها» نگران هستند! مجاهدین که خودشان با خانواده‌هایشان در تماس هستند، خوب اگر تو برای خانواده‌های خودت نگران هستی پس چرا موشک می‌زنی؟! ترفندهای بسیار کثیف و لو رفته‌یی است که دیگر بعد از این همه سال، چنگی به دل نمی‌زند و فقط رژیم و ایادی آن را رسوا و رسواتر می‌کند.

رژیم که اول فکر می‌کرد مجاهدین در مورد تعداد شهیدان، عدد واقعی را نمی‌گویند، از سفارت رژیم به بیمارستانهای بغداد جاسوس وزارت اطلاعات و جاسوس نیروی قدس فرستاد.



پیکرهای پاک شهدای حملهٔ موشکی

در لیبرتی هم وحوش استخبارات دنبال این هستند که آیا واقعاً تعداد شهدا همین بوده است؟ آیا مجروحان بیشتری این طرف و آن طرف مخفی نشده اند؟ ابعاد بلاهت و حماقت مزدوران و وحوش را می‌بینید؟! آخر مجاهدین چرا باید تعداد شهیدان و مجروحان خود را پنهان کنند یا خیلی کمتر بگویند؟ چرا نباید طبق رسم همیشگی خود به خانواده شهید یا صدیق خبر بدهند؟ تا آنجا که من می‌دانم مجاهدین به استثنای شهادت فرزندان جلادانی مانند محمدی گیلانی یا جنتی رئیس خبرگان و دبیر شورای نگهبان رژیم، همیشه وظیفه خود دیده‌اند که وقتی مجاهدی به شهادت می‌رسد یا فوت می‌کند، به خانواده‌اش اطلاع بدهند. حتی اگر رد آن خانواده را نداشته باشند، تلاش می‌کنند هر طور شده پیدا کنند. در مورد مجروحان هم که خودشان می‌توانند با خانواده و ارگانهای بین‌المللی

در میان بگذارند؛ اما رژیم که این چیزها حالی اش نیست... نکته دیگر این که رژیم آمد مثل دفعات پیش، بوزینه‌ای به نام واثق بطاط را دوباره مصرف کند. ولی آن قدر اضافه بارش کرد که یارو در ترس از اقدامات بعدی مقاومت ایران، در مراجع بین‌المللی، با قسم و آیه اعلام کرد که من نبودم و خبر نداشتم. گفت درست است که من اینها را منافق می‌دانم، اما هرگز من نبودم که به‌قرارگاه اینها حمله کردم. حرفهای او البته فضای عراقی و عربی و بین‌المللی را نشان می‌دهد. به همان معنا که در زیارت عاشورا آمده می‌گویم :

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ

بارخدا یا حمد و ستایش سزاوار و خاص توست، حمد شاکرانت به‌ویژه آن‌گاه که مورد اصابت و در معرض مصیبت قرار می‌گیرند. بله، حمد در شرایط ضربه و مصیبت و جراحت؛ حمد در شرایطی که جگر آدم برای یکایک شهدا و مجروحان شعله ور است؛ با انبوه گوشه‌هایی که پرده آنها در اثر صدای مهیب انفجارها پاره شده؛ با بدنهای مجاهدین که در اثر موج انفجار دچار پارگی شده و آسیب دیده است؛ با پاها و زانوان مجروح، اما محکم و استوار...

حمد و سپاس برای مجاهدان صبور و شکوری که آنها را برای آزمایشها و مأموریت‌های بعدی نگه‌داشتی. برای دستکم صدها تن دیگر که به‌گفته شما به‌گونه‌یی خارق‌العاده و معجزه‌آسا مورد اصابت موشکها قرار نگرفتند و آفرین بر شما که با فرمول طلایی « ۵ تا ۱۰ ثانیه » و پریدن به‌داخل سنگرهای روباهی (البته آب گرفته)، مختصر جان‌پناهی پیدا کردید. در روز حمله موشکی آمار مجاهدین در لیبرتی ۲۲۰ نفر بود و دشمن آن را از طریق وحوش کمیته سرکوب به‌خوبی می‌دانست و از دید خودش طوری طراحی و زمانبندی کرده بود که از بابت شهیدان و ضایعات انسانی، در این بنگالهای حلبی و مقوایی، دهها برابر بیشتر از آنچه در عمل واقع شد، به‌ما ضربه بزند.



آتش سوزی های گسترده ناشی از اصابت موشک - ۷ آبان ۱۳۹۴



آثار خرابی های حمله موشکی -- ۷ آبان ۱۳۹۴













بسیج برای جمع آوری آثار خرابیهای موشک



نمونه سنگر روباهی و آب گرفتگی آنها قبل از موشک











امروز هنوز ما نمی‌خواهیم وارد جزئیات بشویم تا به دشمن اطلاعات برسد، اما روزی خواهد رسید که من با جزئیات توضیح بدهم که مجاهدین قبل از حمله و در شب حمله موشکی چه کردند و آن شب چه شد .
وقتی همین دو ماه پیش می‌خواستید در پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان، فیلم تبدیل شهر سنگستان لیبرتی را به گلستان، پخش کنید تا هموطنان و یاران اشرف نشان ببینند.

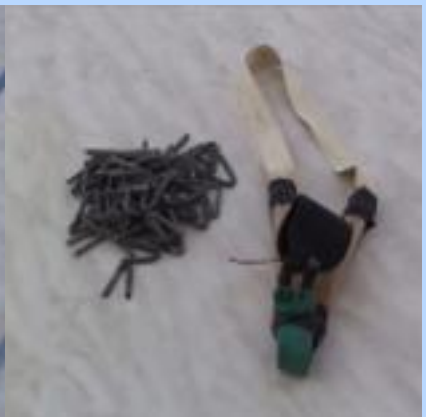


تبدیل شهر سنگستان لیبرتی به گلستان



من خواهش و تأکید کردم برای غافل ماندن دشمن در چندین مقوله چیزی را نشان ندهید. از تجهیزات و تمرینات دفاعی و الزامات اداره جنگ در حمله زمینی و هوایی گرفته تا چاههای آب و سیستم آبرسانی زاپاس، برای مقابله با قطع عمدی آب توسط دشمن، مشابه تابستان ۹۲ در اشرف.







تمرینات دفاعی برای حفظ آمادگی





حفر چاههای آب و سیستم آبرسانی زاپاس





مجاهد قهرمان مصطفی خسروی، شهید حمله موشکی ۲۱ بهمن ۱۳۹۱ در هنگام حفر چاه آب



از شیوه‌ها و ابزار بازسازی بنگالها که هنوز مشغول آن هستید گرفته، تا الزامات تقویت سقف جان‌پناهها و سنگرها در زمان شلیک هوایی و شلیک منحنی و مخصوصاً در زمان حمله زمینی.



الزامات تقویت سقف جان پناهها و سنگرها



الزامات تقويت سقف جان پناهها و سنگرها











کمپرسی ۲/۵ تنی و جراثقال - ساخته شده توسط رزمندگان

همه می دانید که از حمله موشکی در ۵ دی ۹۲ به یونامی نوشته بودیم که دستکم ۳ میلیون کیسه شن برای آبنندی سنگرها و بنگالها لازم است. اما مشاور امنیتی مالکی فقط با ۱/۵ درصد آن موافقت کرده است تا به سازمان ملل و آمریکا بگوید که کارش را کرده است. بنابراین باید خودتان فکری می کردید....

Sub: sample trailer for sandbags

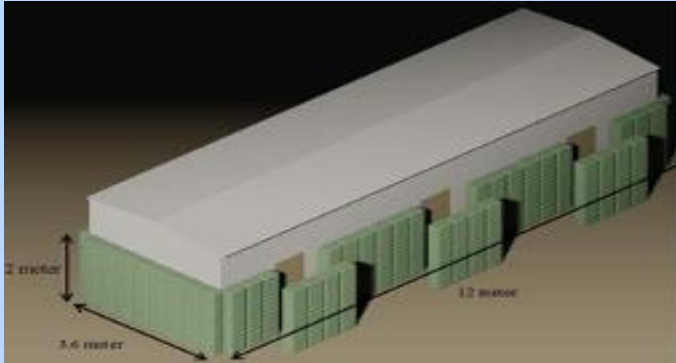
Jan 26, 2014

Dear ambassador Busztin

In last week's meeting you asked for the plan for putting sandbags around the trailers. I have enclosed for you the plan of putting sandbags around one trailer. I also added a photo of a bunker in camp Liberty when the US forces were stationed here. Based on this plan each trailer needs 2400 sandbags and each bunker needs 1000 sandbags and our demand for the sandbags is 3000,000.

Best regards,

The number of sandbags needed for one trailer



The sandbags will be put around each trailer from ground to a height of 2 meters. The total number of sandbags needed for one trailer is 2400 sandbags.

A sample photo of a bunker in a camp Liberty at the time US forces were stationed in Liberty is attached below. The estimated number of sandbags for such bunker was 1000 sandbags.



می‌خواهم بگویم آنچه که در پنجاهمین سالگرد برای پخش در ماهواره فرستاده شد، بواقع بخش کوچکی از ابعاد واقعیت در لیبرتی بود. اما همین کفایت می‌کرد تا هموطنان و یاران اشرف نشان و زندانیان و مخصوصاً تیم‌های ارتش آزادی در داخل ایران پیام «هزار اشرف» و «جنگ صدبرابر» را دریابند. بله با دست خالی و در شرایط محاصره و زندان هم، بقول مریم «می‌توان و باید»...

پارسال در آبان ۹۳ آمار دادیم که از روز ۳۰ بهمن ۱۳۹۰ که اولین ستون از اشرف به لیبرتی آمد تا ۳۰ مهر ۹۳ به مدت ۳۲ ماه، مجاهدین دستکم در اینجا ۳۰ میلیون ساعت کار کرده‌اند. این آماری است که خودتان در محتاطانه‌ترین ارزیابی، ثبت و برآورد کرده‌اید. ۳۰ میلیون ساعت، بدون کمترین امکانات و در شرایط محاصره که فقط با کار طاقت فرسای یدی، اما در منتهای خلاقیت و ابتکار با استفاده از کمترین امکانات از قله سنگ تا شن و خاک و قطعات تخته پاره‌ها انجام شده است.

در یک سال گذشته یعنی از ۳۰ مهر ۹۳ تا ۳۰ مهر ۹۴ هم لااقل ۶/۵ میلیون ساعت کار دیگر بر آنچه مجاهدین در لیبرتی انجام داده‌اند، افزوده شده است.



درست کردن الزامات کار سازندگی با کمترین امکانات



الزامات ابتدایی حمل بار



کارهای آماده سازی زمین ها برای فضای سبز با کمترین امکانات















پارک‌ها و فضای سبز در مقرهای یکان‌ها



پارک ها و فضای سبز در مقرهای یکان ها







با کار و تلاش بی وقفه، فضای سبز در کل لیبرتی ایجاد می شود



YY



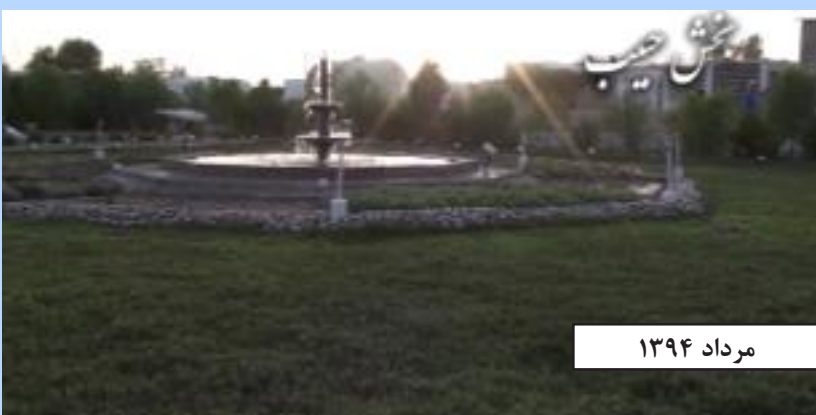






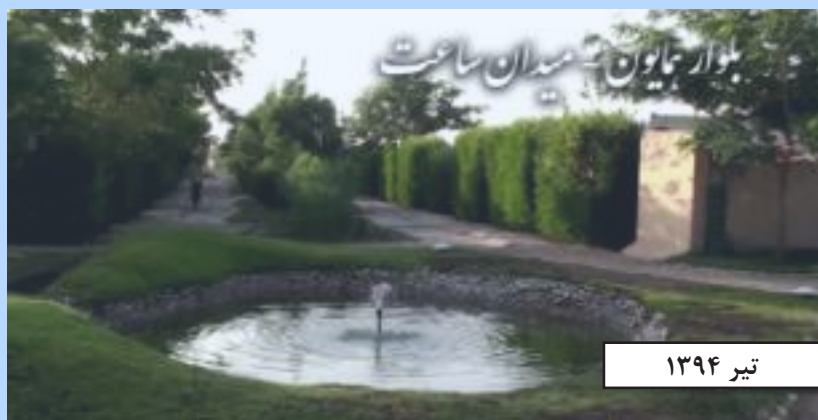








۱۰ آبان ۱۳۹۳



تیر ۱۳۹۴



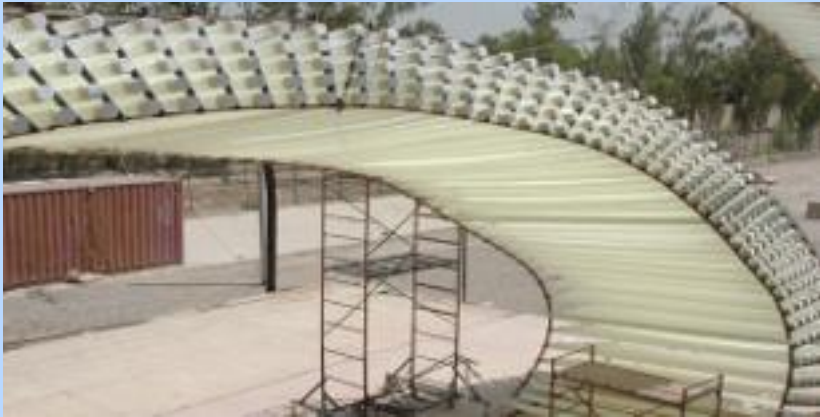
ماشین چمن زن دست ساز



استفاده از انرژی خورشید برای روشنایی خیابانها



آماده سازیهای دکور نور و صحنه برای اجرای مراسم بزرگ





ساخت نمادها



بگذریم که در حملات موشکی پیاپی در ۲۱ بهمن ۹۱، در ۲۵ خرداد ۹۲، در ۵ دی ۹۲ و در همین حمله آخر در ۷ آبان ۹۴ بسیاری از ساخته‌های ما تخریب شد.



حملات موشکی پیاپی در سالهای ۹۱-۹۲ که بسیاری از ساخته‌ها تخریب شد









حمله موشکی به لیبرتی ۲۵ خرداد ۱۳۹۲





اما مجاهدین از پا ننشستند و دوباره ساختند و بهترش را هم ساختند. بسیاری از اقلام را هم با هزینه‌های گزاف و ابتکارها و خلاقیت شگرف، حل و فصل کردند.

هرکس این چیزها را بداند آن وقت روی کد مشترک شما، و هم‌چنین از آیه‌یی که خواندیم. فهم و درک بهتری پیدا می‌کند.

بله اینجا جایی است که باید گفت اگر کسی گمان کرده است که خدا، مجاهدان راه خودش و راه خلق در زنجیرش را در همین دنیا و آن دنیا نصرت نمی‌کند، برود سرش را به البرز کوه بکوبد یا از بالای قله دماوند خودش را به پایین پرتاب کند و ببیند که آیا حقد و کین او التیام پیدا می‌کند؟

الهی لک الحمد و لک الشکر. . .

فقط یادتان باشد که صرفنظر از محاورات درونی و تفهیم و تفاهم درونی خودمان، به معنی دقیق کلمه، برای من و شما معجزه‌ای در کار نیست و قرار هم نبوده چنین باشد. قانونمندی‌های خدشه‌ناپذیری وجود دارد که به اتکا آنها معجزه را باید خلق کرد. با کشف «استاتو» و قوانین محیط، با کار سرسخت و طولانی، با پرداخت بها، با هوشیاری و عمل انقلابی، نظیر تمرین و شرطی شدن نسبت به «۵ تا ۱۰ ثانیه» رسیدن به سنگر، با حفر سنگرهای روباهی به نحوی که در هر جا و در هر شرایطی در فاصله ۱۰ متری یک سنگر روباهی در دسترس باشد. این چنین امکان غافلگیری و ضربات غافلگیرانه از دشمن گرفته و خنثی می‌شود. حداقلش این است که نمی‌گذاریم دشمن به آن حداکثری که می‌خواهد دست پیدا کند.











نکته مهم بعدی که به آن خواهیم پرداخت آثار عظیم این تحول عظیم است. اما تا همین جا بگذارید بگوییم:

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا^۷

بله، به واقع، کلمه خدا دست بالا و موضع برتر را دارد و خواهد داشت و این هر روز بیشتر اثبات می‌شود.

حالا که آیه سوره حج را که الهام‌بخش همان ترجیع بند و کد مشترک شماسست برایتان خواندم، بگذارید یک آیه دیگر در همین سوره حج را هم بخوانیم:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ^۸

و از مردمان کسی است که خدا را یک‌جانبه و یک‌طرفه می‌پرستد، پس اگر به او خیری برسد، برآساید و اطمینان پیدا می‌کند، اما وای به وقتی که مورد اصابت و در معرض آزمایش و فتنه‌یی قرار بگیرد، در این صورت روی برمی‌گرداند، عقب‌گرد می‌کند...

وای که چه سرنوشت بدی، خدا آمده تا در این آزمایش به او بپردازد اما او روی بر می‌گرداند، عقب‌گرد می‌کند و دنده عقب می‌گیرد، خدا آمده او را به این وسیله تضمین کند، اما او پشت می‌کند و به‌طور مضاعف زیان می‌کند.

خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ زِيَانِكَارِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ مِي شُود

ذَلِكْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينِ این است آن زیانکاری آشکار و بزرگ

بارخدایا، مجاهدین را از این ضرر و زیان بزرگ و آشکار در امان بدار!
بارخدایا ما را خسر دنیا و الآخرة نکن!

۷- سوره توبه، آیه ۴۰

۸- سوره حج، آیه ۱۱

ما را هم در دنیا و هم در آخرت هم‌چنان که خودت گفته‌ای، نصرت و یاری کن!

همان نصرت و یاری که امروز مجاهدین به‌چشم در لیبرتی می‌بینند و در محاورات و فرهنگ درونی خود به آن اعجاز‌گونه می‌گویند. همان چیزی که من به آن محصول کار و کارزار و آماده‌سازیها و هوشیاریهای خودتان در قصه ۴ساله شهر سنگستان در محاصره پر قساوت دوران می‌گویم. این چنین است که حق تعالی عنایت و نصرت می‌کند.

خلاصه بحث

حالا بحث را با شماره‌بندی خلاصه می‌کنم. علتش این است که فکر می‌کنم در قدمها و مراحل بعدی کارهای زیادی داریم. تردید نکنید که بعد از این حمله موشکی بزرگ علی‌القاعده باید تحولات بزرگی هم در راه باشد. هر ماده را که می‌گویم اگر نیازمند توضیح است بیشتر باز می‌کنیم. جوهر مطلب این است که فکر نمی‌کنم رژیم برنده استراتژیک این ماجرا باشد. اگر می‌توانست همه را چنان که می‌خواست قتل‌عام کند یا ضربه کمرشکن بزند، وضع فرق می‌کرد. اما تا امروز را می‌توانم به‌یقین بگویم که برنده استراتژیکی، بر فراز آبشار خون و فدا، شما هستید و رود خروشان خون شهیدان در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی ایران، ضامن پیروزی نهایی و محتوم شما و خلق شماست.

حالا خلاصه می‌کنم:

۱- کد مشترک «معجزه‌آسا» در محاورات درونی مجاهدین، حاکی از یک رخداد بزرگ خارق‌العاده است که زمینه‌های آن را قبلاً خودشان فراهم کرده بودند و حق تعالی هم مدد و نصرت کرد.

۲- درود و آفرین انقلابی بر یکایک شما و هر آنچه در این ۴سال در مورد سنگرها به‌خصوص حفر سنگرهای روی زمین انجام دادید. شما علاوه بر سنگرهای ۲متری روی زمین، با هزاران و هزاران ساعت کار،

سنگرها را که دائماً به خاطر باد و باران و طوفان خاک خراب می‌شد، به‌روز و آماده استفاده نگه‌داشتید. یعنی که خون ذخیره کردید و ثمره این ساعات کار را خدا برایمان جبران کرد.

۳- من بلادرنگ باز هم روی فرمول طلایی (که یک نامگذاری درونی است) تأکید می‌کنم که بایستی بیشتر و بیشتر به‌روش جاری و به‌عادت و انعکاس مشروط تبدیل شود.

فرمول طلایی یعنی حداکثر بین ۵ تا ۱۰ ثانیه خودمان را در هر شرایطی که هستیم به‌سنگر یا جان‌پناه برسانیم. در همه شرایط، چه خواب و چه بیداری، چه در کار انفرادی و چه در کار جمعی، در نشست یا کمیته‌های انقلاب یا کلوپهای بحث و گفتگو در پنجشنبه شبها... باید سنگرهای حفر شده در زمین در فاصله ۱۰ متری در دسترس ما باشد.

۴- ضوابط آمادگی و آماده‌باش از شروع تاریکی تا طلوع آفتاب را با خطوط قرمزی که اتاق عملیات لیبرتی و فرماندهی آن بسته به‌اطلاعات و اخبار و شرایط روز و آنچه در اطراف ما می‌گذرد، معین می‌کند، دقیقاً مراعات کنید. به‌عنوان مثال در زمان انفجار وقتی که ناگزیر باید به‌میان سنگر آب گرفته پرید، سر باید چند ثانیه زیر آب باشد و تحمل کنیم. بهزاد (میرشاهی) سرش از آب بیرون بود و در اثر موج انفجار و خونریزی مغزی به‌شهادت رسید، سلام الله علیه.



در حالیکه مجید (محدثین) که در کنار بهزاد شهید بود، هر چند آسیب دید و مجروح شد، اما به خاطر این که سرش چند لحظه زیر آب بود، خوشبختانه زنده ماند. این در حالی بود که موشک در چند متری سنگر روباهی آنها فرود آمده بود. از این موارد و نمونه‌های مجروح یا مصدوم در میان برادران و خواهرانمان زیاد است.

همه شما به خوبی می‌دانید که حتی در چند متری انفجار هم، اگر در ارتفاع پایین‌تر قرار بگیریم، نتیجه کیفی متفاوت است. همه شما می‌دانید که این نمونه‌ها یکی و دو تا و سه تا نیست، بلکه یک قلم ۸۰ مجروح و صدها مصدوم داریم که سی و چند نفر از آنها یک یا دو پرده گوششان پاره شده است. اللهم فاشهد!...

۵- آنچه در میهن اشغال شده ما، در اشرف و لیبرتی و در هر کجای دیگر جهان که مقاومت ایران حاضر و ناظر است، در اشکال گوناگون، نبرد ارتش بزرگ آزادی برای سرنگونی استبداد منحوس دینی در جریان است. اگر کسی خود را عمداً نابینا نکرده باشد، سؤال این است که اگر بحث سرنگونی در میان نیست، به راستی این رژیم، با مجاهدین زندانی در لیبرتی چه کار دارد؟ مگر تو نمی‌گویی مرز تو ساحل مدیترانه است؟ مگر نمی‌گویی قدر قدرت و ابرقدرت این منطقه از جهان هستی؟ مگر توافق اتمی هم برای تعامل با آمریکا + ۵ نبسته‌ای؟! مگر در عراق، مالکی و کتائب و عصائب و ۹ بدر و هادی عامری و فالح فیاض نداری؟ بگو ببینیم این مجاهدین محبوس در لیبرتی چه تهدیدی هستند؟ مگر چه می‌کنند؟ مگر سلاح دارند؟ مگر حتی بیل و کلنگ به تعداد لازم و کافی دارند؟

این همه کشتار و محاصره و فشار و اعزام گروه‌های مزدور تحت عنوان خانواده ما از اقصی نقاط ایران برای چیست؟ ممنوعیت وارد کردن یک گیاه یا تخم گیاهان به خاطر چه بود؟ هر چند مجاهدین آنچه را که باید مخفیانه وارد کردند و از سنگستان گلستان ساختند. مجاهدینی که در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۰ در اوین بودند به یاد می‌آورند که در بحبوحه

شکنجه‌های ساواک در همان زمان هم در سلول عمومی امکاناتی داشتیم که ساواک هیچ‌گاه خبردار نشد.

از آنچه گفتیم، می‌خواهم نتیجه بگیرم که مرحله سرنگونی و نبرد و کارزار برای سرنگونی هر چقدر هم که به‌درازا بکشد، برای خلق در زنجیر ما خیلی جدی است.

پاسدار شمشخانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم ورد زبانش شده که اگر در سوریه نجنگیم و خط نبندیم، آن وقت در تهران باید همین تلفات را که در سوریه می‌دهیم، بدهیم. رژیم دیگر اصلاً پنهان نمی‌کند که اگر بحران را صادر نکند، خودش را داغان می‌کند؛ تازه رفسنجانی گفته بود که اینها نوک کوه یخ است.

واقعیت چیست؟ شاخ ولی‌فقیه در قیام ۸۸ شکسته، جام زهر اتمی به‌گلپوش ریخته، قافیه را در منطقه به‌لحاظ سیاسی باخته، به‌لحاظ نظامی در سوریه به‌دامن روس آویخته و در داخل ایران بر شمار اعدامها افزوده... ۴ وزیر آخوند روحانی، می‌گویند و می‌نویسند که از زمان برجام در دی‌ماه ۱۳۹۲ تا امروز قیمت بازار و شاخص بورس ۴۲ درصد یعنی بیش از ۱۸۰ تریلیون تومان کم شده است.

به‌راستی اگر دوران سرنگونی نبود، نیازی به‌این چنین حملات موشکی نبود؛ همان قیامی که در سال ۸۸ به‌آن خیانت شد حالا مثل آتش زیر خاکستر از هر منفذی در اشکال و انواع اعتراضها در هر زمان و هر مکان، سو سو می‌زند و هر دو جناح رژیم با تمام قوا می‌خواهند آن را خاموش کنند. چرا؟ چون آزموده‌اند که از جرقه حریق برمی‌خیزد.

از طرف دیگر گزارشهای داخل ایران حاکی از این است که به‌رغم تمام دعاوی و تبلیغات دشمن و طیف رنگارنگ مزدوران و هم‌یشان و متحدانش علیه شورای ملی مقاومت و مجاهدین، از قضا دامنه تأثیرات و نفوذ جایگزین دموکراتیک به‌ویژه رئیس‌جمهور برگزیده آن برای دوران انتقال حاکمیت به‌مردم ایران گسترش پیدا می‌کند.

۶- این حقیقت را از روی یکدست بودن فضای سیاسی ملی و بین‌المللی در حمله موشکی اخیر به‌وضوح می‌توان فهمید؛ به‌استثنای مزدوران خلص رژیم، چه ایرانی و چه خارجی یکدست و بدون شکاف در طرف لیبرتی و مجاهدین قرار گرفتند.

از وزیر خارجه آمریکا تا رؤسای کنگره و سنا و دولتهای آلمان و انگلیس و اسقفهای انگلیس و حقوقدانان عراقی و شهرداران فرانسوی و الوطنیه و المتحدون و سازمانهای کردی که هر کدام دهها تشکل دیگر را پوشش می‌دهند. از عشایر عراقی تا نمایندگان فرانسوی و از سازمان بهداشت جهانی و موج عظیم موضعگیریها در ۵ قاره جهان. جان کری می‌گوید:

یک حمله‌یی شده که هیچ دلیل و معنا و محرکی نداشته است. فکر می‌کنم بازنده استراتژیکی بایستی رژیم باشد و تحولات آینده این امر را روشن می‌کند. ابلاغیه صریح رژیم به‌سفیرش و نیروی قدس این است که اگر مجاهدین را راحت بگذارید آنها نظام را راحت نخواهند گذاشت!

ترس را می‌بینید؟ به‌کوتاهترین صورت، علت ترس عبارت است از تلفیق عنصر اجتماعی و قیام با توجه به‌شکاف بالایی رژیم و ترکیب اینها با مقاومت سازمان‌یافته یعنی دستگاه هدایت‌کننده و عنصر پیشتاز ذیصلاح...

وقتی دندان اتمی رژیم را کشیده‌ایم، واضح است که هر چقدر هم که جنجال و به‌قول خودش غوغاسالاری بکند، در تعادل و در تمامیت قطعاً ضعیفتر شده است. داعیه آخوند روحانی در مورد رشد و توسعه اقتصادی حرف مفت است. حتی اقتصاد دوره پایانی شاه را که خمینی می‌گفت همه جای ایران را قبرستان کرده به‌خواب شب هم نمی‌بیند.

در چنین تعادلی است که رژیم درمانده ولایت، شما و جنبش مقاومت را خطرناکتر می‌بیند و به‌چنین حملاتی دست می‌زند شاید که متلاشی و منهدم و نابود کند اما تا امروز کور خوانده و بور بر جای مانده است.

خواسته‌های مبرم ما که ۲ روز بعد از حمله موشکی در ۱۰ آبان (اول نوامبر ۲۰۱۵) متن آن به‌زبانهای مختلف به‌همه جا فرستاده شده و ارگانهای ذیربط بین‌المللی دریافت کرده‌اند، خیلی ساده و روشن است. هر کدام را که انجام ندهند نشانه غرض و مرض است. نشانه کوتاه‌آمدن یا پوئن دادن به‌رژیم است. مگر ما چه خواسته‌ایم؟

اول- تعدادی ماشین‌آلات خودمان در اشرف مانند جراثقال، لودر و بولدوزر برای پاکسازی قسمت‌های آسیب دیده در قرارگاه و انتقال بنگالها و انبوه اقلام منهدم شده و جابه‌جایی سنگ‌های فرو ریخته.

دوم- هزار تیوال از تیوال‌های متعلق به‌لیبرتی که ۳ سال و نیم است با سنگ‌ها بیرون برده‌اند و برخی از همین سنگ‌ها را با قیمت چندین و چند برابر دوباره به‌خودمان فروخته‌اند.

سوم- لاقل ۵۰۰ هزار کیسه شن (۲۵×۴۰ سانتیمتر) برای پوشاندن بنگالها و سالنها و سنگ‌ها و محل‌های غذاخوری و استراحت.

چهارم- آوردن ۳۷۰ عدد بنگال‌های خودمان از اشرف مابه‌ازای همین تعداد بنگال که منهدم شده است و مابه‌ازای ژنراتورها و ترانسهای برق و منابع آب و سوخت و خودروهای منهدم شده که دهها و صدها برابر آنرا در اشرف داریم و هیچ هزینه‌ی برای حکومت عراق ندارد و هزینه حمل‌ونقل هم توسط خودمان پرداخت می‌شود.

پنجم- ممانعت نکردن از خرید و وارد کردن قطعات مورد نیاز برای بازسازی شبکه برق رسانی و آبرسانی در داخل قرارگاه و کامپیوترهای از بین رفته در حمله موشکی.

ششم- تیم پزشکی تخصصی گوش و حلق و بینی برای مداوای ضایعات شنوایی، آسیب دیدن گوشها و پارگی پرده گوش.

Urgent Requirements for Camp Liberty following missile attack

November 1, 2015

1. Two cranes, four front-end loaders, two bulldozers, four dump trucks and flatbed for cleansing areas, relocation of destroyed trailers and piles of items, and relocation of ruined bunkers – to work in the camp till the end of cleansing.
2. 1,000 T-walls for dining halls, gathering places, power-generators and tanks with no T-walls around them.
3. 500,000 sandbags (40^m X25^m) for covering trailers, dining halls, bunkers and dining and sleeping places.
4. Bringing from Ashraf 370 trailers purchased by the residents, three 1-megawatt power generators, two electrical transformers, 30 water, fuel and black-water tanks, and 20 vehicles to compensate for destroyed and out-of-order items in Liberty.
5. Importing parts for overhauling repairable vehicles, parts for worn-out generators, necessities for reconstruction of usable trailers, necessities for rebuilding power distribution network inside the camp, necessities for reconstruction of water supplying network, and importing 300 personal computers and their accessories to compensate for the computers destroyed in the rocket attack.
6. Stationing an ENT specialist medical team in the Camp's clinic with necessary equipment and facilities to treat those who came down with hearing toils, ear injuries and shattered eardrums due to the missile attack.

اول نوامبر ۲۰۱

آقای یان کوبیس، نماینده ویژه دبیرکل در عراق

نماینده ویژه دبیرکل

روز گذشته سفیر باستین، معاون نماینده ویژه دبیرکل در محل کمیساریا حاضر شد و هیاتی از ساکنان با او و هیات همراهش ملاقات کردیم. ایشان حامل تسلیت‌ها و سمپاتی یونامی و شما از بابت حمله مرگبار ۲۹ اکتبر به ساکنان لیبرتی و خانواده شهدا بود. من ضمن تشکر از شما مایلم در ارتباط با پاره ای نکات که روز گذشته در گفتگوهای ما مطرح شد نکاتی را به اطلاع شما برسانم:

۱- حمله ۲۹ اکتبر چه از نظر خسارات انسانی و چه از نظر انهدام قسمت‌های زیادی از کمپ، تاکنون شدیدترین حمله علیه لیبرتی بوده است. آقای باستین در ملاقات روز گذشته گفت سازمان ملل نمی‌تواند تضمین کند که این حملات تکرار نشوند. هم‌چنان که به آقای باستین گفتیم، حقیقت اینست که سکوت و بی‌عملی سازمان ملل در قبال اقدامات سرکوبگرانه و جنایتکارانه علیه لیبرتی در گذشته برای رژیم ایران و عواملش در دولت عراق چراغ سبزی بحساب می‌آید که حملات خود را علیه لیبرتی تشدید کنند. آنها اطمینان دارند در قبال این حملات بهایی نخواهند پرداخت. اگر سازمان ملل در چهار سال گذشته با بی‌طرفی و قاطعیت نقض‌های مستمر ام‌او‌یو را به شورای امنیت گزارش کرده و دولت عراق را بخاطر آنها مورد مواخذه قرار میداد، مطمئناً بسیاری از این حملات قابل اجتناب بود و یا ابعاد خسارات و تلفات آن بسیار محدودتر بود.

۲- در ماه سپتامبر رژیم ایران با همکاری فالح فیاض و دیگر عوامل رژیم در عراق، با انتقال مزدوران وزارت اطلاعات و نیروی قدس به لیبرتی برای حمله ۲۹ اکتبر زمینه‌سازی کرد. ما بارها در این باره هشدار دادیم. اما متاسفانه یونامی و کمیساریا نه تنها اقدام بازدارنده‌ای نکردند بلکه با

دیدار با این مزدوران عملا به اقدام غیرقانونی آنها مشروعیت دادند. یونامی و کمیساریا حتی حاضر نشدند اکاذیبی که این مامورین به نقل از یونامی و کمیساریا علیه ساکنان منتشر کردند تکذیب کنند، چیزی که بطور مضاعف به مزدوران رژیم اطمینان خاطر داد.

۳- من در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۵ برای شما نوشتم: حضور این افراد در لیبرتی "زمینه ساز یک کشتار دیگر در لیبرتی" است و آقای محدثین در ۱۰ سپتامبر برای شما نوشت «برای اینکه رژیم ایران از نام یونامی و ملل متحد برای براه انداختن یک کشتار جدید سوء استفاده نکند، یونامی در مقابل این اقدام غیر قانونی که نقض آشکار یادداشت تفاهم امضا شده بین ملل متحد و دولت عراق است موضع بگیرد.»

۴- ما امروز به سفیر باستین در باره استفاده از عباراتی نظیر "ساکنان لیبرتی دشمنان زیادی در عراق دارند" و یا اینکه "دولت عراق کنترلی روی کشور ندارد" گفتیم اینها صرفا باعث در بردن مسئولان جنایت علیه بشریت ۲۹ اکتبر می شود. مردم عراق هیچ مشکلی با مجاهدین خلق نداشته و ندارند و سالیان درازی است رابطه دوستانه ای با مجاهدین دارند. کشتار مجاهدین از زمانی شروع شد که حفاظت اشرف به دولت مالکی سپرده شد. نیروهای ملی و دمکراتیک در عراق بارها تاکید کرده اند هیچکس در عراق جز عوامل رژیم ایران خواستار اخراج مجاهدین نیستند. ۱۵ ماه بعد از برکناری مالکی پرونده لیبرتی و مدیریت آن در دست همان افراد وابسته به رژیم ایران است که منصوب مالکی هستند. یونامی هم به رغم درخواست های مکرر ما هیچ اقدامی در این زمینه به عمل نیاورده است.

عدم کنترل کشور توسط دولت عراق تا حدی که ۸۰ موشک به یکی از حفاظت شده ترین مناطق شلیک شود، برای هیچ کس قابل قبول نیست. چنین موشک بارانی بدون استفاده از امکانات دولتی که توسط فالج فیاض و دیگر عوامل رژیم ایران در دولت عراق تامین می شود امکان پذیر نیست.

۵- تلاش برای ربط دادن امنیت ساکنان به باز اسکان، بدون در نظر گرفتن نیازهای مبرم امنیتی آنها بعد از ۴ موشک باران و کارشکنی دولت عراق در تامین این نیازها، هیچ کمکی به جلوگیری از تراژدی های بعدی نمی کند. آن هم در حالی که شما بخوبی می دانید، هیچ طرفی باندازه مجاهدین نه در پیدا کردن کشور پذیرنده و نه در تامین هزینه بازاسکان نقش نداشته است. در حالیکه به رغم قول های مکتوب و مکرر ملل متحد ساکنان اجازه نیافته اند حتی یک دلار از اموالشان را در اشرف بفروشند و سازمان ملل هم هیچ کمکی برای فروش اموال ساکنان نکرده است. اموالی که تنها منبع ما برای تامین هزینه لیبرتی و باز اسکان بوده است. گزارشگر ویژه دبیرکل،

برای شما قابل فهم است که ساکنان پس از چهارمین حمله موشکی و کشته شدن ۲۳ تن از دوستانشان و ویران شدن خانه و زندگی شان تاجه اندازه از بی عملی ملل متحد خشمگین و ناراضی هستند.

با این وجود، پس از ملاقات با آقای باستین، ما به ساکنان اطمینان دادیم که یونامی و کمیساریا هم چنان که در بیانیه های خود شما، دبیرکل بانکی مون، کمیسر عالی گوترز، وزیر کری، نماینده عالی اتحادیه اروپا خانم فدریکا موگرینی و ... آمده است تمام تلاش خود را برای تامین امنیت ساکنان و بازگرداندن وضع کمپ به حالت نرمال به عمل خواهند آورد. آقای باستین تاکید کرد از دولت عراق موکداً خواهد خواست تسهیلات و امکانات لازم برای تامین امنیت و نرمالیزه کردن کمپ و ترمیم و جایگزینی زیر ساخت ها و تاسیسات تخریب شده یا منهدم شده به عمل خواهد آورد تا نرمالیزه کردن اوضاع در اسرع وقت شروع شود. آقای باستین از ما خواست لیست نیازهای مبرم را در اختیار یونامی قرار دهیم. به ضمیمه لیست "نیازمندی های فوری کمپ لیبرتی بعد از حمله موشکی" را ملاحظه می کنید.

کمترین انتظار اینست که دولت عراق بر اساس ام او یو مانع تامین

این لیست حداقل نشود. متأسفانه روز گذشته نیز دولت عراق از ورود نایلون برای آبنندی سقف‌های سوراخ شده در اثر حمله و هم‌چنین سیم برق برای راه‌اندازی روشنایی قسمت‌هایی که برقشان قطع شده است جلوگیری کرد. دولت امروز از طریق ممانعت از ورود غذا به کمپ سرکوب خود را افزایش داد.

کما اینکه امیدوارم همانطور که در بیانیه وزیر کرب بر تامین «همه مساعدت پزشکی و اورژانس به قربانیان توسط دولت عراق» تاکید شده و کمیسر عالی گوترز تصریح کرده است «هر تلاشی برای مجروحین باید ادامه یابد» دولت عراق در تامین خدمات پزشکی (ماده ۶ لیست) هیچ کارشکنی نکند.

امیدوارم دولت عراق این پیام قاطع را دریافت کند که اگر در اجرای این حداقل‌ها تاخیر و تعلل کند، شما خواستار مداخله شورای امنیت در مورد نقض یادداشت تفاهم و نقض بسیاری دیگر از کنوانسیون‌های بین‌المللی از سوی دولت عراق خواهید شد.

مهدی براعی، نماینده ساکنان

رونوشت:

آمباسادور باستین

محمد محدثین

Representative of Ashraf Residents
MEHDI BARAEI

People's Mojahedin Organization of Iran

Baraei.mehdi@pmoi-ir.org
Phone: 710-087-2727

November 1, 2015

Hon. Ján Kubis
Special Representative of the Secretary-General for Iraq

Dear SRSG:

Ambassador Buszta, DSORSG, yesterday arrived in the UNHCR headquarters where we met him and the delegation accompanying him. He conveyed condolences and sympathy of UNAMI and yours to the Liberty residents and the families of martyrs for the deadly attack of October 29. While offering my gratitude to you, I would like to bring to your attention some point regarding a number of issues raised in our yesterday's talks:

1. Concerning both the human toll and destruction of many parts of the camp, the October 29 attack has been the fiercest one against Camp Liberty so far. Mr. Buszta said in our yesterday meeting that the UN cannot guarantee such attacks would not happen again. As we told Mr. Buszta, the truth is that the UN's silence and inaction in the face of suppressive and criminal measures against Liberty in the past is seen by the Iranian regime and its surrogates in the Iraqi government as a green light to intensify their attacks against Liberty. They are confident that they would not pay any price for these attacks. Had the UN reported the repeated violations of MOU to the Security Council in the past four years in an impartial and firm manner and held the GDI accountable for them, rest assured that many of these attacks could have been avoided or would have losses and tolls with a much more limited scale.

2. In September the Iranian regime, in cooperation with Faleh Fyyad and the regime's other proxies in the GDI, set the ground for the October 29 attack by shuffling the agents of the Iranian regime's ministry of intelligence (MOIS) and Quds Force to Liberty. We had warned against it time and again; sadly, however, not only did the UNAMI and UNHCR not take any deterring measure, but gave legitimacy to their illegal measures in practice by meeting with them. UNAMI and UNHCR even refused to refute the lies published by those agents quoting UNAMI and UNHCR against the residents; an issue that doubly gave confidence to the regime's agents.

3. On 23 September 2015, I wrote you that the presence of these people at Liberty prepares the ground for another massacre in Liberty, and Mr. Mohadessin wrote you on September 20, " ... UNAMI takes a stance against this illegal measure that is a flagrant violation of the Memorandum of Understanding (MoU) signed between the United Nations and Government of Iraq on 25 December 2011 so as not to allow the Iranian regime abuse UNAMI and UN to investigate another massacre".

4. We told Ambassador Buszta yesterday that using phrases such as " Liberty residents have many enemies in Iraq," or " the GDI has no control on the Country" would only help those responsible for the crime against humanity of October 29 escape. The people of Iraq have not had and do not have any problems with the PMOI and have had an amicable relationship with them for many years. Killing of the PMOI started after the protection of Camp Ashraf was delivered to Nouri al-Maliki's government. Nationalist and democratic forces in Iraq have underscored repeatedly that no one other than Iranian regime's surrogates want the PMOI expelled from Iraq. Fifteen months after Maliki's deposition, the Liberty's dossier and its

management is still in the hands of the same individuals associated with the Iranian regime who were assigned by Maliki. Despite our repeated requests, UNAMI has neither taken any measures in this regard.

It is unacceptable to any one that the GOI has no control on the Country in a way that 80 missiles are launched against one of the most protected areas. Conducting such a missile barrage without using state facilities, which are provided by Faleh Fayyad and Iranian regime's other proxies in the GOI, is not possible.

5. The attempts for relating the residents' security to the issue of resettlement without taking into consideration of their urgent security necessities after four missile barrages and the GOI's hindrances in providing these necessities does not help at all to prevent further tragedies, especially when you well know that no other party has played a role in exploring acceptant countries or providing for the resettlement expenses similar to the PMOI, whereas, despite UN's repeated and written pledges the residents have not been allowed to sell even one dollar of their property in Ashraf, neither has the UN helped to sell the residents' property that is our sole source for providing for the liberty and resettlement expenses.

Dear SFRSG,

It is understandable to you that how the residents are frustrated and disappointed from the UN's inaction after the fourth rocket attack and killing of 23 of their friends and destruction of their dwelling-places.

Nevertheless, after our meeting with Mr. Busztin, we assured the residents that as stated in your statements and those of UNSG Ban Ki-moon, High Commissioner Guterres, Secretary Kerry, UN High Representative for Foreign Affairs Federica Mogherini, and UNAMI and UNHCR will make their utmost effort to provide protection for the residents and to bring back the Camp to a normal condition. Mr. Busztin reiterated that he would insistently ask the GOI to provide necessary facilities for providing protection and normalizing the Camp and repair and replacement of destroyed and damaged infrastructures and installations, so that normalization of the situation would start as soon as possible. Mr. Busztin asked us to provide UNAMI with the list of urgent requirements. Please find enclosed "Urgent requirements for Camp Liberty following missile attack".

The least expectation is that the GOI – according to the MOU – does not obstruct provision of this list. Unfortunately yesterday, the GOI again prevented the entry of plastic rolls needed for isolating the perforated roofs and electric wires needed for lighting for the quarters whose electricity is cut off due to the attack. It stepped up its repression further today by preventing food coming to the camp. I also hope that as underscored in the Secretary Kerry's statement for providing "all possible medical and emergency assistance to the victims" by the GOI, and as the High Commissioner Guterres has specified, "Every effort must continue to be made for the injured", the GOI does not make any obstruction in providing medical services (article 6 of the list).

I hope the GOI receives this firm message that if it fails in implementing these minimum requirements, you will ask for the intervention of the Security Council about the violation of MOU and many other international conventions by the GOI.

Sincerely,


Mehdi Banaei
Representative of Ashraf and Liberty residents

- CC:
- Ambassador Busztin, DSRSG
 - Mr. Mohammad Mohebbi

الزامات سلامت و امنیت مجاهدین در لیبرتی

همواره الزامات قانونی سلامت و امنیت مجاهدین در لیبرتی را گفته، نوشته و روزانه در مراجع و ارگان‌های مختلف پیگیری کرده‌ایم و هم‌چنان آن را دوباره و صدباره و هزار باره، تا زمانی که مجاهدین در عراق هستند، ارائه می‌دهیم. در فردای حملهٔ موشکی در ۸ آبان (۳۰ اکتبر ۲۰۱۵) باز هم این کار را کردیم و نامه‌های رسمی در این زمینه، به‌همه جا برای فهرست طولانی گیرندگان ارسال شده و همه مراجع بین‌المللی مطلع هستند.

۱- تضمین سلامت و امنیت مجاهدین برای رفتن به‌مکان و کشور امن تا آخرین نفر که عراق را ترک می‌کند. این امر باید طبق توافقات ۱۶ اوت ۲۰۱۲ با آمریکا، اطلاعیه ۲۹ اوت ۲۰۱۲ وزارت خارجه آمریکا، طرح سازمان ملل در مورد تخلیه اشرف ۵ سپتامبر ۲۰۱۳ و نامه معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک به‌تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۱۳ به‌رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران صورت بگیرد که سندها و توافقات رسمی است.

همان توافقاتی که برای آمدن از اشرف به‌لیبرتی انجام شده که لغو برچسب ارتجاعی و استعماری در صدر آن بود.

۲- لغو کلیه تصمیمات سرکوبگرانه مالکی علیه مجاهدین در اشرف و لیبرتی و ارجاع پرونده و مدیریت لیبرتی به‌دفتر نخست‌وزیر حیدر العبادی
 ۳- خاتمه دادن به‌وضعیت زندان در لیبرتی و آزادی تردد طبق بیانیه‌های متعدد کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و لغو کامل محاصره و تضمین استانداردها و الزامات زندگی نرمال

۴- به‌رسمیت شناختن لیبرتی بعنوان کمپ پناهندگی تحت نظارت کمیساریا و به‌رسمیت شناختن موقعیت حقوقی مجاهدین طبق کنوانسیون چهارم ژنو

۵- دسترسی آزاد به خرید کلیه اجناس و خدماتی که تهیه آن برای شهروندان مجاز است طبق توافق برمر با نخست‌وزیر وقت ایاد علاوی و طبق نامه ژنرال میلر به‌نماینده ساکنان در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۴ تا وقتی مجاهدین در عراق هستند.

۶- موافقت حکومت عراق با فروش دارایی‌های منقول و غیر منقول مجاهدین در اشرف و لیبرتی برای تأمین مخارج انتقال و استقرار در کشورهای اروپایی

۷- انجام تحقیقات توسط ملل متحد دربارهٔ ۷ گروگان اشرفی و ۷ قتل‌عام در اشرف و لیبرتی و قرار دادن دست‌اندرکاران این جنایتها در برابر عدالت؛ به‌ویژه دست‌اندرکاران قتل‌عام ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ در اشرف و حمله موشکی ۷ آبان ۱۳۹۴ به لیبرتی.

Requirements for safety and security of Liberty residents October 30, 2015

1. Guaranteeing the safety, security and requirements of the residents according to August 16, 2012 agreements (support for safety and security of the residents until the last of the residents leaves Iraq), statement by the US Department of State dated August 29, 2012 (efforts to resolve humanitarian issues in al-Harririya), UN plan to evacuate Ashraf, dated September 5, 2013, and the letter by the US Assistant Secretary of State for Near East Affairs on September 6, 2013, including provision of security and protection requirements to the camp (Permission to construct buildings in Liberty and return of T-walls, protective helmets and vests as well as medical equipment).
2. Annulment of all oppressive decisions by the Maliki Government taken against the residents of Ashraf and Liberty, and the referral of Liberty's dossier and its management to the Office of Prime Minister, Dr. Heidar Abadi or Secretary General of the Council of Ministers in order to prevent interferences of the Iranian regime and its surrogates in the Government of Iraq in the dossier of Ashraf and Liberty.
3. Termination of the prison conditions in Liberty, and allowing freedom of movement according to numerous UNHCR statements and complete annulment of the siege on the Camp and guaranteeing the living standard and requirements according to articles 1, 2, 3 and 4 of the third section of the Memorandum of Understanding, signed by the UN and Government of Iraq on December 25, 2011.⁷
4. Recognition of Camp Liberty as a refugee camp under the supervision of UNHCR and recognition of residents' status as refugees and protected persons under the Fourth Geneva Convention.
5. Free access of the residents to purchase all goods and services that Iraqi citizens are allowed to procure in accordance with the agreement between Ambassador Bremer and Prime Minister Alawi, General Miller letter to the representative of the residents 25 June 2004.⁷
6. GoI's agreement to allow the residents to sell their moveable and immovable property in Ashraf and Liberty, as well as permission to open a bank account to transferring the proceeds of the sale to them.
7. UN investigation of seven Ashraf hostages and seven massacres in Ashraf and Liberty, and bringing to justice the perpetrators of these crimes, especially those who ordered and carried out the September 1, 2013 massacre at Ashraf and rocket attack on October 29, 2015.

⁷Third: Management of the Temporary Transit Locations

1. The transit locations meet humanitarian and human rights standards.
2. The security of those accommodated at the transit locations and of United Nations personnel carrying out their duties at or near those locations, to be assured through officers trained for this purpose with the assistance of the United Nations.
3. Adequate law infrastructure, hygiene facilities, medical care and facilities for religious observance while taking into consideration the separation between the sexes in Camp Liberty. The Government shall allow internal and external communication in accordance with the Iraqi laws.
4. The Government shall facilitate and allow the residents, at their own expense, to enter into bilateral contact with contractors for provision of life support and utilities such as water, food, communications, sanitation, and maintenance and rehabilitation equipment. The Government shall allow residents to move their individual moveable assets from Camp New Iraq into Camp Liberty. The Government of the Republic of Iraq shall allow the entry of an adequate number of vehicles for transportation within the camp.

⁷ Prime Minister Alawi of the interim Iraqi Government (IG) has given Ambassador Bremer, of the Coalition Provisional Authority, his assurance that the provision of essential services to the individuals living at Camp Ashraf will continue after sovereignty is transferred on 30 June, 2004. These services will be commensurate with the level of service at the quantities and prices as those received by Iraqi citizens living in Diyala Province and will remain in effect until the final disposition of the individuals living at Camp Ashraf is determined. Prime Minister Alawi said that the IG would agree to allow the ICG to purchase commodities and services including oil/fuel, electricity, commerce, agriculture, and health. . . .

اگر دولت ایالات متحده که سلاحهای ما را طبق توافقات مکتوب و رسمی مابه‌ازای حفاظت و امنیت و سلامت گرفته است می‌تواند این الزامات معقول و منطقی و قانونی را به حکومت عراق بقبولاند، این خیلی خوب است و ما استقبال می‌کنیم .

اما وقتی آمریکا و کمیساریا و یونامی می‌بینند که این خواسته‌ها معقول و منطقی و قانونی است اما عملی نیست، می‌گویند راه حل امنیت و سلامت و الزامات آن و راه حل محاصره و سرکوب و کشتار رفتن از «عراق نوین» است!

راستی مگر قرار نبود که شما برای عراق دموکراسی و آزادی و حقوق بشر بیاورید؟ چرا به دخالت‌ها و جنایتهای رژیم ولایت فقیه که رسید، اینها یادتان رفت؟! بگذریم...

اما وقتی می‌گویند از عراق بروید ما هم بلادرنگ آنچه را از زمان گفتگو با ژنرال اودیرنو در اردیبهشت ۱۳۸۲ در اشرف گفته‌ایم و بعد هم در زمان باتلر و کوبلر در ۱۴ طرح و به ۱۴ روایت گفته‌ایم ، تکرار می‌کنیم و می‌گوییم بفرمایید، به جای سیستم قطره‌یی و بازی با جان کسانی که سلاحهای دفاع شخصی آنها را هم گرفتید، به جای گذاشتن آنها در دهان گرگ و سپردن حفاظت آنها به مالکی، هواپیما بیاورید تا همه را با هم، بدون استثنا سوار کند و ببرد...

US says Iran opposition in Iraq agrees to disarm

By Stephen Coates

NORTHEASTERN IRAQ, May 10 (AFP) - US forces struck a disarmament deal here Saturday with the Iraq-based Iranian armed opposition, a group listed as a terrorist organization in the United States, a US general told AFP.

The People's Mujahedeen's thousands of guerrilla fighters and heavy weapons are to assemble in camps in Iraq under the control of the US-led coalition, said General Ray Odierno, commander of the US Army's 4th Infantry Division.

"It is not a surrender. It is an agreement to disarm and consolidate," Odierno said after winding up two days of talks with the group, which has been termed a terrorist organization by the US State Department, the European Union and Iran.

Speaking at a Mujahedeen base near the Iranian border, the general said they appeared to be committed to democracy in Iran and their cooperation with the United States should prompt a review of their "terrorist" status.

"I would say that any organization that has given up their equipment to the coalition clearly is cooperating with us, and I believe that should lead to a review of whether they are still a terrorist organization or not," he said.

The Mujahedeen's 4,000 to 5,000 fighters -- many of whom were educated in the United States and Europe -- would gather at one camp in Iraq while their equipment, including scores of tanks, would be collected at another, Odierno said.

Both camps would be guarded by coalition forces and the weapons would not be available to the Mujahedeen "unless we agree to allow them to have access", the general said.

The fighters, including a large number of women, would not be categorized as prisoners of war but they would be under "coalition control". Their status would be decided by Washington at a later date.

They are likely to face brutal retribution if they are repatriated to Iran, while asylum in the United States could fuel charges of double standards in the US fight against terrorism.

The People's Mujahedeen was supported by Saddam Hussein's regime as a buffer against Iranian influence in Iraq, and could provide US forces with valuable information about the former Iraqi leadership and pro-Iranian militia groups in the region.

Asked what role they could play in the future of Iraq, Odierno said only that they shared similar goals to the United States in "forming democracy and fighting oppression" and that they had been "extremely cooperative."

Mujahedeen officials refused to comment publicly about the agreement, but one officer said the group had no quarrel with the United States and had not fired a shot at coalition forces during the war to topple Saddam's regime.

A "ceasefire" deal was agreed last month after the United States bombed some of the Mujahedeen's camps in Iraq.

US and Mujahedeen troops have mingled cordially during the discussions here over the past two days, although the US military was taking no chances with regular overflights by F-15 bombers and Apache attack helicopters.

Washington's dialogue with the Mujahedeen has infuriated Iran, which has accused the United States of hypocrisy in its "war on terror".

Also known by its Persian name Mujahedeen-e Khalq, the group has mounted major attacks inside Iran and has been fighting to overthrow the clerical regime in Tehran since shortly after it seized power.

Washington and Tehran do not have formal diplomatic relations, and US President George W. Bush labelled Iran as part of an "axis of evil" last year along with Saddam's Iraq and communist North Korea.

US officers are concerned that if the group is rendered powerless, rival guerrillas from the Badr Brigade, the Iran-based military wing of the main Iraqi Shiite faction, will gain influence in the region.

Smc/kr/wal

AFP 101558 GMT MAY 03

بله ما می‌گوییم که:

اولاً، شما باید آنها را به خاک آمریکا می‌بردید که دولتش مسئول ایجاد چنین وضعیتی برای ماست. البته بدون بی‌شرافتی و بدون ننگ تسلیم و دست کشیدن از آرمان و سازمانشان، یعنی همان چیزی که در سال ۶۷ خمینی می‌خواست و حکم داد هر کس را که بر سر موضع مجاهدی خود باشد، سریعاً اعدام کنید.

ثانیاً، دعوای ما بر سر آمریکا رفتن نیست. چون اصل موضوع همانا امنیت و سلامت و حفاظت مجاهدین تا نفر آخر است.

ثالثاً، می‌گوییم و تکرار می‌کنیم چرا معطل هستید؟ ما پای همان حرفهایی که به‌اودیرو زده‌ایم هستیم. راستی چه کسی نقض عهد می‌کند؟ پس این مواضع و حرفهای ما تازگی ندارد. شرح و بحث نمی‌خواهد و تکرار نمی‌کنم. همین مواضع بسیار روشن و منطقی و قانونی است که طرف مقابل را در زاویه و بن‌بست قرار می‌دهد و باید بجنبد و کاری نکند. یادتان هست که در اشرف هم که بودیم قبل از آمدن به لیبرتی، در نشست عمومی، با استغفار و فقط برای تفهیم و تفاهم، این مثال را می‌زدیم که حتی در مورد امام حسین، اگر راه را شمر و یزید بر او نمی‌بستند و بر او باز می‌کردند معلوم بود که می‌رفت. اما در هر حال امام حسین، همان امام حسین و پیامبر جاودان آزادی بود.

حرف امام حسین هم که ما از او یاد گرفته‌ایم، در آن روزگار این بود که شما راه را بسته‌اید. من را سران و اهالی کوفه دعوت کردند، حالا اگر نمی‌خواهید، راه را خودتان بسته‌اید و نه من، راه مرا باز کنید...

البته امام حسین می‌دانست که شمر و یزید که در زمان ما همین مالکی و خامنه‌ای باشند، هرگز راه را بر او باز نخواهند کرد؛ زیرا سر خودش و هم‌چنین پیکر بی‌سر تمام یارانش را می‌خواهند. اما در جنگ سیاسی، موضع بدون شکاف سیاسی و قانونی داشت. در حالی که هم خودش می‌دانست و هم دشمنش که دعوا بر سر آب و راه نیست. دعوا بر سر سرنگونی حکومت یزیدی است که امام حسین با آن بیعت نمی‌کرد. پس دعوا بر سر بیعت و تسلیم از یک طرف و سرنگونی از طرف دیگر است همان که می‌گوییم نبرد و کارزار سرنگونی...

در غیر این صورت چه نیازی به شلیک ۸۰موشک به مکانی که ۸۰ بار از اشرف کوچتر است؟

پس دیدید که تا کجا درست بود وقتی که می‌گفتیم دعوا بر سر خاک و درختان اشرف نیست؟ دعوا بر سر ظرف نیست، دعوا بر سر مظلوف و محتواس است. یعنی عنصر تسلیم‌ناپذیر مجاهد خلق و ارتقای آن به یکان فدایی و سازمان رزم متناسب...

دعوا بر سر حاکمیت نامشروع ولایت فقیه و سرنگونی آن است. می‌بینید که از هر طرف که می‌رویم به کارزار سرنگونی ربط پیدا می‌کند. اما رژیم در حالی که می‌خواهد همین را خنثی کند، در عین حال می‌خواهد روی آن سرپوش هم بگذارد و بگوید که این گروهک پشه هم نیست! خوب اگر تو حبشه و ابرهه هستی، به پیشه در بند در غرب بغداد چه کار داری؟! نکند که در تقدیر «طیراً ابابیل» دیده‌ای که خواب از سرت ربوده است؟! ضمناً از سال ۵۷ تا امروز صدها و هزاران بار گفتی که این «گروهک» از بین رفته است. البته شاه هم همین را می‌گفت. اما دست آخر او بود که سرنگون شد و مجاهدین از خاکستر خود برخاستند.

نتیجه:

ما عمیقاً و سراپا درگیر نبرد سرنگونی بوده و هستیم؛ رژیم سرتاپایش بحران و ترس و لرز است که ما به قول رفسنجانی فقط نوک کوه یخ را می‌بینیم.

در این منطقه از جهان از سوریه تا یمن و عراق و ایران، همه جا بحران و تحول و تلاطم است. از آن سو، امروز درست یکسال به انتخابات آمریکا مانده که در آن رقبا همدیگر را له و لورده می‌کنند. به نظر من آن چه که در این شرایط مهم و تعیین‌کننده است، حفظ و حراست سازمان پیشتاز است؛ حفظ و حراست جایگزین دموکراتیک است که این هر دو در مریم گره می‌خورد.

بیرون کشیدن خیر عظیم از میان تلاطم‌ها و بحران‌ها

ای خواهران و ای برادران! از آنجا که حرفهای سیاسی ما با آمریکا و غیر آمریکا مشخص است و من دوباره از گفتگوهای ۱۲ سال و نیم پیش با

اودینرو تا مثال امام حسین را یادآوری کردم، این را بدانید که همه چیز در تلاطم است. در همین تلاطم و بحرانهاست که ما پیش می‌رویم و دشمن به سمت سرنگونی می‌رود. این قانون است. جزئیات و تاکتیکها را نمی‌دانیم و فعلا نمی‌توانیم بدانیم؛ اما مواضع و حرفها و درخواستهایمان روشن است و می‌دانیم که طرف مقابل هم به کدام سمت می‌رود.

یادتان هست در تابستان ۹۱، در اشرف بحران بود و تلاطم و ضمن دو ماه وزارت خارجه آمریکا ۱۰ بار به‌طور رسمی علیه ما موضع گرفت تا کوتاه بیاییم و به کوبلر تن بدهیم. اما یاران اشرف‌نشان می‌خروشیدند «کوبلر خیانت‌پیشه، حسابرسی در پیشه»...

بعد مریم روزگار و نقشه مسیر آن را عوض کرد. برچسب تروریستی در هم شکسته شد. مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران و شورای ملی مقاومت پیروز و سرفراز شدند. بعد هم نوبت به گل گرفتن پرونده کودتای ۱۷ ژوئن رسید. حالا روزگار عوض شده و جان‌کری وزیر خارجه آمریکا وارد شده و موضع او بعد از حمله موشکی تماماً به‌سود شماست. بیانیه کمیساریا هم که از گوترز نقل کرده به‌همین ترتیب است. بنابراین حقد و کین رژیم و مزدورانش بالا گرفته و به‌قول قرآن باید خودش را از یک سقفی آویزان کند و با سر به‌زمین بخورد!

مطمئن باشید که اوضاع از هر طرف که بچرخد، جواب آن را داریم. تحول بزرگی صورت گرفته و این تحول، خواه و ناخواه آثار خود را دارد و به‌خودمان بستگی دارد که چه مقدار از آن را می‌توانیم ماده کنیم ولی به‌هرحال برایمان روشن است که چه تابلوهایی وجود دارد. بگذارید صریحتر بگویم: رزمگاه لیبرتی در اوج، همچون اشرف، کار خود را کرده است و در هر تابلویی مسیر ما روشن است.

واضح است که باز هم تا روز آخر و نفس آخر، هر قیمتی را که لازم باشد در نبرد سرنگونی برای آزادی خلق و میهن خواهیم داد. از سال ۱۳۸۸ تا به‌حال، یعنی در این ۷ سال، ۷ حمله بزرگ علیه مجاهدین در اشرف و لیبرتی بوده است که ۴ فقره آن مربوط به لیبرتی است. پس رزمگاه لیبرتی مبالغه نبود، عین واقعیت بود...



حسین پویان

محمدعلی زاهدی

سوگند به خدا که مجاهدین به اتم وجه، کارشان را کردند. حق تعالی هم خیلی عنایت و رحمت کرد.

ما از زمان گروگانگیری برادرانمان زاهدی و پویان در مردا ۱۳۸۴ تا امروز، در سلسله کارزارهای وقفه‌ناپذیری که باز هم ادامه دارد، ضمن ۱۰ سال و اندی، در مجموع ۱۴۰ شهید داشتیم که مستقیماً مورد اصابت دشمن قرار گرفتند و ۹ گروگان. هم‌چنین ۲۸ شهید محاصره که در اثر بیماری جان باختند.

این آمار و ارقام که در مجموع ۱۷۷ نفر می‌شود - یعنی حدود ۵ درصد آمار اشرف در یک دهه پیش - در نبرد با رژیم است که می‌خواست همه را نابود کند یا وادار به تسلیم و ندامت و برائت و انزجار از مبارزه و مجاهدت در برابر این رژیم بکند.

یادآوری می‌کنم که در یک دهه قبل از جنگ و اشغال عراق، یعنی از دی‌ماه ۱۳۷۱ تا پایان آذر ۱۳۸۱، در همین عراق که رژیم در آن حاکمیتی نداشت، ۱۳۹ حمله جنایتکارانه تروریستی توسط رژیم علیه مجاهدین داشتیم. حملاتی که هر کدام اطلاعیه و شرح جداگانه خود را دارد و توسط مزدوران رژیم اعم از ۹ بدر و هادی عامری و حکیم یا جاشهای کردی رژیم انجام شده که در همان زمان با جزئیات افشا می‌کردیم.

**حزب‌گرایی آنکه مجاهدین خلق ایران
برای رژه فریب‌ناپذیر آماده می‌شوند**

مجاهدین خلق ایران در پی آماده‌سازی برای رژه و تظاهرات گسترده در تهران و سایر شهرها می‌باشند. این گروه‌ها در پی احیای روحیه مبارزه و تقویت روحیه ایستادگی در بین اعضای خود هستند.

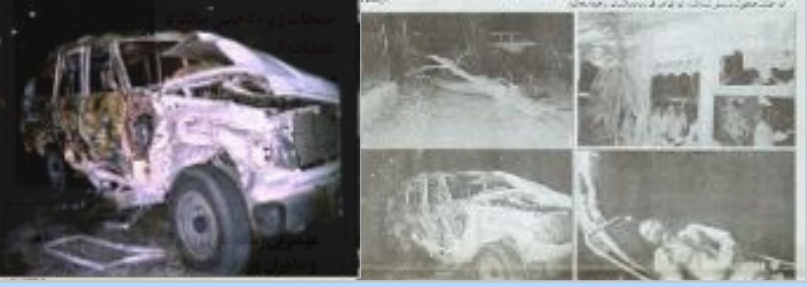
**وزیر دفاع: مجاهدین با کلاه و شمشیر
مبارزه می‌کنند**

مجاهدین با کلاه و شمشیر مبارزه می‌کنند. این گروه‌ها در پی احیای روحیه مبارزه و تقویت روحیه ایستادگی در بین اعضای خود هستند.

شماره ۱۳۴۶ - دوشنبه اول دی ۱۳۷۶ - تهران - شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

**یک دختر ۱۵ ساله یک پسر ۱۵ ساله و یک مرد ۱۵ ساله عراقی
کشته و ۱۱ شهروند دیگر به شدت مجروح شدند**

در جریان حمله به مقر ارتش عراق در بغداد، یک دختر ۱۵ ساله، یک پسر ۱۵ ساله و یک مرد ۱۵ ساله عراقی کشته شدند. همچنین ۱۱ شهروند دیگر به شدت مجروح شدند. این حمله در پی اقدامات تروریستی انجام شد.



**تهاجم موشکی رژیم آخوندی
به دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد شکست خورد**

مستول هواي ارتش جمهوري اسلامي ايران در ۱۳۷۶ در بغداد حمله موشکي انجام داد. این حمله با شکست مواجه شد.



این حمله موشکی رژیم آخوندی به دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد شکست خورد. ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۷۶ در بغداد حمله موشکی انجام داد.

مجاهدین در پی احیای روحیه مبارزه و تقویت روحیه ایستادگی در بین اعضای خود هستند. این گروه‌ها در پی احیای روحیه مبارزه و تقویت روحیه ایستادگی در بین اعضای خود هستند.



روزنامه‌نگارانی که در حین عمل به شهادت رسیدند

روزنامه‌نگارانی که در حین عمل به شهادت رسیدند و از قتل‌های خوارگانه کاشی

پایه‌های این ساختمان از سقف تا زمین و دراز شده است. در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند.

در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند.

احسان اضرابات و بازتابیهای اجتماعی

از روزی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند.

بهدار و سوسن جنایت‌آفرینان رژیم آخوندی علیه مجاهدین در حال فرار

بهدار و سوسن جنایت‌آفرینان رژیم آخوندی علیه مجاهدین در حال فرار

بهدار و سوسن جنایت‌آفرینان رژیم آخوندی علیه مجاهدین در حال فرار. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند. در این حین، در حالی که در این ساختمان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به شهادت رسیدند.



بیجا ایجابی جامعه نواقلی از اقلی ملیه
 مجلس با سخنان اصرار بیجا واهی خود را نشان ده
 روح انصاف و مصلحتیاری من اقلی در نهادهای اقلی ملیه
 اقلی ملیه را از اقلی ملیه و اقلی ملیه را از اقلی ملیه
 اقلی ملیه را از اقلی ملیه و اقلی ملیه را از اقلی ملیه
 اقلی ملیه را از اقلی ملیه و اقلی ملیه را از اقلی ملیه
 اقلی ملیه را از اقلی ملیه و اقلی ملیه را از اقلی ملیه



مناظرات ایران در ۲۸ شهر جهان
 علیه جنایت تروریستی و حمله
 موشکی رژیم آخوندی
 اعلام ۱۰ روز نسی و اصرار بر آمل

روزنامه اطلاعات - شماره ۳۳۷ - تهران - ۱۳۸۸

جنایت زبوانه تروریستی با استفاده از خودرو انفجاری در بغداد و پرتاب موشکهای اسکاد - ب به فرارگاه اشرف توسط رژیم آخوندی



اطلاعیه شماره ۳

● برای اطلاع بیشتر از حقیقت جنایت
 تروریستی رژیم آخوندی علیه شهروندان
 بیگناه عراق در ۲۸ شهر جهان
 علیه جنایت تروریستی و حمله موشکی رژیم آخوندی
 اعلام ۱۰ روز نسی و اصرار بر آمل

اطلاعیه شماره ۲

● در یاد حقیقتی که رژیم آخوندی در ۲۸ شهر جهان
 علیه شهروندان بیگناه عراق در ۲۸ شهر جهان
 علیه جنایت تروریستی و حمله موشکی رژیم آخوندی
 اعلام ۱۰ روز نسی و اصرار بر آمل

اطلاعیه شماره ۱

● موشکهای اسکاد رژیم آخوندی علیه شهروندان بیگناه عراق
 در ۲۸ شهر جهان علیه جنایت تروریستی و حمله موشکی رژیم آخوندی
 اعلام ۱۰ روز نسی و اصرار بر آمل

یونان و ایران و هشدار مجلس ملی عراق

● یونان و ایران و هشدار مجلس ملی عراق
 علیه جنایت تروریستی و حمله موشکی رژیم آخوندی
 اعلام ۱۰ روز نسی و اصرار بر آمل

زنده باد ارتش آزادیبخش علی باقری استوار و پر افتخار خلق پهلوی ایران

حمله هوایی رژیم خمینی به فرارگاه اشرف تشنج مرگ و اوج استیصال دشمن ضدبشری

● تهاجم گستردهی ایرانیان خشکین به سفارتخانه‌ها و مراکز جاسوسی رژیم در ۱۲ شهر مهم اروپا، آمریکا و استرالیا و بازتاب گستردهی جهانی این ماجرا

صبح روز ۱۶ فروردین سال جاری ۱۳ فروردین جنگنده بمبافکن P4 و P5 - اتکار صوملی جهان را در جریان اقدام رژیم خمینی با عبور تجاوزکارانه از مرزهای بین‌المللی ایران و عراق، یکی از فرارگاه‌های ارتش آزادیبخش ملی ایران (فرارگاه اشرف) را در جنوب با بسیاری خوشای بسیاران نمودند. در این تهاجم جنایتکارانه یک رزمدهی ارتش آزادیبخش بنام حسین نیکبهبان به شهادت رسید و چند رزمدهی دیگر زخم سطحی برداشتند و خسارتی به برخی تأسیسات و ساختمان‌های فرارگاه وارد آمد. همچنین در اثر شلیک بمبافکن بردفورت ارتش آزادی بگ هواپیمای اف - ۴ دشمن سرنگون شد و دو خلبان آن به اسارت درآمدند. بمبافکن این ماجرا، دفتر مجاهدین

خلق با صدور اطلاعیه‌ای در همان روز، رژیم صوملی جهان را در جریان اقدام دیوانه‌وار رژیم و شکست فاجعه‌ناز آن قرار داد. این اقدام زبونانه و ابلهانه که ارتش آزادیبخش ملی ایران - در مدار تشنج مرگ، بوسیدگی و اوج استیصال نظامی خمینی در فرقاب بحرانی‌های حادث استغرابی را به نمایش می‌گذاشت. پایداری داخلی و بین‌المللی سنگینی برای رژیم خمینی دربرداشت و به جهت بسیار گرانی برای رژیم تمام شد. مخصوص که با تهاجم گستردهی ایرانیان خشکین به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها سایر مراکز جاسوسی رژیم در ۱۲ شهر مهم اروپا و آمریکا و استرالیا و با انشای جهانی، اقدام زبونانه و تجاوزکارانه‌اش، رژیم آخوندی علاوه بر تحمل بیابون‌ها دلار ضرر و زبان مادی، باحاطت سیاسی اشرف نابوده می‌شود.



بر آشیان عقابان

دیگس به میدان شد

بر آشیان عقابان مگس به میدان شد
اسیر پنجهی بولاک و عشم توان شد
دوباره بر سر شیخان ز سیاه دیگ
نگاه کن که چه عاصفا پریشان شد
ز بام کانه و گشت مردمخواران را
نظرانی که چمان گرفتار و لغزان شد
به چشجوی رهی کز مغرط بی‌تردید
رهی بیاید، دشمن به فکر مردان شد
گشت مشکل او چاره، وز به ایام
کلاف مشکل شیخان هزار چندان شد
حک، حک، که تر و پال شیر شروه بود
تدبه، چرخ که بازچه بهر موشان شد















لاشه هواپیمای سرنگون شده



خلبان و کمک خلبان هواپیمای سرنگون شده

در حملهٔ موشکی، رژیم مجبور بود در شب بحث سوریه در وین، در همین هوای بارانی و طوفانی، شلیک کند. علاوه بر این به سردژخیم نیروی تروریستی قدس گفته شده بود این بار قرار بر این است که لیبرتی با همه افرادی با خاک یکسان شود و نمی‌خواهیم سند بدهیم و بالونهای روی فرودگاه بغداد فیلمبرداری کنند. منظورش بالونهای متعلق به نیروهای آمریکایی در فرودگاه است.

اما این که رژیم می‌گوید عراقی‌ها هم کشته شده‌اند و به رسانه‌ها و سایت‌های مزدورش گفته است همین را بگویند تا کشته‌ها مختص مجاهدین نباشد، دروغ محض است. هیچ عراقی کشته نشده است؛ دو موشک در اطراف ما در سمت یکی از پایگاههای نظامی عراق خورده، اما هیچ کس کشته نشده است.

البته پس از صحبت‌هایی که برادران و خواهرانمان کردند و با گفتن نمونه‌ها و مثال‌های دقیق که شاهدش بودند ابعاد این تلاطم و تحول عظیم خیلی بهتر و بیشتر روشن شد.

خیلی از شما گفتید یا نوشتید که ترسی نداشتید. آفرین، اگر شما نمی‌ترسید پس مطمئن باشید که دشمن شما می‌ترسد. چون همین عنصر مقاومت و ایستادگی و سرسختی و نترسی را دارید در جامعه تزریق می‌کنید. برخی هم با صداقت تمام و به نحوی ستایش‌انگیز شرح دادند که چگونه بر لحظات ترس و عجز غلبه کردند و از دل آن نترسی و توانمندی بیرون کشیدند. باز هم آفرین و صد آفرین بر کسانی که این چنین صفحهٔ ضمیر خود و طبعاً صحنهٔ نبرد و کارزار را می‌چرخانند...

متقابلاً هم چنان که گفتید، حرف پوست کنده رژیم و هم‌ریشان این است که اصلاً چرا اینها تسلیم نمی‌شوند؟ چرا مبارزه می‌کنند؟ چرا در نظم ارتجاعی و استعماری تحلیل نمی‌روند؟ و مجاهدین هم کماکان می‌گویند هیهات منالذله!...

می‌دانید که حرف رژیم و سگهای زنجیری‌اش تازگی ندارد و با آن از

همان سال ۵۷ و ۵۸ و مخصوصاً بعد از ۳۰ خرداد آشنا هستیم. آنچه تازگی دارد همان تلاطم و تحول بزرگ است که آثار زیادی خواهد داشت. چون شاهد یک جبهه وسیع گسترده سیاسی و بین‌المللی هستیم.

همان تلاطم‌ها و بحرانها را که در میان آن در جستجوی خیر عظیم هستیم می‌گویم و این که قطره قطره خونها، ذره ذره رنجها و جراحتها و لحظه لحظه کارها و تلاشها، باید به نتیجه برسد و ما را به جلو پرتاب کند. باید در میان این همه رنج و آبشار خون، از میان شرّ کثیر که رژیم و همدستان و مزدوران می‌خواستند و می‌خواهند، خیر عظیم درو کنیم. در یکطرف قهرمانان لشکر فدایی شماره ۱۲ را به یاد می‌آورم که در تاریکی سینه سپر کردند و با سرسختی تحسین‌انگیز هم شهیدان و هم زنده‌ها را با دست خالی از زیر آوار بیرون کشیدند. از طرف دیگر آن آیه قرآن در گوشه طنین می‌اندازد که گفت اگر کسی فکر می‌کند نصرت خدا فرا نمی‌رسد، خود را به سقف بیاویزد و نقطه اتکای خود را قطع کند و ببیند چه بر سرش می‌آید...

شما از شوره‌زار و سنگستان لیبرتی، گلستان و اشرفی دیگر ساختید. این مشعلی دیگر است. اگر پیامهای زندانیان سیاسی را دیده باشید، کلمات حیرت‌آوری به کار می‌برند؛ می‌گویند لیبرتی هم مانند اشرف، برای ما تابلو راهگشای پیامبرگونه تصویر و ترسیم کرد. واضح است که برای ما فقط جای استغفار و شکر دارد و این که روزی بتوانیم با همت خلق در زنجیرمان، زندانی‌هایمان را آزاد کنیم.

و دشمن را بنگرید با ایادی و عوامل گوناگونش؛ آخر چه بگوید؟ شما اثبات سرنگونی هستید و او انکار سرنگونی است. باشد تا ببینیم سرانجام چه کسی غالب و پیروز می‌شود. اما اوضاع از هر طرف که بچرخد شما به‌عالیترین صورت کار خود را در این مرحله در کارزار شماره ۶ انجام دادید. تکرار می‌کنم که تحول عظیمی صورت گرفته و ما، بعد از حل و فصل مسائل مبرم مربوط به شهیدان و مجروحان و مسائل استقراری قسمتهایی

که منهدم شده، بایستی به ادامه بحث بنشینیم و سریعاً با این تلاطم و تحول بزرگ و نتایج آن در مرحله جدید، انطباق فعال و خلاق و رزمنده پیدا کنیم .

خلاصه و چند نکته مهم

در چند جمله خلاصه و تکرار می‌کنم و امیدوارم در کمیته‌ها و نشستهای انقلاب، بحثها را به‌طور همه‌جانبه تعمیق و تکمیل کنید.

- **نکته اول**، فکر نکنید بحث را تمام کردیم، بلکه شروع کردیم؛ چون هنوز یک هفته بیشتر از حمله نگذشته است و داریم سعی می‌کنیم آثار انفجار را پاکسازی کنیم.

- **نکته دوم**، همان تحول عظیمی است که رخ داده و باید خود را با آن به معنی تکاملی و پیش‌رونده آداپته و منطبق کنیم.

اما چنان که گفتم قبل از هر چیز می‌خواهم از وضعیت حفاظتی یکانها و ارگانهای ستادی مطمئن بشوم تا بتوانیم قدمهای بعدی را برداریم.

- **و نکته آخر** که آن را در همین بحث دیدیم و شما آن را به‌اوج ایدئولوژیک ارتقا دادید، آنجا بود که چگونه می‌توان بر لحظات ترس و عجز، به‌قول خودتان «واو شدن» غلبه کرد و از توی آن نترسی و توانمندی بیرون کشید و آن را ثابت و تثبیت کرد. مجاهدین در این زمینه ۵۰ سال تجربه و آزمایش دارند.

در همین نشست شکر خدا را به‌جا بیاورید که شما را برای ادامه کار و کارزار و آزمایشهای بعدی در مداری بالاتر نگه داشت. این‌طوری رژیم بازنده مطلق می‌شود و ما برند و شایسته آن یاری و نصرت در دنیا و آخرت.

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ

فصل دوم

تغییر و طوفان در راه است پیروزی پیشاپیش مبارک

۱۳۹۴ آذر ۱۴

سلام و درود بر قهرمانان پایدار و برگشت ناپذیر مقاومت تاریخی مردم ایران رأیت شرف و نور و افتخار در سخت ترین ادوار تاریخ این میهن

در آستانه اربعین ۲۴ شهیدمان در لیبرتی هستیم. اجازه بدهید با آیه‌یی شروع کنیم که هم در مورد قهرمانان شهید و هم در مورد یکایک قهرمانان و مجاهدان سرسخت و استوار صدق می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ اَلَّا يَخَافُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا
وَأَبْشُرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ نَحْنُ اَوْلِيَآؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۗ اٰمَنُوْا ۝۱۰۰۰

کسانی که گفتند پروردگار ما خداست (راه و مسیر و نقشه مسیرما، راه خدا و خلق است) و سپس پایداری و استقامت ورزیدند، ملائکه (که همان مبادی قوا و نیروهای انگیزنده و اطمینان‌بخش باشند) بر ایشان همی فرود آیند...

تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ اَلَّا يَخَافُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا

آنها را در بر می‌گیرند، آنها را احاطه می‌کنند و پیام و حرف و تأثیر آنها بر این قبیل مجاهدین این است که: نترسید،

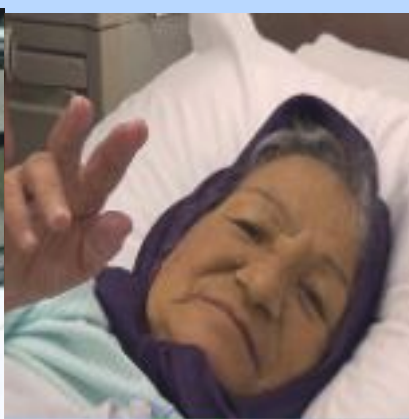
اندوهگین نباشید و مزده باد شما را به آن پردیس و بهشتی که نوید داده می‌شدید. انگار که خوب می‌داند که جگرمان از یکایک شهیدان شعله‌ور است، انگار که خوب می‌داند از خواهر نیره شهید که قبلاً در حفاظت بود تا قهرمان خلق حسین ابریشمچی و دیگر فرماندهان مثل منوچهر براتی و حمید دهقان و فرشید تا حسین سروآزاد از گروگانها و حسین گندمی و جواد و بهزاد تا حسن نورعلی و اکبر و کیومرث و شریف و بقیه‌شان، اعضای سالهای مقاومت در اشرف و لیبرتی، چه گوهرها و سرمایه‌هایی بودند، چقدر دوست‌داشتنی، چقدر ستایش‌انگیز و چقدر زلال و شفاف و در عین حال جوشان و خروشان ...

در این‌طور مواقع همیشه یک سؤال ساده و روشن که دست دشمن ضدبشر و مزدوران و عوامل آن را رو می‌کند بیرون می‌زند: راستی چرا؟ مگر این مجاهدین یک گروهک زندانی و محصور در خاک عراق نیستند؟ مگر آن‌قدر بد و سکت و تروریست نیستند؟ مگر مناسبات آنها فلان و فلان نیست؟ مگر از بین نرفته‌اند؟! پس مشکل چیست که هر موقع رژیم کم می‌آورد، هر موقع دچار بحران شدید است، هر موقع مسأله بود و نبود دارد مجبور است روی دست همه سگهای زنجیری‌اش، مصاف خود با مجاهدین را در خشن‌ترین صورت نظامی آن به‌نمایش بگذارد؟ راستی جنگ اصلی کجاست؟ جنگ اصلی با کیست؟

رژیم خودش به‌زبان خودش از طریق پاسدار شمخانی دبیر شورای عالی امنیت آخوندها می‌گوید که اگر در سوریه نجنگد و نفله ندهد، مجبور می‌شود در تهران خط ببندد. با چه کسی؟ از چه می‌ترسد؟ این دو سه شب اگر دقت کرده باشید، نمی‌دانم چه مشیتهی است که ۳مادر پشت سر هم، مادرانی واقعاً قهرمان که هر کدام سرگذشت مبارزاتی خودشان را دارند و واقعاً نمونه‌های برجسته مادران و زنان ایرانی محسوب

می‌شوند به‌یچه‌های شهیدشان پیوستند. مادر داعی و مادر شهیدانمان هود و فریبا دستی و همچنین مادر قوامی. قبل از آن هم، ۹روز بعد از حمله موشکی درگذشت و در واقع شهادت مادر عباسی را در همین جا در لیبرتی داشتیم. مادر مجاهدان خلق مولایی نژادها از خواهر و برادر.





قرار بود مادر عباسی را به خاطر بیماری به‌آلبانی بفرستیم که مدت‌ها طول کشید و آنچه به آن آی.او.ام یعنی سازمان مهاجرت جهانی می‌گویند و نفرات را باید چک کند، نمی‌پذیرفت که مادر سوار هواپیما بشود. انگار که با بقیه بچه‌ها و مجاهد شهید ابوالفضل مولایی قرار داشته است راستش را بخواهید مادر مولایی مانند خود شماها در شمار رزمندگان آزادی در اشرف و لیبرتی بود و هست.

این مادران مجاهد، هر کدامشان یک تاریخچه‌ی دارند، هر کدامشان بیان دامنه و گسترش و پایگاه مجاهدین در شهرهای مختلف ایران هستند. به لحاظ ایدئولوژیکی واقعاً جای تهنیت و افتخار دارد. این از خود مجاهدین در لیبرتی و در اشرف و آن از مادرانشان در تهران و شمال و جنوب ایران که هم‌ه‌اش سر و کارشان با اوین و بازجویی و شکنجه و مقاومت و ایستادگی بوده است.

پیام و درس جدید

حالا در این آیات که خواندیم خدا به‌صراحت می‌گوید که ملائکه و مبانی قوای انگیزنده و اطمینان‌بخش او، شما را احاطه کرده‌اند. مطمئناً انتظار ندارید که من معنی این حرف را بتوانم بفهمم یا بیان کنم؛ نه، من فقط حرف قرآن را تکرار می‌کنم که می‌گوید ملائکه او بر شما فرود آمده و شما را احاطه کرده‌اند و می‌گویند مبدا بترسید و مبدا غصه بخورید و اندوهگین باشید. حالا خدا می‌گوید با ملائکه و همه نیروهای پیدا و ناپیدایم، شما را در بر گرفته و احاطه کرده‌ام و بشارت...

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۱۱

این ما هستیم (خدا خودش را می‌گوید) که اولیا و سرپرستان شما هستیم، هم در حیات دنیا و هم در آخرت؛

می‌گوید حواستان باشد مبدا غافل بشوید که صاحب و سرپرست این

راه و این مسیر و این نقشه مسیر، من خودم هستم، همان که ملائکه‌اش را فرو می‌فرستد، همان که صاحب این راه است، هم در این دنیا و هم در آخرت، همان که پرهیز می‌دهد از هرگونه ترس و غم و غصه، همان که مژده و بشارت می‌دهد...

و به این خاطر است که ملائکه و همان پرتوهای قدرت و توانایی خود را که نیروهای مشخص تغییر و انگیزشهای مشخص تغییر هستند، آنها را فرو می‌فرستد تا شما را احاطه کنند؛ تا مبادا چنان که دشمن می‌خواهد در خود فرو بروید، بترسید، دچار حزن و اندوه و غم و غصه بشوید، خیر، این‌طور نیست. پیام و درس جدید همین است.

در سوره اسراء می‌گوید :

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۱۲

همانا که بندگان من (دقت کنید بندگان من، یعنی مختص به خودش می‌کند) ای شیطان، چنین نیست که بر آنها سلطه و سلطنت داشته باشی (زور شیخ و شاه به سلطه و سلطنت بر آنها نمی‌رسد)؛ زیرا خدا و پروردگارت برایشان کافیست تا به او تکیه کنند و او را وکیل و تکیه‌گاه بگیرند.

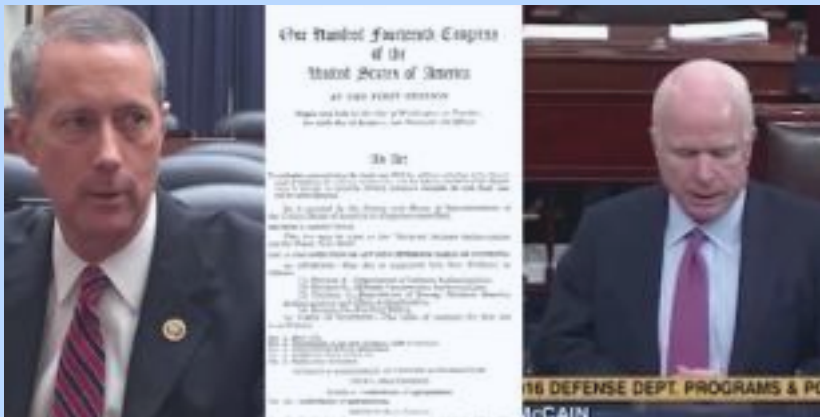
این یک بحث آرمانی و ایدئولوژیکی خلص است. همان که در برگردان تشکیلاتی و جمعی آن برای ما، همان «سلطان نصیر جمعی» و «تکیه‌گاه ایدئولوژیکی» است. همان مقولات انقلاب مریم، همان ارزشهای والای گوهران ایدئولوژیکی در سخت‌ترین شرایط روزگار که در شورای مرکزی ذیصلاح مجاهدین و در مؤسسان چهارم ارتش آزادی متجلی است.

حرف خدا با شیطان یعنی از فرعون تا شاه و شیخ‌های زمان چیست؟ می‌گوید زور شما و سلطه و سلطنت شما به این گروه از بندگانم نمی‌رسد؛ اگر غیر از این بود راه تکامل در بن‌بست بود؛ اگر غیر از این بود زندگی بنی‌بشر معنی و فایده نداشت؛ اگر غیر از این بود، شیطان و قوای اهریمنی و خامنه‌ای و مالکی و مزدوران برنده می‌شدند؛

اگر غیر از این بود هم‌چنان که در قرآن آمده در همان اعصار کهن از زمان عاد و ثمود پیامبران خدا را می‌کشتند و دیگر همه چیز تمام بود؛ اما تکامل راه خود را در هر حال با چنین پیشتازانی به جلو باز می‌کند.

ایستادگی مجاهدان و راهگشایی در پهنه سیاسی

به همین آذر ماه که الآن در نیمه آن و در آستانه ۱۶ آذر هستیم، نگاه کنید: در روز ۴ آذر الحاقیه قانون بودجه دفاعی آمریکا درباره حفاظت از مجاهدین در لیبرتی به امضای رئیس‌جمهور آمریکا رسید و به قانون لازم‌الاجرا تبدیل شد:



قانون بودجه دفاعی همراه با الحاقیه ۷ ماده‌یی مربوط به تضمین حفاظت و امنیت ساکنان لیبرتی همین امسال در آستانه ۳۰ خرداد در سنای آمریکا با ۷۱ رأی مثبت به تصویب رسیده بود .
در قسمت یافته‌های کنگره آمده بود:

ایالات متحده ساکنان سابق کمپ اشرف را که اکنون در کمپ لیبرتی مستقر هستند به‌عنوان «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت شناخت و متعهد به حفاظت از ساکنان شد. اما این مخالفان ایرانی در کمپ لیبرتی از سلامت و امنیت برخوردار نیستند.

**SEC. 1230. SENSE OF CONGRESS ON THE SECURITY
AND PROTECTION OF IRANIAN DISSIDENTS LIVING IN
CAMP LIBERTY, IRAQ.**

(a) FINDINGS.—Congress makes the following findings:

(1) The residents of Camp Liberty, Iraq, renounced violence and unilaterally disarmed more than a decade ago.

(2) The United States recognized the residents of the former Camp Ashraf who now reside in Camp Liberty as “protected persons” under the Fourth Geneva Convention and committed itself to protect the residents.

(3) The deterioration in the overall security situation in Iraq has increased the vulnerability of Camp Liberty residents to attacks from proxies of the Iranian Revolutionary Guards Corps and Sunni extremists associated with the Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL).

(4) The increased vulnerability underscores the need for an expedited relocation process and that these Iranian dissidents will neither be safe nor secure in Camp Liberty.



تصویب قانون بودجه دفاعی همراه با الحاقی ۷ ماده‌ی تضمین حفاظت و امنیت ساکنان لیبرتی

در ۷ مهر امسال، سناتور مک کین رئیس کمیته قوای مسلح سنای آمریکا اعلام کرد که به همراه رئیس کمیته قوای مسلح در کنگره آمریکا، این لایحه را طی یک تلاش ۹ ماهه به توافق کلیه اعضای دموکرات و جمهوریخواه سنا و کنگره رسانده است.

بعد از امضا رئیس جمهور آمریکا، سناتور مک کین اعلام کرد این لایحه «یکی از مهمترین قانونهای اصلاحات دفاعی در یک نسل است».



آنچه که در الحاقیه ۷ ماده‌ی به‌ما مربوط می‌شود، دولت آمریکا موظف به تضمین حفاظت و امنیت مجاهدین در لیبرتی می‌شود. هر ۷ ماده این الحاقیه، از دولت آمریکا می‌خواهد تا با اتخاذ یک رشته اقدامات مشخص، امنیت و سلامت ساکنان لیبرتی را تأمین و تضمین کند. برخی از این اقدامات به‌طور مستقیم باید توسط دولت آمریکا انجام شود، برخی در ارتباط با دولت عراق است و برخی در ارتباط با ارگانهای ملل متحد مانند کمیسر عالی پناهندگان و کمیسر عالی حقوق بشر و کشورهای که در این خصوص متعهد می‌شوند.

به‌راستی که دست یافتن به این سند قانونی بین‌المللی، پس از حملهٔ موشکی و آبشار خون در لیبرتی، یکی از بزرگترین دستاوردهای کارزار جهانی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت و تلاشهای اشرف‌نشانها در سراسر جهان مخصوصاً در آمریکا رو در روی توطئه‌ها و سرمایه‌گذاریهای حکومت آخوندی و عواملش برای بهره‌برداری از سیاست مماشات علیه مجاهدین و مقاومت ایران است و حفاظت از فرزندان رشید مردم ایران را به یک اولویت در سیاست آمریکا در سال انتخابات تبدیل می‌کند.

پنجشنبه ۱۲ آذر روزنامهٔ کنگرهٔ آمریکا لایحهٔ قانون اختیارات دفاع ملی به‌امضای رئیس‌جمهور این کشور را منتشر کرد.



S. 1356

One Hundred Fourteenth Congress of the United States of America

AT THE FIRST SESSION

*Began and held at the City of Washington on Tuesday,
the sixth day of January, two thousand and fifteen*

An Act

To authorize appropriations for fiscal year 2016 for military activities of the Department of Defense, for military construction, and for defense activities of the Department of Energy, to prescribe military personnel strengths for such fiscal year, and for other purposes.

Be it enacted by the Senate and House of Representatives of the United States of America in Congress assembled,

SECTION 1. SHORT TITLE.

This Act may be cited as the "National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2016".

SEC. 2. ORGANIZATION OF ACT INTO DIVISIONS; TABLE OF CONTENTS.

(a) DIVISIONS.—This Act is organized into four divisions as follows:

- (1) Division A—Department of Defense Authorizations.
- (2) Division B—Military Construction Authorizations.
- (3) Division C—Department of Energy National Security Authorizations and Other Authorizations.
- (4) Division D—Funding Tables.

(b) TABLE OF CONTENTS.—The table of contents for this Act is as follows:

- Sec. 1. Short title.
- Sec. 2. Organization of Act into divisions; table of contents.
- Sec. 3. Congressional defense committees.
- Sec. 4. Budgetary effects of this Act.
- Sec. 5. Explanatory statement.

DIVISION A—DEPARTMENT OF DEFENSE AUTHORIZATIONS

TITLE I—PROCUREMENT

Subtitle A—Authorization of Appropriations

Sec. 101. Authorization of appropriations.

Subtitle B—Army Programs

- Sec. 111. Prioritization of upgraded UH-60 Blackhawk helicopters within Army National Guard.
- Sec. 112. Roadmap for replacement of A/MH-6 Mission Enhanced Little Bird aircraft to meet special operations requirements.
- Sec. 113. Report on options to accelerate replacement of UH-60A Blackhawk helicopters of Army National Guard.
- Sec. 114. Sense of Congress on tactical wheeled vehicle protection kits.

Subtitle C—Navy Programs

- Sec. 121. Modification of CVN-78 class aircraft carrier program.
- Sec. 122. Amendment to cost limitation baseline for CVN-78 class aircraft carrier program.
- Sec. 123. Extension and modification of limitation on availability of funds for Littoral Combat Ship.

(2) the Committee on Foreign Relations of the Senate and the Committee on Foreign Affairs of the House of Representatives.

(f) EXPIRATION OF AUTHORITY.—No support may be provided under the authority of subsection (a) after December 31, 2018.

SEC. 1227. SENSE OF CONGRESS ON THE SECURITY AND PROTECTION OF IRANIAN DISSIDENTS LIVING IN CAMP LIBERTY, IRAQ.

It is the sense of Congress that the United States should—

(1) take prompt and appropriate steps in accordance with international agreements to promote the physical security and protection of residents of Camp Liberty, Iraq;

(2) urge the Government of Iraq to uphold its commitments to the United States to ensure the safety and well-being of those living in Camp Liberty;

(3) urge the Government of Iraq to ensure continued and reliable access to food, clean water, medical assistance, electricity and other energy needs, and any other equipment and supplies necessary to sustain the residents during periods of attack or siege by external forces;

(4) oppose the extradition of Camp Liberty residents to Iran;

(5) assist the international community in implementing a plan to provide for the safe, secure, and permanent relocation of Camp Liberty residents, including a detailed outline of steps that would need to be taken by recipient countries, the United States, the Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), and the Camp residents to relocate residents to other countries;

(6) encourage continued close cooperation between the residents of Camp Liberty and the authorities in the relocation process; and

(7) assist the United Nations High Commissioner for Refugees in expediting the ongoing resettlement of all residents of Camp Liberty to safe locations outside Iraq.

Subtitle D—Matters Relating to Iran

SEC. 1231. MODIFICATION AND EXTENSION OF ANNUAL REPORT ON THE MILITARY POWER OF IRAN.

(a) ELEMENT ON CYBER CAPABILITIES IN DESCRIPTION OF STRATEGY.—Paragraph (1) of subsection (b) of section 1245 of the National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2010 (Public Law 111–84; 123 Stat. 2542) is amended—

(1) in subparagraph (B), by striking “and” at the end;

(2) in subparagraph (C), by striking the period at the end and inserting “; and”; and

(3) by adding at the end the following new subparagraph:

“(D) Iranian strategy regarding offensive cyber capabilities and defensive cyber capabilities.”.

(b) ELEMENTS ON CYBER CAPABILITIES IN ASSESSMENTS OF UNCONVENTIONAL FORCES.—Paragraph (3) of such subsection, as amended by section 1232(a) of the National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2014 (Public Law 113–66; 127 Stat. 920), is further amended—

(1) in subparagraph (D), by striking “and” at the end;

ملاحظه می‌کنید که این قانون، ۷ سال بعد از انتقال حفاظت اشرف به وحوش و گذاشتن مجاهدین در دهان گرگ، دولت آمریکا را موظف می‌کند که دیگر بس است و باید به هر قیمت انتقال جمعی مجاهدین به مکانهای امن را بپذیرد.

باید قدمهای سریع و مناسب را طبق توافقیهای بین‌المللی بردارد تا امنیت و حفاظت فیزیکی ساکنان کمپ لیبرتی را تضمین نماید. باید از دولت عراق بخواهد که به تعهداتی که به ایالات متحده برای تضمین سلامت مجاهدین داده است، عمل کند. حکومت عراق باید به درخواستهای ردیلانه حکومت آخوندی برای استرداد مجاهدین، «نه» بگوید و با آن مخالفت کند. به این ترتیب حالا هر ۷ ماده مورد نظر ما در کارزار جهانی مریم و یاران اشرف‌نشان و لایحه ثبت شده توسط سناتور مک‌کین به قانون تبدیل شده است.

SEC. 1227. SENSE OF CONGRESS ON THE SECURITY AND PROTECTION OF IRANIAN DISSIDENTS LIVING IN CAMP LIBERTY, IRAQ.

It is the sense of Congress that the United States should—

(1) take prompt and appropriate steps in accordance with international agreements to promote the physical security and protection of residents of Camp Liberty, Iraq;

(2) urge the Government of Iraq to uphold its commitments to the United States to ensure the safety and well-being of those living in Camp Liberty;

(3) urge the Government of Iraq to ensure continued and reli-

able access to food, clean water, medical assistance, electricity and other energy needs, and any other equipment and supplies necessary to sustain the residents during periods of attack or siege by external forces;

(4) oppose the extradition of Camp Liberty residents to Iran’

(5) assist the international community in implementing a plan to provide for the safe, secure, and permanent relocation of Camp Liberty residents, including a detailed outline of steps that would need to be taken by recipient countries, the United States, the Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), and the Camp residents to relocate residents to other countries;

(6) encourage continued close cooperation between the residents of Camp Liberty and the authorities in the relocation process; and

(7) assist the United Nations High Commissioner for Refugees in expediting the ongoing resettlement of all residents of Camp Liberty to safe locations outside Iraq.

ماده اول: امنیت فیزیکی و حفاظت مجاهدین در لیبرتی

ماده دوم: تعهدات آمریکا برای تضمین امنیت و بهزیستی در لیبرتی

ماده سوم: علیه محاصره است

در ماده چهارم با استرداد ساکنان به رژیم ایران مخالفت می کند و

دکان و دستگاه پرونده سازی رژیم را درهم می ریزد

در ماده پنجم به جامعه بین المللی می گوید یک نقشه مسیر جامع و کامل

برای انتقال اینها بدهید. همان چیزی که خودمان از روز اول در اشرف

به ژنرال اودیرنو گفتیم و در صورت جلسه گفتگوهای خواهر مژگان و هیأت مجاهدین با ژنرال اودیرنو و هیأت آمریکایی ثبت شده و موجود است. در ماده ششم الحاقیه، از همکاری نزدیک و ادامه دار بین ساکنان و مقامات در پروسه بازاسکان استقبال شده و دهان رژیم و مزدوران را می بندد.

در ماده هفتم به کمیساریا خاطر نشان می کند که بایستی پروسه انتقال و بازاسکان را که این همه طول کشیده، تسریع کند.

سناتور مک کین و سناتور گراهام بعد از تصویب قانون و امضای آن توسط رئیس جمهور آمریکا راهی عراق شدند.

آنها روز دوشنبه ۹ آذر با برادرانمان در بغداد دیدار و گفتگو کردند. نمایندگان مجاهدین ابعاد حمله موشکی این بار را با جزئیات و اسناد توضیح دادند.



همزمان دوشنبه شب ۹ آذر در مورد بیانیه ۱۰۴۰ حقوقدان عراقی
برایتان پیام دادم .

روز سه‌شنبه ۱۰ آذر تومار خودتان به‌سلیم جبوری در مورد مزدوران
اعزامی رژیم، تحت عنوان خانواده مجاهدین ارسال شد. زیرا رژیم غافلگیر
شده بود و مزدوران خودش را تحت عنوان خانواده‌های ما یک بار دیگر
به‌خدمت گرفت و به‌صحنه فرستاد تا موشک‌زدن و حمله و هجوم را
موجه جلوه بدهد. از این رو وزارت بدنام اطلاعات و نیروی جنایتکار قدس
بعد از موشک‌پرانی، به‌مدت ۳ روز مستخدمان خود را تحت عنوان خانواده
مجاهدین به‌لیبرتی فرستادند تا دشنام بدهند و لجن‌پراکنی کنند.

سيادة رئيس مجلس النواب العراقي الاستاذ سليم عبدالله الجمهوري والنواب المحترمين

مع المحبة

نحن جمع من سكان محيم ليبرتي نفتح سيادتكم بهذه الرسالة لتطلعكم على ما يقوم به النظام الابراي من استغلال لشرعية مجلس النواب العراقي ضدنا ولكي نطالب بدعم البرلمان العراقي تامين حقوق ومطالب سكان ليبرتي القانونية.

علمنا أنه وعقب تربييات من قبل سفارة النظام الابراي، التي في مجلس النواب عدد من عناصر وزارة المخابرات وقوة القدس الازهاية للنظام الابراي يوم ٢٤ نوفمبر/أشرين الثاني وأُعت عنوان عوائل سكان ليبرتي بالسيدن همام حمودي نائب الرئيس وأرشد الصالحى رئيس لجنة حقوق الانسان. كما وفي اليوم التالي استدعت لجنة حقوق الانسان النيابة اللجنة العليا لمحيم ليبرتي في رئاسة الوزراء لتتلفل إليها مطالب عملاء النظام الابراي للتنفيذ.

ان هدف النظام الابراي من ارسالهم الى البرلمان العراقي هو توفير الأرضية ليبرتي مذبحة قادمة من خلال اطلاق حرب دعائية ونفسية ضد سكان ليبرتي وهماهدى خلق. وللأسف أعطيت وعود مساعدة متابعة مطالب هؤلاء الأفراد من قبل اللجنة المذكورة في البرلمان. علما أن هؤلاء الأفراد كانوا قبل اللقاء في البرلمان العراقي قد تم نقلهم ايام ٢٠ و٢١ و٢٢ نوفمبر/أشرين الثاني الى مدخل محيم ليبرتي وهم كانوا يحاولون خلق اصطدامات مع السكان بأعضائهم العنابية والاستفزازية للعباية.

ان هذا النوع من الاجراءات التي تمارس ضدنا منذ سنوات من قبل وزارة المخابرات وقوة القدس للنظام الابراي لا تهدف شيئا الا فتح الطريق أمام مزيد من الجازر ضدنا. كما وقبل القصف الصاروخي المهائل ضد محيم ليبرتي في ٢٩ اكتوبر/أشرين الأول كانت مجموعة أخرى من هؤلاء الأفراد قد تم استهدافهم تحت غطاء العوائل من قبل اللجنة الحكومية المشكولة في رئاسة الوزراء لقمع السكان الى مدخل المحيم ليرفعوا شعارات ضد السكان ويقومون بالتصوير والتقاط الصور من داخل المحيم. وثاني هذه الممارسات في وقت لم تعط الحكومة العراقية القبرا منذ ٧ سنوات مضت حتى لشخص واحد من مئات من افراد عوائلنا في الدول الاوروبية وأمريكا الراغبين في زيارتنا لدخول العراق. ولهذا السبب قم خلال الاسبوع الجاري بعض من عوائلنا بتنظيم تجمعات احتجاجية أمام السفارات العراقية في دول اوروبا وأمريكا. كما أن كثيرا من أعضاء عوائلنا داخل ايران أرادوا السفر الى العراق وزيارتنا ثم اعتقالهم وكان عددا منهم سبق وأن زارونا في أشرف هم الآن مذبوعون في السجون وبعض منهم تم اعدامهم. كما وخلال السنوات

السبع الماضية لم يسمحوا حتى لشخص واحد من محامينا أو المنظمات المدنية المستقلة المدافعة عن حقوق الانسان بدخول ليبري.

من جهة أخرى وكما يعلم سيادتك انه ورغم مرور شهر على القصف الصاروخي في ٢٩ أكتوبر ما أدى الى استشهاد ٢٤ من أصدقائنا في المخيم واصابة وكدم مئات الآخرين فان الحكومة العراقية وبطلب من النظام الايراني لم تسمح لدخول المكاتب والآليات الى المخيم لسحب الكرفانات والأشياء المدمرة ونقل الملاجئ، بل شددت الحصار على المخيم ولا تسمح حتى بدخول المواد الضرورية لتصلح المظلمات المدمرة أو الضرورية في المخيم أو حتى متر واحد من البلاستيك واللاصق لعزل الكرفانات الملقوبة من الماء ولتج تسرب مياه الأمطار والبرودة.

فمن وجهة نظري فان أي مناقشة في البرلمان بشأن مخيم ليبري تأخذ طابع شرعية قانونية وإخلاقية حينما يتم قبل ذلك مناقشة عدة ملفات وقضايا بشأن ٧ مجازر دائمة واحتجاز ٧ رهائن من سكان أشرف وفرض الحصار التعسفي علينا طيلة ٧ سنوات مضت وتقديم ملفي هذه الجرائم الى محكمة دولية على أن تشارك هيئة من المحامين ونواب من البرلمان الأوروبية والكونغرس الأمريكي والبرلمانات العربية في المناقشات البرلمانية بشأن ليبري.

انا نتوقع من سيادتك أيما توقع ألا تسمحوا للنظام الايراني باستغلال الوجاعة السياسية للبرلمان العراقي وجعلها حجة لانقضاء الشرعية للاعتداءات الاجرامية ضد سكان ليبري. كما المطلوب من سيادتك التفضل بمطالبة الحكومة العراقية قبل كل شيء عدم عرقلة توفير المستلزمات الأمنية لنا بما فيها نصب الجدران الكونكريتية اطراف مواقع استقرار السكان ورفع العقوبات الشاملة عن المخيم واحالة ادارة مخيم ليبري الى جهة لا تكون خاضعة للنظام الايراني والسماح للسكان بالوصول الحر الى السوق لشراء المواد والحاجات الخدمية المسموح بها للمواطنين وكذلك مواظبة الحكومة العراقية على بيع الممتلكات الملقولة وغير الملقولة للسكان في أشرف وليبري أو تقديم تعويضات لها للسكان بدلا من ذلك. كما نطالب سيادتك بوضع هذه اللائحة في موقع مجلس النواب العراقي.

مع فائق الاحترام

الأول من ديسمبر / كانون الأول ٢٠١٥

التواضع:





ابعاد پیشروی مجاهدین و غیظ و کین مزدوران

اما شما به لحاظ سیاسی، خیلی خوب لحظه را بعد از حمله موشکی گرفتید و رژیم را از غلط کرده پشیمان کردید. دشمن با فرستادن مأموران ویژه نیروی قدس و یکان موشکی سپاه پاسداران هم‌چنین می‌خواست آثار حمله موشکی ۷ آبان را از نزدیک بررسی کند. علاوه بر این می‌خواست آثار حمله را روی خود مجاهدین هم ببیند و این‌که در این رابطه چه تعدادی ترسیده و بریده‌اند و می‌تواند آنها را با خود ببرد.

اما جمع مجاهدین را با عزمی جزم‌تر از همیشه یافت و سرش به سنگ خورد. این در حالی بود که با حضور نمایندگان یونانی و کمیساریا و در برابر چشمان مأموران استخبارات عراق که قلاده سگهای زنجیری را به دست داشتند، هر کس که می‌خواست می‌توانست با خانواده وزارت و نجاستی برود و رفع زحمت کند. اما هیئات!...

در همین اثنا ۴۰۰ خانواده مجاهدین از کشورهای اروپایی و آمریکا به دبیرکل ملل متحد نوشتند؛ چگونه است که ما ۷ سال است درخواست ویزا و رفتن به اشرف و لیبرتی می‌کنیم، اما حکومت فاسد عراق و وزارت خارجه آن جوابی نمی‌دهد؛ اما اطلاعات و نیروی قدس آخوندها دست باز دارند که هر زمان که خواستند، بدون شرم و حیا مستخدمان خود را با فحاشی و تهدید تحت عنوان خانواده مجاهدین به لیبرتی بیاورند.

این داستان کثیف و افشا شده که در فاصله حملات مرگبار و محاصره ضد انسانی انجام می‌شود دیگر کسی را نمی‌فریبید و رود خون در اشرف و لیبرتی را نمی‌توان با زوزه شغال و جست و خیزهای میمون‌وار پشت درب اشرف و لیبرتی پوشاند.

H.E. Ban Ki-moon
Secretary-General of the United Nations
The United Nations
New York, NY 10017

Dear Secretary General,

As a group of Camp Liberty residents' families residing in Europe and the United States, we are gravely concerned about the lives of our children, especially after the rocket attack on October 29 that killed 24 of the residents.

During 2003-2009, when the US forces held the responsibility of security of Camp Ashraf on the ground, many of us had the opportunity to travel to Ashraf and stay there for an unlimited period of time and see our children. But since the time the US government unlawfully turned the security of our children over to the Pro-Iranian regime government of Maliki, despite our repeated application for entry visa to Iraq through various embassies in countries of our residence, Iraq has refused granting permission to enter that country.

This is while our children and relatives are recognized as protected persons under the Fourth Geneva Convention and have been interviewed by the UN High Commissioner for Refugees and they are recognized as people of concern protected under international law.

Our loved ones were transferred from Camp Ashraf to Camp Liberty, supposedly a Temporary Transit Location, to be relocated to third countries within few months. Yet, after 3.5 years they are under unbearable pressures in the camp and they have not been resettled. The Iraqi Government has virtually turned the camp into a prison.

In these circumstances, dispatched teams of the mullahs' Intelligence

Ministry to Iraq and to Camp Liberty under the cover of so-called families of the residents have no problem entering Iraq and get through to the Camp.

The mission of these teams is psychological torture of our children and relatives and been financed entirely by the Iranian regime.

Based on past experience and notably the attack on October 29, proves that these activities are prelude to yet another bloodbath, this time in Liberty.

In years 2010 and 2011 the same type of agents under the same cover as “families” camped on the perimeters of Ashraf

for 23 continuous months psychologically torturing the residents using 320 loudspeakers, cursing and threatening them to death. These agents threatened loudly through the loudspeakers “We shed your blood on Ashraf soil, we execute you one by one...”

It is very unfortunate that the very basic rights of our loved ones are being violated at the behest of the mullahs’ regime in Iran which has been going on for more than 6 years. Currently an inhumane medical and food siege is imposed upon them. They are deprived of meeting their lawyers. In 6 deadly attacks 120 had been killed and 27 lost their lives due to medical siege.

We strongly urge you to call on the Iraqi Government in every way possible to grant entry visa to us to go to Camp Liberty to see our beloved children and relatives after so many years.

The Government of Iraq, Prime Minister al-Ebadi, the US Government and the United Nations must recognize and safeguard the rights of Camp Liberty residents and maintain their security and prevent the Iranian regime’s agents approach the Camp.

Respectfully,

Families of Camp Liberty residents

CC:

His Excellency Antonio Guterres, UN High Commissioner for Refugees

His Excellency Zeid Al-Hussain, UN High Commissioner for Human Rights

Ambassador Brett McGurk, Deputy Assistant Secretary of State for Iraq and Iran, US Department of State

Ambassador Stuart Jones, US Ambassador to Iraq

Honourable Ján Kubiš, Special Representative of the UN Secretary General for Iraq

Mr. Volker Türk, Director of International Protection, UNHCR

Mr. Jonathan Winer, Senior Advisor for Mujahedin-e Khalq (MEK) Resettlement, US Department of State

Mr. Bruno Geddo, representative of the UN High commissioner for Refugees in Iraq

حالا اگر بقیه بیانیه‌های بین‌المللی در این ایام را هم بعد از حمله رژیم در ۷ آبان در نظر بگیریم، از وزیر خارجه آمریکا و کنگره و سنا گرفته تا کشورها و دولتها و کمیساریا و برندگان جایزه نوبل و عفو بین‌الملل و ایتالیا و اسپانیا و دبیرکل ملل متحد و کشورهای عربی و ائتلاف ملی سوریه و جریانها و افراد و گروههای ایرانی و عربی و... تشکلهای کردی و زندانیان سیاسی یک مجموعه گرانبها و بسیار مؤثر را تشکیل می‌دهد. تا همین دیشب که استماع مجدد مک‌کین و ژنرال جیمز جونز مشاور پیشین امنیت اوپاما را در اخبار دیدیم که بلافاصله بعد از بازگشت مک‌کین از سفر عراق بود.

همه اینها خبر از تحولات و تغییر و طوفانی می‌دهد که در راه است. به‌راستی مریم ابعاد کارزار را در سراسر جهان گسترش داده و بی‌شک آن را به‌نتیجه خواهد رساند.

مجاهدین بر سر چشمه صدق و فدا و رود خروشان خون شهیدانشان، در احاطه مشیت و اراده تکاملی و کارزارهای گسترده ملی و منطقه‌یی و بین‌المللی، گاه آن‌قدر دستاورد داشته و دارند که حتی حساب آن از دست خودشان هم خارج می‌شود.

پایداری رمز پیروزی‌های مجاهدین

از سال ۱۳۵۸ که میلشیا تأسیس شد تا همین ۷ روز در آذر ۱۳۹۴، چه داستانها بر مجاهدین گذشته است. برای همین آن آیات را در ابتدای نشست خواندیم. حتماً آیات مکالمه خدا با شیطان در مورد انسان در سوره اسراء را هم به‌یاد دارید. حرف این بود که خدا به شیطان گفت برو پی کارت! بر بندگان مختص من سلطه و سلطنتی نخواهی داشت.

شیطان تهدید کرد و گفت همه‌شان را گمراه می‌کنم! همه‌شان را وادار به تسلیم می‌کنم. تو را پشیمان می‌کنم که به‌من گفתי به‌انسان سجده کنم و هژمونی او را بپذیرم! آخر کرسی من کجا که از آتش و انرژی بسیار

عالیتری ساخته شده‌ام و این انسانی که تو منشأ حیات او را از گل بودار از ته اقیانوسها بیرون کشیده‌ای کجا؟!

حالا به من می‌گویی بروم او را سجده کنم و هژمونی او را بپذیریم؟! آخر من یکی از ۵ ملک مقرب تو بودم...

و خدا به شیطان کرسی طلب و ضدبشر گفت: اُخْرُجْ!... گم شو! بعد، شیطان تا روز قیامت مهلت خواست؛ خدا گفت خیر، مهلت تو تا یک زمان و سرفصل معین و معلوم است و نه بیشتر از آن...

شاید منظور، شروع تاریخ حقیقی انسان یعنی جامعه‌عاری از بهره‌کشی و طبقات و همان «جامعه‌ فراوانی» باشد. جامعه‌یی که انسان باید با درد و رنج و خون خود، آن را بسازد و صلاحیت ورود به آن را پیدا کند...

آیات آن را در سوره اسراء قبلاً خوانده‌ایم. اما فقط یک آیه را یادآوری می‌کنم که هر بار که می‌خوانیم با عمق خیلی بیشتر فهم می‌کنیم. وقتی شیطان تهدید می‌کرد که با بندگان چنین و چنان می‌کنم و همه را از راه به در و گمراه و له و لورده می‌کنم؛ خدا به شیطان ضدبشر حرف آخر را زد و گفت: هر غلطی می‌خواهی بکن اما بدان که بر بندگان خالص و مخلص من، هیچ سلطنت و سلطه و احاطه و زور و قدرتی نخواهی داشت:

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَعْطَمَ مِنْهُمْ بَصُوتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْبِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا إِنَّ عِبَادِي لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بُرْجِكُمْ وَكَيْلًا ۱۳

واقعا از این برتر و بالاتر و عالیتر نمی‌شد. واقعا بهتر از این نمی‌شد دست شیطان و عملکرد آن و نیروهای اهریمنی و ارتجاعی و استعماری را رو کرد.

- بسیج کن!...

- بلغزان هر که را توانستی...

- با آواز و صوت و بوقها و بلندگوها و رادیو و تلویزیونهایت...
 - با محفلها و تحلیلهها و هرگونه القائات و لجن پراکنی علیه بندگانم...
 - بتاز بر آنها با سواره نظام و پیاده نظامت...
 - با تیغ و تبر و موشک و زرهی و سگهای زنجیری ات...
 - با وسوسه در مال و اموال و زمین و املاک و با اولاد و خانه و خانواده‌یی که می‌خواهد فرزند یا خویشاوند خود را به‌سود رژیم از مبارزه با این رژیم جدا و دور کند.
 - بله همه باید تست بشوند که مانند ابراهیم خلیل، از پدر یا پسرشان در راه خدا دست شسته‌اند یا خیر؟ آخر انبیا، شاخصهای راه بشر هستند.
 - هرچقدر می‌خواهی وعده‌های تو خالی بده، هر چقدر می‌خواهی فریبکاری و دجالگری کن اما وعده‌های شیطان جز فریب و غرور نیست.
- نتیجه:**

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۱۴

بله، بر بندگان خالص و با خلوص من، ترا هیچ سلطه و سلطنتی در کار نیست و خدا به‌عنوان تکیه‌گاه و پشتیبان برای آنها کفایت است. یعنی که بقیه‌اش را خدا خودش در طول زمان درست می‌کند. می‌بینید که انگار دقیقاً حکایت ۵۰ ساله مجاهدین است؛ بقیه‌اش را هم صبر کنید که اگر ما شایسته باشیم در طول زمان بارز خواهد شد.

یادآوری یک سرفصل در دوران پایداری پرشکوه در اشرف

یک سرفصل دیگر در تاریخچه جنگمان در اشرف را هم که در آذر ۱۳۸۲ بود، یادآوری می‌کنم:

۱۸ آذر ۱۳۸۲ در اشرف، که تقریباً یک هفته قبل، ریاست دوره‌یی شورای حکومتی دست‌نشانده ارتجاع و استعمار در عراق را مزدور ملعون و منفور عبدالعزیز حکیم به‌عهده گرفته بود و به‌دستور رژیم پلید آخوندی

رأی گرفت و اطلاعیه داد که مجاهدین ضمن ۳ هفته باید عراق را ترک کنند والا استرداد می‌شوند.

این اقدام شورای پوشالی حکومتی آن قدر ننگین و مفتضح و شتابزده بود که پل برمر حاکم مدنی عراق هم آن را برنتابید. برمر به روشنی دید رژیم دارد برگ می‌زند و از فرصت رفتن او در تعطیلات پایان هفته به‌واشنگتن، سوءاستفاده کرده و توسط مهره شناخته شده‌اش به این کار مبادرت کرده است.

همزمان مریم کارزار جهانی وکلا و حقوقدانان را به‌راه انداخت. مطبوعات در همان زمان از حرکت و اعتراض «ناوگانی از وکلا» خبر دادند. کار به آنجا رسید که در کمتر از ۳ هفته، ژنرال سانچز فرمانده کل نیروهای ائتلاف در عراق در روز ۵ دی ۱۳۸۲ از طریق ژنرال سارجنت به‌اشرف پیام داد:

به‌رغم هرچه که تاکنون ممکن است شنیده باشید، درباره وضعیت آینده شما تصمیم‌گیری نهایی نشده و وضعیت نهایی شما از سوی ایالات متحده به‌نحوی که با قوانین بین‌المللی همخوانی داشته باشد، مشخص خواهد شد. در همین پیام از مجاهدین خواسته شده بود که به‌توافقات مذاکرات با ژنرال اودیرونو پایبند باشند و با مراحل تعیین هویت و مصاحبه ارگانهای آمریکایی در اشرف همکاری کنند.

اما منظور مزدور حکیم و اطلاعیه نفرت‌انگیز شورای حکومتی در آن زمان از ترک اشرف طی ۳ هفته، طبعاً این نبود که مال و اموالشان را هم با خودشان ببرند، بلکه می‌خواست اموال مجاهدین را هم با شرکا به‌سرقت ببرد. کم‌این‌که در همان زمان با سخافتی مثال زدنی که باعث شد حتی پرونده‌سازان ۱۷ ژوئن به‌او بخندند، به‌فرانسه رفت و از دولت شیراک خواست اموال توقیف شده مجاهدین را به‌او بدهند!

آن "مقام" ارشد آمریکایی که می‌دانید و خط‌دهنده واقعی کوبلر



بود، همیشه به نمایندگان مجاهدین می گفت که مجاهدین هم باید مثل خانواده خود او در زمان ترک آلمان هیتلری که با یک پیراهن از جنگ فاشیسم گریخته بودند، عمل کنند؛ البته نمی گفت که آن نیروی فاشیستی در عراق که این جنایتها را می کند چه کسی است! و چه کسی عراق را در سینی طلایی به این فاشیسم تقدیم کرد و چرا در برابر این فاشیسم این قدر بی عمل و بی رمق است! انگار نه انگار که جنگ جهانی دوم تمام شده است.

بعد همین "مقام"، روزی که مجاهدین سر تا پای کوبلر را شستند و کنار گذاشتند و کوبلر به او شکایت کرد، در مهر ۱۳۹۱ به کوبلر جمله جالبی نوشت. کوبلر از دست مجاهدین و شعارهایشان به "مقام" شکایت کرده بود و "مقام" به او تفهیم کرد حساب دستش باشد که حتی: یک نیشخند از جانب مجاهدین خلق، تعریف و تمجید محسوب می شود!

Sent: Tuesday, October 09, 2012 7:54 PM

To: kobler@un.org;

A sneer from the MEK is a compliment

می بینید که از روز جنگ در ۲۰۰۳ تا امروز ۱۲ سال و ۹ ماه گذشته است که به قول قرآن:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا ۱۵

-از زمان گردآوری سلاحها ۱۲ سال و ۷ ماه گذشته
-از زمانی که مزدور عبدالعزیز حکیم می خواست سه هفته ای ما را اخراج کند دقیقاً ۱۲ سال گذشته با ۲۱ ضرب الاجل توسط مالکی و ۷ حمله و قتل عام

تَنْزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا ۱۶

پس خوشا به این خلق و سازمان پیشتازش! خوشا به مریم و انقلابش!
خوشا به خواهران استوار و پرصلابت شورای مرکزی مجاهدین! خوشا
به تشکیلات پولادین برادران و یکانهای ۳۱۳ فدایی

پیشروی مقاومت و بن بستهای لاعلاج رژیم

یکی از سؤالات این بود که مگر اصحاب مماشات با رژیم، می گذارند رئیس جمهور آمریکا الحاقیه سناتور مک کین رئیس کمیته نیروهای مسلح را به سود لیبرتی و مجاهدین امضا کند؟ مخصوصاً بعد از امضای توافقنامه اتمی به خصوص که واضح است این ۷ ماده پیشنهادی مک کین، در صورت تصویب و امضا، قبل از هر چیز جیغ بنفش و مشکی رژیم را بلند می کند! از طرف دیگر چرخهای توطئه و جنایت از جانب رژیم با سرعت به کار می افتد. از موشک تا احکام دستگیری و استرداد و برگه های قرمز انترپل که مصنوعات ویژه رژیم ولایت فقیه است.

جواب این بود که البته هر توطئه و حمله و جنایت و کثافتی از جانب این رژیم و پشتیبانان و مزدوران آن تا آخرین دقیقه و تا آخرین لحظه متصور است. اما به موازات آن، در شرایط کنونی، چند موضوع قابل توجه دیگر هم مطرح است:

۱۵- سوره فصلت، آیه ۳۰

۱۶- همان آیه

یکم، تعادل قوا این نیست که بتوانند مانع شوند و می‌باید برای گذراندن لایحهٔ ۶۰۷ میلیارد دلاری بودجه دفاعی آمریکا در سال ۲۰۱۶ که موضوع دعواست، مصالحه کنند و الحاقیهٔ ۷ ماده‌یی تضمین حفاظت و امنیت مجاهدین در لیبرتی را قبول کنند. این البته یک کلان توافق است که رژیم و پشتیبانان و جیره‌خوارانش هر طور شده تلاش می‌کنند آن را به هم بزنند.

دوم، ۶ ماه پیش که پیش‌نویس این لایحه منتشر شد، البته که بسیار مهم و ارزشمند بود. ولی اگر از من می‌پرسیدید که آیا به قانون تبدیل می‌شود، یعنی اوپاما هم امضا می‌کند؟ مطمئن نبودم و می‌گفتم ۵۰-۵۰؛ اما حالا این امر بر روی آبشار خون مجاهدین در حملهٔ موشکی و با کارزار شگفت‌انگیز جهانی که مریم پیش می‌برد، عملی و محقق شده است. سوم، یادتان هست که دو سال و نیم پیش، قبل از انتخابات ریاست جمهوری رژیم در سال ۹۲، ما همین مسیری را ترجیح می‌دادیم که رفسنجانی و روحانی در آن می‌روند. استدلال این بود که می‌خواهیم نهایتاً قیمت کمتری بدهیم.

آخر وقتی دشمن شما بمب اتمی داشته باشد خیلی فرق می‌کند با زمانی که بمب نداشته باشد. همین رژیم و همین خامنه‌ای جمع زده بودند که علت سقوط حکومت قذافی و سقوط دولت قبلی عراق، این بود که بمب اتمی نداشتند و اگر بمب اتمی داشتند و یکی را کوک می‌کردند روی تل آویو و یکی را هم روی ریاض و دیگری را هم روی یک شهری در اروپا... دیگر تضمین بقا داشتند.

چهارم، واضح است که وقتی رژیم زهر می‌خورد، عزیزکردهٔ محافل سرمایه‌داری غربی می‌شود که دنبال تاراج پولها و فروش اجناس خودشان هستند. لنگ و لگد زدن به مجاهدین و مقاومت ایران هم بخشی از همین خرید و فروش است.

همین‌ها بعد از مرگ خمینی، به رفسنجانی می‌گفتند میانه رو و «مدره»!

آن زمان ما می‌گفتیم که این خبرها نیست و رژیم ولایت‌فقیه، همان رژیم است با همان هویت و با همان ماهیت، گذشت زمان، حرف ما را اثبات کرد. همین داستان در زمان خاتمی تکرار شد و باز هم حرف مقاومت ایران اثبات شد که پیشاپیش اعلام کرده بود این رژیم اصلاح‌ناپذیر است. حالا از این نکات می‌خواهم نتیجه بگیرم که در مرحله بعد از زهرخوران اتمی (که رژیم به آن پسابرجام می‌گوید و ما از یک دهه پیش به آن «واپس‌تمرگیدن» می‌گفتیم) تعادل قوای رژیم ولایت‌فقیه با گذشته متفاوت است. توجه کنید که این بحث برای ما یک بحث و گفتگوی ذهنی یا روشنفکرانه نیست؛ بلکه اگر ارزیابی ما درست باشد، معنی آن این است که می‌توانیم و باید در قدمهای بعد توطئه‌های رژیم را در هم بشکنیم یا خنثی کنیم. اگر این ارزیابی غلط باشد، رژیم بایستی بتواند ضربات جدی وارد کند.

حالا نگاه کنید: این خود خامنه‌ای است که صحبت از استحاله و نفوذ می‌کند. چون می‌ترسد و می‌خواهد خودش و مزدورانش را با حمله موشکی ۷ آبان به‌ما، دلداری بدهد.

همه می‌دانند که وضعیت اقتصادی - اجتماعی در حالت انفجاری است. در این وضعیت چه خوب شد که راکتور اراک را سیمان گرفتند و ۹ تن اورانیوم غنی‌شده را هم از دست رژیم گرفتند و از کشور خارج کردند. حالا بگذارید مقداری هم استخوان اقتصادی جلو این رژیم بیندازند که البته نوشدارو پس از مرگ سهراب است. مهمتر این که اقتصاد رژیم با این چیزها سرپا نمی‌شود. وضع شاه در مقایسه، به‌لحاظ اقتصادی صد بار از وضع آخوندها بهتر بود. اما وقتی مرحله سرنگونی فرا رسید، دردی دوا نکرد. آخر شاه که تحریم نبود. آخر شاه که کم‌پول نبود. مقداری از سهام برخی کمپانیهای بزرگ مثل کروپ آلمان را هم خریده بود. در بسیاری جاهای دیگر سرمایه‌گذاری کرده بود و حتی در مواردی وامهای کلان میلیاردی داده بود. اما تا بن‌بست سیاسی بازگشوده نشود، درمان اقتصادی موضوعیت ندارد.

هر کس شرایط و وضعیت رژیم ولایت فقیه را بداند، رژیمی که حاکمیت آن بیش از حد به‌درازا کشیده و مدیون جنگها و امدادهای استعماری است، به‌روشنی می‌تواند بفهمد چرا گروهکی که به‌قول رژیم هزار بار از بین رفته است، این‌قدر خطرناک می‌شود؛ چون می‌تواند در هر تحولی، ظرفیتهای بالقوه قیام برای سرنگونی را در خیابان بالفعل کند و سمت و سو بدهد. پس نیروی جنگندهٔ ضد رژیم را باید از بین برد. اینجاست که در میان طوفانهایی که در لیبرتی ما را احاطه کرده، باید پیروزی را با هر قیمتی که داشته باشد، پیشاپیش تبریک گفت. مشخصاً منظوم پیروزی در همین کارزارهای پیاپی است که در لیبرتی با بهای رنج و خون، در شرایط محاصره ادامه دارد و تا روز آخر هم ادامه خواهد داشت و نباید از آن غافل شویم.

طرف مقابل ما رژیم است که با خودش می‌گوید اگر غافل شوم، اینها در همه زمینه‌های سیاسی و بین‌المللی و جهانی و منطقه‌یی پیش رفتند و کاسه و کوزه اتمی من را هم بر سرم خراب کردند، بنابراین باید از بین بروند. باید سر از بدن و بدنه آنها جدا کرد و باید هر کس را که بر سر موضع مجاهدی خود استوار است از بین برد. الا این‌که تسلیم شود و از مجاهدین بیزاری و برائت بجوید.

علاوه بر این، وقتی می‌رسیم به سال ۲۰۱۶، در اواخر این سال، انتخابات آمریکا است. سالی که دیگر در آن، همه محاسبات فرق می‌کند. چون پایان ۸ سال آرایش سیاسی خاص دوران ابواماست. در تیر ماه گذشته بعد از امضای توافق اتمی گفتیم که هر چند رژیم یک گام عقب نشسته و به‌همین میزان زهر خورده، اما «تردیدی نیست که دولت آمریکا تا منتهی‌الیه کشش تاریخی و بین‌المللی و سیاسی خود، هوای رژیم را داشته و به‌آن امتیاز داده است...».

در همان زمان گفتیم: «دولت آمریکا به‌جای این‌که بساط بمب‌سازی را از بنیاد در هم بکوبد، تا منتهی‌الیه متصور، با رژیم راه آمده است. این

همان دولت آمریکا است که بدون یک سند جدی، عراق را به بهانه تسلیحات کشتار جمعی در جنگی که او با ما هم آن را احمقانه توصیف کرد، بکلی درب و داغان کرد، خاک آن را به توبره کشید و مردم آن را به روز سیاه نشانده. بعد هم تحویل رژیم و مزدورانش داد که هنوز هم ادامه دارد...».

در همان زمان پیوسته تکرار کردیم که: «چه کسی نمی داند که اگر دولت آمریکا فقط یک درصد بلاها و فشارهایی را که بر سر مجاهدین به عنوان بزرگترین نیروی اپوزیسیون این رژیم آورد، بر سر این رژیم آورده بود، رژیم آخوندی تا به حال صدها بار نابود شده بود و اثری از آن در میان نبود و امروز با تهدید تروریسم و ارتجاع و بنیادگرایی از قبیل داعش مواجه نبودیم...».

خصلت ویژه این دوران

راستی خصلت ویژه این دوران و این مقطع و این ایام که در آن به سر می بریم چیست؟

در یک عبارت و به طور خلاصه: بحران و تغییر و طوفان، هم در مورد خودمان و هم در منطقه و جهان، از آمریکا و اروپا تا ترکیه و سوریه... تجربه و سابقه نشان داده است که بحران و طوفان همان چیزی است که شما از روز اول خمینی به آن عادت دارید و توی آن دارید زندگی می کنید. برای مجاهدین چیز جدیدی نیست و همیشه این طور بوده، اما وقتی تبدیل به یک عارضه بیرونی فراگیر می شود، خواه ناخواه نتایج خود را دارد. بین ما و رژیم برآمد و نتیجه خودش را دارد و بایستی قویاً به سود یکی و به زیان دیگری باشد. خیلی بعید است که سمت و سوی این تحولات علیه ما باشد و به نظر می رسد از آن گذشته ایم والا رژیم نیازی به این حملات موشکی آن هم در این ابعاد نمی داشت. درون همین رژیم بسیاری از مهره هایش می فهمند که قیمتی که رژیم برای این حملات می دهد خیلی زیاد است و مجاهدین می توانند نتیجه را به سود خودشان

بچرخانند. حتی فالح فیاض مشاور امنیتی مالکی که در زمان عبادی هم با فشار رژیم روی همین کرسی نشسته، به مخاطبان خود در تهران گفت که تا به حال هر چه به مجاهدین حمله کردیم، نتیجه معکوس داده است. سرانجام سؤال اصلی این است که در کارزارهای لیبرتی و حملات موشکی و گله‌های مزدوران و وحوش استخباراتی و نیروی قدس و اطلاعات آخوندی، بالاخره بین ما و رژیم، برنده و بازنده استراتژیک کدام طرف است؟

- اگر واقعاً رژیم ولایت فقیه، ابوداعش است،
 - اگر واقعاً داعش، بالفعل در خدمت بشار اسد بوده است،
 - اگر داعش مقدمتاً محصول دادن عراق به رژیم در سینی طلایی است،
 - اگر استراتژی تضمین بقای رژیم قرون وسطایی با بمب اتمی، شکست خورده و این خواه ناخواه به تضعیف کیفی این رژیم و بر هم خوردن تعادل آن منجر می‌شود،
 - اگر در سرنوشت این رژیم، از یک نقطه عطف گذشته‌ایم و مماشات، دلالی و داعیه اصلاح و اعتدال دیگر اثر ندارد،
 - اگر حالا دیگر رفع تحریم از این رژیم نه تنها هیچ مسأله‌ی حل نمی‌کند، بلکه بر ابعاد بحران سرنگونی می‌افزاید و آن را عمیقتر می‌کند،
 - اگر بحران سرتاپای رژیم را فراگرفته و این همه اعدام برای مهار کردن قیامهاست،
 - اگر حمله موشکی به مجاهدین نیاز مبرم ولایت فقیه است،
- در این صورت حرف ما این است که هر ضربه‌ی به لحاظ تاکتیکی بخوریم، بازنده استراتژیک رژیم است، رژیم است!

فقط یک چیز را مجدداً و مؤکداً، تکرار و تکرار می‌کنم. پیشاپیش می‌دانید که منظورم همان فرمول طلایی ۵ تا ۱۰ ثانیه است. چیزی که از اولین حمله موشکی در ۲۱ بهمن سال ۹۱ تا امروز در هر فرصت و در هر نشست از بازگو کردن آن خسته نمی‌شوم. زیرا ما به‌ازای آن، خون سرخ

و جوشان مجاهدین است... حرف این است که می‌توانیم و باید در مقابل شلیک و حمله رژیم بایستیم و آن را با خلاقیت و ابتکار خنثی کنیم و خسارتهایش را به حداقل برسانیم. تردید نکنید که رژیم هر کاری را که بتواند برای از بین بردن مجاهدین خواهد کرد؛ مگر این که در هر عرصه‌یی پیشدستی کنیم، مقابله کنیم، خنثی کنیم، طرح و برنامه‌ها و برگه‌هایش را بسوزانیم و دود کنیم و راهمان را رو به جلو باز کنیم.

پس اگر ما عرضه داشته باشیم، اگر بتوانیم در بقای نیروی جنگنده پیشتاز موفق شویم، با همین فرمول طلایی در جنگ روزمره در لیبرتی، در جنگ با وزارت و سفارت و سپاه و نیروی قدس آخوندی و طیف هفت رنگ مزدوران رژیمی، قطعاً شما برنده خواهید بود. علاوه بر این، بعد از حمله موشکی، با مریم و کارزار جهانی اشرف‌نشانها باید هزار دیوار سیمانی را هم برای حفاظت مجاهدین در برابر حملات موشکی از گلولی کمیته سرکوب بیرون بکشید.





بله، مجاهدینِ مریمی، با همان رهنمود هزار اشرف، باز هم از وادی سنگستان، شهر گلستان می‌سازند.

ما می‌سازیم، آخوندها خراب می‌کنند. دوباره می‌سازیم و آنها دوباره شلیک می‌کنند. ما در صد جای جهان و ایران باز هم می‌سازیم. سرانجام خلق و مجاهدین خلق قیام و شلیک می‌کنند و آخوندها و پاسداران و مزدورانشان نابود و سرنگون می‌شوند. اینست سرنوشت محتوم ارتجاع و استبداد دینی!

لجن پراکنی و شکست، توطئه و شکست، حملهٔ زمینی، زرهی، موشکی و شکست و سرانجام سرنگونی! اینست سرنوشت رژیم پلید ولایت در برابر رشیدترین فرزندان ملت!

بله ما ایران را گلستان عدالت و آزادی می‌خواهیم و در همین راستا می‌جنگیم و می‌سازیم. این پیام رنج و خون و همه سازندگی و آبادی در اشرف و لیبرتی است. تاریخ به خاطر می‌سپارد.

















درخت های میوه، خرما، توت



انواع صیفی جات: خیار، گوجه فرنگی گرد



انواع صیفی جات: گوجه فرنگی بیضی، کلم



انواع درخت های میوه: انگور، کنار



توت قرمز، کلم برگی



آفتابگردان، کلم توپی



انواع سبزیجات: نعناع، تره



انواع سبزیجات: پیازچه، ترپچه



انواع سبزیجات: کاهو، انواع مختلف



باغ زیتون و انگور



باغ انار و توت



ساخت کندو، پرورش زنبور عسل

صحنه های کار و تلاش با امکانات اولیه







استخر دست ساز با منابع آب



فروشگاه چلچراغ























توفانهای خاک













راهگشایی و حرکت رو به جلو، در شرایط متحول و بحرانی

در ۵ سال اخیر، بعد از حمله زرهی ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ در اشرف، در سالهای میلادی ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تا روز حمله موشکی ۷ آبان ۹۴، در مجموع نزدیک به ۹۰۰ نفر به خارج رفته‌اند که سالانه کمتر از ۲۰۰ نفر می‌شود. این کار با هزینه گزاف توسط مجاهدین انجام شده که سازمان ملل و ارگانه‌های ذیربط با جزئیات در جریان هستند. ممانعت، اخلال و سنگ اندازیهای رژیم در این پروسه، مستمراً توسط شورای ملی مقاومت افشا شده و تازگی ندارد. در بیانیه‌های سالیانه شورای ملی مقاومت، در اطلاعیه‌های جلسات میان دوره‌ای، در اطلاعیه‌های روزانه دبیرخانه شورا و کمیسیون امنیت، فاکت‌های متعدد در مورد سنگ اندازیهای رژیم از جمله تهدید آشکار کشورهای مختلف به انجام عملیات تروریستی، خاطر نشان شده است.

به‌عنوان مثال دو سال پیش در آغاز سال ۲۰۱۴ میلادی در اطلاعیه ۳۰ دی ۹۲ دبیرخانه شورا، تحت عنوان «اخلال و خرابکاری رژیم آخوندی و حکومت عراق در انتقال مجاهدین به کشورهای دیگر همراه با تشدید فشار و حملات موشکی بیشتر به لیبرتی، فراخوان به اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا توسط شورای امنیت ملل متحد برای امنیت لیبرتی» ۲۰ فاکت در این زمینه ارائه شده و در پایان نتیجه می‌گیرد:

«از آنجایی که حقایق فوق هیچ تردیدی در نیت شوم رژیم آخوندی و دولت دست‌نشانده‌اش در عراق برای نابودی ساکنان لیبرتی یا وادار کردن آنها به تسلیم باقی نمی‌گذارد، مقاومت ایران خواستار مداخله فوری آمریکا و ملل متحد و طرح موضوع در شورای امنیت و اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا برای تأمین امنیت و سلامت ساکنان تا زمان انتقال همه آنها به اروپا یا آمریکا است.»



اخلال و خرابکاری رژیم آخوندی و حکومت عراق در انتقال مجاهدین به کشورهای دیگر

همراه با تشدید فشار و حملات موشکی بیشتر به لیبرتی

**فراخوان به اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا توسط شورای امنیت
ملل متحد برای امنیت لیبرتی**

عکس‌العمل‌های زنجیره‌ای و هیستریک رژیم آخوندی و عوامل آن نسبت به معرفی مشاور ویژه دبیرکل ملل متحد برای انتقال ساکنان لیبرتی به سایر کشورها، بار دیگر این حقیقت را به اثبات می‌رساند که رژیم ایران نه تنها خواهان انتقال ساکنان لیبرتی به کشورهای ثالث نیست بلکه از هیچ تلاشی برای کارشکنی در آن فروگذار نمی‌کند.

خانم رجوی پیش از این بارها اعلام کرده است که هدف واقعی آخوندها این نیست که مجاهدین، اشرف یا عراق را ترک کنند؛ هدف، نابودی فیزیکی مجاهدین یا تسلیم آنهاست، گزینه سومی در کار نیست. (گردهمایی بزرگ ایرانیان اول تیر ۹۲، کنفرانس در مقر اروپایی ملل متحد ۲۸ شهریور، کنفرانس پاریس ۲۷ مهر ۹۲).

۱- رسانه‌های رژیم آخوندی، در یک خبر کلیشه‌یی از معرفی مشاور ویژه دبیرکل با خشم و عصبانیت یاد کردند و نوشتند: «بان کی‌مون، با تعیین معاون اسبق وزیر امنیت داخلی آمریکا به سمت مشاور ویژه خود در امور جابه‌جایی مجاهدین، عملاً جنایات این گروهک تروریستی در دو

کشور ایران و عراق را نادیده گرفت. وی به جین هال لوت مأموریت داده برای مجاهدین مکان‌یابی کند و آنها را در جای جدیدی مستقر نماید» (خبرگزاری سپاه پاسداران "فارس"، روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۷ دی).

۲- شمار دیگری از رسانه‌های رژیم نوشتند: «این اقدام سازمان ملل درست پس از حمله اخیر به لیبرتی انجام شد. با توجه به این که کشورهای ثالث حاضر به پذیرش این فرقه نیست. . . . لذا به نظر می‌رسد اقتناع سازمان ملل و کشورهای غربی برای توجه جدی به وضعیت این گروهک در کمپ لیبرتی و تسریع پذیرش آنها در کشورهای ثالث نیاز به پیگیری استراتژی مظلوم‌نمایی از جانب سرکردگان این گروهک است. از این لحاظ مجاهدین به هیچ وجه بدشان نمی‌آید حملاتی نیز به کمپ لیبرتی انجام شود و تعدادی نیز از مجاهدین قربانی شوند تا گروهک با پخش گسترده اخبار و تصاویر آن اروپا و آمریکا را نسبت به خروج مجاهدین از عراق و اسکان آنها در اروپا و آمریکا مجاب کند» (بولتن نیوز و جام نیوز ۱۷ دی). این یک سناریوی عاری از ابهام برای افزایش حملات جنایتکارانه علیه ساکنان لیبرتی است.

۳- نوذر شفیعی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس آخوندها در همین رابطه گفت این «اقدام سازمان ملل در محافظت از مجاهدین، آنها را تشویق به افزایش اقدامات تروریستی می‌کند. . . . این موضوع مغایر با اهداف کلی سازمان ملل به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. . . . قطعاً حضور منافقین در کشور ثالث اقدام اشتباهی خواهد بود، کشورهای مختلف برای تقویت مناسبات خود با تهران باید از پذیرش این گروه تروریستی خودداری کنند» (خبرگزاری مجلس رژیم - ۲۳ دی).

۴- شبکه خبر تلویزیون حکومتی در یک مقاله طولانی در سایت خود نوشت: «بان کی‌مون، به خانم "جین هال لوت" مأموریت داده تا برای مجاهدین در پی مکان جدیدی برای اسکان باشد. . . کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با هر آنچه نظم و امنیت جامعه جهانی را به

چالش می‌کشد، مهمترین رسالتی است که سازمان ملل متحد برای تحقق آن به‌وجود آمده است، نه یافتن سرپناه برای یک گروهک گانگستر و تروریست... قرار گرفتن سازمان ملل در کنار این گروه اعتبار این سازمان و دبیرکل سازمان ملل را لکه‌دار می‌کند» (۲۴ دی).

۵- طبق تصریحات رسانه‌های رژیم یکی از هدفهای اصلی سفر وزیر خارجه رژیم آخوندی به کشورهای منطقه جلوگیری از پذیرش ساکنان لیبرتی بوده است.

- محمد حسن آصفری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که از همراهان وزیر خارجه رژیم بوده است در این باره گفت: «ظریف در دیدار با مقامات اردنی نسبت به پذیرش اعضای مجاهدین موضع ایران را اعلام کرد» (خبرگزاری وزارت اطلاعات "مهر" - ۲۷ دی).

- وی هم چنین تأکید کرد: «در سفر به عمان نشستی با پادشاه، وزیر امور خارجه و نخست وزیر این کشور برگزار شد و در این دیدار جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد که کشور عمان نباید گروهک منافقین را برای حضور در این کشور بپذیرد» (سایت خانه ملت، وابسته به مجلس رژیم - ۲۹ دی).

- رسانه‌های رژیم آخوندی هم چنین نوشتند یکی از مهمترین مأموریت‌های وزیر خارجه رژیم در سفر به بغداد نیز «موضوع مجاهدین و تعیین تکلیف این فرقه بود» (بولتن نیوز - ۲۴ دی).

۶- رژیم آخوندها سفیران و نمایندگان خود را در کشورهای مختلف، به ویژه در اروپا موظف کرده تا مقامهای محل مأموریت خود را از پذیرش مجاهدان لیبرتی بر حذر داشته و تهدید کنند چنین اقدامی روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم ایران را به خطر خواهد انداخت. آنها با انتقال اطلاعات دروغ و گمراه کننده به مقامهای کشورهای مزبور، انتقال مجاهدین به این کشورها را باعث ناامنی و آشوب و اقدامهای تروریستی معرفی می‌کنند.

۷- در مهر ماه گذشته رسانه‌های رژیم نوشتند: «در پی انتشار خبر پذیرش ۹۷ تن در آلمان، گروههای متشکل از جدا شده‌های این سازمان

با ارسال نامه و ایمیل به مسئولان کلن و دولت آلمان با یادآوری اعمال خشونت‌آمیز اعضای این گروه نسبت به کنترل دقیق آنها هشدار دادند. . . و نام برخی تشکلهای در آلمان «که با ظاهر پوششی به فعالیت برای سازمان منافقین مشغولند» را به اطلاع این مقامات رساندند.

پیداست که نویسندگان این مطالب مأموران اطلاعات هستند که برای ساکنان لیبرتی اشک تمساح می‌ریزند و «رهبری مجاهدین» را متهم به تعلل در انتقال آنها به خارج عراق می‌کنند.

۸- در ۲۱ شهریور، حقیقت‌پور «نایب‌رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس» رژیم گفت: «امیدوارم کل کره زمین از لوٹ وجود مجاهدین پاک شود» (خبرگزاری نیروی قدس - تسنیم).

۹- در ۲۲ شهریور، آصفری عضو این کمیسیون گفت: «هر کشوری که به مجاهدین سکنی دهد ایران ارتباط خود را با آن قطع می‌کند» (تلویزیون رژیم).

۱۰- در ۲۳ شهریور، پاسدار-سرتیپ اسماعیل کوثری، عضو دیگر این کمیسیون گفت: «هیچ کشوری حق ندارد به صورت متمرکز آنها را بپذیرد تا سازمان منسجم خود را حفظ کنند. ما در مجلس پیگیری خواهیم کرد تا همه را تحویل ایران دهند» (خبرگزاری مهر).

۱۱- در ۲۵ شهریور، حسین نقوی، سخنگوی این کمیسیون اعلام کرد: «ایران نسبت به روابط خود با کشورهای پذیرنده منافقین تجدید نظر می‌کند» (باشگاه خبرنگاران وابسته به سپاه پاسداران). در روز ۲۳ شهریور امام جمعه‌های بسیاری از شهرها ضمن تقدیر از دولت عراق به خاطر حمله به اشرف گفتند: هیچ کشوری نباید مجاهدین را به پناهندگی قبول کند بلکه باید اینها را به جمهوری اسلامی تحویل دهند.

۱۲- روزنامه کیهان ارگان خامنه‌ای در روز ۳۰ شهریور با صراحت از سیاست دو وجهی رژیم آخوندی یعنی بالابردن فشار و سرکوب در لیبرتی و ممانعت از انتقال ساکنان پرده برداشت و نوشت: «دولت باید به طور

مستمر با مقامات عراقی در حال رایزنی برای اخراج کامل منافقین از خاک این کشور و تعطیلی کمپ لیبرتی باشد. با توجه به این که دولت مستقر در عراق روابط نزدیکی با ایران دارد انجام این مهم کار چندان سختی نیست». سخنگوی خامنه‌ای افزود «رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان باید این پیام صریح و قاطع را به دولتهای جهان و به خصوص کشورهای منطقه ارسال کنند که جمهوری اسلامی ایران هرگز به هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد این گروهک تروریستی را در خاک خود مستقر کند و در صورت چنین اقدامی باید منتظر عواقب سیاسی و اقتصادی و احیاناً امنیتی آن نیز باشد».

۱۳- پیش از آن نیز رژیم آخوندی برای جلوگیری از پذیرش مجاهدین در سایر کشورها بطور گسترده تلاش می‌کرد. منصور حقیقت‌پور، نایب رئیس کمیسیون امنیت مجلس آخوندها در روز ۲۸ اسفند ۹۱ گفت: در صورتی که آلبانی مجاهدین را بپذیرد، سفیر این کشور به وزارت خارجه احضار خواهد شد. وی تأکید کرد: این اقدام در سطح روابط تجاری دو کشور نیز تاثیر خواهد گذاشت (خبرگزاری مجلس رژیم - ۲۸ اسفند ۹۱).
۱۴- پس از انتقال اولین گروه به آلبانی تهدیدهای رژیم آخوندی ابعاد بیشتری به خود گرفت:

- تلویزیون حکومتی شبکه خبر در روز ۲۹ اردیبهشت تهدید کرد: «کارشناسان معتقدند، با حضور این عده در آلبانی، کشورهای بالکان در آینده شاهد بمب‌گذاریها و خرابکاریهای سودمند برای آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهد بود».

- روزنامه حکومتی قدس در همان روز به تهدید نخست‌وزیر آلبانی پرداخت و نوشت: «دستگاه دیپلماسی ما باید سالی بریشارا متوجه این رفتار خطرناک او در قبال کشور و مردمش و روابط دوجانبه‌اش با تهران بنماید».

- سید باقر حسینی، نماینده مجلس رژیم نیز در همان روز خطاب به دولت آلبانی گفت: مجاهدین «نه تنها برای منافع ملی آنها خطرناک است

بلکه می‌تواند برای کل منطقه مخاطره ایجاد کند» (خبرگزاری مجلس رژیم - ۲۹ اردیبهشت).

- محمد رضا ثانی، رئیس کمیسیون امنیت مجلس رژیم گفت: پذیرش مجاهدین... نه تنها وجهه‌ی برای آلبانی ندارد بلکه در دراز مدت برای این کشور تبعاتی امنیتی به همراه خواهد داشت (سایت خانه ملت وابسته به مجلس رژیم - ۳ تیر).

۱۵- خرابکاری رژیم در انتقال مجاهدین به کشورهای دیگر در حال است که با دولت دست نشانده و مأموران و مزدورانش در عراق برای اقدامهای سرکوبگرانه و حملات موشکی بیشتر علیه ساکنان لیبرتی برنامه‌ریزی می‌کند. در اطلاعیه ۲۹ آذر ۱۳۹۲ مقاومت خاطر نشان شده است مالکی در سفر به ایران با همه شرایط رژیم برای حمایت از دور سوم نخست وزیری اش از جمله موارد زیر موافقت کرده است.

- «آزادی عمل کامل اطلاعات و نیروی قدس در عراق علیه مجاهدان»

- «تشکیل یک مقر نیروی قدس در نزدیکی لیبرتی»

- «تشدید فشار و اقدامهای سرکوبگرانه علیه مجاهدین در لیبرتی»

۱۶- در اطلاعیه‌های دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در روزهای ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ دی طرحهای رژیم آخوندی و مالکی برای حمله و کشتار در لیبرتی فاش شده است. در این اطلاعیه‌ها تصریح شده است که نیروی قدس در هماهنگی با حکومت عراق درصدد حمله مجدد به لیبرتی با موشکهای بیشتر و قدرتمندتر است. شمار قابل توجهی از افسران نیروی قدس همراه با موشکهای حرارتی به فرودگاه بغداد وارد شده‌اند و هماهنگی برای انتقال موشکهای جدید و سکوهای پرتاب آنها توسط ارگان مشاور امنیت ملی مالکی انجام می‌شود. مالکی دستور داده است نیروهای «سوات» و لشگر کشیف، در حوالی لیبرتی مستقر و در صورت بحرانی شدن وضع علیه مجاهدین عمل کنند.

۱۷- در روز ۱۸ دی اطلاعات آخوندها اعلام کرد شرایط کنونی عراق

یک «فرصت استثنایی عراق برای نابودی همزمان داعش و سازمان مجاهدین» است. هابیلیان شعبه شناخته شده اطلاعات با سر هم بندی کردن اکاذیبی مانند اینکه مجاهدین «همیشه پشتیبان گروه های تروریستی مانند داعش بوده» نتیجه گیری کرد «ضروری است تا دولت عراق همزمان با تلاش برای نابودی تروریستهای القاعده، به طور جدی به فرصت مهم و ناب خشکاندن زمینه حمایت منافقین از این تروریستها بیاندیشد» (سایت وزارت اطلاعات «هابیلیان»)

۱۸- کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورا در روز ۱۳ دی اعلام کرد: به دنبال چهارمین حمله موشکی به لیبرتی، شعبه اطلاعات آخوندی موسوم به انجمن نجات و مزدوران آن، تحت عنوان خانواده ساکنان و به بهانه اطلاع از اسامی مجروحان، در صدد گردآوری اطلاعات جزئی تاکتیکی و عملیاتی از نتایج حمله ۵ دی، برای طراحی دقیقتر حملات بعدی هستند. پس از حمله، وزارت اطلاعات مأمورانش را موظف کرد با مکاتبه با سازمانهای بین المللی و ابراز نگرانی از سلامتی بستگانشان در لیبرتی خواستار «اعمال فشار بر رهبران سازمان مجاهدین برای اعلام اسامی زخمی‌ها» شوند.

۱۹- همزمان رژیم آخوندی تلاش می کند با فرستادن مزدوران خود به کشورهای اروپایی علاوه بر جاسوسی و پخش اطلاعات دروغ و شیطان سازی، راه انتقال مجاهدین به این کشورها را ببندد.

۲۰- اطلاعیه ۱۱ آذر کمیسیون امنیت فاش کرد یکی از همین مزدوران به نام احسان بیدی در روز ۲۴ مهر ۹۲ زیر عنوان پناهنده و «عضو سابق مجاهدین» با پاسپورت ایرانی به شماره ۱۶۳۵۹۰۷۲ وارد آلبانی شده است. این پاسپورت که از سوی وزارت اطلاعات و در روز ۸ بهمن ۱۳۹۱ صادر شده ۵ سال اعتبار دارد و به روشنی نشان می دهد پناهندگی در مورد این فرد هیچ موضوعیتی ندارد.

از آنجایی که حقایق فوق هیچ تردیدی در نیات شوم رژیم آخوندی و دولت دست نشانده اش در عراق برای نابودی ساکنان لیبرتی یا وادار کردن آنها به تسلیم باقی نمی‌گذارد، مقاومت ایران خواستار مداخله فوری آمریکا و ملل متحد و طرح موضوع در شورای امنیت و اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا برای تأمین امنیت و سلامت ساکنان تا زمان انتقال همه آنها به اروپا یا آمریکاست.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۳۰ دی ۱۳۹۲ (۲۰ ژانویه ۲۰۱۴)

علاوه بر رژیم، دو دولت پشتیبان آن با قراردادهای و باجهای کلانی که از جیب ملت ایران از رژیم گرفته بودند، مشخصاً آلبانی را تهدید می‌کردند که نباید کسی از این مجاهدین "مارکسیست اسلامی" و "خشونت‌طلب" و "سکت" دارای سابقه "تروریستی" را بپذیرد. مگر کسانی را که کوبلر و مأمورانش یا کمیساریا از هتل مهاجر بغداد لیست می‌دادند. جایی که تحت کنترل اطلاعات آخوندها و نیروی قدس بود.

حالا حرف مجاهدین چیست؟

طبق همان مثال تاریخی امام حسین که از تکرارش خسته نمی‌شویم، به‌شمر و یزید زمانه، یعنی به‌مالکی و خامنه می‌گویند: راه را باز کن تا همه بروند و همین امروز هم بروند و این جنگی است که تا پایان بین ما و رژیم ادامه دارد...

معلوم است و پیوسته گفته‌ایم که رژیم هم می‌خواهد ما را قتل‌عام کند و هم به‌گردن خودمان بیندازد. اما تا به حال شکست خورده است. در این مورد گفتنی و فاکت و نمونه زیاد است، اما الآن موضوع مبرم ما این نیست. موضوع مبرم، راهگشایی و حرکت روبه‌جلو، در وضعیت بحرانی و متغیر است. صورت مسأله این است که چگونه می‌توان دشمن را پس نشاند و غافلگیر کرد.

یادش به‌خیر، هم‌سنگر و یار وفادار، منصور قدرخواه، هنرمند عضو شورا که در پیامش در مورد فرمانده حسین ابریشمچی و یاران زنده و جاوید او که در ماهواره خوانده شد به‌مه‌دی (ابریشمچی) برادر بزرگتر حسین نوشته بود:

نشاید نشستن

نشاید خمیدن

نشاید که خفتن

و نوشته بود که لطفاً تسلیت و تبریک مرا بپذیرید با چشمانی پر از اشک و قلبی به‌شدت مجروح، شما را در آغوش می‌گیرم و به‌شما با تمام

وجود افتخار می‌کنم .

می‌بینید که صورت مسأله این است که آیا این مجاهدین بقیه راه را هم می‌توانند با همین صلابت و اقتدار و توانمندی و هوشیاری در این قطب‌بندی منطقه‌یی و جهانی طی کنند یا خیر؟

گوش کنید! ما همه گونه آتش و حرکت سیاسی در پیش داریم. مانور به معنای نظامی و علمی و سیاسی و فنی آن و نه به معنی ژست بی‌محتوا گرفتن؛ معلومست که در میان مین‌زار سیاسی و بین‌المللی حرکت می‌کنیم، معلومست که می‌خواهیم کاری بکنیم که تا آنجا که ممکن است رژیم منزوی بشود. می‌خواهیم کاری بکنیم که دشمن نتواند بهانه‌یی به نفع رژیم و علیه ما بگیرد. می‌خواهیم رژیم را در همه زمینه‌ها از غلط‌هایی که می‌کند، پشیمان کنیم.

راستی این کارها برای چیست؟ برای ارتش آزادی مردم ایران است. برای حفظ مؤسسان چهارم در وضعیت و ظرف مناسب است. برای سرنگونی است. آیا راه ساده و همواری در پیش داریم؟ خیر!

خوب می‌دانید که از سال ۸۲ تا امروز ۱۲ سال و ۹ ماه چه خون‌جگری خورده‌ایم. آیا یک روز و یک شب هم بوده که جنگی نداشته باشیم و آسوده بخوابیم؟ خیر! آیا کاری بوده که رژیم و سگ‌های زنجیری‌اش علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران نکرده باشند؟ خیر!

دشمن و عوامل آن در پوشش‌های مختلف می‌خواستند شما یا نابود، یا تسلیم شوید. اما شما شیطان ضدبشر را تابه‌حال واپس نشانده‌اید:

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ ۱۷

باشد که از این پس هم، چنین باشیم. باشد که در بالا و پایینی‌های

روزگار مجاهد بمانیم و مجاهد بمیریم...

بعد از حمله موشکی، رژیم و کمیته سرکوب مجاهدین در حکومت عراق به این چشم دوخته بودند که با قطع سوخت و لجستیک و حتی

ممانعت از تردد ماشینهای خدمات شهرداری خودمان، روحیه مجاهدین را تضعیف کنند تا بعد هم طبق معمول نوبت به خانواده وزارتت برسد. اما اینها دیگر برگهای سوخته است. برای حملات محتمل زمینی و هوایی هم باید آماده شویم.

ارزش کیفی هر شهید برای مجاهدین قابل اندازه گیری نیست. رژیم می خواست همه را قتل عام کند. اما کل آمار شهیدان و گروگانها و صدیقانی که در محاصره جان باختند، هم چنان که در نشست قبلی بحث شد، در مجموع در این ضرب الاجلها و سلسله حملات متعدد، کمتر از ۵ درصد بوده است. کاش هیچ شهیدی نمی داشتیم. اما این که خیلی بیشتر از این نشده ناشی از عنصر مجاهدی و ارزشهای انقلاب مریم است که سنگ بنای آمادگی و هوشیاری و جنگ صد برابر و باطل السحر همه توطئه هاست. مبارزه ایدئولوژیک به معنی جهاد اکبر در صدر همه جنگهای ماست. این جاست که باید به شورای مرکزی و به تشکیلات پولادین برادران درود فرستاد. چرا که در ۷ حمله سنگین و خونین ثابت کردند با دست خالی هم چه توانایی شگفتی دارند. بله، در کارزار تعیین کننده ای که در لیبرتی در جریان است. پیروزی پیشاپیش مبارک.

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا ... ۱۸

فصل سوم

خونهای شعله‌ور شهیدان
در پرتو مهر تابان
راهگشا در میانه طوفان

آماده باش
برای حرکت مؤسسان چهارم
بسوی پایگاه امن

۱۳۹۴آذر۲۸

سلام و درود به یکانهای آماده فدایی!

از نشست قبلی تا امروز دو هفته گذشته و در این مدت پشت سر هم وقایعی است که باید جمع بزنییم و نتیجه‌گیری کنیم و برای الزامات آن آماده باشیم. تقریباً دو هفته هم تا پایان سال میلادی باقیست. می‌خواهیم ببینیم چشم‌انداز سال ۲۰۱۶ میلادی و سال ۱۳۹۵ خودمان که ۳ ماه دیگر شروع می‌شود، چیست و چه تابلوهایی وجود دارد. برای این تابلوها باید پیشاپیش آمادگی ذهنی و عملی داشته باشیم. هدف این است که از دشمن جلو بیفتیم.

نگاهی به مهمترین وقایع در رابطه با مجاهدین

ابتدا وقایع و اخبار مربوط به خودمان را در فاصله دو نشست مرور کنیم. هر چند که همه در جریان هستید. اما چیدن خبرها به ترتیب توالی آنها پشت یکدیگر برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری لازم است.

۱- بعد از اجماع بین‌المللی علیه حمله موشکی، به‌راستی که خون شعله‌ور شهیدان در پرتو کارزار جهانی مهر تابان، باعث شده است که شما در لیبرتی یکی پس از دیگری خطوط قرمز رژیم را در هم بشکنید. از وادار کردن کمیته سرکوب به‌ورود ۱۰۰۰ دیوار قطور

سیمانی به‌عنوان سپر در برابر حملات موشکی بعدی تا ورود ماشین‌آلات در همین حد محدود و کیسه‌های شن که تا کنون ممنوع بود. حالا وحوش استخبارات که همان قاتلان مجاهدین هستند، شکایت کرده‌اند که مجاهدین ما را به‌داخل کمپ راه نمی‌دهند و به‌همین خاطر دوربینهای جدید جاسوسی نصب کرده‌اند تا ببینند چه خبر است!



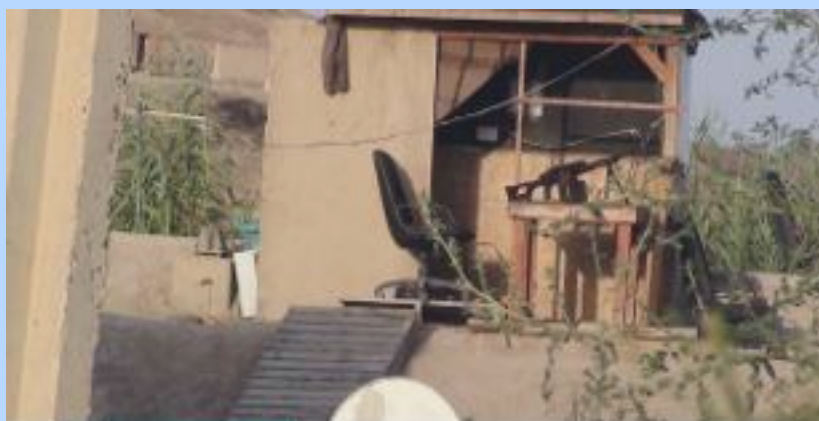




البته که آنها را راه نمی‌دهیم و این خط قرمز ماست و تابه‌حال هم هر وقت که استخبارات و دژخیمان آن خواستند وارد بشوند با تجمع و اعتراض و شعارهای مجاهدین مواجه شده و صرف‌نظر کرده‌اند. آنها خوب می‌دانند که عبور از این خط قرمز با عکس‌العمل برحق مجاهدین مواجه می‌شود. یعنی که درگیر می‌شویم، خلع سلاح می‌کنیم و اگر شلیک کردند ما هم با سلاحهای خودشان شلیک می‌کنیم تا حساب کار دستشان بیاید. بعد از آنچه در ۱۰ شهریور ۹۲ در اشرف گذشت دیگر در این زمینه شوخی نداریم. مجاهدین قیمت آن را می‌دانند و هر کس که قانون را نقض کند و پا از گلیمش فراتر بگذارد، بایستی بر جای خود بنشانند.

در لیبرتی در تمام شبانه‌روز راه برای بازدیدهای سرزده تیمها و مأموران یونامی و کمیساریا در همه جا باز است. علاوه بر این دورتادور قرارگاه را از داخل و خارج آن نیروهای پلیس و ارتش عراق فراگرفته‌اند و در چندین متری هر کس، یک پست پلیس یا ارتش مستقر است.









بنابراین آنچه ما به عراقیها اجازه می‌دهیم، در شبانه‌روز یک یا دو بار آمد و رفت پلیس فدرال در خیابان اصلی یعنی خیابان ۱۰۰ است. بیشتر از این، دیگر گشت حفاظتی و امنیتی نیست، جاسوسی و شناسایی و تدارک برای حملات بعدی موشکی یا زمینی است. وانگهی طبق ماده دوم قسمت سوم یادداشت تفاهم که به امضای کوبلر به‌عنوان نماینده دبیرکل و فالح فیاض به‌عنوان مشاور امنیتی حکومت عراق رسیده، افسران مسئول حفاظت مجاهدین طبق قوانین بین‌المللی باید زیر نظر ملل متحد آموزش ببینند.

Memorandum of Understanding
between the Government of the Republic of Iraq
and the United Nations

In accordance with the principle of the sovereignty of the Republic of Iraq and based on its Constitution; and

In compliance with its commitments under the rules of International Human Rights Law, and

In view of the Government of the Republic Iraq's decision to find a peaceful and durable solution by transferring the individuals of Camp New Iraq to the temporary transitional location (Camp Liberty), in preparation for their departure from the territory of the Republic of Iraq, and

In order to facilitate the repatriation to the home countries of those wishing to do so voluntarily or resettlement in other countries, and

Considering the impartial and facilitating role of the United Nations,

The Government of the Republic of Iraq and the United Nations agree to the following:

First: Mechanisms for Transport to the (Temporary) Transit Locations

A. The Government of the Republic of Iraq shall ensure the following:

1. The safety and security of the temporary transit location in the Yamama Hotel at Abu Nouras Street.
2. The safety and security of Camp Liberty.
3. Easy access for the UN to the temporary transit locations.
4. Safe transportation for the movement of individuals of Camp New Iraq to the temporary transit locations.

B. The Government of the Republic of Iraq shall facilitate the performance by United Nations of the following tasks:

1. Conduct of security assessments of Grizzly One, security units' location outside the Lion's Gate, the temporary transit location in Abu Al-Nurwas Street and in Camp Liberty (the final temporary transit location).

1


2. Monitor the transit process from Camp New Iraq to the temporary transit locations, including the departure of the residents from Camp New Iraq, their arrival and entry into Camp Liberty.
3. Monitor the temporary transit locations.

C. Those Camp New Iraq residents with passports and links to other countries will be treated as priority cases for the transfer to Camp Liberty.

Second: Verification Processes in Camp Liberty:

A. the UNHCR Verification processes aims at:


1. Identifying and recording the wishes of individuals (individuals of Camp New Iraq) either to return voluntarily to the Islamic Republic of Iraq or to depart to other countries.
2. Verifying the identification papers of the individuals of Camp New Iraq and registering them in its data base.
3. The verification process will be completed within a period not exceeding 3 weeks from the date that all necessary equipment for the conduct of the verification process is installed at Camp Liberty.

B. The Government of the Republic of Iraq agrees that UNHCR may carry out the verification process at Camp Liberty and shall facilitate its doing so.

Third: Management of the Temporary Transit Locations

A. The Government of the Republic of Iraq shall undertake the management of the temporary transit locations, and shall ensure the following:

1. The transit locations meet humanitarian and human rights standards.
2. The security of those accommodated at the transit locations and of United Nations personnel carrying out their duties at or near these locations, to be ensured through officers trained for this purpose with the assistance of the United Nations.
3. Accommodation infrastructure, hygiene facilities, medical care and facilities for religious observance while taking into consideration the "separation between the sexes" in Camp Liberty. The Government shall allow internal and external communication in accordance with the Iraqi laws.
4. The Government shall facilitate and allow the residents, at their own expense, to enter into bilateral contact with contractors for provision of life support and utilities such as water, food, communications, sanitation, and maintenance and rehabilitation equipment. The Government shall allow residents to move their individual movable assets from Camp New Iraq into Camp Liberty. The Government of the Republic of Iraq shall allow the entry of an adequate number of vehicles for transportation within the camp.



- B. The Government of the Republic of Iraq shall permit the United Nations to carry out monitoring of the human rights and humanitarian situation in the temporary transit locations and shall establish procedures for the reporting of complaints.

Fourth: Procedures at Camp Liberty

- A. The Government of the Republic of Iraq shall permit and facilitate UNHCR to conduct interviews with the residents of the Camp to identify their status in accordance with its mandate and its operational rules.
- B. The Government of the Republic of Iraq shall facilitate consular visits to the individuals of Camp New Iraq at Camp Liberty.

Fifth: The Repatriation or Resettlement of the individuals of Camp New Iraq

- A. The Government of the Republic of Iraq, with the assistance of the United Nations shall:
1. Request the Islamic Republic of Iran to provide assurances to returnees
 2. Facilitate the safe return to the Islamic Republic of Iran of those voluntarily wishing to return there at any time.
 3. Encourage diplomatic missions to repatriate individuals to the countries with which they are affiliated.
 4. Mobilize the international community to accept the individuals of Camp New Iraq in other countries.
 5. Identify persons from the Government of the Republic of Iraq who can be contacted in cases of emergency and who can be reached at anytime.
- B. The Government of the Republic of Iraq shall:
1. Accompany departing individuals of Camp New Iraq to the departure points or borders.
 2. Protect the security of United Nations personnel.
 3. Commit to *non-refoulement* of the individuals of Camp New Iraq to Iran.

Sixth: The Government of the Republic of Iraq shall ensure the substantial involvement of its Ministry of Human Rights in the process including the provision of a liaison officer from the Ministry of Human Rights 24/7 for referral of incidents to the Government of the Republic of Iraq for appropriate action.

Seventh: Determination of refugee status by UNHCR in accordance with its mandate does not necessarily entail conferral of refugee status by the Government of the Republic of Iraq.



Eighth: The Government of the Republic of Iraq and the United Nations shall consult with each other, at the request of either of them, on any difficulties, problems or matters of concern that may arise in the course of the implementation of this memorandum of understanding.

Ninth: This memorandum of understanding shall enter into force as of the date of its signature.

Tenth: This memorandum of understanding is concluded in two original copies in Arabic and English, each text being equally authentic.

DONE at Baghdad this 21 day of December, 2011 AD/ this _____ day of -
_____, _____ AH



First Party
The Government of the Republic of Iraq
Represented by

Fahih Al-Fayyadh
National Security Advisor



Second Party
The United Nations
Represented by

Martin Kobler
Special Representative
of the Secretary-General for Iraq

اما این ماده را کوبلر و فالح فیاض در عمل نقض کرده‌اند و باید در دادگاه بین‌المللی پاسخگو باشند. بنابراین دیگر درخواستهای اضافی و ورود قاتل و دزد و جاسوس به محلهای مجاهدین، نداریم و جلوی آن را می‌گیریم.

این را هم می‌دانیم که استخبارات پشت صحنه با پلیس فدرال به شدت درگیر و شاکی است که چرا با مجاهدین اینقدر سمپاتیک و محترمانه رفتار می‌کنند. واضح است که استخبارات در صدد بهانه‌گیری از پلیس اتحادیه و تغییر آن و جایگزین کردن آن با وحوش ۹ بدری و مزدوران نیروی قدس یا لشکر کثیف است اما مجاهدین نمی‌گذارند.

حالا اگر کمیته سرکوب می‌خواهد ببیند در داخل قرارگاه چه خبر است و مجاهدین چه می‌کنند و به همین خاطر دوربینهای جدید جاسوسی و آنتن‌های شنود هر چه بیشتر نصب کرده است، خیلی ساده و روشن می‌گوییم که :

- خبر در این‌جا، ایستادگی و قهرمانی و لشکرهای فدایی ۳۱۳ است.
- خبر در این‌جا، عزم جزم مجاهدین برای سرنگونی رژیم ولایت‌فقیه به هر قیمت است؛ هر چند هم به‌درازا بکشد.

۲- هم‌چنان که می‌دانید و دیدید در روزهای ۲۹ و ۳۰ آبان و اول آذر مزدوران صادراتی رژیم تحت عنوان خانواده مجاهدین با اسکورت وحوش استخبارات ۳ روز به‌لیبرتی آمدند و مجاهدین را محاصره کردند و با جست و خیزهای میمونی، هر چه خواستند دشنام دادند. به‌این موضوع در نشست قبلی اشاره کردیم. اما در آن زمان ما هنوز نامه وزارت خارجه آمریکا در این خصوص را دریافت نکرده بودیم که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.









مجاهدین هم مأموران قدس و اطلاعات آخوندی را به دقت شناسایی کردند تا زمانی که در برابر عدالت و قانون قرار بگیرند و به ازای مجاهدینی که در خون غلتیدند، به کیفر شایسته خود برسند.

فضیحت به حدی بود که برای پوشش دادن به مزدوران، یکی از مأموران رژیم در پارلمان عراق به نام ارشد صالحی و مزدور دیگری به نام همام حمودی از سپاه ۹ بدر پاسداران انقلاب اسلامی، در ۴ آذر آنها را به مجلس عراق بردند تا به قول خودش موضوع مجاهدین به پارلمان احاله و ارجاع شود. البته تمام مردم عراق می دانند تا آنجا که به رژیم آخوندها مربوط می شود، از پارلمان عراق چیزی مشابه اصطبل خبرگان و مجلس رژیم با «اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت فقیه» می خواهد ولاغیر.

۳- جمعه ۶ آذر، مشاور ارشد وزارت خارجه آمریکا در مورد انتقال و بازاسکان مجاهدین به نماینده مجاهدین درباره حضور مزدوران در لیبرتی تحت عنوان خانواده های مجاهدین نوشت:

Sent: Friday, November 27, 2015 3:40 PM

Subject: Security at Camp Hurriya

Thank you for writing me to express your concern about conditions at Camp Hurriya, which include both the ongoing security issues that have been identified by the Residents there and further concerns arising from recent visits of Iranians outside the Camp who say they are family members of those at the Camp.

The United States understands from the many letters we have received from members of the MEK, family members of the MEK, and supporters of the MEK, that the Residents view the presence of the Iranians outside the Camp as part of a campaign of intimidation and harassment of the Residents by agents of the Government of Iran. A number of the letters I have received have further stated that their presence may also be used as part of the preparation for further attacks on the Residents by agents of Iran.

Our government is deeply concerned about these allegations, as well as about the overall security risks at Camp Hurriya. The U.S. has repeatedly pressed both UNAMI and the Government of Iraq to take all appropriate steps to address the security deficiencies, and to ensure that the additional concerns expressed by the Residents are taken into account by the Iraqi government, which remains responsible for their safety. Our contact with the Iraqis over these issues is ongoing, and reflects the messages we have heard from the MEK and from its supporters.

Meanwhile, I continue to focus on my own area of responsibility which is to resettle as many people out of Camp Hurriya as possible, as quickly as possible, to other countries, as they cannot be made safe in Iraq. We have had some success. By the end of this year, we expect roughly one-third of all of the residents who had been at Camp Hurriya – more than 1000 people - to have been safely resettled out of the Middle East. We are working to accelerate the current pace of departures further, and are in ongoing discussions with all of those involved in the resettlements in an effort to resettle all of those remaining in Camp Hurriya during 2016. I cannot predict when we will succeed in this, I can only tell you we are working hard to achieve this.

Sincerely,

Senior Advisor for MEK Resettlement

U.S. Department of State

SBU

«...ایالات متحده از نامه‌های زیادی که از اعضای مجاهدین، اعضای خانواده‌های مجاهدین و هواداران مجاهدین دریافت کرده، این‌طور می‌فهمد که ساکنان، ایرانیانی که در بیرون کمپ هستند را بخشی از کارزار اذیت و آزار ساکنان توسط مأموران دولت ایران می‌دانند. تعدادی از نامه‌هایی که من دریافت کرده‌ام هم‌چنین نوشته‌اند که حضور این افراد ممکن است به‌عنوان بخشی از آماده‌سازی برای حملات بیشتر روی ساکنان، توسط مأموران ایران استفاده شود.

دولت ما عمیقاً نگران این اتهامات و هم‌چنین نگران خطرات عمومی امنیتی کمپ حریره است. آمریکا مستمراً یونامی و دولت عراق را تحت فشار قرار داده است تا قدم‌های مناسب را برای پرداختن به کمبودهای امنیتی بردارند و تضمین کنند دولت عراق که کماکان مسئول امنیت ساکنان است، به‌نگرانی‌های بیشتر که توسط آنها ابراز می‌شود، می‌پردازد. تماس ما با عراقی‌ها در مورد این موضوعات هم‌چنان ادامه دارد و منعکس‌کننده پیام‌هایی است که ما از مجاهدین و از هواداران آنها دریافت کرده‌ایم...».

۴- در روز ۹ آذر بیش از ۱۰۴۰ حقوقدان و وکیل مدافع، طی بیانیه‌یی حضور عوامل وزارت اطلاعات ایران، تحت پوشش دروغین خانواده مجاهدین در لیبرتی و پارلمان عراق را افشا و محکوم کردند. حقوقدانان در بیانیه خود گفته‌اند:

«انتقال گروهی از عناصر وزارت اطلاعات ایران، تحت پوشش دروغین خانواده ساکنان لیبرتی در روز ۲۵ نوامبر به پارلمان عراق که توسط فالح الفیاض و عباس البیاتی از عوامل شناخته شده رژیم ایران در پارلمان عراق که در همدستی آشکار با سفارت رژیم ایران در بغداد صورت گرفت، بر اساس تجربیات خونین گذشته، یک اقدام غیرقانونی و قطعاً به‌منظور زمینه‌سازی سیاسی برای مشروع جلوه دادن اقدامات تروریستی احتمالی بعدی علیه لیبرتی است...»

همام حمودی که برای به اصطلاح خانواده‌های ساکنان کمپ لیبرتی دل می‌سوزاند، چرا از موضع نایب اول رئیس پارلمان عراق، موشکباران جنایتکارانه علیه کمپ لیبرتی در ۲۹ اکتبر گذشته را که منجر به کشته شدن ۲۴ تن و مجروح شدن قریب به یکصد تن شد را محکوم نکرد؟ خانواده‌های واقعی ساکنان اشرف و لیبرتی از اول ژانویه ۲۰۰۹ که نیروهای نخست‌وزیر سابق عراق مسئولیت حفاظت اشرف را از نیروهای آمریکایی تحویل گرفتند در سراسر جهان در انتظار اخذ ویزا برای سفر به عراق جهت دیدار عزیزانشان هستند، ولی چرا سفارتخانه‌های عراق از دادن ویزا به آنها خودداری می‌کنند؟ هم‌اکنون ۴۰۰ نفر از این خانواده‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکا در انتظار اخذ ویزا برای سفر به عراق و دیدار عزیزانشان در لیبرتی هستند.

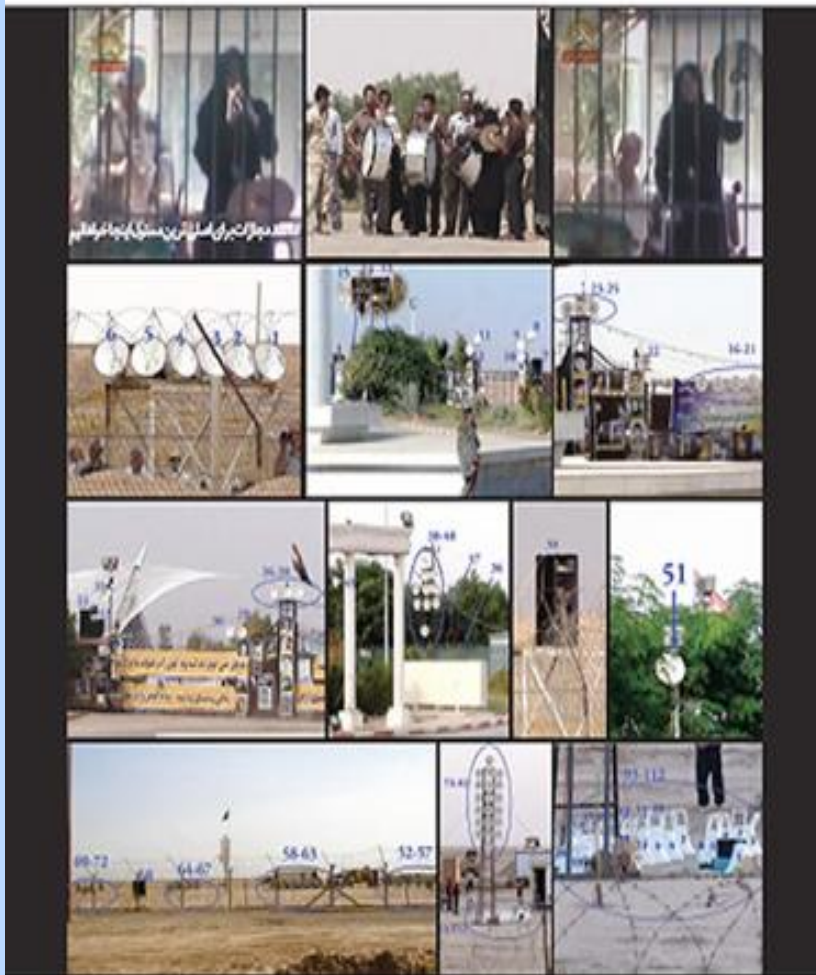
قدر مسلم این است که همام حمودی نه به قوانین و عرف بین‌الملل و نه به قوانین عراق التزام ندارد. اگر ملتزم بود این کار غیرقانونی را مرتکب نمی‌شد. کسانی که حمودی به عنوان خانواده با آنها دیدار داشته، زمینه‌ساز چند کشتار ساکنان بی‌دفاع اشرف و لیبرتی توسط ایادی رژیم ایران بوده‌اند. آخرین آن در شامگاه پنجشنبه ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ بود...

ما از وزارت خارجه عراق می‌خواهیم که تسهیلات لازم برای ورود نمایندگان «کمیته در جستجوی عدالت» به ریاست پروفیسور الخو ویدآل کوادراس، عالیجناب استیونسون مسئول بنیاد اروپایی برای آزادی عراق، نمایندگان از تجمع حقوقدانان مستقل عراقی، نماینده هیأت عربی - اسلامی، به ریاست نخست‌وزیر سید احمد غزالی را فراهم سازد».

بله، حالا دیگر همه دنیا، از عراق تا آمریکا و مخصوصاً در داخل ایران، پس از کشتارهای اشرف و لیبرتی، ۶ سال بعد از بازی کثیف مزدوران ارتجاع، تحت عنوان خانواده مجاهدین، به روشنی می‌دانند که این ترفند اطلاعات بدنام آخوندها و انجمن‌های نجاست همین اطلاعات است.

خانواده مجاهدین یا مزدوران ارتجاع؟

پیام به مجاهدان شهر شرف - مسعود رجوی



قاتلان و دژخیمان مجاهدان اشرف و خلقهای ایران و عراق



شاخص خانوادهٔ مجاهدین؛ مشوق مبارزه با شاه و شیخ

خون مجاهدین در اشرف و لیبرتی، مرز سرخ میان مزدوران ارتجاع و خانواده مجاهدین را به برجسته‌ترین صورت ترسیم کرده و دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند خود را در این زمینه به‌نافهمی بزند.

هر کس که می‌خواهد یک نفر از مجاهدین یعنی نیروی جنگندهٔ ضد رژیم ببرد و نادم و تسلیم شود، بدون شک، بالفعل در جبهه رژیم و همخط این رژیم است.

در مقابل خانوادهٔ حقیقی مجاهدین از همان سال ۱۳۵۰ و اولین دادگاه علنی تا امروز کسی است که مشوق مبارزه مجاهدین با شاه و شیخ بوده است. از مادر و پدر رضایی‌های شهید تا مادر و پدر ناصر صادق و هزاران و هزاران ناصر و صادق دیگر...

صحبت‌های دو هفته پیش دکتر ملکی نخستین رئیس دانشگاه تهران بعد از انقلاب ضد سلطنتی بر سر مزار مادر داعی، هر آدم باوجدان و با شرفی را می‌خکوب و مو بر اندامش راست می‌کند. این هم یکی دیگر از آثار شعله‌ور شدن خون شهیدان، از لیبرتی تا قلب تهران و سراسر ایران است. ضمناً او از طرف شما قول داد که تا دو ماه دیگر لیبرتی را زیباتر از اول می‌سازید. گوش کنید که خط قرمز بین خانوادهٔ مجاهدین و مزدوران ارتجاع را چقدر رسا و گویا ترسیم می‌کند:

در وصف این زنی که، انسانی که در طول زندگیش واقعاً زینبی زیست چی بگویم. واقعاً زینبی زیست و فرزندان تربیت کرده تحویل جامعه داده، نه تنها فرزندان خودش، بلکه خیلی از بچه‌هایی که آن طرف مرز هستند، زیر موشک هستند، زیر هزاران گرفتاری هستند و مشکلات. ولی مثل کوه ایستاده‌اند، اینها فرزندان این مادر هستند. چه سعادت‌ی! خیلیها می‌آن به‌این دنیا زندگی می‌کنند و لذت می‌برند و می‌روند، اما لذتی که این‌گونه مادران می‌برند، نوع دیگری است.

مادر!... (خطاب به‌مادر).

من چی بگم از محبت‌های تو، از حرف‌های تو وقتی که می‌تونستی حرف بزنی، از

شناخت تو، استعداد تو، از مغز تو که تا آخرین لحظه کار می‌کرد و فعال بود. فقط می‌گم که بعد از تو خیل‌یها یتیم شدند. می‌گن انسان بعد از مرگ مادرش یتیم می‌شه، ما واقعا یتیم شدیم.

تو زینب‌گونه زیستی. تو زینب‌گونه زیستی و جزء زینب‌های زمان بودی. حرف‌های من را گوش کنند و ضبط کنند آنهایی که مأمور این کار هستند! بله من با صدای بلند می‌گویم تو زینب‌گونه زیستی و زینب زمان خودت بودی. مثل هزاران مثل تو. مثل مادر دشتی که دو سه روز قبل از تو رفت. رفت آنجا را برای تو آماده کند.

من اجازه می‌خواهم از طرف خانواده، از همه تون تشکر کنم از همه که با مشکلات آمدند و در تشییع این زینب زمان شرکت کردند و من دیشب هم در مجلس خانم دشتی گفتم نگران نباشید! جامعه ما با تمام مشکلات و فسادش و حاکمیتی که جز به فسادپروری کاری ندارد، مرتب زینب‌ها و حسین‌ها به وجود می‌آیند. ۵۰ سال شاه و شیخ سعی کردند که این شجره را بخشکانند، ولی مگر می‌شود؟

یاد جمله ای افتادم از حضرت آیت‌الله منتظری که در نامه‌یی به خمینی نوشته بود؛ مطمئن باشید که با کشتن؛ فکر از بین نمی‌رود. این همه کشتید، این همه زدید، این همه بریدید!

تبر زدی، تبر زدی، تبر زدی، تبر زدی، بر تن بی‌سپر زدی، دیگه وقتی دیدی اینها کافی نیست با ۸۰ موشک فکر کردی همه چیز را از بین می‌بری؛ اما مطمئن باش، مطمئن باش تا یکی دو ماه دیگر لیبرتی از اولش هم زیباتر و بهتر و قشنگ‌تر خواهد شد. تا هستند کسانی که دلشان به حال این ملت می‌سوزد و تا هستند کسانی که فریاد می‌زنند؛ زگهواره تا گور دانش بجوی! و دانش را بر می‌دارند و می‌گویند ز گهواره تا گور آزادی بجوی!

آن دانشی که در کنارش آزادی نباشد، دانش نیست. در دانشگاهی که به اصطلاح خیلی استاد و دانشمند وجود داره، اما کوچکترین توجهی به وضع فلاکت‌بار و غم‌انگیز جامعه ندارد و دزدیها و چپاولگریها را می‌بینند و سکوت می‌کنند. بله در این جامعه باز هم باید گفت: ز گهواره تا گور آزادی بجوی!

چون اگر آزادی نباشد، در جامعه‌یی که آزادی نباشد همین است که می‌بینید، دزدی و فساد و فحشا

و امام حسین و زینب همه چیز خودشان را فدا کردند به خاطر آزادی و فریاد زدند؛ هیئات منا الذله!

و می بینیم که در طول تاریخ حسین‌ها و زینب‌ها سربلند هستند.
من بار دیگر از طرف خانواده تشکر می‌کنم از شما.

۵- در روز ۱۶ آذر ۱۷۰ نماینده پارلمان اروپا در یک بیانیه بسیار قوی که ۵ ماده دارد به دفاع از امنیت و حفاظت مجاهدان لیبرتی برخاستند و خاطرنشان کردند که رژیم ابتدا تحت پوشش خانواده‌های وزارتی برای حمله موشکی زمینه‌سازی کرد.

- در این بیانیه صراحتاً از فالح فیاض اسم برده شده که در قتل عامهای اشرف و حملات به لیبرتی دست داشته و هم‌چنین از سرهنگ صادق محمد کاظم که به دلیل داشتن در جنایت، در اشرف و لیبرتی قبلاً در سفر به پاریس هم دستگیر و بازجویی شده بود.

- اعلام کرده‌اند که طبق دو نظریه کارگروه بازداشتهای خودسرانه ملل متحد، لیبرتی در حکم یک بازداشتگاه است.

- از اعضای ائتلاف بین‌المللی، نماینده عالی اتحادیه اروپا، دولت عراق و سازمان ملل خواسته‌اند با الزامات ضروری، امنیت و سلامت ساکنان را تضمین و لیبرتی را در حوزه حفاظت هوایی ائتلاف بین‌المللی قرار بدهند.
- هم‌چنین محاصره لیبرتی باید لغو شود. دسترسی آزادانه به خدمات پزشکی و وکیل و تحقیق درباره جنایت ۷آبان و حملات قبلی در اشرف و لیبرتی به عمل بیاید. دولت عراق باید حق مالکیت ساکنان را بر اموالشان در اشرف به رسمیت بشناسد تا بتوانند اموالشان را بفروشند و اگر به سرقت رفته، دولت عراق باید غرامت آن را بدهد.

در متن بیانیه دقت کنید، مخصوصاً آنجا که می‌گوید: مسئولان حمله ۷آبان باید پای میز عدالت بیایند و این همان کاری است که باید یكروز انجام بدهید.



Statement on Camp Liberty

December 2015

On 29 October 2015 Camp Liberty in Iraq where over 2000 defenceless Iraqis reside, was targeted with dozens of rockets and missiles.

This attack claimed the lives of 14 defenceless residents and many were seriously wounded. Camp Liberty is situated in a well-protected zone next to the Baghdad airport and such a large-scale attack, without the active involvement of the Iraqi security forces, is unlikely. This brutal attack was condemned internationally by UN, US and the EU but not by Iraq itself which has not even allowed the entry of necessary machinery to remove the damaged trailers after the attack. Also, for several days Iraq stopped the entry of food, medicine and sanitation vehicles.

In preparation for this rocket attack, months before, a group of intelligence and Quds Force agents - pretending to be relatives of the residents - were taken to the gates of the Camp for harassment and reconnaissance operations. A new group of these agents were sent to the gates of Liberty again on 20 November 2015.

This was the seventh lethal attack on these refugees as a result of which 141 people have been killed so far. Liberty is also suffering from a cruel medical siege imposed by Iraqi government which has led to the death of 27 of the residents.

These Iranian opposition members were moved in 2012 from Camp Ashraf to Camp Liberty which is being controlled by Iraq's national security adviser Faleh Fayyadh who was appointed during Maliki's government and is known for his close ties to Iran. He, along with other officers who run the camp, have all had active roles in previous massacres.

One of these officers, Colonel Hadiq Mohammed, was sent as part of an Iraqi delegation to Europe in 2012. He was prevented from entering the European Parliament in Brussels because of his role in those crimes and was later arrested and questioned in Paris.

According to two separate findings by the UN Working Group on Arbitrary Detention, conditions in Camp Liberty are those of a "detention centre."

We urge the EU High Representative, the Member states, United States, Iraq and United Nations the following:

- 1- Ensure the health and safety of the residents and the supply of security requirements such as necessary amount of protective T-walls and sand bags etc. We urge the international coalition to put Camp Liberty under its aerial protection.
- 2- Remove the person responsible for Camp Liberty's management, Faleh Fayyadh, and replace him and his men with impartial individuals. The transfer of Iranian agents to Camp Liberty's gates under any circumstances must be avoided.
- 3- Remove the complete siege of the camp and allow the residents the freedom of movement and free access to medical services and lawyers.
- 4- The Iraqi government must recognize the residents' rights of ownership and allow them to sell their property in Ashraf or compensate them financially so they can accelerate the process of resettlement.
- 5- The United Nations must launch an investigation into the 29 October attack and the perpetrators be brought to justice.

LNL MEP signatories: Gérard DEPREZ, Chair, Friends of a Free Iran; Bernard CZARNECKI EP Vice President; Malvaud MCGUINNESS EP Vice President; Lena ADAMIUSSON; Isabella ADINOLFI; Marco AFFONTE; Leira AGEA; Daniela ABUJO; Nadhem ALI; Richard ASHWORTH; George BACH; Epantera BALCYIUS; Beatrix BECKERA; Beate E. BECKER; Tiziana BEGHIN; Eva BELDER; Beate BENDISEM; Beate BENEKE; Göttrik BETTEN; Isaksson BILBAO; Váňa BLINKEVIČIUTE; Franz BOGAVIC; David BORRELLI; José BOVE; Mercedes BRESSO; Cristian BUDOI; Enrique CALVIET GRAMMON; Nicola CAPUTO; David CASA; Fabio Massimo CASTALDO; Jean-Marie CAVADA; Ole CHRISTENSEN; Sergio COFFERATI; Ignazio CORRAO; Silva COSTA; Andrea COZZOLINO; Fali CSÁKY; Edward CZESAK; Daniel DALTON; Bess D'AMATO; Paolo DE CASTRO; Isabella DE MONTE; Ander DELI; Mark DEMESMAEKER; Tiziana DEITSCH; Nij DEVA; Mircea DRACONESI; Elisaveta EUI; José Ignacio FARRIA; Fredrick FEDERLEY; José Manuel FERNANDES; Ashley FOX; Noraya GABRIEL; Arne GERHKE; Lena GEHUNGER; Juan Carlos GERAULT; VIDAL; Jule GIRLING; Charles GOERENS; Sylvia GOULARD; Nathalie GRIESEBCK; Tilde HADJIGEOORGIOU; Marian HARKIN; Anna HEDH; Bogdan HELMER; Szigmonor HETMAN; Gunnar HÖGSMAR; Dariusz HUBNER; Marek JUREK; Riisa KARI; Tunne KELAM; Jule KISTON; DABLING; Jeppe KNUD; Andrew KOWALCHEV; Bernd KULMEL; Sotirios KRASNOUCHNIK; Edward KUKAN; Dignaviv KUČMIČEK; Maria KYLLÖNEN; Oskariin LANDSBERGGS; Margu LAURISTIN; Patrick LEHYARIC; Andrew LEWER; Boguslaw LIBERADZKI; Juan Francisco LÓPEZ AGUILAR; Elżbieta LIUKACIJEWSKA; Montse MACOVEI; Ivana MALETIC; Irastoin; MALINOS; Vladimir MANKA; Fernando MAURA; Emma NICOLARSKI; Anthea NICHTVISE; Miriam NIESSENCHINDT; Lena NIEMI; Mircea NIKOLAIK; Claude MORLAIX; Luigi MORGANO; Jón NIELSEN; Norica NICOLAI; Stanislav OŽOG; Mado PALAZAURTUNDUA; Raluca PARAS; Pierluigi PEDICINI; Marijana PETRIN; Bobolav PIECHA; Sirpa PIETIKÄINEN; Andrej PLEKŠIČIČ; Marek PŁUBA; Stanislav POLJAK; Sonara POST; Jono RAINO; Mikael RANSSBOM; Frederique RIES; Dominique RIQUET; Robert ROCHFORT; Petri SAHVANAA; Jacek SARYUSZ-WOLSKI; Algisas SAUDARGAS; Elena Štěr. SCHLEIN; Sára SIMON; Branislav SKRIPK; Csaba SÓGOR; Sjur STAES; Jozefína STARBATTY; Ivan STEFANEC; Jozsef STEJINA; Hilda STEVENS; Darce STIER; Catherine STIBLER; Eufrosina SUGA; Richard SULIK; Pavlaja SULIK; Tibor SZANYI; Hanna TARKKULA; Doris TAMBRUNANO; Eleni THEODORAKOU; Patricia TOJA; László TÓRÖS; Rada TOMASIK; Rozana TOMC; Evgeni TOSENOVSKIY; Ramon TREMOSA; Mihai TURCANU; Sushant UJAZDOWSKI; Teodan UNCUREANU; Vladimir CRUTOVEV; Ivajca VALJIC; Marco VALLI; Wim VAN DE CAMP; Geoffrey VAN ORDEN; Marie-Christine VERGIAT; Jule WARD; Beate WEBER; Glenn WILDMOTT; Inge WINKLER; Jozsefa WISNIEWSKA; Janusz WOJCIKOWSKI; Anna ZABOŃSKA; Jan ZACHRADIL; Boris ZALA; Marco ZANNE; Tomáš ZDECHOVSKÝ; Janusz ZEMKE; Roberts ZILE; Jana ŽITNANSKÁ; Keesa ZLOTOWSKI; Marco ZULLO; Nina ZYER

می بینید که خون شهدا شعله می‌کشد و مریم آن را به‌عالیترین صورت، به‌کمر بند ایمنی و حفاظتی برای لیبرتی تبدیل کرده است. باز هم همان آیه یادم آمد در مورد ملائکه‌یی که مجاهدین را احاطه کرده و سپر آنها شده‌اند.

خدایا به‌حق شهیدان، سجده شکر مجاهدین را با تعهد هر چه بیشتر به‌انقلاب پذیرا باش، تا در فرمول طلایی هم، هر چه هوشیارتر و آماده‌تر شوند.

۶- در روز ۱۷ آذر سناتور لیبرمن کاندیدای معاون ریاست جمهوری آمریکا (سال ۲۰۰۰) به‌طور فوق‌العاده به‌دیدار مریم رفت.



لیبرمن، با اشاره به‌نقش سازمان مجاهدین که معرف یک اسلام دموکراتیک و بردبار هستند، بر نقش تعیین‌کننده جنبش مقاومت ایران به‌عنوان «راه‌حل» تأکید کرد و گفت: من تردیدی ندارم که تغییر در ایران روند تحولات در کل منطقه را تغییر خواهد داد.

«نمی‌توانم به‌شما بگویم چقدر خوشحالم که می‌توانم این‌جا حضور داشته باشم و در این یادبود بسیار پرمعنای روز جهانی حقوق بشر شرکت داشته باشم. اما هم‌چنین به‌دلیل این‌که این یک لحظه بسیار مهم در تاریخ است. چون به‌نظر می‌رسد جهان خیلی بی‌ثبات است. به‌نظر من و شما می‌توانیم از یکدیگر قوت قلب بگیریم و به‌طور خاص از

رهبری خانم رجوی و مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران، تا نقشی حتی بزرگتر در خط مقدم احیای ثبات، عدالت و صلح در جهان، ایفا کنیم. این را با ایجاد تغییر در دولت ایران انجام می‌دهیم.

هر جا که به جهان نگاه کنیم به نظر می‌رسد اوضاع آشفته است. مرگبارترین تهدیدی که جهان امروز با آن مواجه است از جانب بنیادگرایی اسلامی و تروریسم است. مهمترین و تهدیدآمیزترین پایتخت آن در رقه در سوریه نیست، بلکه در تهران در ایران است. به این دلیل است که در منافع و ارزشهایی که در آن مشترک هستیم و امنیت، ثبات و صلح جهانی که برای آن دعا می‌کنیم، باید این مبارزه برای تغییر دولت در ایران را ادامه دهیم. شما در شورای ملی مقاومت ایران به این حقیقت اشراف دارید. به لحاظ بین‌المللی تحت رهبری خانم رجوی هستید و همه شما در کشورهای که در آن کار می‌کنید، نقشی رهبری‌کننده ایفا می‌کنید، شما علیه سیاستها و ارزشهای افراطی رژیم در تهران جنگیده‌اید. آمریکا و متحدین ما در اروپا باید از شورای ملی مقاومت ایران حمایت و آن را تقویت کنند، بسیار بیشتر از آنچه که برخی دولتها کرده‌اند. نه تنها به دلیل این که شما دشمن دشمن ما هستید؛ خیر، بسیار بیشتر از آن. به دلیل این که شما در مبارزه برای آزادی، دوستان ما هستید. متحد ما در جنگ علیه بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریسم و اگر بخواهم کلمات درستی که خانم رجوی استفاده کرد را بکار ببرم؛ خواهان و برادران ما در تلاش برای صلح.

...واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران مانند داعش از ارزشهای ما متنفر است، دارای همان دیدگاههای افراطی مذهبی است و از همان روشهای تروریستی استفاده می‌کند.

امروز اختلاف بزرگ میان افراط‌گرایی شیعه و افراط‌گرایی سنی از یک طرف، یعنی افراطی‌هایی مانند رژیم ایران، القاعده و داعش. در طرف دیگر مدره‌ها قرار دارند، افرادی که دیدگاه بسیار متفاوتی از اسلام دارند، مانند شورای ملی مقاومت ایران، کشورهای خلیج، مصر و اندونزی.

خانم رجوی، شما و رهبران شورای ملی مقاومت ایران و مجاهدین خلق به‌عنوان یک نیروی قدرتمند برای یک اسلام بر اساس ارزشهای روز، بردبار و غیرخشونت‌بار ظهور کرده‌اید. نیرویی که بسیاری در جهان اسلام که مخالف خشونت هستند، مدت‌هاست به‌دنبال آن بوده‌اند. جهان متمدن بیش از هر زمان دیگر به‌شما نیاز دارد. ما در برهه‌یی از تاریخ هستیم که فکر می‌کنم تاریخ‌دانها این‌گونه آن را دوران پس از توافق هسته‌یی ایران توصیف کنند. من به‌شما می‌گویم عقیده من این است که آن توافق، همهٔ نقاط مشکل‌آفرین در جهان را بسا بدتر کرد، چرا که متحدین ما احساس راحتی [نمی‌کنند]. دشمنان ما هم احساس جری‌تر شدن می‌کنند...

همان‌طور که خانم رجوی گفتند، چشمان و گوشها هنوز بسته هستند. من امروز به‌همکاران سابق در کنگره فراخوان می‌دهم تا روشی از طریق اختیارات نظارت در کنگره بیابند که تحریمها تا زمانی که رژیم ایران به‌ما نشان دهد به‌قولهای خود نسبت به‌باقیمانده توافق پایبند خواهد بود، لغو نشود.

من از شما رهبران اروپا و دیگر نقاط جهان می‌خواهم که همین درخواست را از دولت‌ها و اعضای پارلمان‌های خود بکنید.

دولت ایران، جمهوری اسلامی ایران، ملایان روشن ساخته‌اند که دشمنان ما هستند. نه تنها دشمنان مجاهدین، در حالی که شما در خط نبرد هستید، نه تنها دشمنان آمریکا و اروپا، بلکه دشمنان ارزشهایی که ما آنها را گرامی می‌داریم...

رهبر شما، خانم رجوی، یک فرد اصولی، بردبار و انگیزاننده است. بسیار مهم است که بگوییم او یک زن مذهبی است و از جانب یک اسلام بردبار و مبتنی بر محبت سخن می‌گوید که در واقع قلب اسلام است. این یک دین بزرگ است که توسط یک اقلیت افراطی، بنیادگرا و تروریست اشغال شده است. چطور کسی می‌تواند به‌نام خدا، خالق همه ما، حامدانه به‌کشتار افراد بپردازد، یعنی به‌نحوی که ملایان در تهران خیلی از مردم ایران و مردمان دیگر را از طریق تروریسم کشته‌اند. من به‌این زن قهرمان می‌نگرم که ۸ تن از فرزندان خود را در نبرد برای آزادی از دست داده است.

..اجازه دهید با نکاتی شخصی، به تک تک شما حرفه‌ایم را به پایان برسانم. شما درگیر یک نبرد طولانی برای یک آرمان بزرگ هستید، یعنی نجات یک کشور بزرگ از چنگالهای ظلم. می‌دانم که شما عمیقاً به این آرمان معتقد هستید و خیلی رنجها و شکنجه‌ها را در این مسیر تحمل کرده‌اید. در عزم جزم خود شک نکنید. امید خود را از دست ندهید. هرگز، هرگز، هرگز به شکست تن ندهید! از تاریخ قوت قلب بگیرید و این باید به شما اعتماد به نفس بدهد. حرفه‌ای دکتر مارتین لوتر کینگ را به یاد بیاورید که گفت منحنی اخلاق هستی، به کندی خم می‌شود، اما همواره به سمت عدالت می‌رود. همواره به کلمات بسیار اندیشمند انسان‌شناس بزرگ مارگارت مید توجه کنید که گفت هرگز ظرفیت یک گروه کوچک افراد عادی برای تغییر جهان را دستکم نگیرید. در واقع این تنها روشی است که تاکنون این امر صورت گرفته است.

من هم پیش‌بینی می‌کنم که در دوران ما هم جمهوری اسلامی ایران با سرعتی خیره‌کننده سقوط خواهد کرد. شما در شورای ملی مقاومت ایران در محقق نمودن این مسأله کمک خواهید کرد.

خانم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت! خانمها و آقایان! این جایی است که نامه‌های شما در آن قرار خواهد گرفت و به آن تعلق دارد، در کنار قهرمانان و شهدای کمپ لیبرتی و بسیاری دیگر که جنگیده و خواهند جنگید، برای رهایی مردم ایران. امروز صرفاً می‌خواهم از صمیم قلب از شما تشکر کنم که در خدمت یک آرمان بزرگ عمل کرده‌اید، یعنی آرمان مردم ایران، اما به‌طور واقع، این آرمان همه مردمان آزادیخواه در جهان است. امروز قول حمایت پایدار از شما را می‌دهم، تا هنگامی که رژیم بنیادگرای ایران از بین برود و پیروزی برای آزادی مردم ایران محقق شود.

باز هم سلام بر شهیدان و خون‌شعله‌وری که پیوسته فروزان تر می‌شود

۷- و اینهم جوابیه دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلستان به اسقف آدریان نیومن نماینده برجسته کلیسا و بقیه اسقفها که در مورد حمله به لیبرتی شدیداً اعتراض کرده بودند.

تاریخ جوابیه ۱۱ آذر است. اما ما به‌تازگی دریافت کرده‌ایم:



اسقف گرامی!

من قویا این حمله شرم‌آور علیه غیرنظامیان ساکن کمپ لیبرتی را محکوم می‌کنم.

مقامات ما در سفارت انگلستان در بغداد، این واقعه را با دفتر نخست‌وزیر عراق در ۳۰ اکتبر مطرح کردند و اهمیت یک تحقیقات فوری و جامع در مورد این واقعه و اطمینان از این‌که تمامی کسانی که مسئول این کار بودند به عدالت سپرده شوند را روشن ساختند. دولت عراق تایید کرد که یک تحقیقات بلافاصله پس از این واقعه آغاز شده است.

در تمامی روابط انگلستان با عراق در مورد این موضوع، از جمله در سطح وزیر و در بیانیه‌ها، ما مستمراً بر مسئولیت دولت عراق در تضمین امنیت و بهزیستی ساکنان کمپ لیبرتی تاکید کردیم. ما از فراخوانهای سازمان ملل برای انجام کارهای بیشتر به منظور حفاظت از آنها حمایت می‌کنیم...



10 DOWNING STREET
LONDON SW1A 3AA

THE PRIME MINISTER

2 December 2015

David Bishop

Thank you for your letter of 30 October concerning the attack on Camp Liberty in Iraq on 29 October.

I strongly condemn the shameful attack on the civilian residents of Camp Liberty. Our officials at the British Embassy in Baghdad raised the incident with the office of the Iraqi Prime Minister on 30 October, making clear the importance of an urgent and comprehensive investigation into the event and of ensuring that all those responsible are brought to justice. The Iraqi Government has confirmed that an investigation was initiated immediately following the incident.

Throughout the UK's engagement with Iraq on this issue, including at Ministerial level and in our statements, we have consistently emphasised the responsibility of the Iraqi Government to ensure the safety and wellbeing of the Camp Liberty residents. We support the United Nations' calls for more to be done to protect them.

As you may be aware, the United Nations High Commissioner for Refugees is currently assessing applications made by the residents of Camp Liberty for relocation. A number of residents have been relocated to third countries and the Home Office has exceptionally agreed to consider whether 52 residents previously settled in the UK, but who left many years ago, should be readmitted. I can confirm that 17 of these residents have already been approved for resettlement by the Home Office and are now in the UK.

I can assure you that we will continue to follow this issue closely.

David

The Right Reverend The Bishop of Stepney

۸- در روز ۲۳ آذر کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد سیزدهمین بیانیه خود را دربارهٔ لیبرتی منتشر کرد که بیانیهٔ بسیار مهمی است. هم شعله کشیدن خونهای شهیدان و راهگشایی در میان طوفان را در پرتو کارزار جهانی خارق‌العاده مریم نشان می‌دهد و هم تابلو آماده‌باش برای حرکت مؤسسان چهارم به‌جانب پایگاه امن را نوید می‌دهد.

- کمیساریا حمله موشکی را قویاً محکوم می‌کند و اینکه کمیسر عالی آنتونیو گوترز گفته است که :

«این انزجارآورترین عمل است و من بسیار نگران صدماتی هستم که بر کسانی که در کمپ لیبرتی زندگی می‌کنند وارد آمده است.»

- مهمتر اینکه می‌گوید:

« همه‌گونه تلاش برای مجروحان و شناسایی و مواخذه مسئولان این واقعه باید ادامه پیدا کند.»

- علاوه بر این تصریح کرده که تا اواخر سال ۲۰۱۵ میلادی یعنی تا همین امروز بیش از ۱۰۰ نفر از ساکنان اشرف و لیبرتی که حدود یک‌سوم آنان هستند به‌خارج از عراق منتقل شده‌اند و این صرفاً با همکاری و انعطاف مجاهدین حاصل شده است. مجاهدینی که به‌رغم شرایط سخت و حملهٔ موشکی که به‌جان باختن ۲۴ تن از آنها و مجروح شدن دهها تن دیگر منجر شده، باز هم پروسه را ادامه دادند.

□ These outcomes have been achieved with the cooperation and flexibility of the residents who have proceeded with the relocation process despite difficult circumstances, including rocket attacks on 29 October 2015 which resulted in the deaths of 24 residents and injuries to dozens of others

Update No. 13

Update on the implementation of solutions for residents of Hurriya Temporary Transit Location (TTL)

• 2010 has seen the largest number of relocations out of Iraq in a calendar year since the international community and the Government of Iraq began efforts to find relocation opportunities for residents of the Hurriya Temporary Transit Location (TTL) in 2011.



• UNHCR urgently renews its calls upon States to find ways to offer long-term solutions for the residents who remain at the Hurriya TTL. This appeal for help should be read in light of the potential for more attacks on the Hurriya TTL. As well as the attack of October 2010, the residents have been subjected to several rocket attacks, both in the Hurriya TTL and in Camp New Iraq (the former Camp Ashraf), which also resulted in deaths and injuries. Those attacks, coupled with the current conflict in Iraq, leave residents of the Hurriya TTL open to significantly heightened security risks. This emphasizes the need for quick and pragmatic action on the part of States to ensure that these people are relocated to a situation of safety and security.

• UNHCR continues to call upon the Government of Iraq to take all possible measures to ensure the safety and well-being of residents, including ensuring access to life-saving medical treatment and assistance with the provision of food and services to enable the residents to make arrangements for their own protection.

• UNHCR also recalls the Memorandum of Understanding between the Government of Iraq and the United Nations, which explicitly recognizes that residents benefit from the principle of non-refoulement.

UNHCR, Geneva, 14 December 2010

- در بیانیه کمیساریا، اعلام شده که نکته حیاتی و قانونی دیگر در انتقال یکایک افراد «تعهد و تأمین عمده هزینه‌های انتقال به‌آلبانی توسط مجاهدین شامل هزینه انتقال و مخارج زندگی افراد» است.

□ Central to the recent success is the residents' commitment to meeting the bulk of costs associated with relocations to Albania. This commitment to meet travel costs and living expenses is crucial to the ongoing implementation of solutions for the group.

- هم‌چنین گواهی می‌دهد که مجاهدین، هم در اشرف و هم در لیبرتی بارها هدف حملاتی بوده‌اند که به‌جان باختن و مجروح شدن منجر شده است. سپس نتیجه می‌گیرد که این حقیقت بر ضرورت اقدام سریع و عملی از جانب کشورها تأکید دارد.

می‌بینید که نفر به‌نفر از ساکنان اشرف و لیبرتی که در گذشته منتقل شده‌اند یا در آینده منتقل خواهند شد، با زورقی بر رود خروشان خون شهیدان امکان‌پذیر شده که کارزار جهانی مریم آن را پارو می‌زند و به‌جلو می‌رانند.

زورقی با هزینه و مخارج گزاف و فوق‌تصور و طاقت یک جنبش انقلابی مستقل که برای تأمین هزینه‌ها حتی یک دینار یا یک دلار هم از دیگری نگرفته و تماماً بر کار خود و کمک‌های هموطنان و یاران اشرف‌نشان متکی بوده است. راستش من نمی‌دانم ما تا چه زمانی می‌توانیم این هزینه‌ها را تأمین کنیم. اما می‌دانم که کار بسیار مشکلی است و مریم از این بابت در ابتدای همین سال میلادی بیش از ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار یورو قرض دارد و باید وام‌هایی را که گرفته پردازد.

خیانت کوبلر و شرکا و بی‌عملی مفرط سازمان ملل و یونامی که بودجه‌های کلانی بابت مجاهدین گرفته‌اند، اما یک دلار آن را هم به ما نداده‌اند، باعث شده که تا امروز ما نتوانیم از بابت ۵۵۰ میلیون دلار دارایی و اموالمان در اشرف، چیزی وصول کنیم.



























در هر حال، باشد که یکایک ساکنان اشرف و لیبرتی و مجاهدانی که بر روی خون شهیدان و کارزار طاقت‌فرسای اشرف‌نشانها به‌خارج می‌روند، قدر بدانند و خودشان هم در مبارزه برای سرنگونی دشمن ضدبشری و آزادی میهن اشغال شده، عاقبت به‌خیر شوند. در غیراین صورت چیزی جز خُسران دنیا و آخرت نصیب اپورتونیسم و زالوگری نمی‌شود.

بگذارید اگر تابلو هجرت بزرگ، یعنی انتقال همگانی و حرکت به‌سوی پایگاه امن محقق شود، پیشاپیش به‌همه اشرف‌نشانها و هواداران مجاهدین که با مشت‌های گره کرده و هفت عصا و کفش آهنین سالیان سال، همه جای جهان را با طولانی‌ترین تحصن‌ها و تظاهرات و اعتصاب برای حفاظت و امنیت و سلامت شما درنوردیدند، بگویم که همراه با خلق در زنجیر، حق دارند هر روز از مسئولین و کادرها و اعضای مجاهدین بپرسند که آیا «همچون خودش» (اشرفی نخستین مریم را می‌گوییم) با عزم «جنگ» هر چه بیشتر، از عراق خارج می‌شوید یا «نه‌جنگ»؟ برای رزم یا برای بزم؟ راستی کدامیک؟ بگذریم... ادامه این موضوع حیاتی را می‌گذارم برای نشستهای بعد.

اما نکته جالب توجه دیگر در بیانیه کمیساریا این است که از دولت عراق می‌خواهد مانع ورود اجناس و خدمات لازم برای ترتیبات حفاظتی در لیبرتی نشود.

مهمتر این‌که، محترمانه با یادآوری یادداشت تفاهم بین دولت عراق و سازمان ملل، به‌حکومت عراق هشدار می‌دهد که مجاهدین از اصل نان‌رفولمان یعنی عدم استرداد برخوردار هستند. یعنی که حکومت عراق نباید تسلیم فشارهای رژیم آخوندی برای دستگیری و استرداد مجاهدین شود. یعنی احکام جعلی دستگیری و پرونده سازیهای احمقانه مالکی در دادگاه عالی جنایی که هر دانشجوی مبتدی حقوق را هم به‌خنده می‌انداخت، تماماً بی‌اعتبار است.

آیا شعله‌ور شدن خون شهیدان و راهگشایی در میان طوفان با تلاش

بیکران مریم را می‌بینید؟ آیا تابلو و فرضیهٔ حرکت مؤسسان چهارم به‌جانب پایگاه امن جدی است؟

۹- در همان روز ۲۳ آذر کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد به‌نمایندهٔ مجاهدین دربارهٔ انتشار اسامی مجاهدینی که از عراق خارج می‌شوند، موضعگیری کرد. چنان‌که می‌دانید اسامی و مشخصات از سوی اطلاعات آخوندی و مزدورانش به‌منظور تهدید و ارباب مجاهدین و خانواده‌هایشان در داخل ایران منتشر می‌شود. وکلا در این باره شکایت کرده‌اند و اکنون کمیساریا جواب می‌دهد:

RE: Letter regarding disclosure of personal information

Monday, December 14, 2015 4:46 PM

As we agreed on the recent occasions when we have discussed this issue, in order to play an effective role in relocations UNHCR must share personal information with third parties including the Government of Iraq, other non-governmental organizations and commercial bodies such as travel agents and carriers. In passing on this information UNHCR stresses the need for the recipients to protect the information and to ensure that it is not passed to other parties without the consent of the individuals concerned. However, UNHCR cannot absolutely guarantee the security of the information once it is passed to others. Despite this, we have asked our senior staff in Iraq continually to reinforce this requirement with all third parties, including the Government of Iraq.

We have also reviewed our security arrangements and practices with our information and communication operations team, including our Amman-based Chief Information Security Officer. Although no flaws were identified in our systems, this meeting led to several recommendations to enhance security of our information technology systems. All of these recommendations have been passed to UNHCR staff who deal with the residents. This measure should bolster existing safeguards.

I trust that you agree that these measures demonstrate that UNHCR takes this issue seriously. We have implemented measures that will strengthen security, and we will continue to follow up on your concerns. In closing, I want to stress that UNHCR remains committed to supporting relocations of the residents to situations of safety and security despite the difficult operational environment in which we all must work.

I am pleased to note that together we have managed to meet our joint goal for 2015. I sincerely hope that we are able to continue this positive progress in 2016 to ensure relocation in safety and security for the remaining residents of Hurriya.

Best regards

Division of International Protection

United Nations High Commissioner for Refugees

Geneva, Switzerland

- تمامی آن چه را در توان داشته انجام داده است تا حفاظت و امنیت اطلاعات مربوط به ساکنان لیبرتی را تضمین کند.

- تأکید می‌کند: دریافت‌کنندگان اسامی و اطلاعات شامل دولت عراق و دیگر ارگانهای دولتی و غیردولتی باید تضمین کنند که این اطلاعات به طرفهای دیگر داده نشود.

- اعلام می‌کند: ما حتی از کارمندان خود در عراق مستمراً خواسته‌ایم در رابطه با طرفهای سوم از جمله دولت عراق، بر این موضوع تأکید کنند.

- تصریح می‌کند: کمیساریا این موضوع را جدی می‌گیرد و اقداماتی را که امنیت کمیساریا را تقویت می‌کند اجرا کرده است.

- تعهد می‌کند: به دنبال کردن نگرانی امنیتی مجاهدین در مورد انتشار اسامی ادامه می‌دهد.

به‌طور خلاصه و ساده، حرف کمیساریا این است که آنچه را در عهده داشته انجام داده و درز اطلاعات از داخل کمیساریا نیست و آن را آب‌بندی کرده است. لیکن کمیته سرکوب مجاهدین در نخست‌وزیری عراق که تنها دارنده این اطلاعات است آن را به سفارت رژیم و نیروی قدس و اطلاعات آخوندها می‌دهد. اطلاعات آخوندها هم آن را از طریق مزدوران و سگهای زنجیری‌اش برای مصارف تبلیغاتی و جنگ سیاسی و روانی منتشر می‌کند که این علاوه بر بلاهایی است که بر سر خانواده‌های حقیقی مجاهدین در داخل ایران می‌آورد. خانواده‌های حقیقی که حاضر به خودفروشی سیاسی و همکاری با اطلاعات رژیم و انجمنهای نجاست آخوندی علیه فرزندان و خویشاوندانشان نشده‌اند و دست رد به‌سینه منحوس وزارت بدنام زده‌اند.

۱۰- باز هم در همان روز ۲۳ آذر رویتزر گزارشی از دو تحقیق علنی نشده مخابره کرد که فاش می‌کرد آمریکا مستمراً از کشتار و شکنجه‌یی که توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت دولت انجام می‌شده، اطلاع داشته است.



<http://www.reuters.com/investigats>

speBy Ned Parker

Filed Dec. 14, 2015, noon GMT

Two unpublished investigations show that the United States has consistently overlooked killings and torture by Iraqi government-sponsored Shi'ite militias.

ERBIL, Iraq – It was one of the most shocking events in one of the most brutal periods in Iraq's history. In late 2005, two years after the U.S.-led invasion toppled Saddam Hussein, U.S. soldiers raided a police building in Baghdad and found 168 prisoners in horrific conditions.

Many were malnourished. Some had been beaten.

The discovery of the secret prison exposed a world of kidnappings and assassinations. Behind these operations was an unofficial Interior Ministry organisation called the Special Investigations Directorate, according to U.S. and Iraqi security officials at the time.

The body was run by militia commanders from the Badr Organisation, a pro-Iran, Shi'ite political movement that today plays a major role in Baghdad's war against Islamic State, the Sunni militant group.

Washington pressured the Iraqi government to investigate the prison. But the findings of Baghdad's investigation – a probe derided by some

of its own committee members at the time as a whitewash – were never released.

The U.S. military conducted its own investigation. But rather than publish its findings, it chose to lobby Iraqi officials in quiet for fear of damaging Iraq's fragile political setup, according to several current and former U.S. military officials and diplomats.

Related content

1. Inside the Caliphate: How Saddam's men help Islamic State rule

Both reports remain unpublished. Reuters has reviewed them, as well as other U.S. documents from the past decade.

The documents show how Washington, seeking to defeat Sunni jihadists and stabilise Iraq, has consistently overlooked excesses by Shi'ite militias sponsored by the Iraqi government. The administrations of George W. Bush and Barack Obama have both worked with Badr and its powerful leader, Hadi al-Amiri, whom many Sunnis continue to accuse of human rights abuses.

Washington's policy of expediency has achieved some of its short-term aims. But in allowing the Shi'ite militias to run amok against their Sunni foes, Washington has fueled the Shia-Sunni sectarian divide that is tearing Iraq apart.

The decade-old U.S. investigation of the secret prison implicates officials and political groups in a wave of sectarian killings that helped ignite a civil war. It also draws worrying parallels to the U.S. government's muted response today to alleged abuses committed in the name of fighting Islamic State.

Those accused of running the secret prison or of helping cover up its existence include the current head of the Iraqi judiciary, Midhat Mahmoud, Transport Minister, Bayan Jabr, and a long revered Badr com-

mander popularly referred to as Engineer Ahmed.

“Special Investigations Directorate personnel illegally detained, tortured and murdered Iraqi citizens,” the U.S. report states. “Iraqi government officials failed to take action to stop the crimes.”

EVIDENCE: Abdul Salam al-Kubaisi, from Iraq’s Association of Muslim Scholars, shows a photo of a body found in a secret Baghdad prison in 2005. REUTERS/Thaier al-Sudani

“We do not violate the human rights.”

Muen Kadhimi, the Badr Organisation

The report says U.S. investigators faced a “lack of government cooperation, reluctance of witnesses to come forward and the perception of official complicity.”

Judge Mahmoud declined to comment for this story. A former colleague close to him said Mahmoud knew about the secret prison’s existence but did not know what went on there: “He cannot be held responsible for every judge’s behaviour.”

Transport Minister Jabr did not respond to Reuters’ queries. Jabr has previously stated publicly that no wrongdoing occurred at the prison.

A senior Badr official told Reuters that the prison allegations were part of a smear campaign by terrorists. He called for the international media to focus on Islamic State, which has carried out suicide bombings and executed prisoners.

U.S. officials acknowledge the role that Shi’ite militias such as Badr play in fighting Islamic State.

As the Hashid Shaabi, or Popular Mobilisation Forces, the militias helped Baghdad defend the country against the Sunni jihadist group when Iraqi military and police divisions deserted en masse in 2014.

Since then, the militias have continued to attack Islamic State, which

has declared a Caliphate across swathes of Iraq and Syria. Islamic State, also known as Daesh, routinely executes citizens who speak against it, kidnaps people, buys and sells women and children, and uses rape as a weapon.

American ambassador Stuart Jones told Iraqi state television in April this year “that the Hashid Shaabi is part of the Iraqi fighting forces which are defeating Daesh today.”

But Sunnis in areas freed from Islamic State control say the Shi’ite militias have been guilty of their own excesses, including looting, abductions and murder. At least 718 Sunnis in Salahuddin province have been abducted by fighters from Shi’ite militias since April 2015, according to several security officers, a provincial council member and tribal leaders. Only 289 have been freed, most after paying ransoms.

Some former and current U.S. officials say Washington needs to stop downplaying abuses by the Shi’ite militias.

Robert Ford, a former U.S. diplomat who served as the U.S. embassy’s political officer between 2004 and 2006, believes the U.S. government’s decision not to punish those behind the secret prison set a damaging precedent. “A few people were transferred elsewhere,” he said. “That’s not a punishment. You are supposed to scare them into not doing it.”

Ten years ago, Ford said, the militias were armed groups with political agendas, or the armed wings of political factions. “Now ... the Prime Minister’s office has called them an official institution, and they receive resources directly from the state as well as a degree of political legitimacy.”

A Badr official, Muen al-Kadhimi, dismissed recent allegations of kidnapping, looting and killing. “We do not violate the human rights

and we should not forget the inhumane ways practised by the enemy of the Iraqi people,” Kadhimi told Reuters.

NAMED: Bayan Jabr, former Iraqi interior minister, attends a parliamentary session in July 2014. REUTERS/Thaier al-Sudani

The Iraqi government conceded there has been a problem with kidnapping around Iraq, even in Baghdad, sometimes by men in security uniforms. “The Iraqi government is working hard to fight this,” said Saad Hadithi, a spokesman for Prime Minister Haider al-Abadi. He blamed “gangs” for the attacks, but said the state had “no concrete evidence of who is behind it.”

The U.S. embassy in Iraq and the State Department’s new counter-terrorism envoy, Brett McGurk, did not respond to requests for comment.

THE MESS

The Badr group spent years in exile in Iran. Its parent organisation, the Supreme Council for the Islamic Revolution in Iraq (SCIRI), was the most powerful Shi’ite political force in Iraq.

After Saddam’s fall, Washington hoped SCIRI and Badr would be reliable partners for the security forces, which Badr members joined in large numbers. But despite claims that they had demobilised after their return to Iraq, Badr’s fighters did not disarm, U.S. army intelligence officers say. Instead, they began to assassinate former Iraqi officers, influential Baath party members and civil servants.

Colonel Derek Harvey, a retired intelligence officer, told Reuters that the U.S. military detained Badr assassination teams possessing target lists of Sunni officers and pilots in 2003 and 2004 but did not hold them. Harvey said his superiors told him that “this stuff had to play itself out” – implying that revenge attacks by returning Shi’ite groups

were to be expected. He also said Badr and ISCI offered intelligence and advice to U.S. officials on how to navigate Iraqi politics.

After Shi'ite religious parties swept to victory in elections in 2005, Badr and ISCI were given control of the Interior Ministry. The U.S. embassy publicly backed the move. But James Jeffrey, the top U.S. diplomat at the time and later ambassador to Iraq, was alarmed when Bayan Jabr, a Badr ally, became minister. "Bayan Jabr was the biggest mistake I made," Jeffrey told Reuters. "His file was terrible."

Jabr appointed Badr members to senior Interior Ministry posts. They created the covert Special Intelligence Directorate, which current and former U.S. officials believe coordinated the killing of former Saddam-era officials. Within months, Sunni politicians reported a sharp increase in the abduction of Sunni men. Some Sunnis blamed men in police uniforms. Corpses began to turn up around Baghdad.

طبق این گزارش، نیروهای آمریکایی در اواخر سال ۲۰۰۵ به یک زندان مخفی در یک ساختمان پلیس در بغداد حمله کرده و ۱۶۸ زندانی را در وضعیت وحشتناکی پیدا می‌کنند. به‌نوشته رویت‌ر در حقیقت آنها با «یکی از تکان‌دهنده‌ترین وقایع در یکی از بیرحمانه‌ترین زندانها در تاریخ عراق» مواجه می‌شوند. اما سیاستمداران به‌روی مبارک نمی‌آورند و تماماً سعی بر ماستمالی و سفیدکاری می‌کنند. گزارش نشان می‌دهد که آمریکا عمداً بر روی جنایتهای شبه‌نظامیان به‌اصطلاح شیعه، یعنی وابسته به رژیم آخوندها سرپوش می‌گذاشته و نمی‌خواسته با رژیم تضاد کار کند و کار به‌درگیری بکشد.

طبق این گزارش «واشنگتن با اجازه دادن به شبه‌نظامیان شیعی که دیوانه‌وار علیه دشمنان سنی‌شان دست به‌عمل بزنند، به اختلافات فرقه‌یی شیعه و سنی (در عراق) دامن زد». به‌این ترتیب مزدوران رژیم هم بی‌دنده و ترمز به‌پاکسازی و کوچ دادن سنیها و تغییر ترکیب جمعیت، از جمله در دیالی و بغداد روی آوردند.

طبق تحقیقات ارتش آمریکا «دولتهای بوش و اوباما هر دو با بدر و هادی العامری سرکرده آن کار کرده بودند، کسی که کماکان سنیها وی را متهم به نقض حقوق بشر می‌کنند». از طرف دیگر به‌اثبات رسید که «کسانی که متهم به‌اداره این زندان مخفی یا کمک به‌سرپوش گذاشتن بر وجود آن بودند شامل مدحت محمود رئیس قوه قضاییه، بیان جبر وزیر حمل و نقل و یک سرکرده ۹ بدر معروف به‌احمد مهندس می‌شدند».



افسران ارتش آمریکا در این گزارش می‌گویند:

«نیروهای بدر نه فقط برخلاف آنچه ادعا می‌شد، خلع سلاح نشدند، بلکه آنها شروع به قتل افسران سابق، اعضای با نفوذ حزب بعث و کارمندان دولتی کردند».

جالب توجه این‌که حالا بعد از ۱۰ سال آقای جیمز جفری دیپلومات ارشد در سفارت آمریکا در آن زمان و سفیر بعدی آمریکا در عراق به‌رویتر می‌گوید: «بیان جبر بزرگترین اشتباهی بود که من مرتکب شدم. پرونده وی وحشتناک بود».

منظورش قرار دادن چنین دژخیمی در مقام وزیر کشور عراق است. طبق همین تحقیقات که حالا بعد از ۱۰ سال نوک آن بیرون می‌زند

«بیان جبر اعضای بدر را در مواضع وزارت کشور گمارد. آنها مدیریت مخفی اطلاعات ویژه را به‌وجود آوردند که مقامات کنونی و سابق آمریکا معتقدند کشتار مقامات سابق دوران صدام را هماهنگ می‌کرد. طی ماهها سیاستمداران سنی از شدت افزایش آدمربایی نفرات سنی گزارش می‌کردند. برخی سنیها، مردان پلیس یونیفرم‌پوش را سرزنش می‌کردند، کشف اجساد در اطراف بغداد شروع شد...».

اما اواخر سال ۲۰۰۵ میلادی که گزارش تحقیقاتی ارتش آمریکا به‌آن

اشاره دارد و رویت منتشر کرده است، همان سال ۱۳۸۴ خودمان است. در مرداد ۱۳۸۴، در روز روشن و در مقابل چشم نیروهای آمریکایی در بغداد، برادرانمان محمدعلی زاهدی و حسین پویان را ربودند و به وزارت کشور، به همان طبقه و اتاق تحت کنترل شخص بیان جبر وزیر کشور بردند که این را بارها و بارها گفتیم و افشا کردیم.

این از جمله همان زندانهای است که وقتی برادرانمان زاهدی و پویان را ربودند، ما بودیم که پیدا کردیم. ما بودیم که آدرس دادیم. اما در اثر فشارها و افشاگریهای مجاهدین، دو گروگان را به جادریه در مجموعه عبدالعزیز حکیم بردند تا این مزدور جنایت‌پیشه بعداً آنها را به رژیم تحویل بدهد.

اما قبل از آن، نقشه ساختمان و حتی اتاق محل حبس برادرانمان را که از کانالهای سمپاتیک به دست آورده بودیم، به نیروهای آمریکایی دادیم. آنها طبق قوانین بین‌المللی مسئول حفاظت و مجری کنوانسیون چهارم ژنو بودند.

قرار بر این شد که ساعت ۵ صبح در جادریه برای آزاد کردن گروگانها وارد عمل بشوند و یک تیم از مجاهدین هم، با دست خالی و بدون سلاح همراه آنها بود چون می‌خواستیم خودمان جلودار باشیم و گروگانها را هر طور شده آزاد کنیم.

تیم راهنمای مجاهدین که شهید حسین مدنی هم در آن بود، نیمه شب از اشرف با نیروی آمریکایی به بغداد رفتند. اتاق عملیات مجاهدین در اشرف هم لحظه به لحظه حرکت ستون و تحولات و خبرهای روی زمین را پیگیری و مانیتور می‌کرد.

نیروی آمریکایی صبح زود با راهنمایی برادرانمان به نزدیکی مجموعه عبدالعزیز حکیم و محل حبس دو مجاهد گروگان رسید. همه چیز برای عملیات آزاد کردن گروگانها آماده بود اما دقایقی قبل از شروع عملیات، مقامات سیاسی آمریکایی وارد شدند و عملیات را متفی کردند. این کار

به لحاظ حرفه‌یی برای اغلب افسران آمریکایی، غیرقابل قبول و به قول خودشان بسیار خائنانه بود. تنها توضیحی هم که سیاستمداران به افسران داده بودند، این بود که اگر این عملیات انجام بشود ثبات سیاسی سیستم نوپای عراق در هم می‌ریزد؛ وانگهی مجاهدین خلق اگرچه از حفاظت‌های کنوانسیون چهارم ژنو برخوردارند اما کماکان در لیست تروریستی وزارت خارجه آمریکا قرار دارند...

به نظر می‌رسد آقای جیمز جفری، حالا باید در مورد اشتباهات خودش و همگنانش در عراق بیشتر بیندیشد.

جفری بعد از اشغال عراق در سفارت آمریکا خدمت می‌کرد. بعد مشاور ارشد وزیر خارجه در امور خاور نزدیک و ایران و سپس بعد از کراکر سفیر آمریکا در عراق شد. در تیر ماه ۱۳۹۰، ۳ ماه بعد از کشتار ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ در اشرف، در شرایطی که مجاهدین هنوز در لیست تروریستی وزارت خارجه آمریکا بودند، همین آقای جفری می‌گفت از اشرف بروید به‌مکانی «کمی امن‌تر و کمی دورتر» و بعد هم خودتان را منحل کنید تا کمیساریا شما را به‌عنوان پناهجو ثبت‌نام کند!



Iranian dissidents in Iraq want refuge in 3rd country

BY ROY GUTMAN

McCLATCHY NEWSPAPERS Sunday, 07/03/11

BAGHDAD -- BAGHDAD-Warning that the U.S. military soon will stop its regular visits, the U.S. ambassador to Iraq this weekend urged a group of Iranian dissidents stranded in this country since 2003 to dissolve their "paramilitary organization" and become refugees somewhere else in Iraq. Ambassador James Jeffrey said Saturday that the U.S. was working with the United Nations to move the 3,000-plus Iranians "to a place that is a bit safer, a bit further from Iran," but they would have to disband and allow themselves to be registered as refugees by the U.N. High Commission for Refugees.

But the Paris-based leadership of the People's Mujahedeen of Iran rejected the idea as a "non-starter" and said the Iranians would prefer to die where they now live, a location known as Camp Ashraf, than to relocate within Iraq. Mohammad Mohaddessin, the official representative abroad of Ashraf, called Jeffrey's proposal for relocation "shocking and questionable".

The situation of the dissidents has attracted international attention in part because of the group's ability to rally leading former figures in the U.S. national security establishment and members of Congress and the European parliament to their cause. It says more than 4,000 parliamentarians, including the majorities of parliaments in 30 nations, support its preferred solution - relocation to a third country.

But no country, starting with the U.S. and the European Union members, is willing to take in members of the MEK - the Farsi language initials of the People's Mujahedeen - beyond those who have citizenship or residence already, U.S. and European diplomats said.

For one thing, the State Department has listed the MEK as a terrorist organization since 1997, citing a series of attacks in Tehran.

Last month, a delegation from the U.S. House of Representatives clashed with Iraqi Prime Minister Nouri al Maliki over an Iraqi army operation in May at Camp Ashraf, which led to the deaths of 35 civilians at the location in Diyala province, north of Baghdad.

(EDITORS: BEGIN OPTIONAL TRIM)

Rep. Dana Rohrabacher, R-Calif., chairman of the House Foreign Affairs subcommittee on Investigations, told Maliki that his panel was examining whether Iraqi forces under Maliki's command had committed "a crime against humanity" in the killings. Maliki subsequently asked the delegation to leave the country.

Rohrabacher said he wasn't going to urge the U.S. government to take in the MEK members. "I don't think the U.S. should take in everyone who's in a bad situation," he said. "We take in more people than every other country combined. I don't think we need to expand that much more".

Other members of the Rohrabacher delegation included Rep. Russ Carnahan, D-Mo., the ranking minority member; Republican Reps. Ted Poe of Texas, Jeff Duncan of South Carolina and Louie Gohmert of Texas, and Democratic Rep. Jim Costa of California.

The Ashraf residents came to Iraq under Saddam Hussein and fought as a paramilitary formation against Iran during the Iran-Iraq war, but were stranded after the U.S. invasion of 2003. American forces had provided protection but gave up that role as Iraq moved to regain full sovereignty over its territory. Maliki has announced that Camp Ashraf will close at year-end, and the U.S. says Iraq has every right to take control over its entire territory.

Jeffrey said he understood that the MEK was "chewing over the possibilities" of disbanding and taking refugee status, but he said the group "really believe that the U.N. and the United States will protect them forever".

He said U.S. troops based in Diyala visit Ashraf "fairly often," either on their own or while providing protection for U.N. officials going to the camp, but they are not able even now to provide protection. Furthermore, U.S. forces "pretty soon" will no longer be based in that part of Diyala province, he said.

Mohaddessin did not respond when asked what alternatives the MEK has if no third country is willing to receive the Camp Ashraf residents. He said relocation within Iraq is tantamount to setting up a "death camp," and that the residents prefer to die in Ashraf rather than in an unknown location where the Iranian regime and its Iraqi agents will definitely have a more free hand.

پاسخهای آن زمان مجاهدین و نمایندگانشان به آقای سفیر را نمی‌خواهم تکرار کنم. چون صورت آقای سفیر هم‌چنان که در ملاقات بعدی‌اش با استیونسون در بغداد واقع شد، ممکن است بیش از حد سرخ شود! اظهارات سفیر آمریکا بلادرنگ مورد استقبال رژیم قرار گرفت. -سفیر رژیم در بغداد از موضع قیم حکومت عراق گفت:

«گروهک تروریستی باید تا پایان سال ۲۰۱۱ خاک عراق را ترک کنند و در صورتی که چنین نکنند دولت عراق اقداماتی را در این راستا انجام خواهد داد».

- پاسدار رضایی دبیر مصلحت نظام و سرکرده قبلی سپاه پاسداران، در استقبال از حرفهای جیمز جفری یک قدم هم به جلو برداشت و به تهدید هر کشوری پرداخت که مجاهدین را بپذیرد. پاسدار مزبور نوشت:

از آنجا که رهبری گروهک از ترس توبه اعضا، اجازه دیدار با خانواده‌ها را نمی‌دهد و از آنجا که گروهک اقدامات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی انجام می‌دهند، « هر کشوری به‌ویژه کشورهای همسایه که با درخواست پذیرش این گروهک موافقت کنند، به‌صورت خودکار در زمره کشورهای متخاصم با ایران قرار خواهند گرفت و این کشورها باید متوجه این مطلب باشند». ۱۹

وقتی استراون استیونسون به عراق آمد و ساعتها با جفری و باتلر گفتگو کرد، آقای سفیر که دائماً از کوره در می‌رفت، از مجاهدین فقط یک چیز می‌خواست: تسلیم!

اما مجاهدین حسرت آن را بر دلش گذاشتند و به او به‌صراحت گفتند و نوشتند که خیلی قبل از او، خمینی در ماجرای قتل‌عام زندانیان سیاسی، فتوای کشتار جمعی آنها را داده است و چیز جدیدی نیست و او هرگز تسلیم مجاهدین را نخواهد دید. مضافاً این که به‌مقاومتشان در برابر فاشیسم دینی در ایران کماکان افتخار کرده و می‌کنند و آقای جفری هم اگر می‌خواهد می‌تواند دوباره بمب‌افکنهایش را برای استمالت از آخوندها علیه مجاهدین به کار بگیرد، بکشد و قرارگاهها را درب و داغان کند اما مجاهدین بیدی نیستند که از این بادها بلرزند...

حالا امروز، آقای جفری بعد از یک دهه و رؤیت محصول همین سیاستها در عراق، می‌گوید که از استمالت بیان جبر و چشم‌پوشی بر جنایتهای او، شرم می‌کند. زیرا به‌ادعان خودش، از روز اول از زندانها و شکنجه‌گاههای مخفی مطلع بوده که محصول بالفعل آن داعش و داعش‌پروری است. به قسمتی از اطلاعاتی دبیرخانه شورا در ۲۵ آبان ۱۳۸۴ در مورد زندان مخفی و گروگانها، توجه کنید:



رسوایی بزرگ رژیم آخوندی در عراق

فراخوان به جمع کردن بساط شکنجه و کشتار رژیم ایران در عراق و فراخوان به آزادی دو مجاهد ربوده شده

کشف یک زندان مخفی در جادریه بغداد که توسط عوامل رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق کنترل و اداره می شد، همگان را شوکه کرده است. به گزارش منابع خبری، بیش از ۱۷۰ زندانی شکنجه شده که شدت از کمبود تغذیه رنج می بردند، در این زندان نگهداری می شدند. شماری از بازداشت شدگان در اثر شدت شکنجه فلج شده بودند و پوست شمار دیگری از آنها کنده شده بود. برخی از زندانیان در حال مرگ بسر می بردند. این افراد به صورت غیرقانونی و بدون هیچ مدرکی در بازداشت بسر می برده اند.

شکنجه گاه کشف شده و جنایاتی که در آن صورت گرفته است تنها بخش کوچکی از جنایات رژیم ضد بشری آخوندی در عراق است.

روز ۱۳ مرداد ۸۴ دو مجاهد خلق توسط عوامل رژیم آخوندی در بغداد ربوده شدند. سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه ای در ۱۷ مرداد ۱۳۸۵ (۸ اوت ۲۰۰۵) اعلام کرد مجاهدان خلق حسین پویان و محمد علی زاهدی در خیابان کراده خارج بغداد، توسط نیروهای رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق ربوده شدند. گروگانها ابتدا به محل این وزارتخانه برده شدند و پس از آن با دو ماشین پاترول سفید رنگ از درب پشتی وزارت کشور به محل نامعلومی منتقل شدند. همان زمان سازمان مجاهدین

خلق ایران اعلام کرد اکیپ ۸ نفره‌ای که آقایان پویان و زاهدی را ربودند به صورت یک اکیپ گشت در منطقه جادریه و کراة خارج بغداد کار می‌کنند. این دو مجاهد خلق که هر دو تحت حفاظت کنوانسیون چهارم ژنو قرار دارند هم چنان در اسارت و تحت شکنجه بسر می‌برند. ...

مقاومت ایران، جامعه جهانی را به کوتاه کردن دست آخوندهای حاکم بر ایران، از عراق و جمع کردن بساط شکنجه و کشتار آنان از این کشور و پایان دادن به صحنه‌هایی که ننگ بشریت معاصر است، فرا می‌خواند. صدور تروریسم و بنیادگرایی و استقرار یک حکومت دست‌نشانده در عراق، یک بخش ضروری از استراتژی آخوندها برای حفظ حکومت ننگین خود می‌باشد.

جنایتها و سوابق مزدوری باقر و عبدالعزیز حکیم

صحبت که به این‌جا رسید خوب است یادآوری کنیم که سوابق مزدوری و جنایتهای برادران حکیم (باقر و عبدالعزیز) علیه مجاهدین و مقاومت ایران یکی و دو تا نیست.

در ۱۰ اسفند ۱۳۷۸ الجزیره گزارش کرد که مزدوران ۹ بدر و باند حکیم تا آن زمان ۱۸۳ عمل تروریستی علیه مجاهدین و پایگاه‌هایشان در خاک عراق انجام داده‌اند.

۱۲ سال بعد از عملیات فروغ جاویدان، در سال ۱۳۷۹، نشریه لواء‌الصدر ارگان باند حکیم که در قم منتشر می‌شد اعلام کرد که در عملیات مرصاد در تنگه چهار زبر ۱۰۹ تن از افراد سپاه ۹ بدر که تحت فرمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عمل می‌کردند توسط مجاهدین کشته شده‌اند. چیزی که مجاهدین از آن، در آن زمان، اطلاع مشخص آن هم با عدد و رقم نداشتند.

حک روائی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی علیه مجاهدین از طریق مژدهوران باند جانبدار بازر حکیم

جلسه اطلاع شاه رنگ باخته از رویای ایلهه حسینی یا زلزله ماشینی جنگ و تروریسم رژیم آخوندی؟

مجلس خبرگان و هیئت مدیره آن در روزهای اخیر، در حالی که در پی بررسی پرونده‌های مختلف است، به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته است. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت. همچنین، به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته شد. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت.

در این جلسه، شاه رنگ باخته به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته است. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت. همچنین، به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته شد. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت.

در این جلسه، شاه رنگ باخته به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته است. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت. همچنین، به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته شد. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت.

بگ ارگان ویژه صدور تروریسم به نام

«مجمع جهانی اهل البیت»

در این زمینه، مجمع جهانی اهل البیت به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته است. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت. همچنین، به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته شد. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت.

در پی آغاز حمله نظامی توسط آمریکا آخوندیها به پرویزینان برای دخالت در عراق ایلهه باش دادند

در پی آغاز حمله نظامی توسط آمریکا، آخوندیها به پرویزینان برای دخالت در عراق ایلهه باش دادند. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت. همچنین، به بررسی پرونده‌های متعددی در زمینه تروریسم و جنگ پرداخته شد. در این زمینه، جلسه‌ای با حضور شاه رنگ باخته و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه، موضوعات مختلفی از جمله نقش‌های مختلف در تروریسم و جنگ مورد بحث قرار گرفت.

املاحه خا و اهنای بهان مجتهدین در مورد جایگاه بردوران ماندگار حکیم

سختی از املایه مازنی مجتهدین حلق اولی
در باره مجتهدین ابتدایی جایگاه باقر حکیم و
تعلیمی علیه مجتهدین

مجتهدان کلامی و فقهی در کتب خود به بیان جایگاه و منزلت ائمه و مجتهدین پرداخته و در این باره نظرات و عقاید مختلفی را بیان کرده اند. از جمله این نظرات، نظریه «مجتهدان کلامی و فقهی» است که در این مقاله به بررسی آن پرداخته می‌شود. این نظریه بر این باور است که مجتهدان کلامی و فقهی در کتب خود به بیان جایگاه و منزلت ائمه و مجتهدین پرداخته و در این باره نظرات و عقاید مختلفی را بیان کرده اند. از جمله این نظرات، نظریه «مجتهدان کلامی و فقهی» است که در این مقاله به بررسی آن پرداخته می‌شود. این نظریه بر این باور است که مجتهدان کلامی و فقهی در کتب خود به بیان جایگاه و منزلت ائمه و مجتهدین پرداخته و در این باره نظرات و عقاید مختلفی را بیان کرده اند. از جمله این نظرات، نظریه «مجتهدان کلامی و فقهی» است که در این مقاله به بررسی آن پرداخته می‌شود.

نظرات آخوند باقر حکیم بمنظور لایحه
آخوندی و منتهی گرفتن مسؤلیت حجاب
نورمنشی علیه مجتهدین در حاکم عراق

در این مقاله به بررسی نظرات آخوند باقر حکیم بمنظور لایحه آخوندی و منتهی گرفتن مسؤلیت حجاب نورمنشی علیه مجتهدین در حاکم عراق پرداخته می‌شود. این مقاله به بررسی نظرات آخوند باقر حکیم بمنظور لایحه آخوندی و منتهی گرفتن مسؤلیت حجاب نورمنشی علیه مجتهدین در حاکم عراق پرداخته می‌شود. این مقاله به بررسی نظرات آخوند باقر حکیم بمنظور لایحه آخوندی و منتهی گرفتن مسؤلیت حجاب نورمنشی علیه مجتهدین در حاکم عراق پرداخته می‌شود. این مقاله به بررسی نظرات آخوند باقر حکیم بمنظور لایحه آخوندی و منتهی گرفتن مسؤلیت حجاب نورمنشی علیه مجتهدین در حاکم عراق پرداخته می‌شود.

مردان و نوری از وزارت اطلاعات به سر آمد
در خراسان و در باره باقر حکیم و منتهی
گرفتن مسؤلیت علیه مجتهدین
در کتاب نوری از ایران کرد

در این مقاله به بررسی نظرات آقایان در خراسان و در باره باقر حکیم و منتهی گرفتن مسؤلیت علیه مجتهدین در کتاب نوری از ایران کرد پرداخته می‌شود. این مقاله به بررسی نظرات آقایان در خراسان و در باره باقر حکیم و منتهی گرفتن مسؤلیت علیه مجتهدین در کتاب نوری از ایران کرد پرداخته می‌شود. این مقاله به بررسی نظرات آقایان در خراسان و در باره باقر حکیم و منتهی گرفتن مسؤلیت علیه مجتهدین در کتاب نوری از ایران کرد پرداخته می‌شود.

طرح‌ها و بندوبستهای بهائی رژیم
و بلند پای حکیم تا محافل استعماری
بیت‌نشینان عراق

در این مقاله به بررسی طرح‌ها و بندوبستهای بهائی رژیم و بلند پای حکیم تا محافل استعماری بیت‌نشینان عراق پرداخته می‌شود. این مقاله به بررسی طرح‌ها و بندوبستهای بهائی رژیم و بلند پای حکیم تا محافل استعماری بیت‌نشینان عراق پرداخته می‌شود. این مقاله به بررسی طرح‌ها و بندوبستهای بهائی رژیم و بلند پای حکیم تا محافل استعماری بیت‌نشینان عراق پرداخته می‌شود.

مجلسی در آستانه انتخابات و از کسب خبر به دست



در این بخش به اخبار و رویدادهای مرتبط با مجلس شورای اسلامی و فعالیت‌های آن پرداخته می‌شود. از جمله اخبار مربوط به انتخابات و کسب خبر به دست.

مسئول کمیسیون اعراب‌شناسی، احزاب و فتنان
نورمنشی توسط وزارت اطلاعات به عراق وای
امریکی جنایت نورمنشی اخیر را تخریب کرد

در این بخش به اخبار و رویدادهای مرتبط با کمیسیون اعراب‌شناسی، احزاب و فتنان نورمنشی توسط وزارت اطلاعات به عراق وای امریکی جنایت نورمنشی اخیر را تخریب کرد پرداخته می‌شود.

از نماز باقر حکیم و مجلس اتلایا
افغانستان

در این بخش به اخبار و رویدادهای مرتبط با نماز باقر حکیم و مجلس اتلایا افغانستان پرداخته می‌شود.

اعتراف به شرکت در عملیات جنایتکارانه تروریستی

بومیان و اقلیتات خاص، اما به نسبت مردم عراق و مناطق اشغال خاورمیانه گرفت. مردم عراق نظام خود را جای و باقی راکت مخایین خواهند گرفت

پشتن از فعالیتات همسپون امنیت و خاورمیانه شرقی طی مقدمه اول

بسیار از فعالیتات همسپون امنیت و خاورمیانه شرقی طی مقدمه اول، در این باره به صورت علنی و آشکارانه در جریان است. این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد. این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد.

این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد. این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد.

این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد. این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد.

اعتراف آشکار و صریح به عملیات تروریستی در عراق

اعتراف آشکار و صریح به عملیات تروریستی در عراق، در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد. این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد.

این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد. این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد.

این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد. این فعالیتات در حالی انجام می‌گیرد که در این باره هیچ گونه اطلاع و آگاهی در میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه وجود ندارد.

اعتراف به کارکردن مخایین جنایتکارانه

بومیان و اقلیتات خاص



تصویری از یک منطقه در عراق که نشان‌دهنده فعالیتات تروریستی است.



تصویری از خسارت‌های وارده به یک منطقه در عراق.

اعتراف به کارکردن مخایین جنایتکارانه

بومیان و اقلیتات خاص



تصویری از یک فرد در لباس نظامی.



نام: ...



نام: ...



نام: ...



نام: ...



نام: ...



نام: ...

این افراد در عملیات تروریستی شرکت کرده‌اند.



بهراستی در سال ۱۳۶۷ افراد عراقی در تنگه چهار زبر در داخل ایران چه می‌کردند و چه کسی آنها را فرستاده بود؟ آیا غیر از این است که هم‌چنان که بعداً فاش شد پاسدار دقیقی که ۹ بدر را درست کرد از این مزدوران مانند گوشت دم توپ استفاده می‌کرده است؟ چون تا آنجا که به مجاهدین مربوط می‌شود چه در آن سال‌ها و چه بعد از آن، هرگز نخواستند و نمی‌خواهند که با عناصر عراقی طرف جنگ و مقابله باشند. آنچه تا به حال گفتم خلاصه‌یی از وقایع و تحولات و خبرهای این دو هفته از ۱۴ آذر تا امروز بود. فکر می‌کنم که حالا دیگر هر ذهن شکاکی هم شعله کشیدن خون شهیدان را همراه با راهگشایی مریم در میان طوفان به چشم می‌بیند.

آمادگی و توانمندی مقابله با انواع حمله‌ها و توطئه‌ها

توجه کنید: هر چقدر که فرضیه و تابلو حرکت مؤسسان چهارم به‌جانب پایگاه امن جدی بشود، خطراتی که از هر سو ما را احاطه کرده جدی‌تر و بیشتر می‌شود. می‌خواهم یادآوری کنم که از همان عهد پرچم فروغ جاویدان در عاشورای پارسال (۹۳) دستورالعمل در لیبرتی در صورت حمله عناصر دشمن، خلع سلاح آنها و دفاع تمام‌عیار، بود و هست و خواهد بود.

حکومت عراق ادعا می‌کرد اصلاً خبر نداشته که چه کسی و چه نیرویی در ۱۰ شهریور به اشرف حمله و انفجار و قتل‌عام کرده و بعد هم گریخته است!

بسیار خوب، اگر این حکومت خبر ندارد که چه کسی حمله می‌کند، پس حساب حمله‌کنندگان را خودمان تا نفر آخر خواهیم رسید. اگر کسی جرأت دارد قدم پیش بگذارد...

یادتان هست که بعد از ۱۹ فروردین یکی از برادران در نشست می‌گفت در قسمت شمالی اشرف، یک عراقی را در حالی که داشت رو به جنوب

به‌جانب مجاهدین شلیک می‌کرد از پهلو غافلگیر و خلع سلاح کرد. فرد مهاجم عراقی پا به‌فرار گذاشت و در یک مسافت ۵۰۰ متری، ۶-۷ بار بر زمین خورد و سرانجام بر روی زمین درازکش باقی ماند. بعد برادرمان به‌سراغ او رفت و آن فرد به‌پای این مجاهد خلق افتاد که حالا که او را نمی‌کشد، سلاحش را هم به‌او برگرداند. زیرا اگر بدون سلاح از صحنه برود، استخبارات می‌گوید سلاحش را به‌مجاهدین فروخته و بلادرنگ او را با گلوله خواهد زد.

در همان نشست، همگی با جزئیات از برادرمان شنیدیم که سرانجام سلاح آن فرد را به‌او برگردانده و آن فرد می‌خواسته دست و پای این مجاهد خلق را ببوسد که نگذاشته بود.

اگر یادتان باشد در مورد ضرب‌الاجل ۳۱ دسامبر (۱۰ دی ۱۳۹۰) که مالکی از فردای ۱۹ فروردین ۹ ماه با دود و دم بر طبل آن کوبید، مجاهدین این ضرب‌الاجل را به‌مفت نخریدند و از قضا بر آمادگی خود برای «درس درخشان» افزودند. مالکی هم از هوا و زمین، آمادگی‌های ما را می‌دید و به‌سازمان ملل راپورت می‌داد. اما نتیجه‌اش این شد که مضافاً بر فشارهای سیاسی و بین‌المللی به‌این نتیجه رسید که در روی زمین هم، حمله برایش قیمت سنگین دارد.

کنفرانس مطبوعاتی مالکی - تلویویزن العراقیه - ۳۰ آذر ۱۳۹۰

۲۱ دسامبر ۲۰۱۱

نوری المالکی رئیس مجلس الوزرا: معسکر اشرف هذه المنظمة موجودة على الارض العراقية و هي خرق لسيادة العراق. منظمة متهمه بالارهاب وجودها لاينسجم مع دستورنا لانه يرفض وجود منظمات ارهابية او اي منظمة ولو غير ارهابية لكنها تضر بامن دولة اخرى مجاهدي خلق يحتلون مدينة من العراق و ليست مخيم كما يقال الان مدينة. الحكومة العراقية غير مسموح لها الدخول ولا معرفة ماذا يجري وهذا غير موجود تشكرت منا الامم المتحدة علي التعاون ولكنهم حينما ذهبوا الى منظمة مجاهدي خلق رفضت و حفرت الخنادق ووضعت القود في هذه الخنادق من اجل ان تشعل نار و اصبحوا يضعون المنشآت العسكرية و كاننا في دولة ثانية نحن او كلنا الموضوع للامم المتحدة ...

نوری المالکی: قرارگاه اشرف

وجود این سازمان در خاک عراق نقض حاکمیت عراق می باشد.

سازمانی است که به تروریسم متهم است

... حضور این سازمان منطبق با قانون اساسی ما نیست چرا که قانون

اساسی عراق حضور سازمانهای تروریستی یا هر سازمان حتی غیر تروریستی

که برای امنیت کشور دیگری مضر می باشد را رد می کند

... ..

مجاهدین خلق شهری از عراق و نه اردوگاهی، آن چنان که در رسانه

گفته می شود را اشغال کرده اند. دولت عراق اجازه ورود ندارد و نمی دانیم

که در آنجا چه می گذرد و چنین چیزی سراغ ندارد.

...

سازمان ملل از همکاری ما تشکر کرد ولی وقتی به نزد سازمان مجاهدین

خلق رفتند، آنها رد کردند و خندقها ایجاد کردند و در این خندقها برای آتش زدن، سوخت ریختند و تأسیسات نظامی احداث کردند که گویا ما در (رویارویی) با کشور دیگری هستیم. ما موضوع را به سازمان ملل واگذار کردیم...

منظور از این یادآوریه‌ها اینست که علاوه بر کارزار اجتماعی، علاوه بر سلسله کارزارهای سیاسی و بین‌المللی که در اوج خودش، به همان الحاقیۀ لیبرتی در بودجه دفاعی آمریکا راه برد و با امضای اوباما به قانون الزام‌آور تبدیل شد، بله، علاوه بر همهٔ اینها، ما باید در روی زمین برای حملهٔ موشکی و هم‌چنین حملهٔ زمینی، حداکثر آمادگی را کسب کنیم. باید طرح‌های مشخص و متعدد برای شرایط و تابلوهای مختلف داشته باشیم. آخر رژیم هار و هیستریک، مخصوصاً در این مقطع در کمین است تا فرصت انتقال امن باقی نگذارد. در غیراین‌صورت جنگ برای نابود کردن و سربه نیست کردن مجاهدین و جایگزین دموکراتیک را باخته است. پس هر چقدر دربارهٔ ضرورت آمادگی در این مرحله بگوییم، کم گفته‌ایم. می‌خواهیم رژیم ضدبشری و دژخیمان و مزدوران و سگهای زنجیری را کور و بور باقی بگذاریم. خواسته من از شما هر چه بالاتر بردن همان پرچم فروغ، به‌معنی آمادگی و توانمندی مقابله با انواع حملات و توطئه‌هاست.





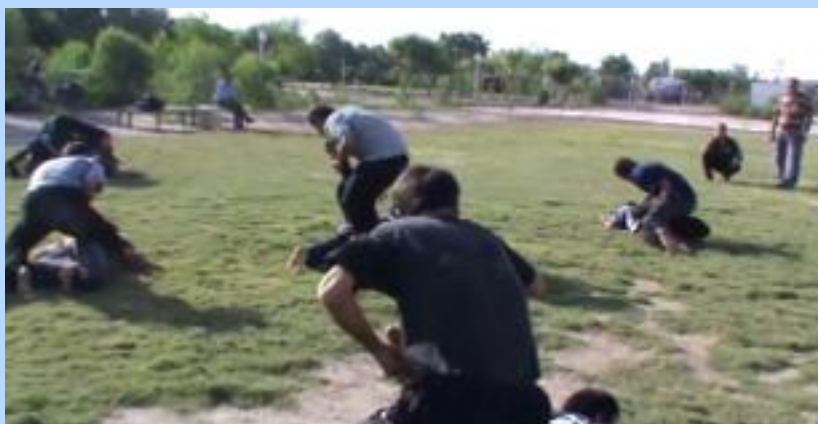












آمادگی برای آزمایشهای بیشتر و جنگ بغرنج تر در چهاردهمین سال پایداری

ما با سلسله‌یی از وقایع و تحولات روبه‌رو هستیم که مقداری از آنها را مرور و یادآوری کردیم. بعد از دو هفته دیگر هم سال میلادی جدید فرا می‌رسد، با همهٔ تحولات و آزمایشهایش.

از این بابت می‌گویم آزمایش که برای جنبشهای ترقیخواه و انقلابی، مصاف دادن با این همه دشمن و دولت و سازمانهای بین‌المللی، واقعاً کار ساده‌یی نیست. ماجرای کوبلر و شکنجهٔ دو ساله مجاهدین توسط او، آن هم تحت عنوان نمایندهٔ دبیرکل نمونهٔ عبرت‌انگیز آن است.

حالا در سالی که در پیش رو داریم، باز هم مجاهدین با شدت و حدت آزمایش می‌شوند که این جنگ بغرنج چندین و چند جانبه را چگونه پیش خواهند برد؟

در سال ۲۰۱۶ میلادی و ۳ ماه بعد از آن در سال ۱۳۹۵ خودمان وارد چهاردهمین سال پایداری تاریخی و پرشکوه بعد از اشغال عراق می‌شویم. فکرش را بکنید خیلی طولانی است... به‌همین اندازه هم عمیق و دارای تأثیرات پایدار در تاریخ ایران زمین آخوندزده و اسیر است.

من در نشست قبلی، پیشاپیش پیروزی را در تندباد تغییر و بحران و طوفان تبریک گفتم. روی عنصر مجاهدی و انقلاب شما بر سر چشمهٔ صدق و فدا و روی آگاهی و عاطفهٔ بیدریغ و بیکران یاران اشرف‌نشان و شیدای آزادی ایران حساب کرده‌ام...

اما در چهاردهمین سال که روبه‌روی ماست، سؤالات خیلی جدی پیش روی هر جنبش مقاومت و هر جنبش مردم‌گرای انقلابی قرار دارد، مخصوصاً وقتی که جنگ بغرنج و پیچیده و چندین و چند جانبه می‌شود، مسألهٔ "بودن یا نبودن" است.

- آیا می‌تواند؟

- آیا توان و ظرفیت پایداری دارد، یا مغلوب اپورتونیسم و حرکت

خودبه‌خودی می‌شود؟

- آیا در باتلاق خیانت و خنجرکشی از پشت و در دام گذاری و مین‌کاری پیاپی دشمنش، نیست و نابود می‌شود یا سر بلند می‌کند و قویتر و تنومندتر بیرون می‌آید؟

- روشن‌تر می‌گوییم: آیا ما یک صبرا و شتیلا در پیش داریم یا مؤسسان چهارم در پرتو مهر تابانش می‌تواند در میانه طوفان، در همین سالی که در پیش است، به پایگاه و جایگاهی امن و امان برسد؟

هر چند شرایط ما به‌کلی متفاوت است، اما برای روشن شدن ابعاد کاری که پیش رو داریم و باید کمربندها را برای آن محکم ببندیم، به‌اختصار به‌صبرا و شتیلا اشاره می‌کنم تا هیچ تابلو و فرضیه‌یی از نظرمان دور نیفتد و حداکثر هوشیاری و آمادگی را داشته باشیم:

در سال ۱۳۴۹ (سال ۱۹۷۰ میلادی) اردن هنوز مرکز و پایگاه اصلی الفتح و جنبش مقاومت فلسطین بود و در همان سال گروهی از مجاهدین هم در آنجا بودند. هدف ما کسب آموزشهای نظامی برای مبارزه خودمان در ایران بود.

اما در همین اثنا «سپتامبر سیاه» واقع شد. کشورهای عربی دست‌اندرکار و در رأس آنها مصر، طرح راجرز وزیر خارجه وقت آمریکا را پذیرفتند. طرحی که اکیدا با منافع فلسطینیها در تعارض بود و آنها یکه و تنها در مقابل آن ایستادند. بعد حملات و سرکوب همه‌جانبه شروع شد و سرانجام تشکیلات و رهبری فلسطین به‌طور عمده به‌لبنان منتقل شد و بیروت را مرکز و پایگاه اصلی خود قرار داد. آنها در سالهای بعد توانستند در پایگاههای زیرزمینی در بیروت سلاحهای سنگین از قبیل تانک هم آماده و ذخیره کنند.

هانی الحسن، اولین سفیر فلسطین در ایران و عضو مرکزیت فتح، نحوه ساختن طبقات زیرزمینی برای مرکزیت فلسطین و انبار کردن تسلیحات سنگین در پایگاههای الفتح را بعداً با جزئیات برای من در دیدارهای آن

سال‌ها در پاریس، توضیح می‌داد. از جمله می‌گفت برخی از این پایگاهها، ۴ - ۵ طبقه در زیر زمین داشتند و فرماندهی فلسطین کارش را در بحبوحه جنگ و بمباران از این پایگاهها اداره می‌کرد.

در سپتامبر سال ۱۹۸۲ در بیروت، شارون وزیر دفاع اسرائیل، در جریان حمله همه‌جانبه هوایی و زمینی و دریایی به لبنان، به قتل عام در صبرا و شتیلا روی آورد. بگین و شارون می‌خواستند جنبش فلسطین را از میان بردارند. شخص عرفات و یکایک رهبران برجسته فلسطینی، سوژه حملات جداگانه هوایی و زمینی بودند که هر یک ماجرا و داستانی جداگانه دارد. قدرت و تسلط هوایی اسرائیل نیازمند شرح و توضیح نیست و در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ آزمایش شده و مصر و سوریه را از پا در آورده بود. حالا در ۱۹۸۲ در لبنان، علاوه بر حمله از هوا و زمین و دریا، محاصره فلسطینیها را هم، با قطع آب و برق و غذا و راههای رساندن تدارکات، به‌منتها درجه رساندند. در نیمه سپتامبر (۲۴ شهریور ۱۳۶۱) ارتش اسرائیل برخلاف موافقتنامه آتش بس وارد بیروت شد و از روز بعد قتل عام در کمپهای صبرا و شتیلا را شروع کردند.

در همان زمان، وقتی آمریکا مداخله کرد تا ارتش اسرائیل از بیروت عقب بنشیند، شارون به آنها گفته بود که هنوز ۲ تا ۳ هزار نفر "تروریست" در آنجا هستند و باید حساب آنها را رسید... یعنی می‌خواست فلسطینیها را تمام کش کند.

سالها بعد در اسناد معتبر فاش شد که شارون قبل از عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از بیروت، به‌سفیر سیار آمریکا گفته بود، یا خود لبنانیها "تروریستها" را بکشند یا هم بگذارید ما خودمان کار آنها را تمام کنیم... این کار در صبرا و شتیلا، در دو روز وقت اضافی که آقای سفیر برای اتمام کار "تروریستها" به‌شارون داد، انجام شد. مطبوعات در همان زمان

وحشتناکترین قتل‌عامها را گزارش می‌کردند و این‌که دیگر کسی در صبرا و شتیلا باقی نمانده است.

لابد لحظه‌ی شما هم مثل من، تداعی همان آقای سفیر آمریکا در عراق بعد از کشتار ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ در اشرف است که می‌گفت از اشرف بروید به‌مکانی «کمی امن‌تر و کمی دورتر»... که البته در عمل نتیجه‌ی جز اردوگاه مرگ در «کمی دورتر» نداشت.

مکانهای پیشنهادی مورد نظر را هم باتلر در اشرف با ما در میان گذاشت که مسئولین و فرماندهان شما در جریان هستند:

اول: پایگاه القیاره یا کیو - وست در ۷۰ کیلومتری جنوب موصل که اگر رفته بودیم، بدون شک دو سه سال بعد، بین سندان و چکش داعش و رژیم قرار می‌گرفتیم.



جالب این‌که این کیو - وست، یکسال قبل از زمانی که به‌ما پیشنهاد کردند، در ژوئیه ۲۰۱۰ به‌عراقیها تحویل داده شده بود و وحوش زندان‌سازی آن را تکمیل کرده بودند.



Sameer Al-Haddad (center), chief of staff and secretary of the committee for receiving real properties and camps, office of the prime minister Lt. Col. Paula C. Lodi (right), outgoing commander of Q-West and commander of the 15th Special Troops Battalion, 15th Sustainment Brig 15th Sustainment Command (Expeditionary) and a Frankie, Wais., native, sign agreements July 3 completing the transfer of military facilities Contingency Operating Base Q-West to the Iraqi government.

Q-West transfer marks milestone in drawdown

STORY AND PHOTO BY
SGT. DAVID A. SCOTT
EXPERIMENTAL TIMES STAFF

Q-West to the Iraqi Ministry of Defense and the Iraqi Air Force as part of the responsible drawdown. The transfer marked the official end of nearly seven years of U.S. control

many months ago.

"There are plans to systematically close down contingency operating locations and bases throughout Iraq," she said. "We began planning in

times to the Middle East, and current line of duty was moments because of the working relationship developed with the host nation the closure and transition

CONTINGENCY OPERATING

مکان پیشنهادی دوم: پایگاه هوایی "تقدم" در ۷۵ کیلومتری غرب بغداد بین رمادی و فلوجه، یعنی کانون درگیریهای سالهای بعد و یکی از مناسبترین مکانها برای قتل عام مجاهدین و انداختن آن به گردن سایرین...

لیکن مجاهدین و مقاومت ایران آن قدر ایستادگی کردند و از کارزاری به کارزار دیگر رفتند، تا ۵ ماه بعد در آذر ۱۳۹۰ با مداخله خانم کلینتون که آن زمان وزیر خارجه بود، لیندوال معاون قبلی سفیر در هایتی که



حالا مشاور بخش سیاسی - نظامی سفارت آمریکا در عراق شده بود، به اشرف آمد و موضوع لیبرتی و کمپ لیبرتی در مجاورت فرودگاه را با ما در میان گذاشت. البته در آن زمان می‌گفت نیروهای آمریکایی تمامی لیبرتی را به مجاهدین تحویل خواهند داد. اما بعداً مالکی و کمیته سرکوب، آن را با همه امکاناتش بالا کشیدند و بلعیدند و مساحت کوچکی را به مجاهدین دادند.

نکاتی در مورد انتقال هزاران فلسطینی از لبنان

در مورد انتقال رزمندگان فلسطینی به تونس در سال ۱۹۸۲ یکی دو نکته تکمیلی می‌گویم و بقیه را خودتان از کتابهای آموزشی و تاریخی جنبش فلسطین، بخوانید.

در مجموع ۱۰-۱۲ هزار نفر از لبنان به تونس و دیگر کشورهای عربی مثل الجزایر و عراق و یمن و اردن منتقل شدند. تونس که حدود سه چهارم رزمندگان به آنجا رفتند، جایی است که برخلاف اردن و لبنان با موطن فلسطینی‌ها و اسراییل مرز مشترک نداشت.

به همین خاطر مدعیان می‌گفتند که اینها دیگر هرگز روی سرزمین خودشان را نخواهند دید و آرزوی بازگشت به خاک خودشان را باید از سر دور کنند. دیگر چیزی به نام آرمان فلسطین وجود ندارد! هیچ کس فکر نمی‌کرد که روزی عرفات و تشکیلات مستقل و خودگردان فلسطین در خاک فلسطین مستقر می‌شوند. اما در تیر ۱۳۷۳ عرفات از تونس به خاک خودش یعنی فلسطین رفت.

مدعیان، بعد از صبرا و شتیلا، هم‌چنین می‌گفتند که رزمندگان فلسطینی در تونس و دیگر جوامع عربی، بدون سلاح و مرز و خاک، خواهند برید و با ازدواج و تشکیل خانواده، در این جوامع تحلیل می‌روند و فرو می‌ریزند. هر روز هم در این باب آمار و ارقام و مطالبی منتشر می‌شد که تا سالها گاه‌به‌گاه ادامه داشت و چاشنی حملات و انشعابات علیه شخص عرفات و الفتح بود.

مجاهدین اما، بعد از مرگ خمینی با پرچمداری مریم و تکمیل انقلاب ایدئولوژیک درونی، عنصر انقلابی و بازگشت‌ناپذیر مجاهد خلق را پیشاپیش در مقابل تحلیل رفتن و فرو ریختن‌های آن‌چنانی، که خواسته رژیم است، بیمه و تضمین کردند.



نکته دیگر این که خمینی در وقایع بیروت باز هم به جنبش فلسطین و شخص عرفات خنجر زد و رژیمش قویاً به تحلیل رفتن و فرو ریختن الفتح و جنبش فلسطین و سر برداشتن مقاومت به اصطلاح اسلامی دامن می زد تا با الگوی حزب الله لبنان، گروههای دست ساز یا دست نشانده یا هم جبهه خودش را ایجاد و تقویت کند.

خنجر زدنهای رژیم را عرفات با تلخکامی در دیدارمان در بغداد در تیر ۱۳۶۵، که ۳-۴ هفته بود به عراق آمده بودیم، به تفصیل توضیح می داد. پیشوای تاریخی مقاومت فلسطین، واقعاً از تفرقه اندازی و توطئه های رژیم بسیار برآشفته بود.

نتیجه:

آن از ماجرای صبرا و شتیلا در مورد فلسطینی ها و این هم از کارزارهای ارتش آزادی در اشرف و لیبرتی و اکنون، آماده باش برای حرکت به سوی پایگاه و جایگاه امن...

تردید نکنید که اگر این کارزارها نبود، اگر کارزار بی همتا و جانفشانی مریم و پاکبازی مجاهدین و یاران اشرف نشان نبود، تا آنجا که به رژیم و مالکی مربوط می شود، نمی گذاشتند حتی یک مجاهد زنده بماند یا از عراق زنده خارج شود. در گذشته این طور بوده، در آینده هم تا روز آخر همین طور است.

ای خواهران و ای برادران! علت این که من در این سالها، پیاپی با شما اتمام حجت می کنم، علت چراغ خاموش، علت ابلاغیه های تصفیه و اخراج همین است که می خواهم در کمال آگاهی و اختیار تصمیم بگیرید. می خواهم هیچ مانعی، بر سر راه رفتن برای هر کس که می خواهد جان به در ببرد، وجود نداشته باشد. بنابراین در حالی که به عنصر مجاهد خلق

واقعاً برمی خورد، این اتمام حجتها و ابلاغیه‌ها را عام و عمومی یعنی از بالا تا پایین و بدون هر گونه استثنا کرده‌ایم تا خاص یک رده یا یک لایه در تشکیلات شما و در سازمان رزم ارتش آزادیبخش نباشد. تا بالا و پایین و قدیمی و جدیدی نداشته باشد. می‌خواهم حساب این سازمان و حساب این مقاومت، پاک و پاکیزه و روشن باشد.

خوب می‌دانید که این‌هم از خودمان نیست، بلکه مجاهدین، سنت چراغ خاموش و هم‌چنین سنت برافراشتن پرچم فروغ جاویدان راه، از امام حسین آموخته‌اند. این در عین حال تودهنی محکم ایدئولوژیکی و سیاسی و تشکیلاتی به‌رژیم و مستخدمان و همدستان و هم‌خطان است...

یادتان هست که در ابتدای نشست سؤال این بود که در این جنگ بغرنج که فرضیات و تابلوهایی، حتی مثل صبرا و شتیلا را هم نباید از نظر دور داشت، آیا واقعاً می‌توان پیروز شد؟
آیا مؤسسان چهارم مغلوب اپورتونسیسم و حرکت خودبه‌خودی و ضربات و فشارهای دشمنش می‌شود؟ یا می‌تواند در همین سالی که در پیش است خود را در میانه طوفان به‌پایگاه و جایگاه امن و امان برساند و مشخصاً در تعادل قوا، یک گام بلند کیفی بر دشمنش پیشی بگیرد؟ ما می‌خواهیم برای همین آماده شویم.

به‌همین خاطر باید به‌همه خطرهایی که ما را احاطه کرده است اشراف داشته باشیم. کاری سخت و راهی پرخطر است، اما فکر می‌کنم که شما با مریم می‌توانید... هم‌چنان که در این ۵۰ روز بعد از حمله موشکی توانستید به‌بهترین صورت گامهای بلندی در پاکسازی و بازسازی لیبرتی بردارید. آفرین و صد آفرین که مجاهدین بازگشت‌ناپذیر و "۳۱۳" بجای فرو رفتن

در ضربه و دود و دم آن، از جهات مختلف فرا رفتند و دشمن را فرو بردند...
ما این چنین به استقبال چهاردهمین سال پایداری می‌رویم.













جمع آوری و صاف کردن میخهای کهنه و مصرف شده از سراسر قرارگاه













مجاهد شهید محمدعلی میرزایی، از شهیدان حمله موشکی ۷ آبان ۱۳۹۴



















فصل چهارم

خطرها بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

۱۷ بهمن ۱۳۹۴

(قسمت اول)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَى

- فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ اللَّيْلِ مَا عَشَيْتُهُمْ

- وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى

- يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

..... ۲۰

- و همانا به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه ببر و در میان دریا برای آنان راهی خشک برگزیر (آنچنان که) از لورفتن و فرا رسیدن دشمن نترسی و (از غرق شدن) و بیمناک نباشی

- پس فرعون با سپاهیان خود به تعقیب آنها پرداخت اما دریا فرعون و سپاه او را فرا گرفت (همگی فرو رفتند و غرق شدند)

- ای بنی اسرائیل، شما را از چنگ دشمنان تان رهایی دادیم و درکنار راست رود با شما وعده و وعده گاه نهادیم.....

از زمان موسی و فرعون و سرنگونی قویترین قدر قدرت زمانه توسط پیامبر و منادی آزادی که چوپانی پشمینه پوش بود، حدود

۲۰- سوره طه، آیه ۷۷ و ۷۸

۳۴۰۰ سال می گذرد. با پیشرفت علم و تحقیقات باستانشناسی، امروز ما به داده ها و اطلاعات هر چه بیشتری از آن معجزه شگفت دسترسی داریم. در سال ۲۰۱۰ میلادی خبرگزاری فرانسه گزارش کرد که یک گروه تحقیقاتی در مرکز ملی پژوهش های جوئی در آمریکا به نحوه مهاجرت دستجمعی قوم موسی از آبهای دریای سرخ پی برده اند.

سرپرست این گروه تحقیقاتی پس از ارائه تشریحات علمی خودش، در باره نحوه دو پاره شدن آب و حجم آن و درباره وزش باد و ایجاد یک گذرگاه خشکی به طول ۳٫۵ کیلومتر و عرض تقریباً ۵ کیلومتر برای ۴ ساعت در شمال شرق دلتای رود نیل در نقطه ای به نام تل کدوتا، گفته بود:

«می توان تصور کرد که یک گروه پناهجو که به ساحل می رسند درست در همین لحظه ای که آب شکاف برداشته از آب بگذرند و به محض اینکه تعقیب کنندگان به وسط دریا می رسند جریان آب برگردد و همه آنها را غرق کند».

سرپرست گروه تحقیقاتی آنگاه نتیجه گرفته بود:

«اکنون به جرات میتوان گفت که برای داستان سه هزار سال پیش که ما آنها را در فیلم ها دیده ایم یک پایه علمی واقعی وجود دارد و نشان میدهد که این واقعه به طور واقعی رخ داده است» (خبرگزاری فرانسه - ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰).

قرآن در این باره می گوید:

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۲۱

فرعون در زمین سر برداشت و برتری جست و مردم را طبقه طبقه قرار داد، طبقه یی از آنان را سرکوب کرد و ضعیف نگه داشت پسرانشان را ذبح می کرد و سر می برید و زنانشان را مورد بهره کشی قرار می داد همانا که او از تبهاران بود.

AFP

United Nations Global Compact (UNGC) | 11/11/2017 | 11:08
110 Avenue de la Libération 92010 Nanterre Cedex

THE NEWS | THE AGENTS | NOVICES | **AFP NEWS** | 617 000 100 00

AFP in the news

Latest News in Science | News Analysis | StarStuff | News Archive | Tag Library

News in Science

Wind could have parted sea for Moses

Wednesday, 22 September 2010

AFP

Moses might not have parted the Red Sea, but a strong east wind that blew through the night could have pushed the waters back in the way described in biblical writings and the Koran. www.foxnews.com

NewScientist

Parting of the Waters



وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲۲

و چنین بود که ما موسی را با آیات و نشانه‌های خویش به سوی فرعون و دار و دسته او فرستادیم و موسی گفت من فرستادهٔ پروردگار تکامل‌بخش جهانیانم...

موسی را فرستادیم برای این که رژیم فرعون را سرنگون و قوم خود را آزاد سازد...

بله این جان کلام است.

از عجایب و معجزات دیگر این که، خدا در آخرین لحظات قبل از غرق شدن فرعون که حالا دیگر از موضع ضعف و غرق شدن، اظهار ایمان می‌کرد گفت:

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بَدَنِكَ لَتُنَكُونَ لِمَنْ خَلَقَك آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ۲۳

پس امروز برهانیم و برجا بگذاریم بدن و کالبد بی‌جان تو را تا برای کسانی که پس از تو می‌آیند آیت و عبرتی باشد و همانا که بسیاری از مردمان از نشانه‌های ما غافلند.

در عمل هم همین‌طور شد و در اواخر قرن نوزدهم جسد مومیایی شدهٔ فرعون در سال ۱۸۹۸ در معبدی در نزدیکی خلیج عقبه پیدا شد و همهٔ کاوشگران و دانشمندان را غرق در شگفتی کرد چون بعد از این همه سال، سالم مانده بود.

سپس در سال ۱۹۸۱ جسد را برای آزمایشات و تحقیقات بیشتر، به فرانسه بردند و این بار دیگر دانشمندان را شگفت‌زده کرد. بقایای نمکی که در جسد فرعون باقی مانده بود ثابت می‌کرد که او در آب دریا غرق شده است و جسد را بعد از خارج کردن آن از دریا مومیایی کرده‌اند تا حفظ شود. اما عجا که همین جسدی که حدود ۳۳۰۰ سال پیش از دریا بیرون کشیده شده، سالم باقی مانده بود.

بله، به این می‌گویند یکی از آیتها و نشانی‌های خدا، که راهگشای ایمان

۲۲-سورهٔ زخرف، آیهٔ ۴۶

۲۳-سورهٔ یونس، آیهٔ ۹۲



ماست و سرانجام با آن می‌خواهد دشمن و دشمنان خلقش را واژگون و سرنگون کند و اربابۀ تکامل را به پیش براند. از این‌رو در قرآن یادآوری شده که خدا به موسی گفت:

وَأَتْرُكُ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ ۲۴

و دریا را هنگامی که آرام است، پشت سر بگذار و عبور کن. اما سپاهیان دشمن عبور نخواهند کرد. آنان غرق می‌شوند.

نکته جالب توجه دیگر ساخت و سازهای پیروان و یاران موسی قبل از آن هجرت بزرگ بود.

قرآن در سوره یونس می‌گوید:

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوِّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۲۵

به موسی و برادرش وحی کردیم برای قوم خود در مصر خانه‌هایی بسازید. اما این خانه‌ها را روبه‌روی هم قرار بدهید (یعنی از یکطرف

۲۴- سوره دخان، آیه ۲۴

۲۵- سوره یونس، آیه ۸۷

همدیگر را ببینند و از هم غافل نباشند و از طرف دیگر به یکدیگر پشت داشته باشند تا در برابر حملات دشمن غافلگیر نشوند و بتوانند سریعاً واکنش مقتضی را نشان بدهند) و نماز به پا دارید و مؤمنان و مجاهدان را به پیروزی بشارت ده.

پس قرارگاه را طوری باید سازمان داد که افراد آن به هم پیوسته باشند و بتوانند در برابر دشمن صف ببندند و زنجیر کنند و به آنها بشارت بده که خدا آنان را به زودی از فرعون و وحوش و گزمه‌ها و مزدوران نجات خواهد داد.

آمادگی و خیز همه‌جانبه برای حرکت به سوی پایگاه امن با پرداخت بها

حالا از دورانه‌های تاریک و عصر بردگی، از روزگار طبقه فرودست سبطی و بنی‌اسراییل در مصر قدیم که شاخص آن بیگاری و استعمار در عریان‌ترین اشکال فرعونی بوده است، به دوران خودمان بیاییم. به عصر کبیر آگاهی و ارتباطات، عصر خیزشها و انقلاب خلقها. هم‌چنان که در نشستهای قبل بارها و بارها گفته‌ایم نباید انتظار داشت که برای ما معجزه‌بی در کار باشد. قرار هم نبوده چنین باشد.

گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که قانونمندیهای خدشه‌ناپذیری وجود دارد که به‌اتکای آنها معجزه را باید خلق کرد. با کشف «استاتو» و قوانین محیط، با کار سرسخت و طولانی، با پرداخت بها، با هوشیاری و عمل انقلابی و با استفاده از همه فرصتها و تضادها در داخل و خارج رژیم، در داخل و خارج عراق و در سطح منطقه و در سطح جهانی و بین‌المللی...

چرا؟ به‌خاطر این که هدف جان به‌در بردن و «نه‌جنگ» نیست. هدف سرنگونی و غرق کردن سپاه فرعون و خلافت ارتجاعی است. در تاریخ اسلام هم که هجرت مبدأ تقویم و گاهشمار آن شده است، هدف جان به‌در بردن و «نه‌جنگ» نبود. بلکه هدف به‌قول شما جنگ صد برابر و بیشتر و بیشتر بود. در یک کلام پیامبر ما، مقدمات و الزامات فتح مکه، در هم شکستن بتها و سرنگونی ارتجاع حاکم و پایان دوران جاهلیت را،

فراهم می‌کرد.

از این پیشتر ۱۳ سال سخت و پر درد و رنج در مکه گذشته بود که بخشی از آن در محاصره مطلق در شعب ابی‌طالب گذشت و حالا جنبش انقلابی در چهاردهمین سال باید قدم به‌پیش برمی‌داشت و با آن هجرت تاریخی، تاریخ هجری را رقم می‌زد. این ۱۳۹۴ سال پیش به تقویم هجری شمسی و ۱۴۳۷ سال پیش به تقویم هجری قمری بود.

می‌بینید که چه انتقال و چه آزمایش بزرگی در پیش داریم. بحث از مشتی افراد در جستجوی سرپناه نیست، بحث از انتقال یک سازمان و یک ارتش و یک مقاومت با هویت سیاسی و مبارزاتی و ایدئولوژیکی آن به موقعیت امن است تا بتواند مراحل بعدی را آغاز کند.

همان سازمان و ارتش و مقاومتی که ارتجاع و استعمار در ۱۳ سال گذشته با تمام توش و توان بر آن تاختند تا آن را از بین ببرند. از امکانات ۱۲ دولت علیه ما استفاده شد. بعد هم، سازمانهای شناخته شده بین‌المللی که کارشناسان فرو بردن صدای خلقهای مظلوم و مقاومت آنها مثل مقاومت مردم ایران در چرخ گوشت نظم نوین جهانی هستند، یکی پس از دیگری سر رسیدند. همان سازمانهای بین‌المللی که اینگرید بتانکور آن را با مارتین کوبلرش «یک نوع دایناسور چشم بسته» و «یک هیولای عظیم الجثه» توصیف کرد.

صبر کنید قسمتی از آن چه را در رمضان ۹۲ در همین باره گفتیم دوباره بشنویم:

در یک بند و بست ارتجاعی و استعماری، سلاح مجاهد خلق را می‌گیرند. سگهای زنجیری‌شان را هم می‌آورند تا از دور و از نزدیک در یک گر هماهنگ از بام تا شام به گوش ما بخوانند:

مغلوب شوید! زانو بزنید! از اشتباهات خود بگویید که با شیخ و شاه و شرکا در افتادید! جبههٔ نبرد را تعطیل کنید و زندگی خود را در پیش بگیرید!

اولتیماتوم بعد از اولتیماتوم... تهدید، فشار، دشنام، برچسب...
اما مجاهدین در برابر آن ضرب‌الاجلها «بیا، بیا!» گفتند. در برابر حملهٔ

موشکی «۹۲» بار حاضر گفتند. در برابر باتلر و کوبلر کاری کردید که در تاریخ جنبش‌های معاصر بی‌نظیر است. کدام جنبش بوده که با آن چه خانم بتانکور یک بار آن را در ژنو هیولای سازمان ملل توصیف کرد، در بیفتد و نماینده ویژه دبیرکل را، به‌رغم همه هشدارها و اخطارهایی که روز در میان به‌ما می‌دادند، پی‌کارش بفرستد و بگوید ای جنایت پیشه، حسابرسی در پیشه!...

از سخنرانی اینگرید بتانکور در تظاهرات در ژنو-مقر ملل متحد-
۱۹ آوریل ۲۰۱۳ (۳۰ فروردین ۹۲):

«...ما در این‌جا در برابر سازمان ملل متحد ایستاده‌ایم. ما در برابر یک هیولای عظیم الجثه ایستاده‌ایم. در برابر یک نوع دایناسور که چشمه‌هایش را بسته است. چشمه‌هایش را بسته است در حالی که ایجاد شده برای آنهایی که قربانی بی‌عدالتی‌ها هستند، امنیت بیاورد در این دنیا و اما خوب به‌نظر می‌رسد که سازمان ملل چشمه‌هایش را بسته است، کر و لال شده است، دیگر حسی ندارد، نسبت به‌رنج بشر... حالا دو سال می‌شود که هم‌زمان شما روز و شب در این‌جا زندگی می‌کنند تا این سازمان ملل را حساس کنند، این کارمندی را که پشت پنجره‌ها پنهان شده‌اند، تا این‌که آنها بفهمند، تا این‌که آنها همدردی داشته باشند.»

...و من در این‌جا به‌طور خاص به‌مسئولیت آنهایی که رؤسا یا همکاران کوبلر هستند، فکر می‌کنم. کوبلر که ما همه می‌دانیم کیست...

او به‌مأموریت خودش خیانت کرد، او از کنار وظیفه خودش گذشت، او جانبداری کرد. جانب دروغ را گرفت. جانب جنایت را گرفت. جانب سکوت را گرفت. جانب زد و بند و فساد را گرفت.

...من فکر می‌کنم که کوبلر در مورد کشته‌شدگان اشرافی مسئولیت دارد، در قبال همه آنهایی که ما از دست داده‌ایم، مسئولیت دارد، هم‌چنان که مسئولیت دارد به‌خاطر آنهایی که الآن جانشان در خطر است. در حالی که قرار بود او کسی باشد که ۳۰۰۰ نفر را به‌سوی کشورهای میزبان سمت و سو بدهد، او متأسفانه مسئول مرگ آنهایی شده است که در حیات خود آزاد نشدند.



تظاهرات هموطنان علیه کوبلر با شعار «کوبلر جنایت پیشه، حسابرسی در پیشه!»



فرار مارتین کوبلر از محل تظاهر کنندگان در بروکسل

...ما حق نداریم سکوت کنیم. ما حق مایوس شدن نداریم. تنها حقی که داریم مقاومت کردن است، باید مقاومت کرد.

آخر مگر می‌شود با این قدرتها در افتاد؟

آخر مگر می‌شود در اشرف و لیبرتی محصور، بدون امکانات و سلاح ایستاد؟ بله می‌توان، مجاهدین بازگشت‌ناپذیر، مجاهدین ۳۱۳ و لشکرهای فدایی آن را ثابت کردند.

از آن‌سو، مریم با عبور پیروزمند از بیست و چند دادگاه و میلیونها صفحه اتهام و لجن‌پراکنی یک نمونه تاریخی و بی‌نظیر است، هیولای هفت سر ارتجاع و استعمار را با مجاهدین و یاران اشرف‌نشان از پا درآورد. در سال ۲۰۱۳ میلادی بعد از ۶۸ سال، نخستین بار بود که نماینده ویژه دبیرکل، همان که آمده بود مجاهدین را فرو بپاشد و به‌طور خاص مأموریتش تحویل دادن ما به رژیم بود، با ایستادگی و مقاومت فرزندان رشید یک خلق در زنجیر، از دور خارج شد.

یادتان هست که بعد از شکست ضرب‌الاجل مالکی در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱، کوبلر و سفیر رژیم ابتدا از آمادگی ۷۵۰ نفر از اشرفی‌ها برای تسلیم و بازگشت به‌زیر قبای رژیم در ایران خبر دادند.

خبرگزاری فارس (سپاه پاسداران) ۲ بهمن ۱۳۹۰

سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق از اعلام آمادگی ۷۵۰ عضو گروهک تروریستی منافقین برای بازگشت به‌ایران خبر داد و گفت: استقبال نظام و حکومت ایران از اعضای سازمان تروریستی منافقین شامل سرکردگان این گروهک نخواهد شد.

دانایی فر تصریح کرد: در دیدارهایی که نماینده سازمان ملل با اعضای این گروهک در اردوگاه اشرف داشته است، اکثر اعضای این گروهک برای بازگشت به‌ایران اعلام آمادگی کرده‌اند اما سرکردگان تروریست این گروهک اجازه خروج از اردوگاه را به‌آنها نداده و این اعضا را به‌نحوی گروگان گرفته‌اند.

FARS NEWS
www.farsnews.com

Fars New Agency affiliated to the Iranian Revolutionary Guards (IRGC)
22 January 2012

The original text is in Farsi which could found on:
URL: <http://www.farsnews.com/newstext.php?no=13901102000202>

Fars New Agency--January 22, 2012

Excerpts:

750 members of Monafeqin group being ready to return Iran



The ambassador of Islamic Republic of Iran in Iraq informed of 750 members of the terrorist Monafeqin group being ready to return Iran. He said: "Welcoming the members of terrorist Monafeqin organization by Iran's government and state does not include the leaders of this grouplet.

Danaifar specified: "In the meetings that the representative of UN has had with the members of the grouplet in camp Ashraf, most of its members have announced their readiness to return to Iran, but the terrorist leaders of the grouplet have not allowed them to exit the camp and have somehow taken these members hostage."

In answer to this question that whether any country is ready to accept the members of the grouplet, he said: "In the visits we had with the UN representative in Iraq, he announced that there are a number of countries who are ready to accept them which I cannot mention them now."

The IRU's ambassador to Iraq reiterated: "the UN and its representative in Iraq have underscored time and again in the meetings they had with us that from the UN point of view, the Monafeqin organization is a terrorist grouplet and it will not support them by any means."

سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق، تصریح کرد: سازمان ملل و نماینده آنها در عراق در دیدارهایی که با ما داشته‌اند بارها تأکید کرده‌اند که از نظر سازمان ملل سازمان منافقین یک گروهک تروریستی است و به‌هیچ‌وجه از آنها حمایت نخواهند کرد.

دو روز بعد کوبلر و سفیر رژیم عدد ۷۵۰ را به‌آمدگی ۱۶۲۰ مجاهد برای تسلیم و بازگشت از اشرف به‌نزد رژیم تبدیل کردند. راستی که شتر رژیم در خواب پنبه‌دانه می‌دید و با کوبلر، اعداد و ارقام را "لف لَف" بالا می‌کشید!

سفیر ایران در عراق در گفت‌وگو با فارس خبر داد:

آمدگی ۱۶۲۰ عضو گروهک منافقین برای بازگشت به ایران / رسیدگی به پرونده ۱۲۰ عضو در محاکم قضایی عراق

خبرگزاری فارس: سفیر ایران در بغداد از آمادگی یک هزار و ۶۲۰ عضو گروهک تروریستی منافقین مستقر در اردوگاه اشرف برای بازگشت به کشور خبر داد.



حسن دانایفر، سفیر ایران در عراق، در گفت‌وگو با خبرنگار سیاست خارجی خبرگزاری فارس، در خصوص آخرین وضعیت اعضای گروهک تروریستی منافقین گفت: پرونده ۱۶۲۰ عضو این گروهک در عراق به پایان یافته و ۱۲۰ نفر از آنان در محاکم قضایی عراق در جریان محاکمه قرار دارند. این افراد در جریان محاکمه‌های خود با نمایندگان سازمان ملل در یادگان اشرف تقاضا داشتند به ایران بازگردند.

وی در خصوص صدور دستور بازداشت ۱۲۰ نفر از اعضای گروهک منافقین از سوی نوری المالکی نخست‌وزیر عراق، گفت که پرونده این افراد در محاکم قضایی عراق در جریان است.

سفیر ایران در عراق، خاطرنشان کرد: نماینده سازمان ملل اعلام کرده که ۱۶۲۰ نفر از آنها برای بازگشت به ایران اعلام آمادگی کردند و مابقی نیز باید با مصاحبه و پر کردن فرم‌های مربوطه تکلیف خود را روشن کنند.

خبرگزاری فارس (سپاه پاسداران) ۴ بهمن ۱۳۹۰

حسن دانایفر سفیر ایران در عراق در گفت‌وگو با خبرنگار سیاست خارجی خبرگزاری فارس، در خصوص آخرین وضعیت اعضای گروهک تروریستی منافقین گفت: پرونده منافقین یک پرونده فعال است که در حال پیگیری و پایان یافتن می‌باشد، لذا هر لحظه باید منتظر اخباری در رابطه با پایان یافتن این موضوع باشیم.

سفیر ایران در عراق ادامه داد: تعداد قابل توجهی از این افراد در جریان مصاحبه‌های خود با نمایندگان سازمان ملل در یادگان اشرف تقاضا داشتند به ایران بازگردند.

وی در خصوص صدور دستور بازداشت ۱۲۰ نفر از اعضای گروهک منافقین از سوی نوری المالکی نخست‌وزیر عراق، گفت که پرونده این افراد در محاکم قضایی عراق در جریان است.

سفیر ایران در عراق، خاطرنشان کرد: نماینده سازمان ملل اعلام کرده که ۱۶۲۰ نفر از آنها برای بازگشت به ایران اعلام آمادگی کردند و مابقی نیز باید با مصاحبه و پر کردن فرم‌های مربوطه تکلیف خود را روشن کنند.

در این نشست می‌خواهم در آستانه ۱۹ بهمن و آن فدیة و فدا و ذبح عظیم اشرف و موسی، به‌دقت فهرست خطراتی را مرور کنیم که ما را از هر سو احاطه کرده است. خطراتی که بر روی زمین بیش از هر کس نسبت به آن اشراف داریم و آن را از جمیع جوانب می‌بینیم و احساس می‌کنیم. نشست امروز را از صبح شروع کردیم تا بتوانیم شب موقع تاریکی به‌خاطر احتیاط و احتمال حمله موشکی تمام کنیم. از نشست عمومی قبلی تا امروز، ۴ نشست تخصصی هم داشته‌ایم که من باید فشرده‌یی از آنها و تصمیمات این نشستها را با اسناد مربوطه به‌جمع گزارش کنم.

- نشست مسئولین سیاسی در ۱۸ دی

- نشست ۳۰۰ نفر از مسافران در ۲ بهمن

- نشست روابط خارجی در ۷ بهمن

- و نشست سازماندهی انتقال در روز ۹ بهمن

در این فاصله کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت هم مدارک جدیدی از توطئه‌های رژیم و طرح و برنامه‌هایش با طرحهای عراقی و حکومت عراق از داخل رژیم به‌دست آورده که خیلی قابل‌توجه است. من به‌برخی از آنها اشاره می‌کنم تا زمان مناسب انتشار و علنی کردن این اسناد برای اطلاع عموم هموطنانمان توسط کمیسیون فرا برسد.

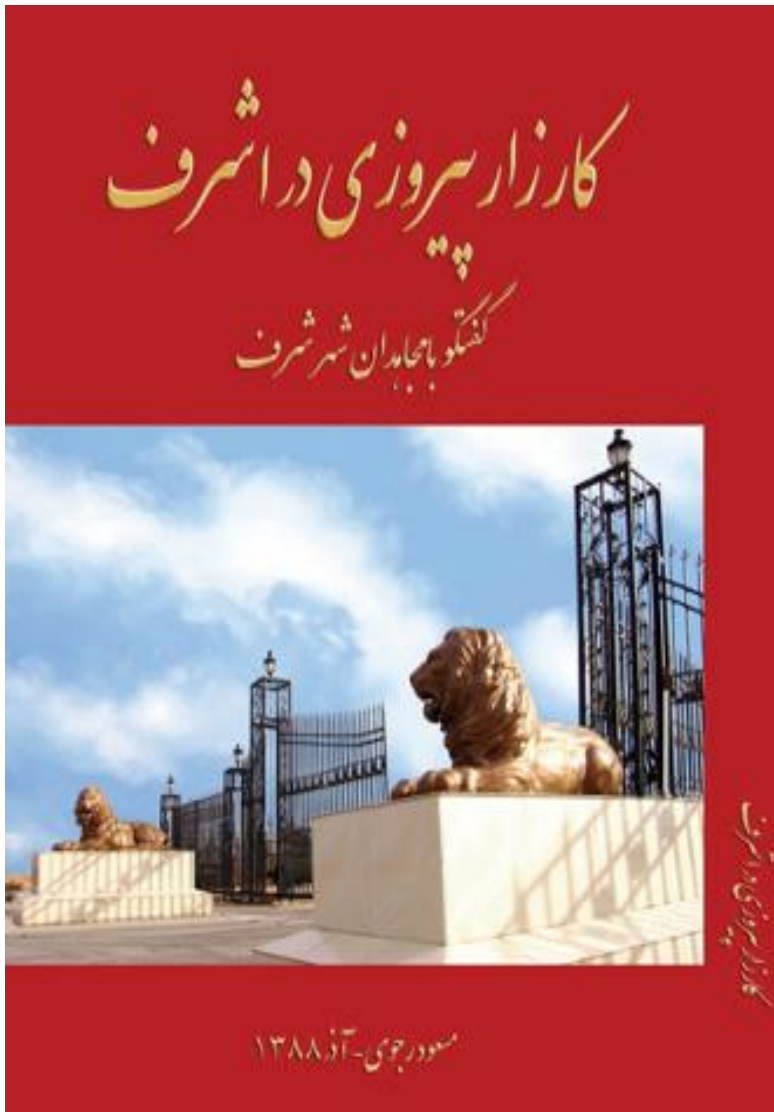
منظور این است که هم فرد و هم جمع، با اطلاع و اشراف هر چه کاملتر نسبت به آن خطراتی که گفتم از هر سو ما را احاطه کرده است، تصمیم بگیرید. بنابراین در نشست امروز ابتدا به‌خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال می‌پردازیم. بحث بعدی، مفهوم و الزامات آماده‌باش در جمیع جهات است. از آمادگیهای دفاعی و نظامی و امنیتی بر روی زمین گرفته تا آمادگی‌های سیاسی. و سرانجام آمادگی درونی خودمان، یعنی آمادگی ایدئولوژیکی و تشکیلاتی و اتمام‌حجت‌نهایی قبل از اعزام به‌مأموریت و آزمایش بزرگ.

خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم

اگر به یاد داشته باشید با کارزار گسترده ملی و بین‌المللی برای آزاد کردن گروگانها بعد از ۶ و ۷ مرداد (۱۳۸۸) و آن اعتصاب تر و خشک که ۷۲ روز طول کشید، در ۱۵ مهر کارزار پیروزی در اشرف به بار نشست و گروگانها آزاد شدند. هم‌چنین در ۲۴ آذر همان سال (۱۵ دسامبر ۲۰۰۹) اتوبوسهای مالکی و خامنه‌ای که آمده بودند مجاهدین را از قید و بند سازمان خودشان برهانند! و آنها را به مکانهای دیگر غیر از اشرف و حتی چنان که سخنگویان مالکی می‌گفتند به اروپا ببرند، تماما خالی برگشتند



این چنین خلیفه ارتجاع و مالکی یک جفت سیلی آتشین دریافت کردند و کارزار اشرف به طور مضاعف به پیروزی رسید.



استفاده از «مکان موقت عبور» برای جدا کردن سر از بدنه و انهدام تشکیلات مجاهدین

موضوع این بود که در روز ۲۷ مهر ۸۸، ۱۲ روز بعد از آزادی گروگانها، علی الیاسری نماینده مالکی (رئیس رسمی کمیته سرکوب در نخست‌وزیری) مانند خرس تیر خورده به اشرف آمد و در حضور نماینده سازمان ملل و ژنرال آمریکایی، اولتیماتوم پر تهدید جابجایی اجباری در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ به سماوه (در ۹۰۰ کیلومتری اشرف) را ابلاغ کرد. وی مدعی بود که اشرف وسعتی بیش از کشور بحرین دارد(!) و بایستی برای استفاده عراقیان تخلیه شود...

کمیته سرکوب اشرف در نخست‌وزیری عراق اعلام کرده بود در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ (۲۴ آذر ۱۳۸۸) به جابه‌جا کردن مجاهدان بی سلاح اشرف مبادرت می‌کند و آنها را به زندانی در یک منطقه صحرائی نزدیک به مرز عربستان سعودی در جنوب غربی عراق منتقل خواهد کرد. این توطئه مشترک خامنه‌ای و مالکی برای سرکوب و انهدام مجاهدین در پی شکست در اشرف و آزادی گروگانها از چنگال دژخیمان مالکی و نیروی تروریستی قدس بود.

۸ روز قبل از فرا رسیدن ضرب‌الاجل ۱۵ دسامبر، مالکی نخست‌وزیر عراق در ۱۶ آذر در سایت خود و روزنامه نیمه رسمی الصباح «راجع به اخراج افراد سازمان مجاهدین از عراق یا انتقالشان به صحرای سماوه» گفت: «تصمیم به اخراج آنها از عراق است و اجازه نخواهیم داد آنها در عراق باقی بمانند و اقدامات ضروری را در زمان اتمام مهلتها اتخاذ خواهیم نمود. انتقال به «نقره سلمان» گامی در راه اخراج آنهاست زیرا حضورشان در استان دیالی (در اشرف) خطرات زیادی دارد».

هم‌چنانکه در پیشگفتار کتاب کارزار پیروزی در اشرف آمده است: «در روزهای بعد، رژیم آخوندی و اطلاعات و رسانه‌ها و سایتها و مزدوران آن سر از پا نمی‌شناختند و در صدها خبر و تفسیر از انتقال سریع‌السير مجاهدان اشرف به «نقره سلمان» سخن گفتند که «دمای شنهای داغ آن در زیر تشعشع

مستقیم آفتاب تا ۷۰ درجه سانتیگراد می‌رسد». جایی که حتی گیاهان «در زیر شنهای متحرک مدفون شده و بسیاری دیگر با این که ریشه‌های خیلی عمیقی دارند از جا کنده شده و همراه با گرد و غبار فراوان به دهها کیلومتر دورتر منتقل می‌شوند».

در ۱۸ آذر رژیم آخوندی و اطلاعات بدنام آن در واکنش به برانگیختگی افکار عمومی علیه جابجایی خونین و اجباری، شماری از مزدوران خود را برای تبلیغ و لجن‌پراکنی علیه مجاهدین، به محل پارلمان اروپا برد.

در ۱۹ آذر دباغ، سخنگوی مالکی تحت فشارهای روزافزون بین‌المللی برای مقابله با طوفان مخالفت افکار عمومی، یک گام عقب نشست و اعلام کرد در گام اول در روز ۱۵ دسامبر ساکنان اشرف به جای سماوه به ساختمانهایی در بغداد منتقل می‌شوند. منظور او، انتقال به خانه‌های امن دژخیمان مالکی بود. منظور من از این یادآوری این است که تا آنجا که به رژیم و دست نشاندهانش در عراق مربوط می‌شود، بارها و بارها به صراحت گفته‌اند که صورت مسأله آنها همانا تشکیلات مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی و جدا کردن سر از بدنه برای متلاشی کردن مجاهدین است والا با نفس انتقال مشتکی افراد پراکنده و بی‌سازمان و بی‌خطر مشکلی ندارند... پس وقتی از خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال صحبت می‌کنیم، منظورمان انتقال مؤسسان چهارم به‌طور سازمان‌یافته و متمرکز است.

کما این که دو سال و نیم بعد از داستان سماوه و انتقال به خانه‌های امن در بغداد، در تابستان ۱۳۹۱ هم دیدیم که وقتی مقاومت ایران، شکست پروژه مشترک کوبلر و مالکی و رژیم، در مورد «مکان موقت عبور» را اعلام کرد و خاطر نشان نمود این مکان موقت عبور، طبق تعاریف خودتان نمی‌باید چند هفته یا حداکثر چند ماه بیشتر طول می‌کشید، مارتین کوبلر و فالج فیاض بعد از سفر به تهران، فیلی به‌نام هتل یمامه هوا کردند تا مجاهدین از اشرف و لیبرتی به این هتلها در بغداد بروند! صورت مسأله باز هم تشکیلات مجاهدین بود.

متقابلاً مقاومت ایران اسناد اجاره هتل یمامه در بغداد توسط سفارت رژیم ایران از ابتدای سال ۲۰۱۱ را که تحت پوشش «سازمان حج و زیارت ایران» در کنترل اطلاعات آخوندها بود وسیعاً و در سطح بین‌المللی افشا کرد.



National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۳ مرداد ۱۳۹۱

طرح نفرت‌انگیز انتقال ساکنان اشرف و لیبرتی به هتل، با واسطه‌گری سفارت رژیم ایران در بغداد

ارمغان سفر فالح فیاض و مارتین کوبلر به تهران، به جای اعلام شکست پروژه «مکان موقت انتقالی»

مقاومت ایران افشا می‌کند: اسناد اجاره هتل یمامه در بغداد توسط سفارت رژیم ایران از ابتدای سال ۲۰۱۱

که اکنون تحت پوشش «سازمان حج و زیارت ایران» در کنترل اطلاعات آخوندهاست

دو ماه است که مشاور امنیتی حکومت عراق و نماینده ویژه دبیرکل در نقشه مسیری که برای ساکنان اشرف و لیبرتی ترسیم کرده‌اند، به‌هتلهایی اشاره می‌کنند که «برای جا دادن به‌باقیمانده ساکنان آماده است». این طرح نفرت‌انگیز که ارمغان سفر فالح فیاض و مارتین کوبلر به تهران است در عین حال شکست پروژه مکان موقت انتقالی را، که از ابتدا یک پروژه مبهم و مشکوک برای انهدام اپوزیسیون رژیم ملایان

بود، پرده پوشی می‌کند.

۱- مقاومت ایران در اطلاعیه ۲ اسفند ۹۰ اعلام کرد: «به‌سندی از درون سپاه پاسداران دست یافته که نخست‌وزیری عراق، پس از انتقال اولین گروه ساکنان اشرف به‌لیبرتی، به‌نیروی قدس و سفیر رژیم در بغداد اطمینان داده است اعضای سازمان مجاهدین در لیبرتی فلج خواهند بود... این سند تک‌اندهنده هیچ ابهامی باقی نمی‌گذارد که پروژه انتقال ساکنان اشرف به‌لیبرتی، به‌طور کامل در خدمت منویات رژیم آخوندی است و هدف آن انهدام اپوزیسیون دموکراتیک و مشروع این رژیم است».

- سند تصریح می‌کند: «ما (دولت عراق) شروط خودمان را می‌گذاریم و می‌خواهیم اعضای سازمان در نهایت به آن گردن بگذارند... در بسیاری از مواقع سازمان ملل شرایط عراق را توجیه می‌کند و از اعضای سازمان مجاهدین می‌خواهد آن را قبول کنند زیرا لیبرتی فقط یک ایستگاه عبور است که اقامت در آن مدت کوتاهی طول می‌کشد».

- بر اساس این سند، دولت عراق از این که «همه اعضای هیأت سازمان ملل در عراق در توافق کامل با دولت عراق نیستند» شکوه می‌کند «اما به‌طور خاص آقای کوبلر، نماینده ویژه دبیرکل درخواستهای دولت عراق را تأیید می‌کند. ما فکر می‌کنیم که او نمی‌خواهد با دولت عراق تضاد پیدا بکند و به‌خاطر سازمان مجاهدین روابطش را با دولت عراق تیره کند». سازمان مجاهدین خواستهایی را مطرح کرده است «ما به آنها عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهیم که با سازمان ملل همگام باشیم. اما این خواستهها هرگز اجرا نمی‌شوند. دولت عراق و مذاکره‌کننده آن، فقط موافقت کرده است که بر روی مسائل غیرمهم و جزئی گفتگو شود. مسائلی که تأثیر زیادی در وضع ندارد مانند بازدیدهای میدانی پزشکان یا هیأتها که مسائل غیرمؤثری هستند. دولت عراق به‌سایر درخواستهایی که بعضاً از طرف ساکنان اشرف مطرح می‌شود قویاً عکس‌العمل نشان می‌دهد... قرارگاه جدید باید مطابق نیازهای دولت عراق باشد و نه نیازهای اعضای سازمان. دولت عراق از مسائل اصلی کوتاه نخواهد آمد».

۲- فالح فیاض، مشاور امنیتی مالکی، پس از بازگشت از سفرش به ایران، در روز ۵ اردیبهشت ۹۱ در تلویزیون دولتی عراق گفت: «آقای مارتین کوبلر، نماینده دبیرکل سازمان ملل در عراق، مباحثات مفصلی با طرف عراقی و طرف ایرانی داشته است، چه از طریق سفارت ایران یا از کانالهای ارتباطی دیگر، با طرف ایرانی مباحثاتی داشته است تا الزامهای اجرای تفاهمی را فراهم کند که بین او و عراق برای بستن قرارگاه اشرف و پایان دادن به حضور این سازمان در خاک عراق طی سال جاری مورد تفاهم قرار گرفته است. آنچه مورد بحث قرار گرفت شامل مکانیزمها و نقش ایران در انجام آنچه باید در حل این مشکل انجام دهد بود».

۳- مارتین کوبلر دو روز پس از انتقال پنجمین گروه ساکنان اشرف به لیبرتی، به ایران رفت. کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت که بیش از ۴ هزار پارلمانتر در کشورهای مختلف جهان را در بر می‌گیرد در روز ۴ خرداد (۲۴مه) در همین خصوص به دبیرکل بان‌کی مون نوشت: «سفر اخیر آقای کوبلر به تهران و ستایش از نقش فاشیسم دینی حاکم بر ایران در امنیت عراق و گزارشهایی که از ملاقات وزارت اطلاعات ملایان با او در مورد مجاهدین می‌رسد، ما را شوکه کرده است».

ما مطلع هستیم که او از مدت‌ها پیش قصد سفر به ایران را داشت و رژیم ایران تنها پس از این که گروه پنجم از ساکنان اشرف به لیبرتی منتقل شد، به او ویزای ورود به ایران را داد. در فوریه، آقای کوبلر در سفرش به اروپا به طرفهای اروپایی گفت که سفیر ایران در عراق شرط دیدار او از ایران را، انتقال مجاهدین خلق از اشرف گذاشته است».

کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت در روز ۲۳ خرداد (۱۲ ژوئن) در نامه دیگری به دبیرکل در همین باره خاطرنشان کرد که مارتین کوبلر «در عمل پس از انتقال دو سوم ساکنان ویزا دریافت کرد».

۴- در روز ۱۱ خرداد کوبلر و جورج باکوس، مشاور سیاسی مالکی، با نمایندگان ساکنان در لیبرتی ملاقات کردند. مشاور مالکی در پاسخ

به شکایتهای ساکنان گفت: پیشنهاد می‌کنم که ۱۲۰۰ نفر باقیمانده در اشرف، از اشرف به هتل بروند و تضمین می‌کنیم که ۲۴ ساعته آب و برق، غذا و رسیدگیهای پزشکی‌شان فراهم باشد. کوبلر در حالی که به گفته خودش از این پیشنهاد «سورپریز» شده بود از آن حمایت کرد و گفت گروه پنجم که از نیاوردن اموال و برگرداندن تانکرهای خدماتی‌اش شکایت دارد و خواهان بازگشت به اشرف است می‌تواند به جای اشرف به هتل برود! نمایندگان لیبرتی بلادرنگ این را یک طرح و توطئه رژیم ایران اعلام کردند که در برابر شکست پروژه مکان موقت انتقالی علم می‌شود. آنها به ملاقات پایان دادند و قصد ترک جلسه را داشتند اما آقای کوبلر خواهش کرد که بنشینند و به گفتگو ادامه دهند و باکوس هم به کوبلر گفت بحث هتل را کنار بگذارید، این فقط یک پیشنهاد بود...

۵- به دنبال آن، نماینده ساکنان در خارج عراق در روز ۱۴ خرداد به کوبلر نوشت: «من از این که شما و نماینده دولت عراق پیشنهاد ظاهراً خودبه‌خودی انتقال همه ساکنان یا بیماران به‌هتل‌هایی در بغداد را در جلسه‌یی که برای بررسی مسایل و مشکلات زیربنایی... در کمپ لیبرتی ترتیب داده بودید، مطرح کردید، متعجب شدم. اما شما بخش اصلی پاسخ نماینده ساکنان را در صورتجلسه خود نادیده گرفته‌اید. آنها در پاسخ به این پیشنهاد گفتند که این طرح جدیدی نیست و از ۳ سال قبل توسط رژیم ایران برای نابودی ساکنان دنبال شده و قبلاً برای کسانی که خواهان بازگشت به ایران هستند، در نظر گرفته شده است».

نماینده ساکنان در نامه خود به کوبلر افزود: «طرح هتل در ملاقات ۳۱ مه (۱۱ خرداد) با توجه به سوابق امر، این فرضیه را به ذهن می‌آورد که راه حل هتل، از تهران و رژیم ملایان سرچشمه می‌گیرد. شما حتماً از تجربه هتل مهاجر بغداد مطلعید که وزارت اطلاعات ملایان، آن را به صورت شعبه‌یی از این وزارتخانه درآورده است. دولت عراق افرادی را که در طول سالهای گذشته عراق را ترک می‌کردند در آنجا سکنی می‌داد

و عملاً تحت اختیار سفارت رژیم ایران در بغداد و عوامل وزارت اطلاعات آن از جمله حاج علی نویدی، ناصری و نوبختی که ما در سالهای گذشته یکایک آنها را افشا کرده‌ایم، قرار می‌داد تا افراد را پس از مدتی وادار به بازگشت به ایران و همکاری با گشتاپوی ملایان کند. در هر صورت، طرح مسأله انتقال ساکنان به هتل به خوبی نشان می‌دهد که مکان موقت انتقالی یک طرح شکست خورده است، چیزی که ما از چندی پیش آن را برای شما و برای دبیرکل نوشتیم. به خصوص که شما به‌هنگام امضای یادداشت تفاهم دوره زمانی مشخص شده ۶ ماهه را برای مکان موقت انتقالی را از پیش‌نویس اولیه بنا به خواست دولت عراق حذف کردید...».

۶- طبق اسناد و گزارشهایی که مقاومت ایران از داخل رژیم آخوندها به‌دست آورده است، در اوایل ژوئیه آقای کوبلر یونانی را در بغداد موظف می‌کند تمامی هتل یمامه را اجاره کند. همان هتلی که مشاور امنیتی دولت عراق آن را در یادداشت تفاهم با کوبلر به‌عنوان یک مکان موقت انتقالی دیگر مکتوب کرده است.

این هتل از ابتدای سال ۲۰۱۱ با یک قرارداد رسمی در اجاره «سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد - رایزن بازرگانی» بوده و قرارداد مربوطه را یکی از مأموران اطلاعات رژیم ایران به‌نام مهدی نجات‌نیا به‌مدت یک سال - با تأکید بر این‌که قابل تمدید خواهد بود - امضا کرده است. سند ضمیمه است و به‌پیوست آن یک برگ «عقد تفاهم‌نامه با هتل یمامه بغداد» با آرم «جمهوری اسلامی ایران - وزارت بازرگانی - دفتر رایزنی بازرگانی - عراق - بغداد» دیده می‌شود.

این هتل هم اکنون در اجاره «سازمان حج و زیارت ایران» است و با این پوشش، تحت کنترل اطلاعات آخوندهاست.

طبق گزارشهای موجود از داخل رژیم ایران، یونانی گفته است که بابت اجاره یکساله این هتل به‌منظور مستقر کردن ۴۰۰ تن از اعضای مجاهدین در آن پول خوبی می‌پردازد تا قرارداد با سازمان حج و زیارت

ایران به قرارداد جدیدی با یونانی تبدیل شود. مقاومت ایران با بالاترین انزجار از این طرح نفرت‌انگیز و مورد علاقه گشتاپوی فاشیسم دینی حاکم بر ایران، از دبیرکل ملل متحد می‌خواهد یونانی را از ورود به این قبیل توطئه‌ها و اقدام‌های کثیف برحذر دارد و آن را به تضمین حداقل‌های انسانی در لیبرتی موظف کند.

تعهدات و حداقل‌های انجام نشده که اجرای آن لازمه حرکت گروه‌های بعدی از اشرف به لیبرتی است،

هم چنان که در اطلاعیه ۲۵ تیرماه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران آمده است، عبارتند از:

۱- وصل آب لیبرتی به شبکه شهری یا انتقال تجهیزات لازم از اشرف برای پمپاژ آب از کانال آب واقع در ۱۵۰ متری لیبرتی
۲- انتقال همه ژنراتورهای موجود در اشرف به ویژه ۶ ژنراتور اصلی.
۳- برگرداندن ۶ خودرو خدماتی (آب و فاضلاب و سوخت) گروه پنجم به لیبرتی.

۴- انتقال بنگالهای ویژه بیماران از اشرف.
۵- انتقال ۵ لیفتراک برای جابه‌جایی اقلام سنگین که اکنون با دست و بر شانه‌های ساکنان لیبرتی حمل می‌شوند.

۶- انتقال ۵۰ ماشین سواری یا معادل آن اتوبوس برای ۲۰۰۰ نفر (قبلاً ۳۰ خودرو برای ۱۲۰۰ نفر منتقل شده است).

۷- سازندگی در لیبرتی شامل پیاده‌رو، پاگرد، سایه‌بان، پله شیب‌دار، تأسیسات ویژه برای بیماران و فضای سبز.

۸- حل و فصل مسأله اموال منقول و غیرمنقول ساکنان اشرف، به ویژه اجازه ورود به اشرف به تاجران و خریداران

شایان یادآوری است که حکومت عراق از برگرداندن دو کانتینر متعلقات شخصی گروه‌های ۴ و ۵ به ارزش ۱۲۰ هزار دلار، که از ۳ ماه پیش آنها را توقیف کرده، خودداری می‌کند. تمامی این اموال قانونی و غیرنظامی

هستند و بسیاری از آنها در گرمای بالای ۵۰ درجه از بین می‌رود. در روز ۳ تیرماه (۲۳ ژوئن)، هزاران پارلمانتر از مجمع پارلمانی شورای اروپا و مجالس قانونی ۴۶ کشور در ۵ قاره در بیانیه خود نسبت به زندان‌سازی در لیبرتی هشدار دادند و تأکید کردند: «ما برای دولت آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل نیز روشن ساخته‌ایم که برای محقق کردن همین حداقلها وارد عمل شوند و مانند گذشته مشکل را با پرداخت یکجانبه از جیب ساکنان حل نکنند. این یک راه‌حل ناپایدار است و رژیم ایران و دولت عراق را به‌اعمال خشونت و نقض مضاعف حقوق آنها تشویق می‌کند».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۳ مرداد ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الموضوع / التفیق تعاون بين الملحقة التجارية الإيرانية وفتح اليمامة

الطرف الأول : فتح اليمامة - بغداد

الطرف الثاني : الملحقة التجارية لسفارة الجمهورية الإسلامية الإيرانية - بغداد

بسم الله العلي القدير وبهوته سبحانه وتعالى ، تم عقد التفیق لتعاون بين الطرف الأول المعروف في هذا العقد بفتح اليمامة ومقره في بغداد وبين الطرف الثاني والمعروف في العقد نفسه بالمحقة التجارية لسفارة الجمهورية الإسلامية الإيرانية في بغداد، وبموجب المسؤوليات والواجبات لكل طرف ، تعهد كل من الطرفين على ما يلي :

التزامات الطرف الأول :

بفتح الطرف الأول (فتح اليمامة) للطرف الثاني (الملحقة التجارية الإيرانية في بغداد) بتقديم خدماته الفندقية لتضيوف الإيرانيين (الشخص - وفود رسمية - وفود شركات تجارية وصناعية) بموجب السياسة السعرية المتفق عليها بين الطرفين بتاريخ 16 / 1 / 2011 والذي نص على ما يلي :

(1) * سعر الغرفة لشخص واحد (S 85) مع فطور مجاني لشخص واحد .

* سعر الغرفة المزدوجة لشخصين (S 110) مع فطور مجاني لشخصين .

* سعر الغرفة لثلاثة أشخاص (S 150) مع فطور مجاني لثلاثة أشخاص .

* سعر السويت (S 180) مع فطور مجاني

(2) اسعار الوجبات الغائية بموجب الاتفاق بين الطرفين بتاريخ 16 / 1 / 2009 كما يلي :

* سعر وجبة الفداء الواحدة (S 25) .

* سعر وجبة (V.I.P) بوجبة مفتوح (S 30) .

(3) تقديم الخدمات الخاصة لاقامة الضيوف الإيرانيين وباسعار مناسبة وكما يلي :

* خدمة النقل الضيوف من المطار الى الفندق وبالعكس (S 65) .

* التوتري / حمل وكوي الملابس حسب الاسعار السائدة في الفندق .

* خدمة الانترنت داخل الغرف (S 10) لمدة 24 ساعة .

مسؤوليات الطرف الأول :

(1) - اعلام الملحقة التجارية الإيرانية بموافة الفتح على استقبال الضيوف الإيرانيين بعد مخالفة الملحقة التجارية ادارة الفتح للتعريف عن هوية الضيوف الإيرانيين الذين سيتم استقبالهم في الفتح .

(2) - عدم انضمام اية مبالغ او اتهاج سياسة الترامه ضخما بلقى الحجز المسبق لتعرف لاسباب خراجة عن الارادة تحول دون وصول الضيوف الإيرانيين الى العراق ،

(3) - يتم الاتفاق مسبقا مع الضيوف الإيرانيين الذين يرغبون بالمغادرة من الفتح على ساعة المغادرة ، والتي ستكون قبل الساعة (3) بعد الظهر .

التزامات الطرف الثاني :

بفتح الطرف الثاني (المحقة التجارية لتجارية الإيرانية - بغداد) للطرف الأول (فتح اليمامة) ان يقوم باعلان والترويج عن خدمات الفتح في ايران لكل الإيرانيين في داخل البلاد والأيرانيين المقيمين في

دول العالم وبماثل الاتي :

أ - تانيد الارقياء الثامن لاداء التسوق ورفهها قسي تقديم خدماتها الفندقية للضيوف

مع التأكيد على مقرة الفتح ومن خلال كوافرها الامنية الجيدة على حفظ الامن والاستقرار في كافة مرافقها السياحية وحدائقها المنتشرة في ارجاء الفتح .

- ب - تطام بالتعريف والإعلان عن فندق اليمامة وخدماته بالطرق المثلى :
- (1) - وضع مساحة لفندق اليمامة وخدماته التقنية في الموقع الإلكتروني لوزارة تجارة الأيرانية .
 - (2) - اطلاع كافة المؤسسات الاقتصادية والفروع التجارية والمعدات الصناعية الأيرانية .
 - (3) - اطلاع كافة الشركات السياحية والمسؤولين عن إقامة المعارض والوفود التجارية الأيرانية
 - (4) - وضع البوسترات والصور الخاصة بفندق اليمامة في اروقة مؤسسات وزارة التجارة الأيرانية والفروع التجارية والاتحادات الصناعية والمنطقة التجارية الأيرانية في بغداد .
- ج - يتعهد الطرف الثاني (المنطقة التجارية الأيرانية) في بغداد بحل جميع المشاكل والخلافات المحتملة والتنازع بين ادارة فندق اليمامة وبين الزعماء الأيرانيين والشركات الأيرانية المضيفة في الفندق .
- د - عند حجز الغرف لأقامة الأيرانيين (الشطرنج - ولود رسمية - ولود شركات تجارية وصناعية) سيتم اعلام ادارة فندق اليمامة من قبل المنطقة التجارية الأيرانية بالموعد لاختراض المحجز والاعداد للتحضيرات الأولية وذلك قبل يومين من تاريخ الأقامة الفعلية .
- هـ - يتعهد الطرف الثاني (المنطقة التجارية الأيرانية) في بغداد بمشاطبة واعلام الطرف الاول (فندق اليمامة) كتعريف عن هوية الضيوف الأيرانيين (افراد - ولود) والتأمين سيتم استقبالهم للأقامة في الفندق بتوصية المنطقة التجارية الأيرانية في بغداد .

تعهدات توافقية بين الطرفين :

- 1 - في حالة نشوب خلاف بين الطرفين ليحل موضوع الخلاف ودياً ، ويعكسه يتم لجوء الطرفين في الطرق القانونية .

تم الاتفاق على الفترات الواردة في الاتفاق اعلاه بين الطرف الاول (المنطقة التجارية الأيرانية في بغداد) وبين الطرف الثاني (فندق اليمامة) ، ويكون هذا الاتفاق نافذ المفعول لمدة (عام كامل) ابتداء من تاريخ توقيع الاتفاق وقابل للتجديد بالتراضي الطرفين .

تم توقيع الفتح التعاوني بين الطرفين ببغداد وبالثقنين العربية والفارسية بين الطرف الاول والطرف الثاني في بغداد بتاريخ ١٦ / ١ / 2011 ميلادية المصادف ١٦ / ١ / 1389 هجري شمسي ، ويختار نص النسختين الأساس لدي الطرفين الموقعين .

الطرف الثاني
مهدي تجانت نيا
المشغل التجاري

سفارة الجمهورية الإسلامية الأيرانية - بغداد



الطرف الأول
عبد التطيف حسن الكهسي
المدير المفوض

فندق اليمامة - بغداد

١٦ / ١ / ٢٠١١



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عراق
عراق - بغداد



جمهوری اسلامی ایران
وزارت بهداشت

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹
شماره: ۱۰۰۰/۱۳۹۰
پوست: —

اطلاعیه

صدتایم‌ساز با هتل یاسر بغداد

بمنظور رفاه حال تجار و هموطنان عزیز کشورمان در سفر به شهر بغداد با توجه به تعطیلی اکثر هتل های بزرگ این شهر به دلیل بازسازی ، این دفتر پس از بررسی های انجام شده مناسب ترین هتل به لحاظ امنیتی و بهداشتی که دارای شرایط مطلوب مسکن باشد در شرایط فعلی هتل پیمان را انتخاب نموده و پس از عقد قرار همکاری موفق به اخذ ۲۰ درصد تخفیف شده است که ذیلآ ترخه های قابل پرداخت جهت اطلاع ایفاد می گردد :

- ۱- اتاق یک تخته برای یک نفر ۸۵ دلار
- ۲- اتاق دو تخته برای دو نفر ۱۱۰ دلار
- ۳- اتاق سه تخته برای سه نفر ۱۵۰ دلار
- ۴- سوئیت برای افراد بیش از سه نفر ۱۸۰ دلار

شایان ذکر است که تمامی ترخه های فوقی با احتساب صیحاته بوده و جهت هر وعده غذا در رستوران این هتل ۲۵ الی ۳۰ دلار شارژ می گردد . در ضمن جهت ایاب و ذهاب از فرودگاه برای هر ماشین با ۴ مسافر در هر مسیر ۴۵ دلار توافق شده است . از علاقمندان به استفاده از این خدمات خواشمند است یک هفته قبل از سفر مراتب را از طریق ایمیل به اطلاع این دفتر برسانند .

دفتر رایزنی پزشکی ج.ا.ایران
عراق - بغداد

تلفن: ۰۰۹۶۱۰۳۷۷۷۷۷۷ - ۰۰۹۶۱۰۳۷۷۷۷۷۷ - پست الکترونیکی: irtravels@iraqtravels.com

تلفن همراه: ۰۰۹۶۱۰۳۷۷۷۷۷۷ - ۰۰۹۶۱۰۳۷۷۷۷۷۷ - وب سایت: www.iraqtravels.com

پروتوکول همکاری
دفتر رایزنی بازرگانی ایران با هتل الیمامة

طرف اول: هتل الیمامة - بغداد
طرف دوم: دفتر رایزنی بازرگانی سفارت ج.ا. ایران - بغداد

این قرارداد میان هتل الیمامة که طرف اول نامیده می شود و دفتر رایزنی بازرگانی ایران در بغداد که طرف دوم نامیده می شود منعقد می گردد.

تعهدات طرف اول:

طرف اول قرارداد متعهد می شود که طبق مذاکرات دو طرف مورخه 16/ 1/ 2011 و با توجه به برنامه ها و قیمت های هتل که در ذیل آمده است، تمامی خدمات هتلداری و مهمانداری را نسبت به (افراد - هیات های رسمی و هیات های اعزامی شرکت های بازرگانی و صنعتی) بر عهده گیرد.

- (1) - ارائه اتاق برای یک نفر به قیمت " 85 دلار " با صبحانه
- ارائه اتاق برای دو نفر " 110 دلار " با صبحانه برای دو نفر
- ارائه اتاق برای سه نفر " 150 " با صبحانه برای سه نفر
- ارائه سوئیت " 180 دلار " با صبحانه.

- (2) - قیمت های ارائه شده برای وعده های غذایی
* " 25 دلار " برای پرس غذای سفارشی .
* " 30 دلار " بوفه آزاد (v. l.p).

- (3) فراهم نمودن خدمات ویژه برای میهمانان ایرانی با قیمت های مناسب به ترتیب ذیل:
* خدمات ایاب و ذهاب (فرودگاه - هتل) " 65 دلار "
* خدمات لباسشویی و خشکشویی طبق نرخ های معمولی هتل
* خدمات اینترنت برای هر اتاق " 10 دلار " به ازای هر 24 ساعت

مسئولیت های طرف اول:

(1) - اطلاع به دفتر رایزنی بازرگانی در مورد استقبال میهمانان ایرانی، لازم به ذکر است که معرفی میهمانان از طریق مکاتبه اینترنتی " ایمیل " بین طرفین انجام خواهد شد و پس از آن به صورت تلفنی تکمید می گردد.

(2) - عدم دریافت جریمه در صورت کنسل نمودن اتاق های رزرو شده در صورت وقوع امور غیر مترقبه و یا پیش بینی نشده.

(3) - توافق ساعت تخلیه اتاق ها با میهمانان ایرانی که قبل از ساعت 3 بعد از ظهر در نظر گرفته خواهد شد .

تعهدات طرف دوم :

دفتر رایزنی بازرگانی ایران در بغداد باستانی با تبلیغات خود هتل الیمامة را به تمامی ایرانیان داخل و یا خارج از ایران و به ترتیب موارد ذیل معرفی نماید :

(الف) دفتر رایزنی موظف است که خدمات هتلداری و امنیتی هتل الیمامة را تأیید نماید .
(ب) تبلیغ از طریق :

- 1- قرار دادن اسم هتل و مشخصات آن در سایت اینترنتی وزارت بازرگانی
- 2- اعلام به کلیه مسلمانها و الحاقیه های بازرگانی و صنعتی ایران
- 3- اعلام به کلیه آژانسهای توریستی و مجریان برگزاری نمایشگاهها و هیئتهای تجاری ایران
- 4- نصب پوستر و تبلیغات هتل الیمامة در دفتر رایزنی بازرگانی

(ج) تعهد حل اختلاف احتمالی آن هتل با اتباع و شرکتهای ایرانی

(د) اعلام قبلی جهت پذیرش میهمانان ایرانی از دو روز قبل .

(ه) ارائه معرفی نامه کتبی به هتل الیمامة جهت مسافران افغانی و گروهی فقط از طریق ایمیل

تعهدات توافقی دو طرف :

1- اگر مشکلاتی بین دو طرف اتفاق افتاد بطور دوستانه حل خواهد شد ، و خلاف آن از راه قانونی و قضایی قابل حل خواهد بود .

این قرارداد به مدت یکسال میان طرف اول (هتل الیمامة) و طرف دوم (دفتر رایزنی بازرگانی ج.ا.ایران در بغداد) در دو نسخه فارسی و عربی در بغداد به تاریخ 1389 / 1 / 17 شمسی میلادی که مصدق است با 1389 / 1 / 17 شمسی به امضاء می رسد که بر اساس توافق دو طرف قابل تمدید خواهد بود .



طرف دوم

رایزنی بازرگانی

سفارت ج.ا.ایران - بغداد

سهدی نجفیان



طرف اول

مشیر اجرایی

هتل بغداد - بغداد

عبد التوفیق حسن الکعبی

1389 / 1 / 17

اشاره به کارشکنی‌های مزدوران عراقی رژیم

نخستین گروه مجاهدین شامل ۳۹۸ نفر در ساعت ۱ بامداد شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۰ از اشرف به لیبرتی حرکت کرد. قرارگاه لیبرتی قرار بود مکان موقت عبور باشد (TTL) و چند هفته یا چند ماه بیشتر به درازا نکشد؛ با همین استدلال نگذاشتند اموال را از اشرف به لیبرتی ببریم، هر چند که در سالهای بعد توانستیم پس از حملات موشکی و چند فقره سیل اساسی با فشارهای بین‌المللی، در مجموع بیش از ۴۰۰ تریلی وسایل ضروری و الزامات زندگی جمعی، هم چنین ۶۰ کانتینر و ۸۰ خودرو و بیش از ۲۰ هزار چمدان حاوی وسایل شخصی را با ۹ ستون از افراد و با ۱۵ کاروان مجزای بار، منتقل کنیم.

ارزش آنچه منتقل شد دستکم ۵۰ میلیون دلار است که بعداً تأسیسات آبرسانی شامل ایستگاه پمپاژ آب و دستگاههای تصفیه به‌قیمت بیش از ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار دلار به آن اضافه شده است.











Water plan for Camp Liberty

July 28, 2012

Introduction:

The project to provide water to Camp Liberty is composed of the following 5 parts:

- A. Water pumping station at the canal
- B. Pipeline from the pumping station to inside the camp
- C. Water purification station
- D. Water reservoirs
- E. Water network to consumption points (inside the camp)

A. WATER PUMPING STATION AT THE CANAL

This station will be built at water canal nearby the camp and will be composed of a pumping station with three 50 kW each water pumps that will be installed inside a 12 meter long container. Their intake pipes will be placed on a dock at the canal.

Electricity for this water station will be provided by two electric power generators. These generators will be placed under a shade and they will have a 30,000 liter fuel tank.

Electricity for the water station will be distributed by the main board and secondary electric boards of the pumps.

A small generator would also be installed at the water station to provide electricity to the staff's container and the water station lighting when there is no pumping of water.

A container will be allocated to the staff, including place for rest, tea room, and bathroom.

The water station would have a perimeter fence around it with a gate.

In the attached plan A, the abovementioned locations have been shown.

B. WATER PIPELINE FROM PUMPING STATION TO INSIDE THE CAMP

Along the determined route, a 6" high-pressure PVC pipeline would connect the pumping station to the sedimentation basin inside the camp.

The route for this pipeline will be the shortest route (to be marked) to

the camp and will be dug with backhoe. After the pipes have been laid, they will be covered with suitable non-coarse soil and hence the pipes would be buried. Marking the route of the pipeline will be done after.

C. WATER PURIFICATION STATION

The suitable location for the water purification station is between Sections 3 and 5.

The station will have five 100 m³ each tankers for sedimentation and five 100 m³ water purification tanks.

This station will have two purification units of 25 m³/hr capacity each and a second hand purification plant of 50 m³/hr capacity as reserve.

By installing a pumping station composed of four 40 kW water pumps that will be installed inside a 12 meter container, water would be pumped into the loop-shaped water network of the camp and water will connect to all consumer water tanks.

Electricity for this station will be provided by two electric power generators. These generators will be under a shade and have a fuel tank of 30,000 liters capacity.

Electricity for the station will be distributed by the main board and secondary electric boards related to the pumps.

A container will be allocated as the Repair Parts Room for the water purification plant.

D. Water reservoir

Five large water tanks for the reservoir for camp's seven sections

E. WATER NETWORK TO CONSUMPTION POINTS

Through building a loop network of 4" and 6" PVC pipes using Iraqi contractors, purified water will reach all water storage and consumption tanks of consumers in the camp's sections and blocks in addition to the kitchen, bakery, mosque, auto repair station, sport facility, etc.

A complete list of requirements for implementing this project, together with prices and table of wages are attached which amount altogether to \$2,553,738.





می‌بینید که مکان موقت عبور، از ۳۰ بهمن ۱۳۹۰ تا امروز ۱۷ بهمن ۱۳۹۴، ۴ سال به‌درازا کشیده و به‌زودی وارد پنجمین سال می‌شویم. حالا اگر این هزینه‌ها و سرمایه‌ی را که به‌لیبرتی منتقل شده با ۳۶ و نیم میلیون ساعت کار مجاهدین از ۳۰ بهمن سال ۹۰ تا ۳۰ مهر ۹۴ در نظر بگیریم، ابعاد این مخارج و این تلاش عظیم روشن می‌شود.

یادآوری می‌کنم که طبق آنچه در دفتر ثبت اموال لیبرتی به‌دقت و با جزئیات ثبت شده است:

اولاً، جاناتان واینر مشاور ارشد وزارت خارجه آمریکا در بازاسکان و انتقال مجاهدین پیوسته تأکید می‌کرد که در موضوع اموال مجاهدین، حق با مجاهدین است و حکومت عراق حق سلب مالکیت از آنها را ندارد و به‌خصوص همهٔ اموال مجاهدین در لیبرتی باید به‌آلبنی منتقل شود. او و تیم همراهش این مطلب را در ملاقات ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴ (۲۵ آذر ۱۳۹۳) با رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت مورد تأکید قرار داده بودند که مشروح آن در دفتر ثبت اموال در لیبرتی، گزارش و نوشته شده است.

ثانیاً، در فروردین همین امسال (۱۳۹۴) وقتی فالح فیاض مشاور امنیتی حکومت عراق به‌واشنگتن رفته بود، سناتور توریسلی نماینده قانونی مجاهدین همراه با وزرای پیشین تام ریچ و مایکل موکیزی در ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ (۲۶ فروردین ۹۴) به‌سفارت عراق در واشنگتن رفته و با اعتراض شدید خواهان برگرداندن اموال مجاهدین یا مابه‌ازای آن برای تأمین مخارج بازاسکان و استقرار شدند.

فالح فیاض در این ملاقات می‌پذیرد که حتی اگر اموال دزدیده شده باشند، دولت عراق پول همهٔ آنها را بازپرداخت می‌کند و چند بار تأکید می‌کند ما پول اموال منقول را می‌دهیم و به‌وکلائتان بگویید باینده ترتیب آن را بدهیم. اما وقتی سناتور توریسلی می‌گوید من هم با وکلا خواهم

بود، فالح فیاض می گوید این نقض حاکمیت ماست! (یعنی که وکلا باید عراقی باشند تا طبق سناریوهای تکراری قبلی، اگر مزدور نشدند و اگر تحت امر مشاور امنیتی علیه مجاهدین قرار نگرفتند، در اسرع وقت ترور شوند).

اما در هر حال فالح فیاض در این ملاقات از جانب دولت عراق اصل برگرداندن اموال منقول یا مابه‌ازای آن را پذیرفته بود.

ثالثاً، در طرح مشترک سفارت آمریکا و سازمان ملل در ۵ سپتامبر ۲۰۱۳ برای تخلیه نهایی اشرف تضمین شده است که دولت عراق از اموال مجاهدین در اشرف حفاظت می‌کند و مجاهدین حق دارند اموالشان را در اشرف به فروش برسانند. در روز ۶ سپتامبر نیز خانم جونز معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاورمیانه در نامه به مریم ضمن تایید طرح مزبور می‌نویسد مجاهدین می‌توانند شرکتهای خصوصی را برای حفاظت از اموالشان در اشرف به کار بگیرند. اما حکومت عراق مانع می‌شود و نگذاشته است این کار را بکنیم. علاوه بر این حکومت عراق، دهها تاجر عراقی را که برای خرید اموال اشرف به لیبرتی می‌آمدند، راه نداده و آنها را با تهدید و اذیت و آزار، برگردانده است.

واقعیت این است که لازمه تأمین هزینه‌های هنگفت و سرسام‌آور انتقال و استقرار برای حدود ۳۲۰۰ نفر بدون برخورداری از هر گونه کمک پناهندگی و بیمه‌های اجتماعی و پزشکی، برگرداندن پول اموال و دارایی‌های مجاهدین به خود آنهاست. مخصوصاً وقتی که به چشم می‌بینیم هر مسافری که می‌رود، نمی‌گذارند بیش از ۲۰ یا ۳۰ کیلو فقط لباس و وسایل شخصی خودش را با خود ببرد. در مواردی که مسافران ما باری از این میزان بیشتر داشته‌اند، برای هر کیلو بار ۱۱ دلار اضافه، از ما گرفته‌اند. **برگردیم به بحث انتقال:** از روز اول روشن بود که رژیم تا بتواند، مانع انتقال امن و سازمان‌یافته و متمرکز مجاهدین تسلیم‌ناپذیر می‌شود

و به‌کمتر از قتل‌عام آنها رضایت نمی‌دهد مگر زمانی که در تعادل‌قوای مادی و مشخص، ما در چنین انتقالی بر رژیم تفوق پیدا کنیم. در این صورت پیروزی خیلی بزرگی خواهد بود اما باید ببینیم تا باور کنیم...
آخر یادمان هست که رژیم از روز اول، استرداد ما را می‌خواست و آخوند یونسی وزیر اطلاعات خاتمی ضمن تکرار درخواست تحویل و استرداد از آمریکایی‌ها به‌وضوح اعلام کرد:

«هر کشوری که اعضای منافقین را بپذیرد... به‌دولت ایران اعلان دشمنی آشکار کرده است».

حالا گوش کنید به‌قسمتهایی از نامه‌جانانان وایر مشاور ارشد وزیر خارجه آمریکا در بازاسکان و انتقال مجاهدین که در شکایت‌نامه‌اش به‌رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در ۳۰ سپتامبر امسال (۸ مهر ۹۴) اعلام بن‌بست می‌کند:

خانم رجوی گرامی،
الان دو سال است که وزیر کری به‌من مأموریت بازاسکان امن ساکنان کمپ لیبرتی را به‌خارج از عراق، به‌کشورهای دیگر داده است. طی این مدت، ما تقریباً همه کشورهای عضو سازمان ملل را بررسی کردیم و به‌طور فعال در جستجوی بازاسکان مجاهدین خلق در ۷۵ کشور بودیم. تنها کشورهایی انگشت‌شمار از جمله آمریکا تعدادی را قبول کردند. همان‌طور که می‌دانید، یک کشور، آلبانی، موافقت کرده است صدها نفر از ساکنان از جمله حداقل ۴۸۰ نفر را در سال جاری بپذیرد و احتمالاً همین میزان و شاید بیشتر در هر سال، تا زمانی که کمپ لیبرتی تخلیه شود...
من از این‌که حالا مجاهدین خلق قول داده‌اند که مجدداً شروع به‌همکاری



United States Department of State
Washington, D.C. 20520

September 30, 2015

Madame Maryam Rajavi
15, rue des Gords
95430 Auvers-sur-Oise
France

Dear Mme. Rajavi:

It has been two years since Secretary Kerry entrusted me with the mission of helping the UNHCR resettle Residents of Camp Hurriya safely out of Iraq to other countries. During that time, we have considered resettlements in nearly every UN member state and actively sought MEK resettlement in some 75 countries. Only a handful, including the U.S., have accepted any. As you know, one country, Albania, has agreed to take many hundreds of residents, including at least 480 this year, and potentially that number or more annually until Camp Hurriya is emptied.

با کمیساریا در پرواز به آلبانی بکنند، دلگرم شده‌ام. ولی کمیساریا یک نامه از آقای محدثین را برای من فرستاده که مورخ ۲۴ سپتامبر است و در آن آمده که مجاهدین خلق می‌خواهد تعداد فرستادن نفرات به آلبانی را امسال (۲۰۱۵) محدود کند. زیرا در صورتی که پول اموالشان را از عراق دریافت نکنند، نمی‌توانند در آینده هزینه بازاسکان کسی را در خارج از عراق بپردازند.

من نمی‌توانم از دیگر کشورها درخواست کنم که ساکنانی را (از لیبرتی) بپذیرند که مجاهدین خلق هزینه بازاسکان آنها را نمی‌پردازند، یا از پرواز به جای امنی که به آنها پیشنهاد شده امتناع می‌کنند...

من متأسفم که به این بن‌بست رسیده‌ایم، ولی برای صحبت در مورد این وضعیت با شما و یا نمایندگان شما در دسترس خواهم بود.

این نامه، تقریباً یک ماه قبل از حمله موشکی ۷ آبان ۹۴ نوشته شده و می‌بینید که آقای واینر از یاد برده است که لااقل همه اموال مجاهدین در لیبرتی باید به‌آلبانی منتقل می‌شد؛ طبعاً جایی هم برای تعهدات مشاور امنیتی حکومت عراق در برابر آن شخصیت‌های آمریکایی در فروردین همین امسال، باقی نمی‌ماند.

قسمت نانوشته حرف واینر هم این است که رژیم آخوندها با هزار و یک ترغیب و تهدید و تطمیع و رشوه‌های کلان از مایملک ملت ایران، دستکم مانع پذیرش مجاهدین در ۷۵ کشور شده است.

یکی از این کشورها رومانی است که مجاهدین به‌توصیه واینر و همراه با او، از اواخر سال ۱۳۹۲ یک سال تمام مشغول و درگیر آن برای انتقال ۲۸۰۰ نفر بودند. این پروژه، هزینه و وقت و انرژی زیادی را هدر داد و به‌نتیجه نرسید. معلوم بود که رژیم است که ممانعت و کارشکنی می‌کند. سفیر رژیم در رومانی در همین رابطه گفت:

«یکی از جاهایی که ممکن است منافقین به‌آن منتقل شوند رومانی خواهد بود. بر پایه این تحلیل، از همان حدود یک سال پیش ما اقداماتی را برای عدم حضور منافقین در این کشور انجام دادیم. خود بنده در دیدار دوره‌یی با تک‌تک مسئولان تصمیم‌گیرنده این مسأله جلسه گذاشتم» ۲۶

مریم در این خصوص هم واقعاً آنچه توانست انجام داد. مسافرت و ملاقات‌های مسئولان و نمایندگان مجاهدین همراه با سناتور توریسلی، هم‌چنین انتظارات کشف طرف مقابل از مجاهدین، شرح و توضیحاتی جداگانه می‌طلبد که به‌آینده موکول می‌کنم اما مسئولان‌تان در لیبرتی از ابتدای کار در جریان بودند. طرف‌های مقابل، تأکید مؤکد داشتند برای این که این پروژه نسوزد، مطلقاً درز نکند و علنی نشود.

به‌همین خاطر مریم خودش به‌رومانی نرفت و به‌رفتن شریف و بهنام و

دیگر برادرانمان اکتفا کردند. اما سفرهای اعلام شدهٔ مریم به آلمان، ایتالیا، سوییس، نروژ، اسپانیا، استونی را که همه در همین راستا بود می‌دانید و وارد توضیحات بیشتر نمی‌شوم.

فصل پنجم

خطرها بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم مفهوم و الزامات آماده باش در جميع جهات

۱۷ بهمن ۱۳۹۴

(قسمت دوم)

بعد از این توضیحات فکر می‌کنم برای یکایک شما روشن است که برای انتقال سازمان یافته مؤسسان چهارم، با چه مشکلاتی باید دست و پنجه نرم کنیم.

واضح است که مشکلات پولی و مال و اموال به نسبت خطرات جانی، ثانوی است. بنابراین تمرکز بحث ما روی خطرهای جانی است که به محض کمترین غفلت، خون جاری می‌شود. معلوم است که ما دلمان انتقال و مأموریت بدون خسارت می‌خواهد. معلوم است که برای پرهیز از خطرات و خسارتهای، حداکثر تلاش خودمان را می‌کنیم و تهدیدهای گوناگون را مورد به مورد، با صبر و حوصله به شیوه‌ی مینیاتوری بررسی می‌کنیم و برای هر کدام راه‌حلهای خودش را همراه با راه‌حلهای جایگزین در جدول احتمالات، جستجو می‌کنیم. اگر بتوانیم همه خطرهای جدی و واقعی را خنثی کنیم، البته که شاهکاری شگفت و کاریست کارستان و تحسین‌انگیز و به قول شما معجزه آسا...

فعلاً من فهرست اجمالی مخاطرات را می‌خوانم. اغلب آنها را هم به چشم دیده و در عمل آزموده‌اید:

۱- حمله موشکی مانند ۷ آبان



۲- حمله زمینی و شبیخون مانند ۱۰ شهریور ۹۲، ۱۹ فروردین ۹۰ و ۶ و ۷ مرداد ۸۸ در اشرف



۳- وارد کردن خودرو یا کامیون انفجاری برای گرفتن تلفات زیاد انسانی و ایجاد خسارتها و ضایعات کلان. ما قیمت خنثی کردن این خطر را به طور شبانه‌روزی با کمین و واحدهای آماده و بازدارنده و با کاربستون و موانع فیزیکی متعدد و گوناگون می‌پردازیم.





۴- محاصره و قطع ارزاق و دارو و سوخت و آب و برق و خدمات شهرداری

- برای قطع برق، به هر یکان یک ژنراتور کوچک با سوخت ذخیره بنزینی داده می‌شود.

- برای قطع آب، هر یکان باید در محوطه خودش یک چاه عمیق احداث کند و برای تصفیه آب آشامیدنی قرصهای کلر توزیع می‌کنیم.

- برای سوخت کل قرارگاه، شهردار باید ۳ هفته سوخت ذخیره در نقاط مختلف داشته باشد.

- برای شرایطی هم که باتریها هم تمام شده و چراغ قوه کار نکند مجموعاً ۱۵۰ فانوس نفتی توزیع شده است.

- مجتمع غذایی هر یکان در شرایط اضطراری به جای آشپزخانه کار می‌کند.

- اقلام پایه مصرفی و خوراکی حداقل برای ۳ هفته باید در نقاط مختلف انبار شده باشد.







۵- سیرک مزدوران تحت عنوان خانواده مجاهدین مانند اشرف
همراه با ۳۲۰ بلندگو برای زمینه سازی حمله و قتل عام



۶- آدم‌ربایی و گروگانگیری مانند برادرانمان پویان و زاهدی در مرداد ۸۴ و ۳۶گروگان در مرداد ۱۳۸۸



حسین پویان



محمد علی زاهدی



۳۶گروگان در یکی از زندانهای عراق

۷- دستگیری در جریان تصادفهای واقعی یا ساختگی رانندگی

مانند دستگیری یکی از برادرانمان در شب عید ۹۴ (۲۵ اسفند ۹۳) که هاموی نیروهای سوات به تانکر ما زد و در حالی که طرف عراقی مقصر بود، اما مجاهد خلق صفر ذاکری را دستگیر کردند و به زندان بردند. جالب این بود که قرار بازداشت غیرقانونی او به درخواست سفارت رژیم ۶بار تمدید شد.

URGENT

18 March 2015

Han Antonio Gutierrez
United Nations High Commissioner for Refugees

Dear High Commissioner,

We have been informed with dismay that Mr. Satar Zakei, one of the residents of Camp Liberty, has been detained illegally for past 3 days and has been transferred to an undisclosed location. The lawyers and representatives of the residents have no news of him. According to reports by camp representatives, in the morning of Monday 16 March, he, a driver of one the sewage tankers, and at least police who was accompanying him inside the vehicle, exited with a SOAT insurance. According to local traffic officer and the policeman who was accompanying him inside the vehicle, the driver of the Hummer was at fault but Mr Satar Zakei was detained by the Iraq police.

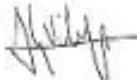
For the past three days the residents of the camp have raised this issue with UNHCR and UNHCR and the American embassy on numerous occasions and asked them to get involved in releasing Mr Zakei from detention according to their responsibility regarding the safety and security of the residents. But no effective action has been taken so far.

All the evidence indicate that Major Ahmad Khodhair and Captain Hovdar Arab, the intelligence officers who were involved in the assassinations of the residents of ABHRI, are involved in this and are behind the illegal detention. They, who in a close contact with the General Qadir Feroze and under order from them, are responsible for repressing the residents, have even provided taking Mr Zakei's cloths, medicine and money to him. This arrest, 4 days before the Iranian New Year (20 March), is shocking and terribly disturbing for the residents of liberty, all of whom are registered with UNHCR, and have been interviewed. The unexplained arrest of an Iranian refugee, member of the PMOI, could be catastrophic given the free looting the Qadir Feroze units and their affiliated militias have over vast areas of Iraq and particularly in Baghdad.

Noting the above I am writing to ask you to personally intervene to free the persons who has been given written assurances of safety and security by various UN bodies in particular the UNHCR. There is no need to add that prolonging this detention will only add to the complexity of the issue and greater danger.

Dear High Commissioner, I thank you in advance for your prompt attention to this matter.

Alejo Vidal-Quadras



CC:
Ambassador Brett McGurk, Ambassador Stuart Jones, SRSG Ján Kubiš

About ISJ: International Committee in Search of Justice (ISJ) was officially formed in 2008 as an informal group of 50 parliamentarians to seek justice for the human democratic opposition. In 2014 it was registered as a non-profit NGO in Brussels according its membership beyond several parliamentarians to former officials and other diplomats with an interest to promote human rights, freedom, democracy, peaceful stability. ISJ campaign has enjoyed the support of over 4000 parliamentarians on both sides of the Atlantic.

President: Alejo Vidal-Quadras, Vice President of European Parliament (1999-2014)
Board of Advisors: Patrick Kennedy, Congressman (1995-2011); Gilles Verhaeghe, Vice President of EU Commission (2004-2010); Nicole Fontaine, President of European Parliament (1999-2002); General Hugh Shelton, Chairman of US Joint Chiefs of Staff (1997-2000); David Milgaard, Canadian Secretary of State (1987-2010); Ingrid Beatekour, Prof. Raymond Fester, President of the Policy Committee, Washington D.C.; Prof. Hans Tebbel, Chair man of the US-UK Security Conference (1996-2006); Colonel Wesley Martin, Antiterrorism/Force Protection Officer of all Coalition Forces in Iraq (2003-2010); Senator Leslie Martin, Governor of Idaho Senate, Assessors: Pappas MP, President of Committee of Idaho Parliamentarians for a Free Iraq, Assistant Rural Secretary of British Senate Foreign Affairs Committee, Global Express MP, Chair Friends of a Free Iraq Intergroup (European Parliament), Byron Lee, Vice President of European Parliament, Thomas Böhm, Member of European Parliament, Lord Carlin of Barmston CC, Co-chairman of British Parliamentary Committee for Iraq Freedom, former independent member of UK House of Commons, Lord Carlin of Barmston CC, former Chairman of UK Labour Party, Lord Magswick of Chumley, Lord Sheikhin OBE, Security Leader of Liberal Democrats in House of Lords.

UNHCR

UNHCR Compound Tel: 00964 76 01 341 270
International Zone - Baghdad - Iraq Fax: 00964 76 01 342 485
Gmail: unhcr@unhcr.org

NameOur Code: HQ46RUB9D2016/440372

The office of the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) in the Republic of Iraq presents its compliments to Al-Kadh Investigator Court and has the honor to inform the esteemed Court that the Iranian national, Mr. Salar Zakeri is a person of concern to UNHCR.

The Office of the United Nations High Commissioner for Refugees in the Republic of Iraq avails itself of this opportunity to extend to Al-Kadh Investigator Court the assurance of its highest consideration.


23 March 2016

Al-Kadh Investigator Court
Republic of Iraq
Baghdad





UNHCR

UNHCR Compound Tel: 00964 76 21 9411270
International Zone - Baghdad - Iraq Fax: 00964 76 21 942481
Mobile: 00964 76 21 9424811

رقم: HCR/IR/DIGG/2015/11/1079

بإذن مكتب موظفوة الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين في جمهورية العراق أقيم تديتته من منظمة تطبيق الفرح ديورا إعلام محفلتكم الموقرة بأن الإبراني الجنسية السيد سفر زكريا محمد هو أحد فئات حماية موظفوة الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين.

يطلب مكتب موظفوة الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين في جمهورية العراق هذه الفرصة للإعجاب بتكلمة تفصيلي الكرم عن قلق التفكير والاعتراف.

٧٧ لى ٢٠١٤



مكتبة تفصيل الفرح
جمهورية العراق
بغداد

البيان

مخالفات

١- اختلفت على كتابه من حيث شروط الإنشاء

٢- قسم الامانة الى ٩ اقسام

٣- وشاركها قسم بان المظالم المرفوعة نحوها مكانا

٤- يجوز منع المرفوع ومنها انه فان من شرطه تلف الاثر

٥- وانه لا يوجد له حيز محدد

٦- المصلحة على المصلحة وكذا المظالم المرفوعة في ١٧ من ١٧

٧- ولعلم المشروعية فربما ولفظة

٨- بكلام التسمية اصوليا

٩- يكسب المظالم صفة جمهورية اذ لا يملكها الا المظالم

١٠- كما ان المصلحة هي المصلحة العامة

١١- كما ان المصلحة هي المصلحة العامة

١٢- كما ان المصلحة هي المصلحة العامة

البيان

مخالفات

١- اختلفت على كتابه من حيث شروط الإنشاء

٢- قسم الامانة الى ٩ اقسام

٣- وشاركها قسم بان المظالم المرفوعة نحوها مكانا

٤- يجوز منع المرفوع ومنها انه فان من شرطه تلف الاثر

٥- وانه لا يوجد له حيز محدد

٦- المصلحة على المصلحة وكذا المظالم المرفوعة في ١٧ من ١٧

٧- ولعلم المشروعية فربما ولفظة

٨- بكلام التسمية اصوليا

٩- يكسب المظالم صفة جمهورية اذ لا يملكها الا المظالم

١٠- كما ان المصلحة هي المصلحة العامة

١١- كما ان المصلحة هي المصلحة العامة

١٢- كما ان المصلحة هي المصلحة العامة



تعمیر قرار بازداشت غیرقانونی صفر ذاکری ساکن لیبی به خواست رژیم ایران برای ششمین بار

بازداشت غیرقانونی، نادیده گرفتن اسناد مان متعهد، وارد کردن سفارت رژیم در پرونده و جلوگیری از جراحی از قبل

نعمین شده ذاکری، از یک گروه‌نگاری برنامه ریزی شده خبر می‌دهد

در چهارمین هفته ارتباطات فرهادی آقای صفر ذاکری، و ساکنان کیمپ ایرانی به یقه یک تصادف مشکوک رانندگی، فاضل اعظمی ناصر موسوی به خیال یک مسئله فقه‌پهلوی فرهادی و مشکوک، روز گذشته روز ششمین بازداشت او را تصدیق کرده و رسیدگی عدلی رانده ۲۵ فروردین موقوف کرد. او در انتظار درhaft در یک دفتر روزم اخوانی در خانه است، چیزی که انگار از یک توطئه جدید، تاریخ سفر ذاکری و ساکنان ایرانی خبر می‌دهد.

فاضل در حالی که می‌خواست سفر ذاکری بکن، همه اجازت بودند که در ایام عالی به تهران و ممنوعیت بازداشت فاضل در سده بین دولت عراق و مال متحد در ۲۵ به اسرار ۲۰۱۲ و سایر کشور و این محسوس است که او را در انتظار داشتند در روز ۳ فروردین در یک هتل نامی در کیمپ، هر یک از دو طرف به یکدیگر، خود را در دست و پا گرفتند و رژیم اخوانی در خانه خود و به یقه سفر ذاکری و ساکنان کرد.

بزرگ و مشکوک در روز ۱۸ فروردین ۲۰۱۵ پس از بازداشت، ظهر ذاکری، همه از چانه اول پس از بازداشت، روزی من آزاد روزی ازوبال را برای عمل جراحی مشخص کرده بود، به رقم از سده فروردین در کیمپ، فاضل ایرانی تحت امر فاضل عراقی، مشاور لیبی عراقی، هر یک از سده سازی مشخص کرده، او را به برودت از درده و اینکه ایوان سده و بدون فراداده بود، که مشخصی معالج انجام کرده، او به عمل جراحی منظره به این توسط فراری کرده، او در مورد آن خبر داشت، به طور عمده امر و نه اینکه به فاضل موقوف شد، لیبی گفته است او را به جراحی فرستاد.

به این ترتیب بازداشت آقای ذاکری در مساجد که هیچ کسی در آن به چشم و لایق تصدیق فرادداشت و جراحی او را انجام عمل جراحی او پس از ششمین سده او هیچ توطئه بود، یعنی گفته که سوره آیه‌های قرآنی و سفارت رژیم اخوانی پشت این گروه‌نگاری چندکارانه قرار دارند، و به یقه اینکه تمامی هفته ۱۵ جول نامه، او توسط کمیته‌های عالی به زندگان برطرف شده بازداشت او به طور مستمر تمدید می‌شود.

مظالمات ایران ضمن امر از نگاری شده از نیت تیم و جنگکار به ادامه مردداشت صفر ذاکری که نفس آشکار بازداشت فاضل اعظمی شده بین دولت عراقی و مال متحد و نقش نظیر من عملی به نماندگی است، دولت آمریکا، یمنی و کمیته‌های عالی به نماندگان را که بارها در قبالت سلامت و امنیت ساکنان متعدد شده است، به حدی تیری تری جامعه فاضل به این گروه‌نگاری و آزادی بلاک‌ترنگ آقای ذاکری و جلوگیری از اجرای طرح‌های سوم فاضل به دیگر حاکم بر ایران و عواملشان در عراقی فرامی‌بخشد.

دبیر خفته شورای ملی مقصدت ایران - پدیس
۱۸ فروردین ۲۰۱۵ ۷:۰۰ آوزیل ۲۰۱۵

کار رذیلانه‌تر دیگر، جلوگیری از انتقال او به بیمارستان و لغو عمل جراحی ضروری بود که از مدتها پیش قرار آن چفت شده بود.



National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

گروه‌نگاری یکی از سائقان ایرانی - شماره ۲

مأموران عراقی، به رفیق حکم خاصی تعلیق با یک صحنه سازی شمنز کننده از انتقال آقای ذاکری به بیمارستان برای عمل جراحی جلوگیری می کنند

روز یکشنبه ۱۶ فروردین (۵ آوریل) مأموران عراقی در یک اقدام ضد انسانی از انتقال آقای صفر ذاکری از بازداشتگاه به بیمارستان عراقی انجام یک عمل جراحی که از دو ماه پیش شروع آن تعیین شده بود، جلوگیری کردند. وی سه هفته است به بهانه عذاب مسکوک رانندگی در مرکز پلیس عسریه بغداد در بازداشت به سر می برد. آنهم در صافیه که به شهادت پلیس، رفتاری و رفتگی آقای ذاکری هیچ نظیرتی در آن نداشته است. وی به طور عملی به حاکم رژیم ایران و توسط مأموران تحت امر فلاح فیاضی به گروگان گرفته شده است.

آقای ذاکری که از بیماری BPH رنج می برد فروردین (یکشنبه) بعد از سه سال انتظار قرار باید در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گیرد. فلاحی، تعقیب و حکم تعدید بازداشت او نیز قید کرده بود که بیمار برای این عمل جراحی باید به بیمارستان برود.

روز شنبه ۱۵ فروردین پلیس عسریه در یک صحنه سازی مسدود کننده آقای ذاکری را به بیمارستان برد و با یک آزمایش ساده یک گزافه‌چی سامنجر برای فلاحی تهیه کردند که بیمار نیازی به عمل جراحی ندارد. این در حالیست که او پس از صدها انتظار در روز ۱۶ فوریه ۲۰۱۵ پس از آزمایشهای ضروری توسط پزشک متخصص اورولوژی در بیمارستان در بغداد بیزیت شده و قرار عمل جراحی BPH برای ۵ آوریل به او داده شده بود. او را مربوط به بیماری وی و همچنین پزشک متخصص و قرار عمل جراحی از سوی نمایندگان ساکنان در امتیاز کمیته‌های علمی بنامندگان، پدافند، اطلاعات آمریکایی و فلاحی تعلیق قرار داده شده است.

این اقدام ضد انسانی سه هفته پس از دستگیری غیر قانونی صفر ذاکری هیچ ترحیمی نماند که نماند که نیروی تروریستی فاسد و مغارت رژیم آخوندی در بغداد بدست گروه‌نگاری آقای ذاکری قرار دارند. مقاومت ایران بار دیگر با تأکید بر اینکه بازداشت غیرقانونی آقای ذاکری نقض آشکار پادشاهی نظامی ایضاً شده بین دولت عراق و ملل متحد در روز ۲۵ شهریور ۲۰۱۱ و نظیر قانون بین المللی بنامندگی است. و با توجه به اینکه مسافت از معالجات پزشکی یک جنایت ضد بشری است و مسئولین آن باید تعقیب و محاکمه شوند، دولت آمریکا، پدافند و کمیته‌های علمی بنامندگان را که بارها در قبالت مسافرت و امنیت ساکنان متعدد شده اند به اقدام فوری برای خاتمه دادن به این گروه‌نگاری و آزادی بلادرنگ آقای ذاکری و انتقال او به بیمارستان جهت انجام عمل جراحی فرا می خواند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس

۱۶ فروردین ۱۳۹۴ (۵ آوریل ۲۰۱۵)

سرانجام مجبور شدند صفر را یک ماه بعد، به دنبال یک کارزار گسترده بین‌المللی و عربی و عراقی آزاد کنند. البته با ۳۹ میلیون دینار وثیقه و ضمانت و رشوه که همه را بالا کشیدند.

بعد هم مقامات ذریبط با کمال وقاحت تانکر را بالا کشیدند که سندهای خرید آن به مبلغ ۱۰۰ هزار دلار را به دادگاه ارائه کرده بودیم. در اسنادی که به همان دادگاه معلوم الحال دادیم، علاوه بر ۱۰۰ هزار دلار قیمت پرداخت شده تانکر، رسید مالیات افزوده بر قیمت پرداخت شده هم به میزان ۵ درصد قیمت، ضمیمه شده بود. یعنی ما علاوه بر ۱۰۰ هزار دلار قیمت تانکر، معادل ۵ میلیون و ۹۹۰ هزار دینار عراقی هم به حکومت عراق مالیات تانکر را داده بودیم و حالا هم ۳۹ میلیون دینار دیگر وثیقه و رشوه...

این هم یکی دیگر از وجوه «عراق جدید» است! آخر مالکی اسم قرارگاه اشرف را به «قرارگاه عراق جدید» تغییر داد، اما زبان گنبدیده خودش هم به آن نمی‌چرخید و در مقابل خبرنگاران هم چنان قرارگاه اشرف می‌گفت.

بسم الله الرحمن الرحيم

وكتابة خاصة للسيارة

التاريخ: ٢٠١٢/٠٧/١٠

أقرنا الموقع أثناء زهراء محمد حسين والحمل بطاقة هوية فرد محسي رقم D40CF96A، ساكنة مخيم ليرتي وملكية شاحنة هينو قلمرة أبيض - برتقالي م ٢٠٠٨ ألبان رقم الخاصي JHDGHIJMX81S12567 بكفي قد وكلت السيد سفر ذكري محمد والحمل بطاقة هوية فرد محسي رقم BBAEB50E ساكن مخيم ليرتي وذلك في اثناء كافة الاجراءات اللازمة في الشؤون الحقوقية والقانونية المتعلقة بملوحة هينو قلمرة أبيض - برتقالي م ٢٠٠٨ ألبان رقم الخاصي JHDGHIJMX81S12567 وجعلنا في حيزته وله الحق قيادة السيارة وذلك اجراءات القانونية والقضائية والادارية والتنفيذية اللازمة وكذلك بيع السيارة.

وبما انني ووكيلي نسكن في مخيم ليرتي ولا يتوفر لدينا كاتب العدل نظمتنا هذا العند بحضور المداين طي بهاري جوان والبرز بهائر المستشارين القانونيين للسكان ووقعت عليه والمستشارون القانونيون قد ساندوا عليه أيضا.

المستشار القانوني

أبو محمد التركيب

المرور بدار

١٠/٧/٢٠١٢



المستشار القانوني

أبو زيد هذا التوكيل

علي بهاري جوان

١٠/٧/٢٠١٢



الموكلة

زهراء





مصر شركة التأمين الوطنية

شركة التأمين الوطنية
القاهرة

صحة إشتراك في أنظمة التأمين الاجتماعي من موديل التأمين رقم 1000-1000-1000

رقم الإشتراك: 117-27-117-27

التأمين

رقم الإشتراك: 182096

معلومات التأمين
رقم التأمين

Handwritten signatures and stamps, including a circular stamp with Arabic text.

بيانات عن السيارة	
رقم تسجيل السيارة	1007
الجهة المسجلة بها	القاهرة
نوع السيارة	سيارة
شمارك السيارة	1200
سنة الصنع	1990
عدد سنوات التأمين	1200
نوع التأمين	تأمين
معلومات التأمين	1200
العرض عن التأمين	1200

Handwritten signatures and stamps at the bottom of the document, including a circular stamp with Arabic text.



تصريحاً رسم إعادة الإعمار

صنوف

التاريخ 13/08/2008	رقم ملف التعاريف 8	رقم التصريح /86338	رقم الترخيص التجاري 0806130840028	التصريح من الإعمار نوع النشاط التجاري	رقم المخطط رقم الهاتف رقم الفاكس رقم الموبايل	القسم أ : بيانات المستورد أو الوكيل رقم المستورد أو الوكيل اسم المستورد أفراد محمد حسين العنوان بغداد
عنوان موقع البريد الإلكتروني				رقم هوية الوكيل	تاريخ هوية الوكيل	اسم الوكيل

قيمة المبيعات المتوقعة	قيمة المبيعات الفعلية	التفاصيل الزمنية
100,000.00	0.00	شهادة جواز تجارة ربيع لغرض تجاري م 2008 لعدد 1 JHDGHJMX81S12567

بسم الله الرحمن الرحيم
 في شهر ربيع الثاني سنة 1430 هـ الموافق 2008 م
 أنا محمد حسين بن محمد حسين
 المولد في مدينة بغداد في يوم الاثنين الموافق 13/8/2008
 أتقدم لسيادةكم الأذونات التعريفية الخاصة بالمعلم
 الموصوف (صحة ذكره محمد) .
 راجية الكاهل) وقراءكم في التعريف .
 الضابط
 طالب حسن
 1- اطلعته ولحقته طويلاً على تصرف المعلم م . م .
 وصفاً منه الخسفة على الانتهاء من كل ما يتعلق به
 قرضه اعلو له تصرف اطلبهم حضرتهم آثر من محمد
 بكفالة مالية مد بها كل شئ من ماله من ماله للتعويض
 على ان يكون اتمتت عمالياً ومنه مسكنه كما ذكره
 صديقه في شهر ربيع الثاني سنة 1430 هـ
 كليل
 2- على الخسفة اجدولاً ومثل عدد القراءات السابقة
 3- الخسفة الموصوف
 4- الخسفة الموصوف
 5- الخسفة الموصوف

۸- **حمله به هواپیماهای دربست و اختصاصی؛** که حامل تعداد زیادی از مجاهدین باشد این حمله تا وقتی هواپیما از خاک عراق خارج نشده، امکان‌پذیر است. تنها راه فریب دادن دشمن با زمان‌بندی و هواپیماهای متفاوت است به نحوی که سوژه اصلی را نتواند تشخیص بدهد.

۹- **بالون‌های جاسوسی برای برداشتن عکس و فیلم در ساعات مختلف شبانه‌روز** که باید محلی را که در آن کاری جریان دارد به شیوه‌های مختلف استتار کنیم. آخرین راه‌حل که البته زیاد نمی‌توان استفاده کرد، آتش زدن پشته‌های خار و خاشاک، سوزاندن چوب یا تایرهای فرسوده خودروهاست تا دود آنها نقش تور استتار را بازی کند.

در ژوئیه ۲۰۱۳ وزارت دفاع ۳ بالون و ۶ برج مراقبتی از طرف آمریکایی تحویل گرفت اما مالکی همه آنها را صرف استحکام سلطه و حکومت ننگین خودش کرد و یکی را هم مأمور مراقبت از لیبرتی کردند.



بالونی که بر فراز لیبرتی پرواز دادند

۱۰- **بازرسی‌های سر زده و غافلگیرانه** برای به‌دست آوردن اسناد و مدارک و سپس پرونده‌سازی بر اساس آنها.

- اگر بازرسی برای ضبط امکانات باشد نمی‌پذیریم و می‌گوییم مشروط به حضور نمایندگان سازمان ملل و یونامی است؛ اما در هر حال در بازرسی حداکثر تجمع را باید رعایت کنید تا آماده درگیری باشیم.

- نوع دیگری از بازرسی با حمله و هجوم برای دستگیری افراد خاص و اجرای احکام قضایی حکومت دست‌نشاندهٔ عراق همراه است که در این صورت همه لشکرهای فدایی همزمان وارد می‌شویم تا دشمن مجبور به عقب‌نشینی شود. در هر حال این که دشمن دست باز داشته باشد و بتواند با چند برگه کاغذ جعلی، کسی یا کسانی را از میان ما برباید، خط قرمز است و در این صورت همهٔ مجاهدین به هر قیمت وارد می‌شوند. ما در درگیری شروع‌کننده نیستیم اما باید ختم‌کننده باشیم. معلوم است که این قبیل بازرسی برای دستگیری افراد به‌خصوص، لشکرکشی برای حمله و کشتار است و الا دشمن به آن نزدیک نمی‌شود زیرا قیمت آن را قبلاً در اشرف آزموده است.

- طرح کلی برای مقابله با حمله و بازرسی ناگهانی بدون اعلام و اطلاع قبلی، در یک بخش مشخص با نیروی محدود مانند پلیس ضدشورش، عبارتست از ۳ یکان دفاع متحرک و ۳ یکان آماده پشتیبان. در سایر قسمتها باید جلو دشمن صف ببندیم و زنجیر کنیم تا وضعیت تعیین تکلیف شود. نکته مهم این است که واحدهای تولید برای تلویزیون و ماهواره نیازمند یک یکان ۳۱۳ دائمی هستند.

- کلیهٔ کامپیوترها، دستگاههای تلفن و موبایل در همهٔ مقرها باید صاحب و نگهبان خود را داشته باشند تا وحوش نتوانند آنها را از ما بگیرند و کارمان را مختل کنند.

- همزمان باید شکافهای ورودی به‌قرارگاه برای بستن راه خودرو انفجاری و وارد کردن نیرو یا هاموی بسته شود. این کار را سعی می‌کنیم

با عادیسازی انجام دهیم اما اگر امکان پذیر نبود، به صراحت باید گفت که دستور فرماندهی بعد از قتل عام در اشرف است. دفاع از خود حق مسلم ماست و جز رژیم و ریزه خواران و مزدورانش هیچ کس دیگر نمی تواند به آن ایراد بگیرد. حتی در سال ۹۰ هم هزاران پارلمانتر در «کمیته بین المللی در جستجوی عدالت» حق ما را برای دفاع از خود به رسمیت شناختند که این علاوه بر وکلا و حقوقدانان عراقی و عرب بود. به همین خاطر دشمن دست و پایش را جمع کرد. در غیر این صورت، اگر ما را ضعیف می دید حتماً پیشروی می کرد.

۱۱- پخش پارازیت برای مختل کردن ارتباطات زمینی و تلویزیون و موبایل ها

این همان شیوه بسیار رایج رژیم در داخل ایران، مخصوصاً حول و حوش زندانیان ماست تا نتوانند با بیرون از زندان ارتباط برقرار کنند و مخصوصاً نتوانند به سیمای آزادی دسترسی داشته باشند. بعد از ۶ و ۷ مرداد ۸۸، اطلاعات سپاه پاسداران همراه با استخبارات مالکی در ضلع جنوب اشرف مستقر شدند و وسیعاً از پارازیت علیه ما استفاده می کردند. متقابلاً ما هم توانستیم دستگاه خنثی کننده آن را با قیمت گران تهیه و وارد اشرف کنیم. در همان ایام در روز ۲۰ آذر ۸۹ وزارت اطلاعات به این موضوع پی برد و خبر آن را هم در یکی از سایتهای تابعه همراه با عکسی از دستگاه خنثی کننده در اشرف، منتشر کرد.

مجاهدین خلق (فرقه رجوی) از ابزار پیچیده پخش پارازیت آمریکایی استفاده می کنند

Iran-Interlink.org

Home | News | Information | Publications | Facille | Contact us | About | Search: [] Go

You are viewing our archived site. For updated news and campaigns please go to <http://iran-interlink.org/wordpress/>

Facebook YouTube

Advanced Search
Archives
Audio / Video
Key Information

- Anne Singleton (Khodabandeh): Sham report exposes Mojahedin Khaq (MEK, MKO)'s location in Washington (January 2013)
- Post Deflating, What Are the Mojahedin-e Khalq Up to Now? (aka: MKO, MEK, Rajavi cult) Massoud Khodabandeh/Director, Middle East Strategy Consultants, Huffington Post (Blog), November 09 2012
- Protestors say Mojahedin Khalq (MKO, MEK, Rajavi cult) paid them to go to demo September 20 2012
- The Life of Camp Ashraf

Mojahedin Khalq (MKO, MEK, NCRI, Rajavi cult) leaders use sophisticated American parasite equipment to intimidate families at the gates of Camp Ashraf

Families of Mojahedin Khalq (MKO, MEK, NCRI, Rajavi ... cult) members trapped inside the camp by cult leaders have spent ten months trying to get access to their relatives. Through loud speakers they have appealed to the camp leaders and sent messages of hope and love for their relatives. In response, the MEK have used sophisticated US made parasite equipment to deflect the messages and create an impossible atmosphere for anyone outside the camp. The MEK were eventually forced to remove the illegal equipment when they realised ... that reporters were present at the camp



به‌یاد دارید که در تیر ماه ۹۰ بیانیه مردم دیالی با ۵۲۵ هزار امضا (که تماماً ۱۸ سال به‌بالا و دارای اسم و آدرس مشخص بودند) در محکومیت قتل‌عام مجاهدین در ۱۹ فروردین همان سال در اشرف، منتشر شد. آنها خواهان حفاظت اشرف از طرف ملل متحد شده بودند و مجاهدین را میهمانان گرمی عراق و دیالی خوانده بودند؛ با تأکید بر این‌که حضور مجاهدین در اشرف یک ضرورت ملی استراتژیک و امنیتی برای مردم دیالی و عراق در برابر مطامع و دست‌اندرزیهای رژیم آخوندی به‌عنوان دشمن هر دو ملت است.



بيان صحفي

توز ٢٠١١

٥٢٥ ألف من أهالي ديالى يستكرون مجزرة مجاهدي خلق وبطالبون الأمم المتحدة بتولي حماية أهالي مجاهدي خلق هم ضيوف أعزاء على العراق وديالى ووجودهم في أشرف أمر وطني ضروري للعراقيين ولتقلهم داخل العراق لتقلهم

من دواعي الفخر والإعزاز للأمانة العامة لمجلس العشائر الوطنية العراقية. فرع ديالى أن يعلن أن ٥٢٥ ألف من أهالي ديالى وبوقلمهم يتنازلون باستكرون بطوة الهجوم الوحشي الذي شنته القوات الموالية بإمرة نوري المالكي على أشرف في ٨ نيسان ٢٠١١ بعشرين وجود مجاهدي خلق في العراق وأشرف يتسبب في عمدة المصالح الوطنية العراقية وأن ممارسة الضغوط عليهم للخروج من العراق أو أشرف أو تقلهم داخل العراق لتسبب في عمدة مصالح الفاتية الدينية الحاكمة في إيران التي وصلوها بأنها «عدو للشعب».

وجاء في هذا البيان الذي وقعته أهالي محافظة ديالى من مختلف الأطياف وجميعهم ممن تجاوزت أعمارهم ١٨ عاماً وبأساء وحقايق محددة في مسائل اليد وموتنة من قبل شيوخ العشائر والطفولين والمحاميين والعراقيين والوجهاء المحليين.

إن النظام الإيراني يدخل منذ سنين في شؤون بلدنا الداخلية بزرجه فرق الصوت والقتل وتسريب أنواع الأسلحة والدعايات والمطعمات والرسائل الإذاعية والتلفازية إلى العراق وتأسيس أنواع أجهزة الإعلام المأجورة لاستخدامها بهذا التصدد في بلدنا إضافة إلى استهدافه مراكز الثقافة والاقتصادية والاجتماعية لغرض فرض هيمنته على العراق بشكل كامل غير أن الشعب العراقي أعرب عن كراهيته لتدخلات هذا النظام في مظاهراته المتواصلة حاشياً بلعازد إيران برة برة وأوصل صوته إلى أسماع العالم.

ومن أبرز هذه التدخلات هي محاولات الجوسبة للقضاء على سكان أشرف في ديالى والذين يعيشون في بلدنا منذ ٢٥ عاماً فلم تر منهم إلا الحر والاموة. وبذلك يودي النظام الإيراني المتعلية على أزماته الداخلية الحافلة وعزله الدولية من جهة والقضاء على أقوى سد سياسي وقفاي متبع بوجهه لتدخلاته ومحاولاته لمد الطرف الديني في العراق من جهة أخرى.

لقد أثار الهجوم الوحشي الذي شنته القوات الموالية بإمرة المالكي يوم ٨ نيسان على أشرف تلبية لطلب دكتور طهوان آثار المزيد من الكراهية والإذانة لدى الشعب العراقي فاطمة بمختلف طوائفه والقومه باعتباره أن هذه الجريمة يندى لها جبين العرب والعراقيين وأبناء ديالى كونها أسفر عن سلوط ٣٦ شهيداً ٨ منهم نساء وجرح ٣٥٠ آخرين من مجاهدي خلق.

إن السفارة الإيرانية في بغداد تحاول عمداً وعن طريق عناصرها في ديالى وتهديدته وإغراء الأهالي واقامة المهزل أن توحى بأن الشعب العراقي يتطالب بطرد مجاهدي خلق من العراق وذلك بغية تطهير الأبادي المطلقة للحكومة المدعومة منها لتهديداً لإرتكاب جرائم أخرى ولكن هذا النظام قد أحطاً في حساباته. فمن أهالي ديالى بعين مجاهدي خلق ضيوفاً أعزاء علينا ووجودهم أمراً وطنياً ضرورياً بوجه لتدخلات النظام الإيراني.

ومن موقعي هذا البيان شيوخ علم وشيوخ عشائر العرة والجزور والهيدي والكروية والبناء والتليم والسادة الصمديعي والساعدي والزعزعي والكرخي والبياتي والبهادوي والمصمعي والقبلي والحيدبي والعسكرة والدعشكي والجزواني والربيعي وبس زيد والحشاني وبس وبس والمووري والزهري والحزبي والشمسي والنجادي والسعودي والمشمشي والحشاني والحفاني والعصبي والسامرائي والفويجري والحجابي والحجابي والزيدي والشمعي والمشهداني والحجابي والحجابي والزيدي والحمداني والقبلي والديابي والحجابي والحجابي وعشرات العشائر الأخرى يؤكفون ما يلي :



- 1- تعذر الحكومة العراقية من التورط الأكثر في إزقة دماء معاهدي خلق، كما ندعو القوات المسلحة إلى الكف عن توجيه أسلحتهم ضد معاهدي خلق.
- 2- نطالب جميع الأحزاب الوطنية المستقلة وواب البرلمان والقيادات الدينية بالإصباح بصفون عال على جريمة 8 نيسان لسح الحكومة الحالية السداعية نتيجة الامتصاصات الامتصاصية من إرتكاب الميذم من الجرائم ضد اشرف بهدف كسب الدعم من النظام الإيراني.
- 3- إن وجود سكان اشرف في العراق منذ 25 عاما قانوني وهم لاجئون سياسيون وفقا لاتفاقية جنيف الرابعة ووجودهم في العراق نصب في مصلحة الشعب العراقي فعليه إن فز الحكومة العراقية القاصي باحرامهم من العراق انتهاك للقوانين والاتفاقيات الدولية وجاء نسبة لطلب النظام الإيراني للقتل، عليهم.
- 4- ناشد الأمم المتحدة والولايات المتحدة تولى حماية معاهدي خلق ماداموا موجودين في اشرف وإدانة قتلهم داخل العراق باعتباره مؤامرة حكما النظام الإيراني وعصاؤه العراقيون للقتلهم.
- 5- إما إن أعلن تأييدنا الأمم لوقف العمل المقدمة من قبل البرلمان الأزبي لحل سلمي لقضية معجم اشرف بشروطها وظلماتها. نطالب باستحاب القوات المسلحة من اشرف فورا ووقف الإمكانية لسكانه للحصول على العداية الطبية وفق المعيار الطيروس على الشرح فورا وبعاقبة المسؤولين عن جريمة 8 نيسان وإزالة معسكرات السكان المسروقة.

الإمامة العامة

مجلس العشائر الوطنية العراقية - ديالى

٢٠١١.٠٧.٠٢

الشيخ فيصل حرم العلوي شيخ عام عشيرة الشاء - الشيخ عدنان محمد بدر شيخ عام عشيرة السادة الصميع - الشيخ كريم محمود عباس الديلمي شيخ عام عشيرة الديلمي في ديالى - الشيخ ابراهيم طاجان شيخ عام عشيرة العماد - الشيخ ضمد نقيب بطون شيخ عام عشيرة الدهانكي - الشيخ لمر حسين عويد شيخ عشيرة العبد - الشيخ زيد عدنان علوي شيخ عام عشيرة بن ورس في ديالى - الشيخ احمد رضم عوان الحرسي شيخ عشيرة العرج - الشيخ حميد علفه كالم شيخ عام عشيرة الساعدي - الشيخ وليد شعلان علي شيخ عشيرة المحصي - الشيخ صالح حسن عبدالرحيم شيخ عشيرة الحادي - الشيخ خليل ابراهيم مطلق شيخ عام عشيرة العسكرة - الشيخ سنان قادر حوامر شيخ عشيرة الربيعي في ديالى - الشيخ عباد بدر عبدالله شيخ عام عشيرة الجوزي



بعد از انتشار این بیانیه، مالکی که افسار پاره کرده بود و قبلاً هم در جریان انتخابات عراق با وقاحت تمام ادعا کرده بود که مجاهدین از اشرف، نتایج انتخابات عراق را علیه او، یعنی مالکی تغییر داده‌اند، دستور از کار انداختن و متوقف کردن شبکه اینترنت داخل اشرف را بر اساس شکایت نامه‌یی از جانب وزارت کشور خودش صادر کرد.

سابقه امر از این قرار بود که در شب عید سال ۱۳۸۹ همزمان با انتخابات عراق که مالکی بازنده آن بود و علاوی دو کرسی بیشتر آورد، ادعای مالکی این بود که مجاهدین از اشرف از طریق اینترنت وارد کامپیوترهای کمیساریای عالی انتخابات در عراق شده و نتایج را به‌زیان او تغییر داده‌اند!



شبكة عراق القانون
صائب خليل

على اثر نشر مقالاتي السابقة عن خطورة تزوير نتائج الإنتخابات في العراق والمعلومات الحاسية - المزور الصامت لأصوات الناخبين (1) ، وصلتني هذا اليوم من العراق عن مصدر موثوق به عن جانبى، معلومات هامة عن نظام الحاسبات المستعمل لدى المفوضية العليا المستقلة للإنتخابات

ولأنني هذه المعلومات في ضوء الشكوك المتزايدة من تزوير نتائج الإنتخابات التي تقوم المفوضية حاليا بالتمام عد اصواتها

والمعلومات لتقول ان النظام الحاسوبي الذي استعمله المفوضية قد تم شراؤه من قبل بعثة الأمم المتحدة لمساعدة العراق (UNMIK) من شركة تسمى "تافينكا" (TAVINCA) وان الشركة لجعل المفوضية بكافة أجهزة الإتصالات بين مراكزها في المحافظات وبين المركز في بغداد، بواسطة شبكة الاتصالات من خلال الأقمار الصناعية (VSAT) والتي يجهز الإتصالات الإنترنت من خلال تلك الأقمار لتقديم خدمة البث الفيديو الرقعى، من الجيل الثاني (3G-DVB)

ومن الطبيعي ان استعمال المفوضية لشبكة الاتصالات فضائية للحاسبات بين مراكزها ينتج للأخرين، وخاصة الشرطة المصنعة لأجهزة تلك الشبكة، ليس فقط التجسس على ما يدور داخل الشبكة فقط، وإنما التدخل وتغيير المعلومات داخل الشبكة والحاسبات أيضا، وهذا امر في غاية الخطورة

التدخل الأخرى الأكثر خطورة في تلك المعلومات هي ان هذه الشرطة ممنوعة لمنظمة مجاهدي خلق، وان حساباتها المالية تدار من معسكر أشرف، وبمساندة من منظماتهم في الخارج

هذا ما وصلتني من معلومات، والتي لا أستطيع التحقق منها من مكاتبى، أو تقديم البراهين عليها بأفضل من قلبي بمصدرها بالنسبة لى، لذلك فأننى أضعب هذه المعلومات أمام الشعب العراقي والحكومة وأدعوها الى إجراء تحقيق فوري ووسيع وشفاف للتحقق مما جاء فيها والتأكد منه ومن دقته، خاصة وأنه يمكن ان يكون لتفسيره للتكثير من المخاوف والشكوك التي انتشرت حول مصداقية عد الأصوات مؤثرا

هذا التحقيق العاجل والشفاف ضروري لاستعادة ثقة الشعب ولتلافي تدبير نتائج الإنتخابات وقذفها لكل مصداقيتها، ولتلافي فرض الإحتلال نتائج مزورة على الشعب العراقي، طالما فعل مع الشعب الأفغانى قبل بضعة أسابيع، حيث فرضت نتائج الإنتخابات بالرغم من اكتشاف التزوير الى الدرجة التي اضطر معها الجميع الى الإقرار به، وبمستهم المنظمات الأوروبية والأمريكية والأمم المتحدة، ولم يتجره حتى الأفغان التسهيم للإحتلال يبحث عن الحتمالات في طلق بلاه يتواجد فيها، ويسعى الى وضعهم على رأس سلطة البلاد، وتهدد بكم إلى انقاذ العراق من هذا التعصير المخجل والمخيف

1- الحاسية - المزور الصامت لأصوات الناخبين - اضطلع هذا الشراء بالموضوع

(1) مواقع شرطة تافينكا

<http://www.tavinca.com>

لتفاصيل الشرطة المعلنه، بعضها في العراق

<http://www.technologyinsights.com>

زيارة الصفحة الأصلية من الموضوع

عراق-سایت دولت قانون (متعلق به مالکی)

تاریخ: چهارشنبه ۲۰۱۰/۳/۱۷ شب

شرکت کامپیوتری و ارتباطات کمیساریای انتخابات در مالکیت سازمان مجاهدین خلق بوده و از قرارگاه اشرف اداره می شود

....

سیستم کامپیوتری که الان کمیساریا استفاده می کند از طریق سازمان ملل خریداری شده و شرکتی که کلیه تجهیزات را به کمیساریا داده شرکتی است که به نام ناشیتا (یونامی) المتحده لمساعدة العراق و ارتباطات بین مراکز آن در استانها و مرکز آن در بغداد، توسط شبکه ارتباطات کامپیوتری از طریق ماهواره ای تأمین می شود....

موضوع دیگر که خطرناکتر از این اطلاعات است، این است که این شرکت در مالکیت سازمان مجاهدین خلق است و حسابهای مالی آن از قرارگاه اشرف با کمک سازمانهای آنها در خارج اداره می شود....

اما پس از انتشار بیانیه ۵۲۵ هزارتن از مردم دیالی در حمایت از مجاهدین در تیر ماه ۹۰، مالکی دیگر تاب نیاورد و چنانکه یادآوری کردم دستور توقف و از کار انداختن شبکه اینترنت داخل اشرف را صادر کرد. شکایت وزارت کشور و دستورات صادره بعدی را در این سند ببینید:



جناب آقای نخست‌وزیر - سرپرست وزیر کشور با درود و تقدیر

شایعات پیرامون برگزاری تظاهرات

۱- نسخه‌ای از نامهٔ معاونت وزارت کشور در امور پلیس به‌شماره ۲۵۱۵۶ در ۷/آوریل/۲۰۱۱ حاوی شایعه پخش شده داخل ناحیهٔ عظیم پیرامون برگزاری تظاهرات بعد از نماز جمعه در ساعت ۰۶:۰۰ در روز ۴/مارس/۲۰۱۱ می‌باشد. بعد از سؤال از ارگانهای امنیتی در استان، آنها گفتند که شهروندان به‌ما خبر دادند که پیامی از شماره ۴۴۴۴ برایمان آمده است که متن آن از قرار زیر است: "به اهالی شریف عظیم و قهرمانان - روز جمعه تظاهراتی در مقابل ایستگاه سوخت در ناحیه عظیم در ساعت ۱۰:۰۰ صبح برگزار می‌شود."

۲- معاونت وزارت کشور در اطلاعات و تحقیقات ملی در نامه‌یی به‌شماره ۴۵۵۹۲ در تاریخ ۲۱/ژوئیه/۲۰۱۱ تأیید نمود و تأکید نمود که شبکهٔ اینترنت در داخل اردوگاه اشرف وجود دارد و آنها پیام به‌شماره تلفنهای نامعلومی می‌فرستند و مردم را تحریک می‌کنند که تظاهرات برپا کنند.

نماینده‌گی پیشنهاد می‌کند شبکه اینترنت داخل قرارگاه اشرف را متوقف کنید یا این‌که آن را از کار بیاندازید تا از تکرار چنین وضعیت‌هایی ممانعت به‌عمل بیاید.

امضاء- سرلشگر مدیر دفتر

اوت ۲۰۱۱

سپس در روز ۲ شهریور ۱۳۹۰ اطلاعات سپاه به نصب دو دکل پارازیت در ضلع جنوبی اشرف مبادرت کرد.



روز ۶ شهریور ژنراتور آن را راه اندازی کرده و روکش دستگاهها را باز کردند.



روز ۸ شهریور آموزش دکلهای پارازیت برگزار شد که ۱۲ مزدور اطلاعات و نیروی قدس در آن آموزش می دیدند.



هر دستگاه تجهیزات تکمیلی خود را به همراه داشت



در کنار کانکس نیز دو ژنراتور کار گذاشته بودند که به تناوب آنها را روشن می کردند.



از روز چهارشنبه ۹ شهریور پخش پارازیت بر روی کلیه سیستم‌های ارتباطی اشرف و حتی رسیورهای سیمای آزادی با شدت فوق‌العاده شروع شد. مزدوران از صبح روی دکلها کار می کردند و ژنراتور دکلها روشن بود. در ساعت ۵ بعدازظهر دیگر دریافت هر گونه سیگنال از سیمای آزادی در مقرهایی که بر سر راه پارازیت بودند، قطع شد. شبکه یکانهای ۳، ۴، ۶ و ۹ و یکانهای خواهران شماره ۱۵ در جنوب قرارگاه کاملاً قطع بود و سایر مقرها حالت قطع و وصل داشتند.

از این نقطه مهندسان اشرف به کار پرداختند و معلوم شد دکلهای حامل دستگاه پخش پارازیت روی همان فرکانسهای ماهواره‌یی سیمای آزادی رو به تله استار تنظیم شده است. اما آنتنهایی که در سمت جنوب نصب شده یا جلوی آنها مانع درخت و ساختمان وجود دارد قطع نشده‌اند. نتیجه این که با نصب موانع در شعاع عمل دستگاههای پارازیت دشمن می‌شد از تأثیر آن در امان ماند و در عمل هم با جابه‌جایی و نصب موانع و کار فوق‌العاده که یکانها با راهنمایی و مشاورت تیم مهندسان شبانه در اشرف انجام دادند، تمام طرح و برنامه دشمن نقش بر آب شد و هیچ غلطی نتوانست بکند.

همزمان و فقط طی چند روز برای تضمین ارتباطات توانستیم ۱۲۰ بیسیم با برد ۵ کیلومتر وارد کنیم تا هر فرمانده عملیاتی یکی داشته باشد و از قطع ارتباط در شرایط حمله مصون بمانیم. ضمناً در تحقیقات بعدی روشن شد که اجرای پروژه پارازیت از جانب اطلاعات سپاه برعهده بنیاد تعاون سپاه پاسداران قرار گرفته که در ارتباط با قرارگاه خاتم، قراردادهای رژیم در خارج را اجرایی می‌کند.

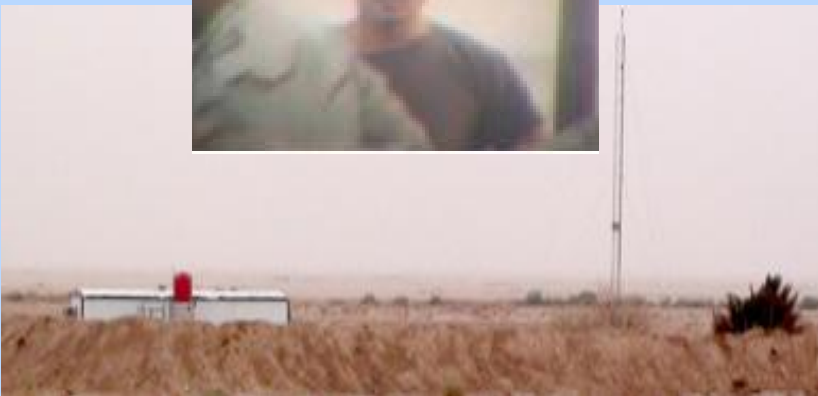
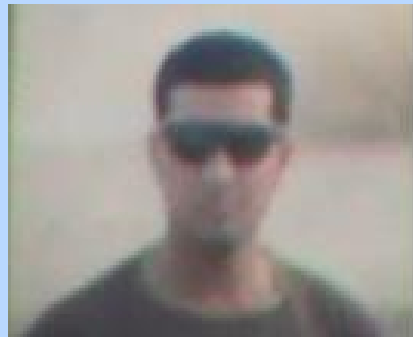
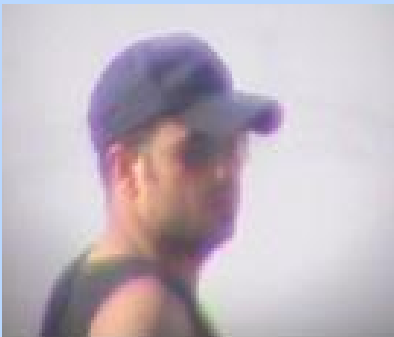
بنیاد تعاون سپاه پاسداران، از طریق ۳ شرکت مخابراتی وابسته به سپاه، شامل شرکت مهندسی افق، شرکت مخابراتی و الکترونیکی موج نصر گستر و شرکت بهاران، مسئول اجرای پروژه تهیه و نصب دکلهای و تجهیزات جاسوسی در اشرف و جمع‌آوری اطلاعات شدند و هر یک قسمتی از کار را به‌عهده گرفته است.

به‌طور مشخص شرکت موج نصر گستر مسئول نصب و راه‌اندازی آنتن‌ها و تجهیزات شد. دفتر مرکزی این شرکت در نارمک است و مدیر عامل این شرکت عباس رئیسی نام دارد. رئیسی شخصاً پروژه نصب و راه‌اندازی آنتن

را با سپاه پیش می‌برد. اطلاعات این پروژه مطلقاً به سایر پرسنل در شرکت داده نشده و فقط فردی به نام اسفندیاری از سپاه، طرف حساب این شرکت برای اعزام اکیپ‌های متخصص به اشرف قرار گرفت. این شرکت یک اکیپ ۱۲ نفره از کارشناسان خود را به عراق اعزام و در هتل مهاجر مستقر کرد که اسامی همه آنها و ردشان در داخل ایران را داریم.

شرکت مخابراتی بهاران تحت مدیریت پاسداری به نام سعید الفتی، یکی دیگر از شرکت‌های وابسته به بنیاد تعاون سپاه و در خدمت فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی سپاه است که در این پروژه مسئولیت پردازش و کار روی گزارشات ارسالی از تجهیزات جاسوسی را برای وزارت اطلاعات برعهده داشت.

اطلاعات سپاه برای این که مزدورانش شناخته نشوند مقرر کرده بود که حین کار همه بایستی از ماسک یا عینک استفاده کنند تا چهره‌های آنها قابل شناسایی نباشد.



۱۲- احکام دستگیری و استرداد

همه می‌دانند که دستگیری و استرداد مجاهدین به رژیم پلید آخوندی از نخستین درخواستهای این رژیم بعد از بمباران قرارگاههای ارتش آزادیبخش در عراق توسط آمریکا بوده است که خود یکی از ننگین‌ترین زد و بندهای ارتجاعی و استعماری در تاریخ معاصر است. آخوند خاتمی در روز ۲۶ آذر ۸۲ استرداد همه مجاهدین را درخواست کرد و خاطر نشان کرد:

«بارها این مسأله را گفته‌ایم که ما خواستار ارجاع آنها به ایران هستیم».

آخوند یونسی وزیر اطلاعات خاتمی در ۱۳ دیماه ۱۳۸۲ می‌گفت:

«آمریکایی‌ها اگر راست می‌گویند و در مسأله مبارزه با تروریسم صادقند، سران منافقین را بازداشت کنند و بدنه و هواداران آنها را تحویل خانواده‌هایشان بدهند».

(این همان معنی خانواده از دید اطلاعات بدنام آخوندها از روز اول است!)

علاوه بر این آخوند یونسی به وضوح، چنان که گفتم، اعلام کرد:

«هر کشوری که اعضای منافقین را بپذیرد... به دولت ایران اعلان دشمنی آشکار کرده است».

همزمان آخوند حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم در روز ۲۵ دی ۸۲ در پاریس اعلام کرد:

«در زمینه مبارزه با تروریسم، امروز توپ در زمین آمریکاست، به دلیل این که چند هزار نفر منافق تروریست را در اختیار دارد که بر اساس مقررات بین‌المللی می‌بایست تحویل ما شوند» ۲۷

۶ ماه بعد واشینگتن پست در این باره نوشت:

«آنچه در مورد توجه دقیق به روابط ایران و آمریکا گزنده است این که منجر به طرحی برای یک معامله "ضد تروریستی" شد که هر دو کشور باید عاشق آن می‌بودند: ایران چند

تن از فعالان ارشد القاعده را که در بازداشت داشت تحویل می‌داد و آمریکا تعدادی از زندانیانی را که از میان مجاهدین خلق در اختیار داشت تحویل می‌داد. گروهی که رسماً مارک تروریستی بر خود دارد...

ایرانیان تقاضای خودشان را داشتند که بعد از این که آمریکا رژیم صدام حسین را در آوریل ۲۰۰۳ سرنگون کرد به نقطه بلوغ خود رسید. حدود ۴ هزار عضو مجاهدین خلق در قرارگاه‌های خود در عراق بازداشت شده بودند؛ قرارگاه‌هایی که سالها برای حمله علیه (رژیم) ایران مورد استفاده آنها قرار گرفته بود...» ۲۸

رفسنجانی در بهمن ۸۳ به روزنامه «یو.اس.ای. تودی» گفت:

«شما این سؤال را از آقای بوش بپرسید که چرا تروریستهای ایرانی را به ما تحویل نمی‌دهند و در عراق تحت حمایت دارند حتی در کشور شما در سازمان ملل و مجلس می‌آیند و می‌روند...» ۲۹

سه رأس لاریجانی نیز به‌طور مستمر خواهان استرداد مجاهدین بوده‌اند. پاسدار علی لاریجانی رئیس مجلس رژیم در دیدار با هیأت‌رئیسه پارلمان عراق با رندی جلف و سخیف خود می‌گفت:

«ما معتقد به اجرای قوانین بین‌المللی هستیم و اکثر کسانی که در این گروهک حضور دارند طبق قوانین بین‌المللی مجرم هستند و باید به ایران مسترد شوند و فکر می‌کنیم تعلل در این زمینه برای کشور عراق خوب نباشد» ۳۰

صادق لاریجانی سردرژخیم قضایی ولی فقیه نیز به رئیس شورای عالی قضایی عراق می‌گفت:

«در چارچوب موافقتنامه استرداد مجرمین، تقاضا داریم مجاهدینی که در کشور عراق حضور دارند به ایران بازگردانده شوند تا محاکمه عادلانه شوند زیرا اگر محاکمه نشوند خلاف عدالت است» ۳۱

۲۸- روزنامه واشینگتن پست، ۱۹ تیر ۱۳۸۳

۲۹- ایرنا- ۱۹ بهمن ۱۳۸۳

۳۰- خبرگزاری فارس ۱۳ آبان ۱۳۸۸

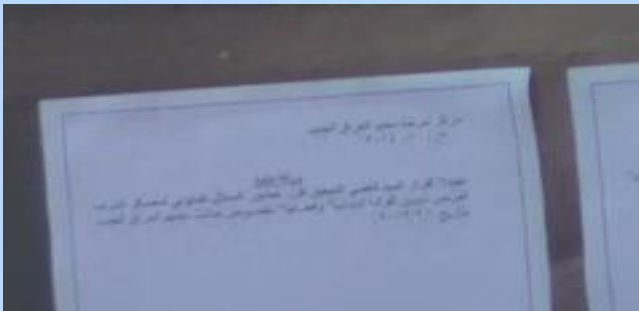
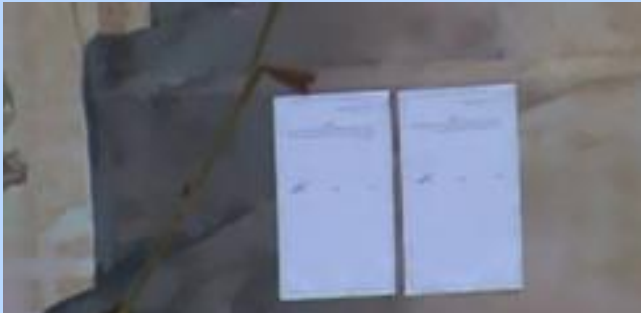
۳۱- رسانه‌های حکومتی- ۲۸ اردیبهشت (۹۳)

آخوند جنایتکار مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری روحانی می گفت:

«تحویل مناقین به ایران نیازی به درخواست ندارد اما اگر وزیر دادگستری عراق این گونه پیشنهاد کرد، ما مجدداً به طور رسمی درخواست می کنیم تا آنها را به دادگاههای ما تحویل دهند. این افراد جنایتکار و مجرمند و باید به دادگاههای ما تحویل داده شوند...» ۳۲

با ذکر این نمونه‌ها که مشتی از خروار است، می‌خواهم بگویم از فردای اشغال عراق مخصوصاً بعد از آن که دولت وقت آمریکا با لگدمال کردن کنوانسیون چهارم ژنو، مجاهدین را عامدانه در دهان گرگ قرار داد و حفاظت آنها را به مالکی سپرد، مالکی بیایی با بازیچه قراردادن قضاییه این کشور برای ما احکام دستگیری و استرداد صادر می‌کرد.

مجاهدین البته احکام مالکی ساخته را به مفت نمی‌خریدند و حتی از تحویل گرفتن احکام که پیوسته توسط پلیس و نیروهای امنیتی و نظامی در اشرف و لیبرتی صورت می‌گرفت، خودداری می‌کردند. به همین خاطر نیروهای عراقی احکام جلب و دستگیری و استرداد را به در و دیوار و سیاح می‌چسبانند یا در زیر سنگ می‌گذاشتند تا بگویند ابلاغ کرده‌اند!



گذاشتن کاغذ روی زمین و مراجعه پلیس ۲۰-۰۷-۲۰۱۰



سرانجام مأموران استخبارات حکم دستگیری را زیر سنگ قرار
می دهند و می روند.

اداره پلیس خالص
پلیس عربی و بین‌المللی
شماره ۱۷۴۶
تاریخ ۲۰۰۹/۰۲/۸
به / قرارگاه اشرف / سازمان مجاهدین خلق ایران

موضوع / دستور بازداشت و بازرسی

بر اساس مفاد نامه بازپرسی دادگاه مرکزی فدرال / رصافه به شماره ۲۶ در تاریخ ۲۰۰۹/۱/۱۸ که حاوی صدور حکم بازداشت و بازجویی در مورد متهمان (صدیقه حسینی و عباس داوری و مژگان پارسائی) و بر اساس ماده ۴۲۱ قانون عقوبات می‌باشد، این امر به اطلاع قاضی تحقیق خالص رسید و دستور اجرای سریع حکم بازداشت و تحقیق در مورد متهمان فوق‌الذکر در کادر یادداشت صادره از دادگاه تحقیق مرکزی و در هماهنگی با ارگانهای مربوطه جهت اجرای حکم صادر گردید.

به اطلاع می‌رسانیم که متهمان فوق‌الذکر در حال حاضر در محدوده قرارگاه اشرف زندگی می‌کنند. خواهشمندیم آنها را تحویل ما دهید تا آنان را مطابق اجرای حکم قاضی تحقیق تحویل طرف درخواست کننده بدهیم.

خواهشمندیم نتیجه را به اطلاع ما برسانید.

سرتیپ حقوقی عدنان ثعبان مجید

مدیر پلیس خالص

۲۰۰۹/۲/۸

رو نوشت به:

رئیس دادگاه فدرال استیناف رصافه بغداد/دادگاه تحقیق مرکزی
نامه شماره ۲۶ در ۲۰۰۹/۱/۱۸ احتراماً جهت اطلاع
اداره کل پلیس دیالی / ج ح احتراماً جهت اطلاع
اداره پلیس کل استان دیالی / شعبه پلیس عربی و بین‌المللی /
احتراماً جهت اطلاع با تشکر.

نمونه مشخص دیگر در روز ۳۰ تیر ۱۳۸۹ در اشرف بود که سرکرده نیروهای نظامی مالکی در ساعت ۸ شب احضاریه و احکام استرداد ۶ تن از مجاهدین را به ما ابلاغ کرد و این که فردا صبح زود باید آماده انتقال به دادگاه باشند. این احکام شامل خواهران مجاهد مژگان پارسایی، مهوش سپهری، عذرا علوی طالقانی، فرشته یگانه و برادر مجاهد مهدی افتخاری بود. مهدی در آن زمان به شدت از سرطان رنج می برد و سرانجام در خرداد ۹۰ جان باخت و این بهرغم چندین عمل جراحی در بیمارستانهای اربیل بود که رفت و آمد و حفاظت هر کدام از این ترددات برای ما در آن زمان، مخصوصاً در مورد فرد تحت تعقیب و مشمول استرداد، واقعاً خیلی سخت تر و سنگین تر از یک عملیات بود.

بسم الله الرحمن الرحيم
(سريو شخصي)

((اللهم احفظ العراق واهله))

مديرية شرطة الخالص
العدد/مخبر/ ٢٥
تاريخ: ٢٠١٠/٧/٢١

إلى /ضابط مركز شرطة مخيم العراق الجديد شخصياً

م/ تامين احضار متهمين

بناءً على ما جاء بكتاب وزارة الداخلية وكتابة الوزارة لشؤون الشرطة المرقم مضمومين ٦٥١٩ في ٢٠١٠/٧/٢٠ المبلغ اليها بكتاب المديرية العامة لشرطة محافظة ديالى- مكتب المدير العام في ٢٠١٠/٧/٢١ من السري والشخصي المرقم ٥١٢ في ٢٠١٠/٧/٢١ تطلب تامين احضار المتهمين الايرانيين الى المحكمة الجنائية المركزية بغداد الكرخ يوم ٢٠١٠/٧/٢٢ الساعة الثالثة صباحاً وهم كل من (فرشته بكته وفرحان امير بارسا وعزاد علوي طالقاني ومهدي افتخاري و مهوش سيزي ومحسن الهادي) لاتخاذ الاجراءات واعلانها اجراؤكم هذا اليوم حتماً للتفويض وتأييد الاستلام


مدير شرطة الخالص
٢٠١٠/٧/٢١

(سري شخصي)

این حکم تا به حال به مدت ۵ سال و ۴ ماه در ورای توافقات وزیر دادگستری مالکی با وزرای دادگستری احمدی نژاد و روحانی، به تأخیر افتاده و تمديد و تجديد و تکرار شده است. این کار هر بار با تلاشها و هزینه‌های فوق‌العاده‌ای همراه بوده است که فعلاً نمی‌خواهم از آنها صحبت کنم. آخرین نمونه تأخیر و تمديد با امضا ۳ قاضی را که جلسه دادگاه ۲۵ نوامبر ۲۰۱۵ را به ۲۵ فوریه ۲۰۱۶ موکول کرده‌اند، ببینید:



جمهوری عراق
شورای عالی قضایی
دادگاه جنایی مرکزی

دادگاه جنایی مرکزی با همه اعضایش تشکیل شد و به طرفهای ذیربط استرداد، به شماره ۲۰۱۵/۲ اطلاع داده شد ولیکن به خاطر عدم حضور آنها در زمان مقرر شده در تاریخ ۲۵/۱۱/۲۰۱۵، دادگاه تصمیم گرفت جلسه دادگاه را به روز ۲۵/۲/۲۰۱۶ به تأخیر بیاورد.

قاضی حسین عبد الرحمن کاظم عضو
قاضی احمد حسین حسن عضو
قاضی بلیغ حمدی حکمت رئیس دادگاه

از تابستان سال ۹۲ به بعد، برای به تأخیر انداختن و تمدید احکام استرداد ما باید روی دست دژخیم پورمحمدی وزیر دادگستری روحانی و قبل از آن هم روی دست حسن شمیری وزیر دادگستری مالکی حرکت می کردیم.



این مزدور از فردای ۱۹ فروردین در سال ۱۳۹۰ هر از گاهی برای دریافت دستمزد و رهنمودهای سرکوبگرانه جدید علیه مجاهدین به تهران می رفت.



اشغال اشرف - شماره ۸۲-۴ اردیبهشت ۱۳۹۰

سفر وزیر دادگستری مالکی به تهران برای دریافت دستمزد و رهنمودهای سرکوبگرانه جدید

در شرایطی که رسوایی مالکی و همدستانش به خاطر جنایت علیه بشریت در اشرف عالمگیر شده است، روز گذشته حسن شمری، وزیر به اصطلاح دادگستری مالکی، به تهران رفت. مقاومت ایران، روز ۳۱ فروردین در اطلاعیه ۷۲ پیشاپیش این سفر را افشا کرد و نوشت: شمری برای دریافت دستورها و توجیهات جدید سرکوبگرانه علیه اشرف و برای دریافت دستمزد خود قرار است هفته آینده به تهران سفر کند. یک هیأت از وزارت دادگستری عراق از یک هفته قبل در تهران به سر می بردند.

قبل از آن در اطلاعیه های ۴۶ و ۴۷ (۲۳ و ۲۴ فروردین) با استناد به گزارشهایی از درون رژیم اعلام شده بود که شمری به دستور نیروی تروریستی قدس، در جلسه ۲۲ فروردین شورای وزیران، ضمن دفاع از جنایت ۱۹ فروردین خواستار کشتن همه مجاهدان اشرف شد.

وی در تلویزیون الشرقیه، روز ۲۳ فروردین، تصریح کرد: «منابع اطلاعاتی در بغداد گفتند برخی از وزیران، که از نظر تشکیلاتی به طور مستقیم به سپاه پاسداران انقلاب مرتبط هستند، در جلسه روز گذشته شورای وزیران عراق، خواستار بودند در ازای استمرار حمایت ایران از برخی جریانها در دولت عراق، برای اخراج مجاهدین به خارج از عراق، پرونده آنها را از شورای وزیران عراق به پارلمان احاله دهند».

بنا به رسانه‌های فاشیسم دینی حاکم، شماری نگرانی خود را از کارزار جهانی مقاومت ایران در افشای جنایت دولت متبوع وی برملا کرد و گفت: دولت عراق تصمیم قاطع برای اخراج مجاهدین تا پایان سال جاری میلادی از خاک عراق دارد، اما «به این نکته باید توجه داشت مجاهدین در طول این سال‌ها با سازمانهای حقوق بشری مختلفی ارتباط داشته‌اند که همین ارتباط باعث شده به کشور عراق فشارهایی وارد کنند».

کار این وزیر دادگستری تا آنجا به‌ابتدال کشیده شد که بنابه خبرگزاری سپاه پاسداران وی در مورد «ریزگردهایی که از خاک عراق به ایران می‌آیند و هوای ایران را آلوده می‌کنند» گفت: «این مناطقی که ریزگردها از آن به سمت ایران می‌آید در اشغال مجاهدین بود که امیدواریم با توجه به خروج آنها تا پایان سال، بیابان‌زدایی در آن منطقه نیز انجام شود تا دیگر شهروندان ایرانی نگرانی نداشته باشند».

به این مزدور بی‌سر و پا باید گفت عراق قبل از هر چیز به ارتجاع‌زدایی و خلع ید از فاشیسم دینی حاکم بر ایران و مزدورانش نیاز دارد که مردم و جوانان عراق در قیام شجاعانه خود در بغداد و موصل و بصره و در سراسر عراق به آن مشغولند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۲۴ آوریل ۲۰۱۱)

در پایان سال ۹۲ حسن شماری وزیر دادگستری مالکی، کار را در زمینه استرداد مجاهدین به رژیم آخوندی به‌آنجا رساند که کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف اخطاریه رسمی و علنی زیر را برای کوتاه کردن دست او، ضروری دانست.

Advisory Board

Founding President

LARRY ROSS, *The Lord
Slyke of Ashby, Former Judge
of the European Court of Justice,
UK*

Honorary Presidents

Dr. Charles Beitzels,
*Geographical Research Professor
of Law, President Emeritus,
International Human Rights Law
Institute, US*

Prof. Zoltan Tóth, *President
Centre of International Law, The
Free University of Brussels, BE*

Executive Director

Andreas F. Sauer, *Lawyer, Paris,
FR*

Canada

Mr. David Klaman, *JD,
Former Canadian Secretary of State
for Multiculturalism and the
Arts/Parks*

Prof. J. Crawford, *Ontario
Law Society of Upper Canada
Member Council, J.C.B. Bond
of International Law Group*

France

Marie-Françoise Pichard,
President Emerita

Prof. Jean-François de Gans,
*Faculty of Law, University of Paris 1
Sorbonne University*

Bernard Aueron, *President,
Human Rights Institute of the Bar of
Geneva*

Walter Paretzky, *Former
President of the Bar of the
Netherlands*

Italy

Adriano Marcell, *Chairman
International Committee Lawyers
Italy*

Sweden

Kenneth Lund, *President,
Lawyers Without Borders - Sweden*

Switzerland

Prof. Hans Wesselin, *US,
Dated*

The United Kingdom

**The Rt. Hon. The Lord
Abingham**, *MBE, QC, QC,
Former Home Secretary under
Prime Minister Margaret Thatcher*

**The Rt. Hon. The Lord
Walker of Strathairn**, *QC,
Former UK Senior Counsel
Lord Justice, QC*

Sir Geoffrey Andrew,
Consultant at British & Polish

Prof. John Burrows, *Baronet,
Professor of Law, School of Law,
Sheffield Hallam University of
London*

Walter J. Fischer, *Member,
International Human Rights
Committee of the UN Security
Council, Former President, Strasbourg Law
School, Former Chair, Council Law
Committee of the Law Society of
England & Wales*

Stephan J. Heras, *Head of Public
Law and Human Rights Department*

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf Warning

March 4, 2004

Mr Hassan al-Shamrani
Minister of Justice of Iraq
Baghdad
Iraq

Mr Hassan al-Shamrani, Minister of Justice of Iraq,

I am writing this warning to you on behalf of Camp Liberty residents' lawyers and as the representative of the International Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA) supported by 6000 members in the United States and Europe.

Iraqi media and media of the religious fanatic ruling Iraq, including the Pan news agency affiliated with the Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC), have issued hostile statements to you that undoubtedly will pave the way for a great massacre:

"According to an agreement signed between Dawa and Iraq on the subject of prisoners, Iraq can ask for the extradition of the MOC members," the website of the Islamic Supreme Council of Iraq (ISCI) quoted Ali al-Shamrani as saying on Sunday.

"The Iraqi justice minister said that if Iraq asks for the extradition of MOC members, Iraq will hand them over to Iran," (Iraq News Agency, 7 March 2004)

These wholly unlawful statements are in blatant breach of international covenants, including the Geneva Conventions, the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), the Convention Against Torture, and many other provisions of the International Humanitarian Law (IHL) and the International Human Rights Law.

These statements are also in flagrant breach of the Memorandum of Understanding signed between Government of Iraq and the United Nations on 25 December 2001 that guarantees the safety and security of Ashraf and Camp Liberty residents until their transfer to their countries.

Following this MOC, Government of Iraq has also summarily reiterated on the safety and security of all the residents until their departure from Iraq, including in the quadrupartite accord of 16 August 2002 between the United States, the United Nations, the camp residents and the Government of Iraq. The United Nations and the U.S. government have also underscored in their abundant statements that Government of Iraq has committed itself to guarantee the protection and security of Camp Liberty residents until their departure from Iraq.

The residents of Camp Liberty are all protected persons under the Fourth Geneva Convention. As accented by numerous statements by the High Commissioner for Refugees, they are all refugees or *refugee-victims* that enjoy international protection.

In 2003 and 2004, for a duration of 16 months and with the expression of the International Committee of the Red Cross and the United Nations, the U.S. government and the MOC's National Force - Iraq arrested the current residents in Camp Liberty who whom then in Ashraf by various agencies and ultimately announced that there are no charges against any of them and they have no links to terrorism (New York Times - 27 January 2004). Based on these findings, the U.S. government and the MNFI announced that the residents are all civilians under protection of the Fourth Geneva Convention July

ICJDA - 20 bis, rue Chardon Lagache, 75016, Paris, France
Tel. +33 1 47 55 87 00 Fax: +33 1 47 55 87 04 e-mail: icjda@gmail.com

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

2, 2004). Prior to that, the ICRC had also announced that Camp Liberty incidents are under the Fourth Geneva Convention (24 April 2004).

Therefore, your recent statements as a clear case of going the way for cases against humanity and another instance of protected persons in Camp Liberty that is a serious offense liable to prosecution by international bodies.

Given the above-mentioned points, the ICJDA demands that you readily take back the statements related to you on the mistreatment of members of the People's Mujahedin Organisation of Iran stationed in Camp Liberty and to immediately send to us any evidence or document against you along, the members of ICJDA stationed in Camp Liberty, otherwise, we will have an on or bar to bring charges against you at competent bodies.



Francois Sauter
International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

or:

- Hon. Makhar M. Mahdavi, President of Iraq Supreme Judicial Council
- Hon. Judge Ghassanfar Huseinad M. Jafar, Prosecutor General of Iraq
- Hon. John Kerry, U.S. Secretary of State
- Hon. William Burns, U.S. Deputy Secretary of State
- Hon. Ambassador Brent McGurk
- Hon. Robert S. Boocroft, U.S. Ambassador, Iraq
- Hon. Ban Ki-moon, UN Secretary General
- Hon. Antonio Guterres, UN High Commissioner for Refugees
- Hon. Navi Pillay, UN High Commissioner for Human Rights
- Hon. Jeffrey Palmer, Undersecretary General for Political Affairs
- Hon. Barbara Catherine Ashton, EU High Representative for Foreign Affairs
- Hon. Laurent Fabius, Foreign Minister of France
- Hon. William Hague, United Kingdom Foreign Secretary
- Hon. Frank-Walter Steinmeier, Foreign Minister of Germany
- Hon. Alaja Vidal-Quadras, Vice-President of the European Parliament and President of the EU
- Hon. Steven Simonson, President of European Parliament's Delegation for Relations with Iraq

اخطار

۴ مارس ۲۰۱۴ (۱۳ اسفند ۱۳۹۲)

آقای حسن الشمری وزیر دادگستری عراق
این اخطار را از سوی وکلای ساکنان لیبرتی از کمیته بین‌المللی
حقوقدانان در دفاع از اشرف که ۸ هزار عضو در آمریکا و اروپا دارد برای
شما می‌نویسیم.

رسانه‌های عراقی و رسانه‌های فاشیزم دینی حاکم بر ایران از جمله
خبرگزاری فارس متعلق به سپاه پاسداران اظهارات بسیار زشت و ناگواری را
به‌نقل از شما نوشته‌اند که بدون تردید زمینه‌ساز کشتار بزرگ خواهد بود.
وبسایت شورای عالی (انقلاب) اسلامی عراق به‌نقل از شما در روز اول
مارس ۲۰۱۴ نوشت: «طبق یک قرارداد امضا شده بین رژیم ایران و عراق
درباره معامله پایاپای زندانیان، رژیم ایران می‌تواند استرداد اعضای سازمان
مجاهدین خلق را طلب کند».

سپس خبرگزاری فارس در دوم مارس از قول شما به‌عنوان وزیر
دادگستری عراق خاطرنشان کرد: «اگر ایران خواستار استرداد اعضای
مجاهدین خلق ایران شود، عراق آنها را به ایران تحویل خواهد داد».

این اظهارات مطلقاً غیرقانونی و در نقض آشکار معاهدات بین‌المللی، از
جمله کنوانسیونهای ژنو، پیمان بین‌المللی حقوق سیاسی اجتماعی مدنی،
کنوانسیون منع شکنجه و بسیاری دیگر از مواد قانون انسان‌دوستانه
بین‌المللی و قانون حقوق بشر بین‌المللی است.

این اظهارات هم‌چنین نقض آشکار یادداشت تفاهم امضاء شده بین دولت
عراق و ملل متحد به‌تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۱۱ است که امنیت و سلامت
ساکنان اشرف و لیبرتی تا انتقال آنها به کشور ثالث را تضمین می‌کند.
دولت عراق پس از این یادداشت تفاهم نیز بارها و از جمله در توافقنامه

۴ جانبه ۱۶ اوت ۲۰۱۲ بین آمریکا، ملل متحد، ساکنان و دولت عراق بر امنیت و سلامت همه ساکنان تا خروج از عراق تأکید کرده است. ملل متحد و دولت آمریکا نیز در بیانیه‌های متعدد تصریح کرده‌اند که دولت عراق متعهد شده است که حفاظت و امنیت ساکنان لیبرتی را تا خروج آنها از عراق تضمین خواهد کرد.

ساکنان لیبرتی تماماً افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون ۴ ژنو هستند. همه آنها به تصریح اطلاعیه‌های متعدد کمیساریای عالی پناهندگان، همه پناهنده یا پناهجو هستند و از حفاظت‌های بین‌المللی برخوردار می‌باشند. به این ترتیب اظهارات اخیر شما، یک زمینه‌سازی آشکار برای جنایت علیه بشریت و کشتار مجدد افراد حفاظت‌شده در لیبرتی است و یک جرم سنگین و قابل تعقیب در مراجع بین‌المللی است.

با توجه به نکات فوق، کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف از شما می‌خواهد که اظهارات منتسب به خود درباره استرداد اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را سریعاً پس گرفته و هر سند و مدرکی علیه موکلان ما، اعضای سازمان مجاهدین مستقر در لیبرتی را فوراً برای ما ارسال کنید والا هیچ راهی جز این که علیه شما در مراجع ذیصلاح اقامه دعوا کنیم باقی نمی‌ماند.

رو نوشت:

رئیس شورای عالی قضایی عراق

دادستان کل عراق

وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا

معاون وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا

سفیر مک گرگ

سفیر بیکرافت سفیر آمریکا در عراق
دبیرکل ملل متحد
کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد
کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد
سفیر فلتنن معاون سیاسی دبیرکل ملل متحد
کاترین اشتون نماینده عالی اتحادیه اروپا
لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه
ویلیام هیگ وزیر خارجه بریتانیا
والتر اشتاین مایر وزیر خارجه آلمان
دکتر آخو ویدال کوادراس نایب رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین المللی در
جستجوی عدالت
استراون استیونسون رئیس هیأت پارلمان اروپا برای رابطه با عراق

کارزار بین المللی حقوقدانان جای خود را داشت اما در عین حال وحوش به خوبی می دانستند که به محض این که دست به اقدامی در جهت دستگیری و استرداد در اشرف یا لیبرتی بزنند، دیگر کنترل اوضاع از دست آنها خارج خواهد شد و ممکن است به ضرر خودشان تمام شود. آنها خوب می دانستند و آزموده بودند که اگر مجاهدین تصمیم بگیرند و به سیم آخر بزنند و مشت را با مشت و گلوله را با گلوله جواب بدهند، خودشان ضرر خواهند کرد.

در همان شبانگاه ۳۰ تیر ۱۳۸۹ که سرکرده نظامی مالکی در اشرف حکم استرداد را به برادرانمان ابلاغ می کرد، برادرانمان قاطعانه رد کردند و گفتند بروید به دادگاه هم بگویید که باید با وکلای ما در کمیته بین المللی حقوقدانان تماس بگیرند.

از جمع این برادران الآن رحیم (قهرمان مجاهد خلق حمید باطبی) که مشاور حقوقی در دادگاههای عراق بود، شهید شده است. سلام الله علیه،



مجاهد شهید حمید باطبی

اما سه شاهد دیگر در همین نشست هستند: سعید مهدویه و بهزاد صفاری و فرید ماهوتچی که هر سه نفر مشاورت حقوقی ساکنان را در رابطه با حکومت عراق و سازمانهای بین‌المللی و آمریکا به‌عهده دارند. در گزارش آنها که من همان شب خواندم، نوشته بود که ما در آخر همه استدلالهای قانونی و اعتراضها و جنجالی که بپا شد به‌سرهنگی که برای استرداد آمده بود گفتیم:

حتماً شما می‌دانید که هر اقدامی برای دستگیری حتی یکی از نفرات اشرف چه برسد به رهبری آنها، به‌چه معنی است. گفت بله می‌دانیم و برای همه مشخص است...

در پایان وقتی یک سرهنگ دیگر که او هم برای استرداد آمده بود و خیلی هم عجله داشت، غلاف کرد و دورتر رفت، سرهنگ اولی آهسته به‌ما گفت: من کاری که بتوانم را می‌کنم تا اشرف شلوغ نشود و این احکام را هم برمی‌گردانیم...

ما گفتیم فقط برگرداندن احکام کافی نیست زیرش بنویس اصلاً چنین کسانی در اشرف نیستند. او گفت بله همین را می‌نویسم تا به لحاظ قانونی محکم کاری بشود...

۱۳- اعلام رسمی رسیدگی دادگاههای عراق به پرونده سازیهای جنایی برای ۱۵۰ نفر از مجاهدین

احکام دستگیری و استرداد سالهاست که ادامه دارد و تا روز آخر هم یک بحث جدی است. از قضا یکی از مهمترین شاخصهای توانمندی و قدرت مقاومت ایران درهم کوبیدن همین احکام رذیلانه و غیرقانونی و ضد انسانی است.

مثال در این باره را از عید نوروز همین امسال (سال ۹۴) می‌زنم: در روز ۳ فروردین (۲۳ مارس ۲۰۱۵) سفارت عراق که هیچ‌گاه جواب نامه‌های کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران را در مورد مجاهدان اشرف و لیبرتی نمی‌داد، جوابیه رسمی دفتر نخست‌وزیر عراق را برای این کمیته فرستاد.

سفارت جمهوری عراق - لندن

شماره: ۷ / حقوق بشر / ۱۲۴۳

تاریخ: ۲۳ مارس ۲۰۱۵

سفارت جمهوری عراق در لندن با احترام و ستایش نسبت به کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران و با استناد به نامه امضا شده توسط لرد کارلایل با رتبه مشاورت ملکه انگلستان و سر دیوید ایمس نماینده پارلمان در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۵ به نخست وزیر عراق دکتر حیدر العبادی، افتخار دارد یک نسخه پاسخ رسمی به زبان عربی از طرف دفتر نخست وزیر عراق درباره "کمپ لیبرتی"، با یک ترجمه غیررسمی به زبان انگلیسی، را ضمیمه می کند.

سفارت جمهوری عراق از این فرصت استفاده می کند تا بالاترین اطمینان و توجهات خود را به کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران تجدید کند.

سفارت جمهوری عراق در لندن

به کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران

EMBASSY OF THE
REPUBLIC OF IRAQ
LONDON

جمهورية العراق

سفارة جمهورية العراق

لندن

No. : 31 Human Right / 2015
Date: 23/3/2015



العدد / /
التاريخ / / 2015

The Embassy of the Republic of Iraq in London presents its compliments to the British Parliamentary Committee for Iran Freedom (BPCIF) and referring to the letter to the Prime Minister of Iraq Dr. Haider Al Abadi signed by The Lord Carlile of Berriew QC CBE and Sir David Amess MP dated January 21, 2015, the embassy has the honour to enclose herewith a copy of the official Arabic reply from the office of Prime Minister of Iraq about "Camp Liberty", with an informal translation to English.

The Embassy of the Republic of Iraq avails itself of this opportunity to renew to the British Parliamentary Committee for Iran Freedom (BPCIF) the assurances of its highest consideration.

British Parliamentary Committee for Iran Freedom (BPCIF)



1. أن وضع قاطني مخيم العراق الجديد (أشرف سابقاً) منظم بموجب أحكام مذكرة التفاهم الموقعة بين الحكومة العراقية وبعثة الأمم المتحدة لمساعدة العراق (اليونامي)، واستناداً إلى أحكام تلك المذكرة، فإن الإجراءات المتخذة بنقل هؤلاء الأفراد إلى مخيم الحرية تمهيداً لنقلهم إلى دولة ثالثة، وإجراءات توفير الحماية لهم في كل من مخيم الحرية ومخيم العراق الجديد هي من ضمن التزامات حكومة جمهورية العراق، وهي مقررّة أساساً بموجب القانون الداخلي وأحكام تلك المذكرة. تعاملت الحكومة العراقية مع هؤلاء الأفراد تحت رقابة بعثة اليونامي، وقدمت لهم التسهيلات التي تتسجم مع المعايير الدولية، ويمكن ملاحظة ذلك من خلال تقارير بعثة اليونامي، ابتداءً من تاريخ دخول المذكرة حيز التنفيذ في عام 2011 ولغاية اليوم. وتتفاداً لتلك المذكرة، فقد تم نقل جميع الأفراد المذكورين البالغ عددهم (3164) عنصراً وبشكل آمن وتحت رقابة بعثة اليونامي إلى مخيم الحرية الانتقالي المؤقت في بغداد وعلى وجهات.

2. نص (البند الثالث ب) من مذكرة التفاهم على أن (تسمح الحكومة العراقية للأمم المتحدة بمراقبة أوضاع حقوق الإنسان والوضع الانساني في الموقع الانتقالي وتضع اجراءات للإبلاغ والشكاوى).

3. يتواجد قاطنو مخيم الحرية الانتقالي في الوقت الحاضر قرب مطار بغداد، وتقوم مفوضية الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين (UNHCR) باستلام طلبات اللجوء والنظر في قبولها، وأن التقارير الشهرية المفوضية تشير إلى تقدم مراحل عملهم، إذ تضمن آخر تقرير للمفوضية لشهر كانون الثاني الماضي لسنة 2015 (مرافق طياً)، للتقدم المحرز في سير إجراءات الحلول لقاطني موقع الحرية الانتقالي المؤقت.

وفي مجال العمل على إعادة توطينهم، وقد أدت التحركات الدبلوماسية إلى نقل أكثر من (300) شخص منهم إلى جمهورية ألمانيا وفقاً لإجراءات التوطين بعد موافقة الأخيرة وعلى شكل وجهات.

4. فيما يخص القضايا الانسانية، فإن قاطني المخيم يتمتعون بكافة الحقوق وفقاً للمعايير العالمية، ويمكن ملاحظة تقارير بعثة (اليونامي) التي تراقب أوضاع المخيم، وكذلك الحق في الحصول على الرعاية الصحية، إذ أن هناك مستوصف طبي استشاري يقوم بالفحص على كلاً من: باحثة، وفردة باحثة أنه حالة تُتطلب الذهاب إلى المستشفيات له أية

تقوصات أخرى، أو إجراء تدابير إجرائية، ويمكن طلب الإحصائيات التي تؤكد ذلك من اللجنة المعنية.

5. نصت المادة (21/2005) من الدستور العراقي النائم لعام 2005، على (لايمسح حق اللجوء السياسي إلى السقيم بارتكاب جرائم دولية، أو إرهابية، أو كل من أحق ضرواً بالمعنى).
6. إن تواجد أفراد مخيم الحرية داخل الحدود العراقية هو تواجد غير مشروع ومخالف للقانون العراقي، لعدم حصولهم على الموافقات القانونية الاصولية بموجب القوانين العراقية لتنفيذ، إذ لايجوز لطلو المخيم أية وثيقة رسمية تثبت دخولهم الأراضي العراقية بشكل قانوني، وأن (هوية الشخص المحمي) تم تزويدهم بها من قبل القوات الأمريكية في العراق، وهي وثائق غير ملزمة للحكومة العراقية ولايترتب عليها اي أثر قانوني، كما لم يعترف العراق بهم كلاجئين، مياساً أو مسافراً داخل الأراضي العراقية وضمن سيادة عراقية، ولذلك لايترتب على الحكومة العراقية اي التزام تجاه أفراد المخيم. وفي المقابل فإن على الحكومة العراقية إتخاذ كافة الاجراءات القانونية لسدادة جيلهم، وأن تمارس بحقيهم مظاهر السيادة وفقاً للقانون الوطني والقانون الدولي، بما لايدخل بمعايير إجرائم حقوق الانسان، كونهم ضمن حدود السيادة العراقية.
7. تنظر المحاكم الوطنية العراقية في أكثر من (150) قضية جنائية ضد عدد من قاطني معسكر لشرق، الأمر الذي يبرز تسليح استثناء المتهمين من الحماية التي يوفرها نص المادة (14) من الإعلان العالمي لحقوق الانسان، ونقله بموجب الاستثناء الوارد في الفقرة(2) من المادة ذاتها.
8. لايعتبر الاحتجاز تصلياً لنا كان ناجماً عن مرور نهائي إيدخلته هيئة قضائية وطنية، طبقاً للقانون الوطني والمعايير الدولية ذات الصلة بموجب قرار مجلس حقوق الانسان رقم (50/1997).

9. يؤكد ان أفراد مخيم الحرية الإحصائون ضعة اللجئي في العراق وفقاً للقوانين الوطنية الداخلية والدولية، وتتعامل الحكومة العراقية معهم من منطلق حقوق الانسان، وقد أفرت لهم كل متطلبات العيش الكريم، وهو أمر وثقته تقارير لجنة مختصة من الأمم المتحدة، وقد تضمنت خطة الحكومة العراقية مع الأمم المتحدة، نقل سكان معسكر أشراف (ساجاً) إلى مخيم الحرية تمييزاً لنظيرهم خارج العراق، إلا أن الأمم المتحدة شككت في تنفيذ ما يخصها من التزامات، وطلبت مهلة إضافية لترتيب الإجراءات المتعلقة بإعادة توطينهم في بلاد آخر.

Informal Translation

1. The status of the residents of the New Iraq camp (previously called Ashraf) is organized under the provisions of the Memorandum of Understanding signed between the Iraqi government and the UN mission to assist Iraq (UNAMI). According to that MOU, the procedures taken to transfer those individuals to AlHorya camp in preparation to transfer them to a third state and the procedures of providing them with the protection are considered within the commitments of the government of the Republic of Iraq, which are mainly established by the domestic law and the provisions of that MOU. Under the surveillance of UNAMI, the Iraqi government has dealt with those individuals and provided them with the facilities that are consistent with international standards, and that can be seen by the reports of UNAMI starting from the date of entry into force of the memorandum in 2011 till now. In according to that MOU, all the individuals mentioned above amounted (3164) elements have been transferred in the form of groups in safely way under the control of UNAMI to the temporary Freedom camp in Baghdad.
2. The (Article three/B) of the MOU stipulated: (the Iraqi government permits the UN to monitor the human rights and the humanitarian situation in the transitional site and establish procedures for reporting and complaints.
3. The residents of AlHorya transitional camp currently exist near Baghdad Airport. The United Nations High Commissioner for Refugees receives the applications of the asylum of those residents and to consider their acceptance. The Commission's monthly reports indicate the progress of the stages of their work, for the last report of the Commission of January 2015 (enclosed herewith), includes the Progress in the course of the proceedings solutions for the residents of AlHorya Transitional temporary site. Besides working on resettle them. The Diplomatic actions have led to transfer of more than 300 people to the Republic of Albania, according to the procedures of the resettlement after the approval of the latter to transfer the residents in the form of groups.
4. With regard to humanitarian issues, the residents of the camp have all the rights in accordance with international standards. (UNAMI) reports can be observed, which monitors the situation of the camp as well as the right to access to health care, for there is a medical consultant clinic to make examination to each resident, besides it refers the cases which require going to the hospital or any other tests, or to make a surgical interventions. The statistics can be requested which confirm these action by the related committee.

5. Article (21/3) of the permanent Iraqi constitution of 2005 stipulated: (the accused who committed international or terrorist crimes or anybody inflicted damage on Iraq shall not be granted political asylum).
6. The presence of the individuals of Al Horya camp within the Iraqi border, is considered illegal presence and against Iraqi law, for not having the legal approvals under Iraqi laws in force. The residents of the camp do not hold any official document proves their legally access to the Iraqi territories. The identity of a(protected person) was provided by US forces in Iraq. These documents are not binding for the Iraqi government and do not entail any legal effect, as Iraq did not recognize them as political or humanitarian refugees inside Iraqi territories and within the Iraqi territories. Therefore, the Iraqi government does not involve any commitment towards the individuals of the camp. In return, the Iraqi government should take all the legal sovereign proceedings towards them and exercise sovereignty against them according to the national and international law, which does not violate the human rights standards because they are within the limits of Iraqi sovereignty.
7. Iraqi national courts consider more than (150) criminal cases against some residents of Ashraf Camp ,the matter that activate the exemption of the accused from protection provided by Article(14) of the Universal Declaration of Human Rights, according the exception set out in paragraph (2) of the same article.
8. The detention could not be considered arbitrary if it resulted from a final decision by a national judicial body, in accordance with national law and relevant international standards under the Human Rights Council resolution No (50/1997).
9. We assure that the individuals of the AlHorya camp do not hold the refugee status in Iraq in accordance with the domestic, national and international laws. The Iraqi government deals with them in terms of human rights and has provided them with all the requirements of the decent living , which is a matter documented by the reports of a special committee of the United Nations ,The plan of Iraqi government with the United Nations included transferring of the residents of Ashraf Camp to AlHorya Camp in preparation for transferring them out of Iraq, but the United Nations dawdled to implement its own obligations, and requested additional deadline to arrange the procedures related to resettle them in another country.

۱- موقعیت ساکنان کمپ عراق جدید (قبلاً به نام اشرف) تحت مفاد یادداشت تفاهم امضا شده بین دولت عراق و هیأت همیاری سازمان ملل در عراق (یونامی) سامان داده شده است.

بر طبق آن یادداشت تفاهم، روند انجام شده برای انتقال آن افراد به کمپ الحریه در آماده‌سازی برای انتقال آنها به کشور ثالث و روند تأمین حفاظت برای آنها در تعهدات دولت جمهوری عراق مطرح شده است که عمدتاً توسط قانون داخلی و مفاد یادداشت تفاهم بنا نهاده شده است...

۲- ماده سه B/ در یادداشت تفاهم تصریح می‌کند: «دولت عراق به سازمان ملل اجازه می‌دهد حقوق بشر و وضعیت انسانی در این محل موقت را مانیتور کند و روند گزارشات و شکایات را برقرار می‌کند».

۳- ساکنان کمپ موقت الحریه در حال حاضر نزدیک فرودگاه بغداد هستند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل درخواست‌نامه‌ها برای پناهندگی سیاسی آن ساکنان را دریافت می‌کند و پذیرش آنها را بررسی می‌کند. گزارشات ماهانه کمیساریا بیانگر پیشرفت مراحل کار آنهاست، چرا که آخرین گزارش کمیساریا در ژانویه ۲۰۱۵ (که در این جا ضمیمه شده)، پیشرفت در مسیر راه‌حلیها برای ساکنان مکان موقت انتقالی الحریه را شامل می‌شود. این در کنار کار برای بازاسکان آنهاست. اقدامات دیپلوماتیک منجر به انتقال بیش از ۳۰۰ نفر به جمهوری آلبانی، بر طبق پروسه انتقال پس از تأیید انتقال آنها به شکل گروهی شده است.

۴- در رابطه با موارد انسان دوستانه، ساکنان کمپ از همه حقوق مطابق استانداردهای بین‌المللی برخوردارند. گزارشات (یونامی) می‌تواند مشاهده شود، که وضعیت در کمپ را به‌علاوه حق دسترسی به مراقبت پزشکی را مانیتور می‌کند، چرا که یک کلینیک پزشکی برای معاینه و رسیدگی به تک‌تک ساکنان وجود دارد، علاوه بر این که این کلینیک مواردی که نیازمند رفتن به بیمارستان هستند، یا هر آزمایش دیگری، یا انجام جراحی را ارجاع می‌دهد. آمار و ارقام می‌تواند درخواست شود که عمل و اقدام توسط کمیته مربوطه را تأیید می‌کند.

- ۵- ماده (۲۱/۳) قانون اساسی دائمی عراق در سال ۲۰۰۵ تصریح می‌کند: «به متهمی که مرتکب جرایم بین‌المللی یا تروریستی شده یا به هر کسی که به عراق صدمه بزند، پناهندگی سیاسی داده نخواهد شد».
- ۶- حضور افراد کمپ الحریه در داخل عراق، حضوری غیرقانونی و علیه قانون عراق است، زیرا تأییدیه قانونی تحت قوانین جاری عراق ندارند. ساکنان این کمپ هیچ مدرک رسمی در دست ندارند که حضور قانونی آنها در سرزمین عراق را اثبات کند. هویت یک «فرد حفاظت‌شده» توسط نیروهای آمریکا در عراق برای آنها تأمین شد. این مدارک برای دولت عراق الزام‌آور نیست و هیچ اعتبار قانونی ندارد، زیرا عراق آنها را به‌عنوان پناهندگان سیاسی یا انسانی در داخل قلمرو خود به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین دولت عراق هیچ تعهدی نسبت به افراد این کمپ ندارد.
- در مقابل، دولت عراق باید کلیه پروسودور حاکمیت قانونی خود را در مورد آنها انجام بدهد و حق حاکمیت خود را علیه آنها طبق قانون داخلی و بین‌المللی انجام بدهد که استانداردهای حقوق بشر را نقض نمی‌کند زیرا آنها در محدوده حاکمیت عراق قرار دارند.
- ۷- دادگاههای ملی عراق بیش از ۱۵۰ پرونده جنایی را علیه تعدادی از ساکنان کمپ اشرف بررسی می‌کند، موضوعی که محروم شدن متهم از حفاظت تأمین شده در ماده (۱۴) بیانیه جهانی حقوق بشر را، بر طبق استثنای درج شده در پاراگراف (۲) همان ماده، به کار می‌اندازد.
- ۸- بازداشت آنها اگر در نتیجه تصمیم نهایی یک ارگان ملی قضایی عراق باشد، نمی‌تواند خودسرانه تلقی شود چون طبق قانون ملی و استانداردهای ذی‌ربط بین‌المللی تحت قطعنامه شورای حقوق بشر شماره «۱۹۹۷/۵۰» صورت گرفته است.
- ۹- ما یقین داریم که افراد در کمپ الحریه، بر طبق قوانین داخلی، ملی و بین‌المللی، موقعیت پناهندگی در عراق ندارند. دولت عراق با آنها در چارچوب حقوق بشر برخورد می‌کند و تمام نیازهای آنها را برای یک

زندگی مناسب تأمین کرده است که موضوعی است که در گزارشات یک کمیته ویژه سازمان ملل [منظورش کوبلر است] مستند شده است. طرح دولت عراق با سازمان ملل شامل انتقال ساکنان کمپ اشرف به کمپ الحریه در آماده‌سازی برای انتقال آنها به خارج عراق بوده است، اما سازمان ملل در انجام تعهدات خود ائتلاف وقت کرده و مهلت اضافی برای ترتیب دادن پروسه با ساکنان آنها در کشور دیگر درخواست کرده است.

ملاحظه می‌کنید کمیته سرکوب خودش را دفتر نخست‌وزیری عراق معرفی می‌کند با استناد به گزارشهای کوبلر دو قورت و نیمش هم باقیست و از سازمان ملل طلبکار است که وقت تلف کرده و مهلت اضافی خواسته و باید به فرموده نورچشمی ارتجاع و استعمار در عراق جدید، یا مجاهدین را سر ضرب می‌کشت یا به کشور دیگر منتقل می‌کرد!

اما با یک نگاه به این متن و کلمات و دعاوی آن، به سادگی می‌توان فهمید که این متن ناشیانه را یک جفت دژخیم از قبیل فالج فیاض و اربابش پاسدار شمخانی انشا کرده‌اند چرا که بی‌تعارف، منتهای کودنی و حماقت خود را آن هم در نگارش با یک کمیته پارلمانی بریتانیایی، به‌نمایش گذاشته‌اند.

اولاً، می‌گویند که ۱۵۰ نفر از مجاهدین پرونده جنایی دارند و از حقوق تعریف شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم محروم هستند چرا که در این جا حاکمیت عراق عمل می‌کند و نه هیچ چیز دیگر (معنی ساده و رک و روشن این حرف در منطق وحوش این است که ۱۵۰ نفر از این مجاهدین اعدامی هستند و این حرف ندارد!)

ثانیاً، در منتهای بلاهت و کودنی خاص وحوش و شکنجه‌گران، می‌گویند که مبادا دوباره کارگروه بازداشت‌های خودسرانه شورای حقوق بشر بیاید و مانند اجلاسهای ۶۳ و ۶۴ خود در می ۲۰۱۲ و اوت ۲۰۱۲ زندانی کردن مجاهدین در لیبرتی را بازداشت خودسرانه و برخلاف ماده ۹ بیانیه جهانی حقوق بشر و برخلاف مواد ۹ و ۱۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تلقی کند.



Human Rights Council
Working Group on Arbitrary Detention

Opinions adopted by the Working Group on Arbitrary
Detention at its sixty-third session, 30 April–4 May 2012

No. 16/2012 (Iraq)

Communication addressed to the Government on 2 March 2012

Concerning Hussein Dardkhali, Faridheer Nkoyegwa, Zinat Pinarwi, Maher Almosalhi, Hussein Faray, Hassan Abrafan, Hassan Sadigh, Hussein Kaghazian, Reza Vasey and Mohammad Mirse

No response has been received from the Government.

The State is a party to the International Covenant on Civil and Political Rights.

1. The Working Group on Arbitrary Detention was established as resolution 1981/47 of the Human Rights Commission on Human Rights, which extended and clarified the Working Group's mandate in its resolution 1992/10. The Human Rights Council assumed the mandate in its decision 2005/10 and renewed it for a three-year period in its resolution 15/18 of 30 September 2010. In accordance with its Methods of Work, the Working Group transmitted the above-mentioned communication to the Government.

2. The Working Group regards deprivation of liberty as arbitrary in the following cases:

(a) When it is clearly impossible to invoke any legal basis justifying the deprivation of liberty (as when a person is kept in detention after the completion of his or her sentence or despite an amnesty law applicable to the detainee) (category I);

(b) When the deprivation of liberty results from the exercise of the rights or freedoms guaranteed by articles 7, 13, 14, 18, 19, 20 and 21 of the Universal Declaration of Human Rights and, insofar as States parties are concerned, by articles 12, 18, 19, 21, 22, 23, 26 and 27 of the International Covenant on Civil and Political Rights (category II);

(c) When the total or partial non-observance of the international norms relating to the right to a fair trial, established in the Universal Declaration of Human Rights and in the relevant international instruments adopted by the States concerned, is of such gravity as to give the deprivation of liberty an arbitrary character (category III);

(d) When asylum seekers, immigrants or refugees are subjected to prolonged administrative custody without the possibility of administrative or judicial review or remedy (category IV);

(e) When the deprivation of liberty constitutes a violation of international law for reasons of discrimination based on birth, national, ethnic or social origin, language, religion, economic condition, political or other opinion, gender, sexual orientation, or disability or other status, and which aims towards or can result in ignoring the equality of human rights (category V).

Submission

Communication from the source

3. The case summarized hereinafter was reported by the source to the Working Group on Arbitrary Detention as follows:

- (a) Hossein Daikhal;
- (b) Faridehr Nekogegan;
- (c) Zinat Pinarwi;
- (d) Mahrosh Alimzadeh;
- (e) Hossein Faraj;
- (f) Hassan Ashrafian;
- (g) Hassan Sodeghi;
- (h) Hossein Kaghazian;
- (i) Reza Veisy; and
- (j) Mohammad Motiee

4. According to the source, these 10 persons of Iranian nationality are part of a group of 400 dissident members of the National Council of Resistance of Iran (NCRI) who accepted relocation from Camp Ashraf to Camp Liberty, a former United States of America military base near Baghdad international airport, in order to begin the process of having their refugee status reconfirmed. Before being transferred to Camp Liberty, these persons and their belongings were processed for 11 hours by security forces, under similar procedures to those for admitting inmates to prisons. Many belongings, such as wheelchairs, communication and video equipment, personal photographs, medicine, heaters and sanitary equipment were not allowed and were confiscated.

5. On their arrival at Camp Liberty, the relocated people were ordered to line up for a headcount, and told by the commanding officer that he would assign them their rooms. They felt as if they were in a prison. They then found themselves in a situation of deprivation of liberty, with no possibility of obtaining authorization to go out of the camp without being accompanied by the security forces. They could not receive visits either from relatives or legal counsels. The source reports that one lawyer, Hamid Jafli, was refused entry to the camp on 21 February 2012, when he was supposed to meet with one of the relocated persons.

6. According to the source, Camp Liberty is surrounded by a four-metre high concrete wall, and residents are not allowed to go out. Armed Iraqi police agents guard checkpoints inside the camp. A police headquarters is located adjacent to Section One where residents are housed, and police stations are located at the north and south gates and at the northeast

end of camp. Police patrols regularly enter the residents' nesting area, just as prison guards would inspect the cells of inmates.

7. The source describes the conditions in Camp Liberty as inhumane and appalling. Rather than a relocation centre conforming to international standards, Camp Liberty is said to be an open-air detention centre. The health of persons held in Camp Liberty is at risk. The camp allegedly lacks the most basic infrastructure and sanitary conditions, electricity is only intermittent and running water supplies are insufficient. The residential area is surrounded by layers of sand bags and a concrete wall. Surveillance cameras and sound bugs are installed all around the camp. The private life of the residents is constantly under surveillance.

8. The source adds that residents are not allowed to leave the camp without military or police escort and that they are subjected to beatings, heavy police presence and invasions of privacy, similar to conditions in a prison. The residents suffer from the lack of adequate living conditions, restrictions on transfer of assets and restrictions to freedom of movement. The source also reports that the Government is not allowing international monitors or visitors access to Camp Liberty.

9. The source recalls that persons held in Camp Liberty have "Protected Person" status under the Fourth Geneva Convention. They are asylum seekers and have not been charged with or found guilty of any offence. Instead, they have all been living in Iraq for over 25 years.

10. Furthermore, the source expresses fear for the physical and psychological integrity of these persons, as they are facing unnecessary suffering and trauma, as well as being subjected to degrading and humiliating treatment. It recalls that Camp Ashraf, from where they were transferred, had twice been attacked by Iraqi military forces since the Iraqi Government took control of the camp from the United States military in 2009.

11. The source submits that the detention of the 10 above-mentioned persons is arbitrary and contrary to article 9 of the Universal Declaration of Human Rights, and articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights to which the Republic of Iraq is a State party.

Response from the Government

12. The Working Group transmitted the above allegations to the Government of Iraq, requesting it to provide detailed information about the current situation of Hossain Dadihah, Fatahdir Nekingagan, Zinat Pirawi, Mahrab Alimadadi, Hussein Feroz, Hassan Adreufan, Hassan Saadghi, Hussein Kaghazian, Reza Veisy and Mohammad Motize, and to clarify the legal provisions justifying their continued detention. The Working Group regrets that it has not received a response from the Government.

Discussion

13. In the absence of a response from the Government and further to its Methods of work, the Working Group can render an opinion on the basis of the information submitted to it by the source. The Government has not rebutted this information, although it had the opportunity to do so.

14. The Working Group is not unfamiliar with the situation of the residents of Camp Ashraf from which the above-mentioned persons were transferred to Camp Liberty, a

former military base of the United States of America in Baghdad. It had already issued opinion No.11/2010 (Iraq)¹ concerning the detention of Camp Ashraf residents.

15. Residents of Camp Liberty have the status of "protected persons" under the Fourth Geneva Convention, they are asylum seekers and have neither been charged with or tried for any offence.

16. The conditions in Camp Liberty are synonymous with those in a detention centre, as residents have no freedom of movement, nor interaction with the outside world, nor do they have freedom of movement and the semblance of a free life within the Camp. The situation of the residents of Camp Liberty is tantamount to that of detainees or prisoners.

17. The Working Group considers that there is no legal justification for holding the above-mentioned persons and other individuals in Camp Liberty, and that such detention is not in conformity with the standards and principles of international human rights law, and more specifically violates article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9 and 10 of the International Covenant on Civil and Political Rights.

Disposition

18. In the light of the preceding, the Working Group on Arbitrary Detention renders the following Opinion:

The detention of Hossein Foukhoh, Farideh Khatempanah, Zinat Dairawi, Mehroob Ahmadali, Hossein Davay, Hossein Akhavan, Hossein Sadeghi, Hossein Kaghazian, Reza Veysi and Mohammad Motiee is arbitrary, being in violation of article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights, and failing to take adequate IV of the obligations stipulated in case submitted for consideration to the Working Group.

19. Consequently upon the opinion rendered, the Working Group requests the Government to take the necessary steps to remedy the situation of these 10 persons and bring it into conformity with the standards and principles set forth in the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights.

20. Taking into account all the circumstances of the case, the Working Group considers that adequate remedy would be immediate release and lifting of all restraints on the free movement of these persons as well as an enforceable right to compensation, in accordance with article 9, paragraph 5, of the International Covenant on Civil and Political Rights.

Adopted on 4 May 2012

¹ Adopted on 7 May 2010 and concerning Jalil Chaharmadol Golmazi Hossein and 36 other persons.



Human Rights Council
Working Group on Arbitrary Detention

Opinions adopted by the Working Group on Arbitrary
Detention at its sixty-fourth session, 27–31 August 2012

No. 32/2012 (Iraq)

Communication addressed to the Government on 25 June 2012

Concerning Mehdi Aboodi, Akram Aboodini, Bahman Aboody, Almgahar Babakan, Mohammad Reza Haglerzadeh, Sufar Bayat, Fatemeh Elahi, Farhad Fathaghi, Maryam Falahi and Marziyeh Farmanay (residents of Camp Ashraf); and Asghar Abrari, Ali Reza Arab Najafi, Hossein Dayhim, Fatemeh Faghghi, Zahra Fateri, Ahmad Fakhri-Afshar, Eliaht Karimzadeh Masoum, Jalal Ghoshoori, Habib Ghorabi, Rohabeh Haghighi (residents of Camp Liberty)

The Government did not reply to the communication within the 60-day deadline.

The State is a party to the International Covenant on Civil and Political Rights.

1. The Working Group on Arbitrary Detention was established in resolution 1991/42 of the former Commission on Human Rights, which extended and clarified the Working Group's mandate in its resolution 1997/59. The Human Rights Council assumed the mandate in its decision 2006/102 and extended it for a three-year period in its resolution 15/18 of 20 September 2010. In accordance with its methods of work (A/HRC/16/47, annex, and Corr.1), the Working Group transmitted the above-mentioned communication to the Government.

2. The Working Group regards deprivation of liberty as arbitrary in the following cases:

(a) When it is clearly impossible to invoke any legal basis justifying the deprivation of liberty (as when a person is kept in detention after the completion of his or her sentence or despite an amnesty law applicable to the detainee) (category I);

(b) When the deprivation of liberty results from the exercise of the rights or freedoms guaranteed by articles 7, 13, 14, 18, 19, 20 and 21 of the Universal Declaration of Human Rights and, insofar as States parties are concerned, by articles 12, 18, 19, 21, 22, 25, 26 and 27 of the International Covenant on Civil and Political Rights (category II);

(c) When the total or partial non-observance of the international norms relating to the right to a fair trial, established in the Universal Declaration of Human Rights and in the

relevant international instruments accepted by the States concerned, is of such gravity as to give the deprivation of liberty an arbitrary character (category III).

(d) When asylum seekers, immigrants or refugees are subjected to prolonged administrative custody without the possibility of administrative or judicial review or remedy (category IV).

(e) When the deprivation of liberty constitutes a violation of international law for reasons of discrimination based on birth, national, ethnic or social origin, language, religion, economic condition, political or other opinion, gender, sexual orientation, or disability or other status, and which aims towards or can result in ignoring the equality of human rights (category V).

Submissions

Communication from the source

3. According to the source, for over 20 years, the members of the Iranian group known as the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), also known as the Mojhedine-e Khalq (MKO), have legally lived in Iraq in accordance with the laws of Iraq, at Camp Ashraf. In 2008, as part of Operation Inher Freedom, Coalition Forces took control of Camp Ashraf and subsequently designated all the members of the PMOI as protected persons under the Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War (Fourth Convention). On 1 January 2009, control of Camp Ashraf was transferred to the Government of Iraq as part of the United States of America-Iraq Status of Forces Agreement. From this point onwards, the safety and well-being of the residents of the camp is guaranteed.

4. It was alleged that once in control of Camp Ashraf, the Government began to block the free flow of food, maintenance and medical supplies, and denied the camp residents freedom of movement in and out of Camp Ashraf and access to their lawyers. In 2009 and 2011, Iraqi security forces carried out two unprovoked attacks on Camp Ashraf, resulting in deaths of deaths and injuries among the camp residents. The Government then declared its intention to close Camp Ashraf by the end of 2011, threatening to retransfer the camp residents to the Islamic Republic of Iran.

5. This series of events resulted in the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) declaring the camp residents to be asylum seekers on 19 September 2011, having committed to working with the Government of Iraq to extend the State's deadline for Camp Ashraf's closure. On 25 December 2011, the United Nations and the Government of Iraq agreed a Memorandum of Understanding that provided for the voluntary and safe transfer of Camp Ashraf residents to Camp Liberty, at which point their identities would be confirmed, and their refugee status would be determined, and then they could voluntarily resettle in third countries. As part of this process, the Memorandum of Understanding states that the Government of Iraq will ensure that Camp Liberty meets humanitarian and human rights standards, has proper infrastructure and accommodation facilities, and allows for camp residents to work with outside vendors for the provision of life support and utilities.

6. On 15 February 2012, the first group of camp residents was transferred from Camp Ashraf to Camp Liberty. The residents immediately observed that the conditions at Camp Liberty fell short of what they expected and what is required under the Memorandum of Understanding and international law. The residents raised urgent access to medical treatment, adequate housing space, water, sanitation, electricity and cooking, medication, proper facilities for the disabled, the opportunity to receive visits from family, friends and supporters, and the means to communicate regularly and freely with the outside world. In addition, they soon learned that they would be prohibited from leaving Camp Liberty, in

alleged violation of their rights as asylum seekers. The source states that while the residents of Camp Ashraf were also detained illegally from 2009, they were at least in a safe environment with proper infrastructure, which they had built over the course of more than 25 years of living there. At Camp Liberty, the first group learned that they had been moved to a small prison under harsh conditions.

7. Moreover, the camp residents found their due process rights being violated because their detention has never been authorized by law; their lawyers are prohibited from entering Camp Liberty and thus are unable to communicate and consult with camp residents; there is no grievance mechanism or complaints procedure to address their conditions, and the residents are unable to challenge their detention in a court of law.

8. As at 29 May 2012, approximately 981 of the almost 2,000 residents of Camp Liberty had completed the verification process to re-establish their identity. Thus far, only 361 of the residents of Camp Liberty have been interviewed by UNHCR. Since arrival at Camp Liberty on 15 February 2012, not a single individual has left for a third country.

9. On 15 September 2011, after receiving applications from all Ashraf residents for asylum, UNHCR declared the residents to be "asylum seekers under international law" which entitles them "to benefit from basic protection of their security and wellbeing".¹ Furthermore, UNHCR stated that it would "work together with the Government of Iraq and the United Nations Assistance Mission for Iraq (UNAMI) and other concerned actors to identify a location [for asylum processing] that ensures the safety and respects the rights of all individual applicants". As part of this, UNHCR also committed to "putting in place a process to consider these requests on an individual basis in a fair and efficient procedure".

10. On 21 December 2011, Iraq agreed to extend its deadline for the Camp Ashraf closure to April 2012. On 25 December 2011, the United Nations and the Government of Iraq signed a Memorandum of Understanding aimed at securing a humanitarian and peaceful resolution for the residents of Camp Ashraf. The residents of Camp Ashraf were initially consulted as part of this process but an agreement was signed without them having been given the opportunity to review or approve the final text. In short, the Memorandum of Understanding allowed for the safe transfer of Camp Ashraf residents to Camp Liberty, at which point their refugee status would be determined before they voluntarily resettle in either the Islamic Republic of Iraq or other third countries.

11. As at 1 June 2012, approximately 1,809 residents had been transferred from Camp Ashraf to Camp Liberty; 631 are women and 9 are under the age of 18. However, the conditions in the camp have not met the expectations of Ashraf residents, the requirements set out in the Memorandum of Understanding, or relevant provisions of international law. Camp Liberty is 658,000 square metres in size, which is significantly smaller than Camp Ashraf. Residents are living in housing units that contain six people per unit. Each unit is approximately 12 metres by 3.6 metres (43 square metres) – about 7.2 square metres per person.

12. Prior to moving from one camp to the other, Camp Ashraf residents demanded a commitment that no Iraqi police would remain inside Camp Liberty, given the prior attacks on Camp Ashraf by Iraqi security forces. The resident report, however, that there exist several police posts inside the camp, with a 24-hour presence by 150 police guards armed with heavy machine guns. The residents also report that Camp Liberty is significantly smaller than they were told it would be. Men and women are living in separate living quarters. However, the Iraqi forces have entered the 70 metres into the female section of Camp Liberty

¹ UNHCR, "Camp New Iraq (formerly Camp Ashraf) residents and the determination of their refugee status claims", 15 September 2011. Available from www.unhcr.org/refugees/camp-new-iraq.html.

and settled there. This has caused tension and is a source of harassment for the women in the camp. The female residents of the camp have repeatedly, both in writing and verbally, protested against this situation to UNAMIL.

12. Additionally, camp residents have reported circumstances that directly violate conditions set out in the Memorandum of Understanding. They report major inadequacies in camp conditions, including problems with drinking water and electricity, the lack of a proper sewage system, and that they are being denied free movement and access to medical services. As such, residents report that Camp Liberty is a prison rather than a temporary transit location. The provision of water and electricity are of particular concern. Because Camp Liberty is not connected to a central water source, the residents must procure their water from outside tanker trucks and from a broken internal water system.

14. The private companies bringing water to the camp, however, are faced with numerous impediments by the Iraqi security forces and are frequently prohibited from entering. Moreover, due to obstructions by the Government of Iraq, the residents of Camp Liberty have been unable to transfer their lift trucks and mechanized material needed to carry out repairs and unload supplies for daily living. The residents must purchase their food from outside contractors who face challenges getting the food into Camp Liberty. In some cases, it is reported that the Iraqi police protect the food from being delivered, in other cases the Iraqi police threaten the drivers of the contractors, or the food is held outside for days and is no longer suitable for consumption.

15. Reliable and accessible electricity is also in short supply. Generators deliver all the power, as Camp Liberty is not connected to Baghdad's power grid. This supply problem is exacerbated by high fuel costs and costs.

16. Access to medical care, while available, is not prompt. There is a medical centre in Camp Liberty's vicinity, but those with serious medical problems must be taken to an outside hospital. There are delays of hours, and in some cases days, to transfer those who are seriously ill to a hospital.

17. Moreover, residents are prohibited from leaving the camp, which amounts to a denial of freedom of movement.

18. In the source's view, in addition to these challenging conditions, there are serious due process violations. The Government has prohibited all lawyers from obtaining access to the camp; the Iraqi lawyers representing the residents who have gone to the camp ultimately have been threatened and turned away.

19. According to the source, the deprivation of the camp residents' freedom falls within category IV of the Working Group's classification of cases because they are asylum seekers subjected to prolonged detention without the possibility of administrative or judicial review or remedy. Specifically, the duration of the residents' ordeal from the deprivation of freedoms under the International Covenant on Civil and Political Rights, the Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment (Body of Principles), and the Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (Standard Minimum Rules). In addition, the deprivation of freedom amounts to violations of the UNHCR Revised Guidelines on Applicable Criteria and Standards relating to the Detention of Asylum-Seekers and the Working Group on Arbitrary Detention's Detention No. 5 concerning the situation of immigrants and asylum seekers (ECN.42.0004, annex II).

20. The source adds that this is a straightforward situation in which the camp residents are asylum seekers who are being held arbitrarily in violation of their due process rights and the conditions under which they are being detained are in breach of minimum standards recognized under international law.

21. The source requests the Working Group to extend its prior opinion regarding the detention of 10 residents of Camp Liberty (opinion No. 16/2012) to all the residents of Camp Liberty and Camp Ashraf, in toto, as their situation is either identical to or fundamentally the same as that addressed in the opinion. In that opinion, the Working Group found the detention of the 10 camp residents to be in violation of the obligations of Iraq under articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights, and article 9 of the Universal Declaration of Human Rights. Falling under category IV of the categories applicable to cases submitted to the Working Group for consideration.

22. The source adds that, as asylum seekers, the camp residents must be afforded protection under Covenant article 9, paragraph 1. However, for the following reasons they should be considered as being detained arbitrarily in violation of article 9, paragraph 1:

- First, their detention has not been authorized by domestic law. At no time has the Government issued legal documents authorizing the detention. Even if it had, such detention would be inconsistent with international law because, as discussed below, this would engender other human rights violations and thus would be in contravention of article 9.
- Second, the detention is both unreasonable and unnecessary. The camp residents pose no flight risk and have committed no crime. As demonstrated by their stay of over 25 years in Iraq, the camp residents are perfectly able and willing to live in Iraq in conditions similar to those found previously at Camp Ashraf before the Coalition Forces' invasion of Iraq while their asylum claims are processed. Moreover, there is no indication that the Government of Iraq has considered a less intrusive means of detention.
- Third, there has been no judicial or periodic review of the detention. Even if Iraq had given legal justification for the initial detention, such authorization would now be immaterial because for 40 months there has been no periodic judicial review of the camp residents' detention.
- Finally, Camp Liberty contains no grievance procedure or complaint mechanism, making it impossible for the residents to challenge their detention. As such, the camp residents are being detained arbitrarily.

23. The first camp residents legally entered Iraq 26 years ago and have since lived in the country in compliance with its laws. On 13 September 2011, UNSCR declared all camp residents to be asylum seekers. For these two reasons, the camp residents are considered to be "lawfully within the territory" of Iraq and thus afforded additional protection under article 12, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights. Moreover, the Government of Iraq has had full control of camp residents since re-asserting control of Camp Ashraf from the United States on 1 January 2009. The Government has never provided any justification as to why such a process could only take place in the context of the camp residents' ongoing detention. Because the residents are prohibited from leaving Camp Liberty, the source submits that their right to freedom of movement under article 12, paragraph 1, is being violated.

24. According to the source, the conditions in both camps are in breach of the due process protections of the Body of Principles and the Standard Minimum Rules. Additional violations exist under the Body of Principles, namely, principles 17, paragraph 1, and 18, paragraphs 1 and 2, because the camp residents' movements are prohibited from entering Camp Liberty, thus denying the residents the possibility to communicate and consult with them. The camp residents are also unable to challenge their detention in a court of law, in violation of principles 11 and 33.

25. The deprivation of the camp residents' freedom further violates the guarantees under Deliberation No. 5 of the Working Group. Where the Working Group determines whether the custody of an asylum seeker is arbitrary, there is also an assessment of whether certain due process guarantees contained in Deliberation No. 5 have been met. Asylum seekers in custody should be brought before a judicial authority.

26. In the source's view, residents are not permitted to leave Camp Ashraf or Camp Liberty, which constitutes detention. Established alternatives have not been considered by the Government of Iraq.

27. The source submits that these persons are being held in detention arbitrarily. They are being denied freedom of movement in violation of the International Covenant on Civil and Political Rights. Their detention conditions violate the Covenant, the Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment and Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners.

Requests from the Government

28. The Working Group regrets that the Government did not respond to the allegations transmitted by the Group within 60 days, in accordance with paragraph 15 of the Working Group's methods of work.

29. Despite the absence of any information from the Government, the Working Group considers that it is in the position to make its opinion on the detention of the 30 persons subject to this case, in conformity with paragraph 16 of its methods of work.

Discussion

30. In its previous opinion concerning Camp Liberty, the Working Group found that conditions in Camp Liberty "are synonymous with those in a detention centre, as residents have no freedom of movement, nor interaction with the outside world, nor do they have freedom of movement and the semblance of a free life within the Camp. The situation of the residents of Camp Liberty is tantamount to that of detainees or prisoners" (opinion No. 10/2012, para. 16).² The Working Group also concluded that "there is no legal justification for holding the ... individuals in Camp Liberty, and that such detention is not in conformity with the standards and principles of international human rights law, and more specifically violates article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9 and 10 of the International Covenant on Civil and Political Rights" (ibid., para. 17).

31. The Working Group reaffirms this rationale and considers that the same applies to the residents of Camp Ashraf. The Government chose not to rebut the fact that the 20 residents of the two camps, on whose behalf the communication was submitted, are prohibited from leaving the camp and deprived of the opportunity to receive visits from family, friends, and supporters, and that the means to communicate regularly and freely with the outside world is restricted. Indeed, the residents of both Camp Liberty and Camp Ashraf are effectively deprived of their liberty without any legal justification.

32. The residents of camps who have submitted requests for refugee status are formally asylum seekers under international law.³

33. The Working Group recalls that in its resolution 1967/50, the Commission on Human Rights requested the Working Group to devote all necessary attention to reports concerning

² See, for instance, UNHCR, "UNHCR calls for cooperation and solidarity amid efforts to find solutions for the residents of Camp 'New Iraq'", press release of 26 July 2012. Available from www.unhcr.org/50113529.html

the situation of asylum seekers allegedly being held in prolonged administrative custody without the possibility of administrative or judicial remedy.

34. The Working Group reiterates that in order to determine the arbitrary character or otherwise of the custody of an asylum seeker, it considers whether or not the person is able to enjoy, *inter alia*, the following guarantees: (a) to be entitled to have the decision involving administrative custody reviewed by a higher court or an equivalent competent, independent and impartial body; (b) to have the possibility of communicating by an effective medium, such as the telephone, fax or e-mail, from the place of custody, in particular with a lawyer; and relatives; (c) to be assisted by counsel, both through visits in the place of custody and at any hearing; and (d) to have the possibility to benefit from alternatives to administrative custody.⁷

35. In the case under consideration, none of the aforementioned guarantees are met by the authorities, which leads the Working Group to conclude that the custody of these individuals is arbitrary, and specifically in violation of article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9 and 10 of the International Covenant on Civil and Political Rights.

Disposition

36. In the light of the foregoing, the Working Group on Arbitrary Detention renders the following opinion:

The detention of Mehdi Abed, Akram Abedini, Behran Alizadeh, Aliqasir Babiker, Mohammed Reza Faghfouri, Saeed Fayal, Farouk El-Taji, Fehaid Elmaghrabi, Maryam Ismail, Marjeh Jamzani (residents of Camp Ashraf), and Aydar Abzari, Ali Reza Arab Nisari, Hassan Deyhan, Ehsan Faghik, Zahra Firozi, Alirza Fakhr-Afza, Elhik Fathi Maroun, Jafar Ghannab, Jabbar Ghoreb, Kobraeh Haghighi (residents of Camp Liberty) is arbitrary, being in continuation of article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights, falling within category IV of the arbitrary detention categories referred to by the Working Group when considering the case submitted to it.

37. As a result of the opinion rendered, the Working Group requests the Government of Iraq to take all necessary steps to remedy the situation of these 30 persons and bring it into conformity with the standards and principles set forth in the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights.

38. The Working Group considers that, taking into account all the circumstances of the case, an adequate remedy would be the immediate release of and lifting of all restraints upon the free movement of these persons and provision to them of the inalienable right to compensation in accordance with article 9, paragraph 2, of the International Covenant on Civil and Political Rights.

39. The Working Group urges the Government to consider alternatives to the detention of the asylum seekers in Camp Ashraf and Camp Liberty.

40. In accordance with article 33 (2) of its methods of work, the Working Group considers it appropriate to refer the allegations concerning conditions in Camp Ashraf and Camp Liberty to the relevant human rights mechanisms for appropriate action.

(Adopted on 20 August 2012)

⁷ Report of the Working Group on Arbitrary Detention (A/UN Doc. 2005/9), para. 49.

ثالثاً، اگر مجاهدین در نتیجه تصمیم قضاییه ولایت فقیه یعنی آخوند صادق لاریجانی همراه با قاسم سلیمانی و مالکی ناپدید یا اعدام شدند، مبدا مبدا، دوباره کارگروه ناپدیدشدگان اجباری ملل متحد و کارگروه بازداشت‌های خودسرانه و ۴گزارشگر ویژه دیگر بیایند مانند آذر ۹۲ عراق را محکوم کنند. منظور، گزارشگران ویژه ملل متحد درباره اعدام‌های خودسرانه و فرا قضایی، درباره شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای بیرحمانه، درباره خشونت علیه زنان و در امر ترویج نظم بین المللی دموکراتیک و عادلانه است که بیانیه آنها یعنی بیانیه مشترک دو کارگروه تخصصی و ۴گزارشگر ویژه ملل متحد درباره وضعیت مجاهدین در عراق و نقض حقوق آنها در ۹ دسامبر ۲۰۱۳ منتشر شد.



UNITED NATIONS EXPERTS URGE IRAQ TO ESTABLISH THE WHEREABOUTS OF THE SEVEN MISSING RESIDENTS OF CAMP ASHRAF

9 December 2013

GENEVA (9 December 2013) – A group of United Nations Independent experts today called on the Government of Iraq to establish the fate and whereabouts of seven residents of Camp Ashraf, who were allegedly abducted last September after an attack in which 52 persons were killed. More than 3,000 Iranian exiles have been based at the Ashraf refugee camp near Baghdad since the 1980s.

The human rights experts expressed serious concern about the lack of information from the Iraqi authorities regarding the results of ongoing investigations into the attack.

"We call upon the Government of Iraq to speed up the investigations in order to disclose the fate and whereabouts of the individuals," the **United Nations Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances** said, while recalling that, at some point, Iraqi forces allegedly admitted having these individuals in custody.

The facts are still being established three months after the violent event. However, there are allegations that the attack and the abduction of the seven residents of Camp Ashraf, including six women, were conducted by Iraqi security forces. It has also been alleged that it is impossible for anyone to enter Camp Ashraf without the cooperation of Iraqi forces.

All of those killed reportedly died as a consequence of gunshot wounds, mainly in the head or neck. A number of those killed were found with their hands tied, an act apparently committed prior to their deaths. Some victims were allegedly shot while fleeing or seeking medical assistance after having been wounded.

International law clearly requires Governments to ensure that all allegations of killings are investigated in a prompt, effective and impartial manner, irrespective of who the perpetrator is. **The United Nations Special Representative on the Situation of Arbitrary Arrests and Detentions, Alfred de Zayas**, noted: "Talks to do so is a violation of the International Covenant on Civil and Political Rights."

The group of experts stressed that "The importance with which these crimes have been committed is particularly significant given the severity of the offences and the alleged evidence of engagement by Iraqi forces in the commission of these crimes." In their view, "The State has an obligation to ensure due diligence to prevent, probe, investigate, prosecute and punish all acts of violence, including those perpetrated against women, and to ensure that victims be treated with dignity."

"The UN Working Group on Arbitrary Detention has consistently held that the detention in Camp Ashraf is arbitrary," said Nadeia Abdallah, who currently heads the expert body. "The Iraqi Government has a particular responsibility to protect the detainees against human rights violations and to use the most diligent and adequate independent investigations, and the detention regime, and in the meantime provide effective protection to those who remain in detention."

The United Nations Special Representative on torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment, Juan J. Méndez, added the urgent call to establish the fate and whereabouts of the seven Iranian exiles, "Detention in secret places can facilitate the perpetration of torture and other ill-treatment and can in itself constitute a form of such treatment," he warned.

Concerns have been raised that the seven missing residents of Camp Ashraf may be forcibly returned to the Islamic Republic of Iran, where they might be at risk of being persecuted, tortured or subjected to other forms of ill-treatment. According to the UN Refugee Agency (UNHCR), the seven missing residents are asylum-seekers enjoying the status of protected persons.

"Iraq's obligations under international law are clear, the Government shall not expel, return, extradite or in any other way transfer a person to another State where there are substantial grounds for believing that the person would be in danger of being subjected to torture," Mr. Méndez underscored.

The United Nations Independent Expert on the promotion of a democratic and equitable international order, Alfred de Zayas, noted that this is the third time that the residents of Camp Ashraf have been subjected to physical assault. "I condemn the lack of proper investigation of the massacres and the impunity of those responsible for them," he said.

Mr. de Zayas pointed out that "Gross crimes of this nature, and the impunity that has accompanied them, entail violations of numerous international treaty provisions and constitute an assault on the rule of law, an affront to the international community and a threat to the international order."

"The families of the killed and disappeared are entitled to the right to know what happened to their loved ones, and to adequate reparation for the suffering endured," he stated.

The group of experts urged the Iraqi authorities "to take all necessary measures to clarify the whereabouts of the missing individuals, guarantee their safety and rights, and prevent their extradition to Iran."

The **United Nations Special Rapporteurs** are part of what is known as the **Special Procedures of the Human Rights Council**, Special Procedures, the largest body of independent experts in the United Nations Human Rights, is the general name of the independent fact-finding and monitoring mechanisms of the Human Rights Council that address either specific country situations or thematic issues in all parts of the world. They are charged by the Human Rights Council to monitor, report and advise on human rights issues. Currently, there are 37 thematic mandates and 14 mandates related to countries and territories, with 72 mandate holders. Special Procedures experts work on a voluntary basis; they are not UN staff and do not receive a salary for their work. They are independent from any government or organization and serve in their individual capacity.

رابعاً، با ماورای وقاحت مدعی است که مجاهدین هیچ موقعیت و استاتوی پناهندگی در عراق نداشته و ندارند.

- انگار نه انگار که مادهٔ ۳۴ قانون اساسی موقت ۱۹۷۰ که مجاهدین تحت آن قانون به عراق آمده‌اند، تصریح می‌کند: «جمهوری عراق به تمامی مبارزانی که به دلیل دفاعشان از اصول آزادیخواهانه و انسانی که مردم عراق نیز در این قانون اساسی به آن پایبند می‌باشند، در کشور خودشان تحت ستم و ظلم قرار دارند، حق پناهندگی سیاسی می‌دهد» و «استرداد آنها مجاز نیست».

- انگار نه انگار که اصلاحیهٔ قانون پناهندگی سیاسی عراق شماره ۵۱ در سال ۱۹۷۱ صریحاً پناهنده را چنین تعریف کرده است:

پناهنده کسی است که «به دلایل سیاسی یا نظامی به جمهوری عراق پناهنده شود».

کما این که در مادهٔ چهارم همین قانون تصریح می‌شود: «در هر وضعیتی استرداد پناهنده به کشور خودش ممنوع است».

- انگار نه انگار که قانون اقامت خارجی‌ان در عراق در سال ۱۹۷۸ و اصلاحیهٔ آن در دسامبر سال ۲۰۰۰ و پاراگراف آخر آن در ژانویه ۲۰۰۲ که می‌گوید به هیچ خارجی حق اقامت موقت یا بیش از ۵ سال در عراق نمی‌دهد، مگر پناهندهٔ سیاسی و عضو سازمانهای مبارزی که عراق میزبان آنهاست.

خامساً، بالکل نادیده می‌گیرد که حتی وزارت خارجهٔ همین حکومت عراق و رئیس دایرهٔ قانونی آن، در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۲ در پاسخ به دادگاه استیناف دیالی که از موقعیت حقوقی مجاهدین در عراق سؤال کرده است، در عین انکار شخصیت حقوقی سازمان مجاهدین در عراق اشغال شده توسط رژیم آخوندی، باز هم ناگزیر، ولی با صراحت، افراد مجاهدین را پناهندگان موقت شناخته است.

REPUBLIC OF IRAQ

جمهورية العراق

جمهورية العراق

MINISTRY OF
FOREIGN AFFAIRS
Legal Department



وزارة الخارجية

الدائرة القانونية

العدد : ١٩ / عام / ٤٥٦٣
التاريخ : ٢٠١٢ / ١١ / ٢٨

٢٥٧
٤١٦

رئاسة محكمة استئناف ديالى الاتحادية / محكمة بداءة بعقوبة

م / اجابة

اشارة الى كتابكم المرقم ١٤٩٣/ب/٢٠١٢ في ١٥/١٠/٢٠١٢ الوارد إلينا بتاريخ ٢٠١٢/١١/٦ المتضمن التساؤل حول مدى تمتع منظمة مجاهدي خلق الايرانية بالشخصية المعنوية، نود أن نبين بأن العراق لا يعترف لهذه المنظمة بالشخصية القانونية المعنوية وإنما يتعامل مع أفرادها كلاجئين مؤقتين فقط. للتفضل بالاطلاع ... مع التقدير .

المسفير

محمد حسين الشامي

رئيس الدائرة القانونية

٢٠١٢/١١/٢٨



المستدرك رقم ١٤٩٣
المرتمه رقم ١٤٩٣
٢٠١٢
٢٠١٢/١١/٢٨
٢٠١٢/١١/٢٨

نسخة منه الى

- وزارة الخارجية / دائرة شؤون الدول المجاورة - للتفضل بالاطلاع ... مع التقدير .

جمهوری عراق

وزارت خارجه

اداره قانونی

شماره : ۱/۹/عامه / ۴۵۶۳

تاریخ: ۲۰۱۲/۱۱/۲۸

ریاست دادگاه استیناف مرکزی استان دیالی / دادگاه بدوی بعقوبه

در جواب نامه شماره ۱۴۹۳/ب/۲۰۱۲/۲ در تاریخ ۲۰۱۲/۱۰/۱۵ که در تاریخ ۲۰۱۲/۱۱/۶ دریافت کردیم و شامل سؤال در رابطه با برخورداری سازمان مجاهدین خلق ایران از شخصیت حقوقی بود، به اطلاع می‌رسانیم که عراق شخصیت حقوقی این سازمان را قبول ندارد ولی با افراد آنها صرفاً به‌عنوان پناهندگان موقت برخورد می‌کند .
باتشکر جهت اطلاع

اداره قانونی وزارت خارجه

سفیر محمد حسین الشامی

رئیس اداره قانونی

۲۰۱۲/۱۱/۲۸

مطلع شدم و در پرونده شماره ۱۴۹۳/ب/۲۰۱۲/۲ قرار داده شود

مهر و امضای قاضی عبدالرزاق کاظم شکر معاون رئیس دادگاه استیناف

۲۰۱۲/۱۲/۶

سادساً، استناد فاشیستی به حق حاکمیت یک دولت برای توجیه کوره‌های آدم‌سوزی یا قتل‌عام زندانیان سیاسی، دیگر در دنیای معاصر چنگی به دل نمی‌زند. هیچ کودنی جز دیکتاتورها و نویسندگان انشاهای دژخیمان را نمی‌فریبد.

قطعنامه ۱۰ مارس ۲۰۱۱ پارلمان اروپا به خوبی روشن کرده است که «موضوع حاکمیت و قلمرو داخلی دیگر نمی‌تواند مورد استفاده حکومتها به‌عنوان سپری برای جلوگیری از مورد تحقیق قرار گرفتن پیشینه آنها در زمینه حقوق بشر قرار گیرد».

در همین قطعنامه آمده بود: «پارلمان اروپا از ابتکار ایالات متحده در مورد قطعنامه محکومیت (رژیم) ایران استقبال می‌کند و کشورهای عضو اتحادیه اروپا را فرا می‌خواند تا از تعیین مکانیزم ویژه‌ی در مورد ایران قویا حمایت کنند...».

Select a document: 2011/0100(INI)			
Texts added: RC 27 01602011	Debates: PV 10032011 - 16 CRE 10032011 - 11	Votes: PV 10032011 - 6-4 CRE 10032011 - 5-4 Explanations of votes Explanations of votes	Texts adopted: P_20110307

Texts adopted



Thursday, 10 March 2011 - Strasbourg

58th session of the United Nations Human Rights Council (Geneva, 21 February - 21 March 2011)

PE_TC0010007 | RC_27_01602011

European Parliament resolution of 10 March 2011 on the priorities of the 10th Session of the UN Human Rights Council and the 2011 review

The European Parliament

— having regard to the Universal Declaration of Human Rights, to the European Convention on Human Rights, and to the EU Charter of Fundamental Rights,

— whereas issues of sovereignty and domestic jurisdiction can no longer be used to shield states from scrutiny on their human rights records,

3. Welcomes this year's nominations of Special Rapporteurs on these key topics, and takes note of the reports to be presented by the Special Rapporteurs on torture and other cruel inhuman or degrading treatment or punishment, on freedom of religion or belief, and on the situation of human rights defenders; calls on the EU Member States to contribute actively to these debates;
4. Welcomes the new Directorate for Human Rights and Democracy and supports the establishment of a Brussels-based EU Council Working Group on Human Rights (COHOM) that would include human rights experts from all 27 EU Member States, as Brussels is better placed for monitoring EU policies, and which will help to organise multilateral work in relation to bilateral work;
5. Supports the appointment of a high-level EU Special Representative for Human Rights and stresses again the necessity of the human rights and democracy country strategies;

The work of the Human Rights Council

7. Reiterates its call on EU Member States to actively oppose any attempt to undermine the concept of the universality, indivisibility and interdependence of human rights, and to encourage the UNHRC to pay equal attention to discrimination based on all grounds, including gender, disability, racial or ethnic origin, age, sexual orientation, and religion or belief;

10. Believes the UNHRC should be better equipped to address both chronic and emergency situations, perhaps through the expansion of the human rights 'toolbox', by using panels not just during but also in between sessions, and by bringing sessions to regions away from Geneva; regrets that on several occasions the UNHRC has been unable to address serious human rights situations in an urgent and timely manner because of the absence of adequate instruments, and supports the idea of independent 'triggers'; actively seek the creation of dedicated UNHRC mechanisms to respond promptly to the human rights crises like in the Middle East and North Africa, Iran and Belarus;

12. Welcomes the initiative of the US to introduce a country resolution on Iran; calls upon the EU Member States to strongly support the instalment of a Special Mechanism regarding Iran; calls upon the High Representative and the EEAS to coordinate the cooperation between the EU and the United States on human rights issues of common concern, while the EU should act fully independently in order to be effective and credible;

49. Instructs its President to forward this resolution to the Vice-President of the Commission/High Representative of the Union for Foreign Affairs and Security Policy, the governments and parliaments of the Member States, the UN Security Council, the UN Secretary-General, the President of the 64th General Assembly, the President of the UN Human Rights Council, the UN High Commissioner for Human Rights and the EU-UN Working Group established by the Committee on Foreign Affairs.

فصل ششم

خطرها بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

۱۷ بهمن ۱۳۹۴

(قسمت سوم)

۱۴- سوءاستفاده از سازمانهای بین‌المللی برای اخلال و توقف انتقال و مقصر جلوه دادن مجاهدین

در ۳ دهه گذشته، ما صدها بار هدف سوءاستفاده رژیم از سازمانهای بین‌المللی با انبوه دروغپردازی و لجن‌پراکنی بوده‌ایم. رژیم به‌منتهی درجه آنها را با کارزار شیطان‌سازی و با ردیف انبوهی شاهدان دروغین علیه مقاومت یک خلق در زنجیر به‌کار گرفته است تا فی‌المثل در زمینه حقوق بشر، نه فقط توجیه جنایت‌هایش مبادرت کند، بلکه جای جلاد و قربانی بالکل عوض شود. این سازمانها که فعلاً نمی‌خواهم اسم ببرم اما شما هیچ ابهامی در مورد هیچ‌یک از آنها ندارید و هر یک در مقطعی بخشی از پروژه انهدام و نابودسازی مقاومت خلق ما به‌سود ارتجاع و استعمار بوده‌اند.

شاید راه درست برای هر جنبشی این بود که با این قبیل سازمانها وارد کنش و واکنش نشود، زیرا قانونمند به‌وسیله آنها بلعیده خواهد شد. کسب اطلاعات غیرمجاز، جاسوس‌پروری و انبوه گزارشها و پرونده‌سازیهایی دروغین، گویای همین حقیقت است؛ اما اگر با سازمانهای بین‌المللی و کسانی که از قبیل کوبلر به‌خون شما تشنه‌اند، نشستید و وارد زد و خورد شدید، آن وقت دیگر باید استخوان خرد کنید. باید به‌طور شبانه‌روزی در آماده‌باش و حالت

شکنجهٔ روانی از جانب طرف مقابل باشید. چرا که "خرمن کوفتن" کار هر کس نیست...

همه می‌دانیم که مأموران کوبلر برای شکار طعمه و جاسوس‌پروری، قرارهایی از هتل مهاجر برای ساکنان لیبرتی می‌آوردند تا در پشت کلینیک عراقی یا نقاط دیگر، طعمهٔ خود را دیده و به‌شکار آن پردازند. این ترفند کثیف را بارها برادرانمان با جزئیات افشا کردند. ارتباط مستمر و دائمی و ملاقاتهای ۵ ساعته کوبلر با پاسدار دانایی‌فر سفیر رژیم نیز به‌وسیلهٔ طاهر بومدرا فاش شده و چیز پنهانی نیست. ملاقاتهای کوبلر با مزدوران و جاسوسان محلی از قبیل قربانعلی حسین‌نژاد و با مأموران گشتاپوی دینی که از تهران فرستاده می‌شدند از قبیل مزدور ابراهیم خدابنده را خودمان در سال ۹۱ بعد از سنگباران مجاهدین در اشرف، توسط مزدوران و زخمی شدن برادرانمان، از جمله مجاهد شهید حسن جباری، افشا کردیم.



ملاقات مأمور گشتاپوی ملایان با کوبلر و گفتگو درباره سرنوشت مجاهدین

**دخالت دادن رژیم آخوندی در پرونده ساکنان لیبرتی و اشرف، یک
اقدام مجرمانه و شایان پیگرد قضایی است**

تحقیقات مشترک پنتاگون و کنگره آمریکا درباره وزارت اطلاعات ملایان در مورد ۳ تن از مأموران گشتاپوی فاشیسم دینی به نامهای ابراهیم خدابنده، مسعود خدابنده و زنی به نام ان سینگلتن خاطر نشان کرده است که دو برادر مزبور قبلاً عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بوده‌اند اما «در ۱۹۹۶ مسعود خدابنده تصمیم به ترک سازمان گرفت. بعد با ان سینگلتن ازدواج کرد و به فاصله کمی بعد از ازدواج، وزارت اطلاعات با تهدید به این که اموال گسترده مادر خدابنده را در تهران ضبط می‌کند، آنها را مجبور به همکاری نمود. آنگاه سینگلتن و خدابنده پذیرفتند برای وزارت اطلاعات کار کنند و علیه مجاهدین خلق جاسوسی نمایند. در ۲۰۰۲ سینگلتن در تهران با عوامل وزارت اطلاعات که نسبت به سابقه او علاقمند بودند، ملاقات کرد... آموزشها و تعلیمات وزارت اطلاعات را فراگرفت و پس از بازگشت به انگلستان در زمستان ۲۰۰۲ سایت ایران اینترلینک را راه اندازی کرد... در سال ۲۰۰۴ سینگلتن بالاخره برادر همسر خود به نام ابراهیم را بعد از این که در سوریه دستگیر و از سوریه به ایران فرستاده شده بود، ملاقات کرد. سرانجام وزارت اطلاعات ابراهیم را هم مجبور به همکاری نمود.»

تحقیقات پنتاگون و کنگره تصریح می‌کند: «دولت ایران مجاهدین خلق را سازمانی ارزیابی می‌کند که بیشترین تهدید را برای آن ایجاد کرده است. یکی از اصلی‌ترین مسئولیتهای وزارت اطلاعات، انجام سلسله عملیات مخفی

علیه مجاهدین خلق و شناسایی و از بین بردن اعضای آنست».

ابراهیم خدابنده همان مأموری است که خبرگزاری حکومتی ایسنا به نقل از او نوشته بود: «ملاقاتی با کوبلر نماینده سازمان ملل در عراق داشتم که ایشان گفتند در قرارگاه لیبرتی با حدود ۱۰۰ نفر از اعضای سازمان صحبت کردیم و از آنها پرسیدیم که می‌خواهید از سازمان خارج شوید؟ آنها گفتند نمی‌خواهیم خارج شویم و می‌خواهیم در سازمان بمانیم. من به ایشان گفتم مطمئنید آن افرادی که با آنها صحبت کرده‌اید اصلاً می‌دانند خارج از سازمان یعنی چه؟ کسی که ۲۰ سال در اشرف بوده است، چه ایده‌ای خارج از سازمان می‌تواند داشته باشد و کسی که ۲۰ سال یک فضای جهنمی نسبت به خارج از سازمان در ذهنش ایجاد شده مشخص است که با ۱۰ دقیقه حرف زدن نمی‌تواند از سازمان خارج شود».

گفتگوی مارتین کوبلر با مأموران گشتاپوی رژیم ایران درباره سرنوشت پناهندگان ایرانی، یک اقدام مجرمانه و نقض آشکار قانون پناهندگی و قابل پیگرد قضایی است.

مقاومت ایران از این پیش‌تر، بارها به کوبلر هشدار داده و هر گونه دخالت دادن رژیم ایران را از جمله در ۱۸ اردیبهشت ۹۱، همزمان با سفر کوبلر به تهران «نقض آشکار بسیاری از معاهدات و قوانین بین‌المللی» اعلام کرده است. روز ۲۲ اردیبهشت دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران اعلام کرد: مأموران اطلاعات آخوندها «روز ۱۹ اردیبهشت زیرعنوان انجمن نجات، با آقای کوبلر، در هتل لاله تهران ملاقات کردند و خواستار استرداد گروهی از ساکنان اشرف به رژیم آخوندی شدند... نماینده ویژه هم‌چنین با شماری از عوامل وزارت اطلاعات زیر عنوان خانواده ساکنان اشرف دیدار کرده و با نمایندگان صلیب‌سرخ بین‌المللی در تهران، موضوع خانواده ساکنان اشرف و لیبرتی را مورد بحث قرار داد».

قبل از آن در روز ۱۵ اردیبهشت (۲۴ آوریل ۲۰۱۲) مشاور امنیتی مالکی، در تلویزیون دولتی عراقیه پس از بازگشت از تهران و دیدار با سلیمانی، سرکرده نیروی تروریستی قدس گفت: «آقای مارتین کوبلر، مباحثات

مفصلی با طرف عراقی و طرف ایرانی داشته است، چه از طریق سفارت ایران یا از کانالهای ارتباطی دیگر با طرف ایرانی مباحثاتی داشته است تا الزامهای اجرای تفاهمی را فراهم کند که بین او و عراق برای بستن قرارگاه اشرف و پایان دادن به حضور سازمان در خاک عراق طی سال جاری مورد تفاهم قرار گرفته است. آنچه مورد بحث قرار گرفت، شامل مکانیزمها و نقش ایران در انجام آنچه باید در حل این مشکل انجام دهد بود».

علاوه بر این در ۱۶ مهر (۱۷ اکتبر ۲۰۱۲) پاسدار دانایی فر سفیر رژیم ایران در عراق، از فرماندهان نیروی قدس در تلویزیون حکومتی عراق گفت: «من امروز جلسه‌یی را با آقای کوبلر نماینده سازمان ملل که مسئول این پرونده در بغداد است، داشتم بحثهای مفصلی توی این زمینه داشتیم و توقعات ما در این جلسه مطرح شد». سفیر ملایان در ۲ و ۴ بهمن سال گذشته (۲۲ و ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲) نیز از گفتگوهای مشابهی خبر داده بود. یک مقام ارشد مستعفی یونانی در جلسه استماع در کنگره آمریکا، در ۲۳ شهریور (۱۳ سپتامبر ۲۰۱۲) تحت سوگند شهادت داد: «من به تأکید در اینجا تأیید می‌کنم که یونانی هیچ استقلالی ندارد. زیرا هر موضوع مربوط به اشرف در نخست‌وزیری عراق و گاهی اوقات در سفارت ایران در بغداد تصمیم‌گیری می‌شود».

کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت در ۲۸ مهر (۱۹ اکتبر ۲۰۱۲) در این باره به دبیرکل نوشت: «گفتگو با رژیم ایران در مورد اعضای اپوزیسیون... فی‌نفسه یک اقدام مجرمانه است».

کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت تصریح کرد: «ارتباطات نماینده ویژه دبیرکل در عراق با نمایندگان رژیم ایران در مورد مخالفان ایرانی نتایج حفاظتی و امنیتی وخیمی دارد و راه را برای سومین کشتار ساکنان هموار می‌کند که بدون تردید برای نماینده ویژه دبیرکل و ملل متحد الزام قضایی خواهد داشت».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۸ دی ۱۳۹۱ (۷ ژانویه ۲۰۱۳)

حمله مزدوران وزارت اطلاعات رژیم آخوندی به مجاهدان اشرف در روز ۳ مهر ۱۳۹۱
(۲۴ سپتامبر ۲۰۱۲)



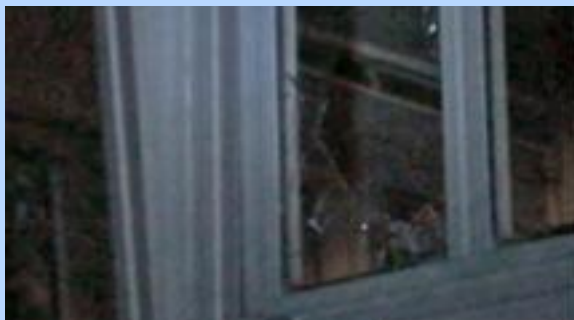
درهم شکستن اشیاء در حمله مزدوران و ماموران



مزدور قربانعلی حسین نژاد



مجاهد مجروح حسن جباری



بنگال مورد تهاجم

جاسوسی و همکاری قربانعلی حسین نژاد با قاتلان عراقی و مأموران نقابدار نیروی
تروریستی قدس (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۲)



دادن اطلاعات به حیدر عذاب (قاتل ساکنان اشرف در ژوئیه ۲۰۰۹ و آوریل ۲۰۱۱)



همکاری با مأمور نقابدار نیروی تروریستی قدس



در اضلاع اشرف همراه با سایر مأموران اطلاعات ملایان



تخریب قبرهای مجاهدین در اشرف و انتشار تصاویر در تلویزیون دولتی رژیم ایران و
خبرگزاری سپاه پاسداران



مزار خانم فاطمه عضدانلو (مادر خانم مریم رجوی) در اشرف



دیدار مخفیانه و همکاری با قاتل شناخته شده مجاهدین صادق محمد کاظم تحت
تعقیب در دادگاه اسپانیا در کمپ لیبرتی (۲۵ آوریل ۲۰۱۲)

اما منظور من از این مثالها و یادآوریها که دهها و صدها نمونه آن را به یاد می‌آوریم و اسناد آن هم موجود است، تکرار مکررات پیشین نیست. بلکه می‌خواهم توجه شما را به این جلب کنم که رژیم از طریق عوامل نفوذی یا خریداری شده خود، در سازمانهای بین‌المللی که تعداد آنها کم نیست، پیوسته درصدد اخلاص در کار ما، توقف روند انتقال و انداختن تقصیرش به گردن خود ماست. طعمه‌یابی و شکار طعمه هم پیوسته موزیک متن و روش جاری ارکستر هماهنگ حضرات بوده است.

در این رابطه بسیاری از شما در جریان لیست ۱۰۹ نفره گزینشی انتقال هستید که از ابتدای امسال قصد تحمیل آن را به ما داشتند. کارزاری که وقت خیلی زیادی گرفت و مجاهدین به قاطعانه‌ترین صورت با آن مقابله کردند. این لیست که بحث جداگانه و مبسوط دیگری می‌طلبد، دستپخت مشترک سازمان ملل با طرف آمریکایی و کمیته سرکوب و سفارت رژیم بود. مجاهدین به آن "لیست طعمه" می‌گفتند.

"سجاد" وزارتت (کیانمهر) با گزارشهای بریده مزدوران و دعاوی به اصطلاح خانواده‌های ساکنان، این اسامی را تحت عنوان بریدگانی که به‌زور و اجبار در لیبرتی نگه‌داشته شده‌اند، به جریان انداخته و آن طرفهایی را که گفتم، جلو انداخته بود. به‌نحوی که وقتی برادرانمان نامه می‌نوشتند و توطئه را افشا می‌کردند، نماینده کمیساریا می‌آمد توی قرارگاه حتی سرزده داخل بنگالها و محل استراحت می‌شد، تا تست کند و مطمئن شود که نامه را، امضاکننده، خودش نوشته است. برخی را هم صدا می‌زدند آن طرف دیوار در دفتر کمیساریا تا "خصوصی" صحبت کنند، اما مجاهدینش مطلقاً به این قبیل کارهای "خصوصی" در آن طرف دیوار تن ندادند و گاه آن قدر برمی‌آشفتنند که مشاوران حقوقی باید می‌رفتند و آنها را آرام می‌کردند. از این مورد می‌گذریم...

در مورد عملکرد برخی عناصر در سازمانهای بین‌المللی، قسمتهایی از نامه سال گذشته برادرمان به‌منام به‌مسئول حفاظت بین‌المللی کمیساریا را که از معاونان ارشد کمیسر عالی است یادآوری می‌کنم تا نیاز به‌هیچ توضیح دیگری نباشد.

نامه زیر که برای نماینده ساکنان و مشاور حقوقی در لیبرتی هم رونوشت فرستاده شده بود و مفاد آن از هر بابت گویاست.

Letter

M. Moladdesin

To: taris@unhcr.org

Cc:

Janice Lyn Marshall [jmarshall@unhcr.org], coutroub@unhcr.org, baraa.mohd@pmoi-ir.org, bseffari@gmail.com

Thursday, October 16, 2014 1:28 PM

Dear Mr. Tirk

I am writing this letter to bring to your attention some instances of the manner that UNHCR staff have approached Camp Liberty residents in the recent days that are most harassing and cause of great concern and to request your intervention for them to stop such approach. These actions is to the detriment of residents' trust for the UNHCR and negatively affect their thorough cooperation with the UNHCR.

On Monday, October 13, one of the residents was called to the UNHCR office and a UNHCR agents told him that he may tell them whatever he wishes and that this will remain confidential. He was also given the phone number of his brother who a while ago went to Mehsajer Hotel in Baghdad (this hotel is under the control of the Iranian regime Intelligence Ministry). He was told that he may talk with his brother on the phone. This conduct by the UNHCR met strong protest on part of this resident who asked the UNHCR not to send for him anymore and stop conveying messages from his brother.

In yet another example on this same day, UNHCR calls for Mr. Parviz Nazari to refer to the UNHCR office. When he returned from this interview he wrote a protest letter to the United Nations, a copy of which he also sent to me. In this letter he says:

"The interviewer told me that the reason that I have been called is the fact that the UNAMI monitoring team, during its visit around the Camp, has reported that I (me) have private problems that I want to share with the monitoring team. Actually, on September 28, 2014, I met Mr. Rueben and shared the daily problems I face due to the siege imposed on the camp and harassment carried out by Iraqi forces. I told him that this camp was designated as TTL, but it has been turned into prison. I don't know what kind of problems the interviewer wanted to listen hear from me, but strangely, when I started to explain my problems, he didn't listen to me anymore. He said that he is a simple agent and the interview is finished.

I have strong objection to such behavior, for changing the realities and the truth, and for calling me with a special agenda. I also object to the way the monitors work as they were not concerned to hear my real problems instead they are perusing pursuing other objectives that would fit the Iranian regime's aim? I also object to this kind of carrying out interviews."

Regarding these conducts that severely hurt residents' trust there are a few points that I would like to bring to your attention.

1-These referrals to residents are taking place while the residents' legal advisor and representative and I have informed the UNHCR and the United Nations both verbally and in writing on numerous occasions that anyone who cannot tolerate Camp Liberty conditions that General James Jones, the first National Security Advisor to President Obama, described as worse than Guantanamo (CNN, 11 March 2012), he/she may leave Camp Liberty at any time he/she wishes.

On December 21, 2012, I wrote on this matter to the High Commissioner that "we have repeatedly said to the UNHCR' people in Geneva and Liberty that the residents are all free to leave the Camp Liberty at any time they wish with or without informing the camp representatives or Mejahedin's officials to go to the UNHCR, UNAMI or the GoI. UNHCR at Liberty is very well aware of the fact that the People's Mejahedin Organization of Iran (PMOI) announces to all the residents every other months, as it did few weeks ago, that if they cannot tolerate difficult situation of the Camp, could freely leave Camp Liberty with no difficulty or moral impediment. You may be aware that over this

period a limited number have left the camp to go to Iraqi forces. The PMOI even gives them financial aids to enable them to pay for their expenses. ”

2- This sort of referrals, especially passing on messages from those who have been transferred to Mohajer Hotel and irrespective are under the control and supervision of the Quds Force (QF) and the Ministry of Intelligence (MOIS), is cause of concern for the residents. You are certainly aware of the machination by the mullahs’ regime and its proxies in Iraq such as Maliki to get individuals to cooperate with the suppressive forces in the massacre of the PMOI members. An example of this was Bahman Afzueh (Masoud Dahli) who left Ashraf in September 2011 and went to Mohajer Hotel and was recruited by the QF and MOIS. He was the one who guided the Iraqi assaulting force that attacked Ashraf on September 1, 2013. Had this agent who was familiar with Ashraf buildings and layout not been along, the number of the residents killed would have been markedly less than 52. At the end of the assault and to erase the evidence, the criminal attackers kill this agent and burn his face with acid so that he may not be identified.

3- As you are informed and as we have numerous stated and written to you, the UNAMI Human Rights headed by Francesco Melia (who was appointed to this position by Kohler) is conducting a demonizing campaign against Camp Liberty residents and the PMOI. It passes on falsified reports to the Secretary-General and other UN bodies, as well as to the U. S. government and other pertinent parties. These reports pave the way for bloodletting and massacre of the residents and we are following this matter on legal grounds. It was a while ago that we talked over this matter in Geneva and I referred to the role of Francesco Melia in passing on totally distorted and biased materials to the UNAMI and UNSG reports. You commented as well that these reports were false and inaccurate. In his letter dated 26 May 2014, copies of which was also sent to you and the High Commissioner, the residents’ representative Mr. Basati wrote: “I wish to let you know that many residents have recently complained about the UNAMI monitors’ attitude over past few weeks. . . . Such an attitude is a reminder of members’ attempts for preparing distorted reports against the residents when Merin Kobler was SRSG for Iraq.”

Two months later, in another letter on July 26, 2014 that was sent to the High Commissioner, residents’ legal adviser strongly protested the suspicious behavior of people from the UNAMI Human Rights section.

Dear Mr. Thrk

This attitude that is similar to that at Kohler’s time in effect serves the religious fascism ruling Iran and its intelligence ministry and is thus improper for the UNHCR. It is a blow to the residents’ trust and shall negatively affect their cooperation. You do remember how hard we tried from Paris to get the residents to continue with their interviews at the UNHCR office outside Camp Liberty in the conditions after the September 1 massacre in Ashraf and during the 108-day hunger strike and while Camp Liberty was under rocket attack. You recall the great volume of protest letters by the residents and their lawyers against the behavior of Kohler and his colleagues.

Therefore, given the well intentions of the High Commissioner and yourself for a peaceful resolution of the issues of Camp Liberty residents, it is my request that you advise the UNHCR people at Camp Liberty to end this kind of conduct and to keep themselves away from the machination of the Iranian regime that has so far led to six bloodbaths in Ashraf and Liberty.

Finally, you know that after 14 years of investigations on all the allegations and the demonizing and machinations by the Iranian regime against the PMOI where many of the mullahs’ intelligence agents, including a number of those in Mohajer Hotel, were employed, the French judiciary declared void all charges and ended the prosecution. This dismissal Order, therefore trashes all the demonizing scenarios that I alluded to above. It is indeed high time to end the suppression and the prison-like conditions at Camp Liberty and to revoke the anti-human siege, especially the medical blockade that has led to twenty-one deaths so far.

Best Regards

M. Mohaddessin

پنجشنبه ۲۴ مهر (۱۶ اکتبر ۲۰۱۴)

من این نامه را می‌نویسم تا برخی از برخوردهای افراد کمیساریا با ساکنان لیبرتی را در روزهای اخیر که بسیار آزار دهنده و نگران کننده است، با شما در میان بگذارم...

روز دوشنبه ۱۳ اکتبر یکی از ساکنان به دفتر کمیساریا فراخوانده شد و یک مأمور کمیساریا به او می‌گوید تو هر چه می‌خواهی می‌توانی به ما بگویی و این محرمانه باقی می‌ماند و شماره تلفنی از برادرش که مدتی پیش به هتل مهاجر در بغداد (تحت کنترل وزارت اطلاعات رژیم ایران) رفته بود را به او می‌دهد... این برخورد کمیساریا با اعتراض شدید فرد مزبور مواجه شده و از کمیساریا می‌خواهد دیگر در این باره او را صدا نکنند. در یک نمونه دیگر در همین روز کمیساریا یکی دیگر از ساکنان را به دفتر کمیساریا صدا زد. او در بازگشت از این مصاحبه در یک نامه اعتراضی به ملل متحد که نسخه‌ای از آن برای من نیز فرستاده نوشته است:

«مصاحبه کننده به من گفت مانیتورینگ‌های یونانی که در لیبرتی گشت می‌زنند، گفته‌اند که تو حرف خصوصی داری و برای این تو را صدا زده‌ایم. من در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۴ در کمپ با آقای روبین از تیم مانیتورینگ یونانی صحبت کرده بودم به او مشکلاتم در این کمپ را گفته بودم که در این کمپ تحت محاصره نیروهای عراقی هستیم و ما را اذیت می‌کنند؛ کمپی که اسم آن تی، تی، ال بوده به زندان ما تبدیل شده است. من نمی‌دانم که مصاحبه کننده دنبال شنیدن چه حرفهایی از من بود که وقتی من شروع به گفتن مشکلات کمپ و محاصره ضد انسانی کردم، دیگر گوش نمی‌داد، وقتی من اعتراض کردم و گفتم که به وکیل می‌گویم گفت که من یک مأمور هستم این گزارش به من داده شده و اگر حرفی نداری تمام است. من به این نحوه گزارش دهی که قلب واقعیت می‌کند و این گونه برای مصاحبه صدا زدن که هدف آن روشن است و به نحوه کار مانیتورینگ‌های یونانی که دنبال این نیستند که مشکلات واقعی مرا بشنوند و در عوض می‌خواهند اهداف دیگری که خواسته رژیم ایران است را دنبال کنند، اعتراض و شکایت دارم زیرا وقتی داشتم مشکلاتم را در لیبرتی می‌گفتم مصاحبه گر دیگر گوش نمی‌داد و گفت تمام است.»

در ارتباط با این رویکردها که به شدت اعتماد ساکنان را خدشه‌دار می‌کند، مایلم چند نکته را به اطلاع شما برسانم.

۱- این مراجعات در حالیست که مشاور حقوقی و نماینده ساکنان و خود من پیش از این بارها به صورت مکتوب و شفاهی به کمیساریا و سازمان ملل اطلاع داده‌ایم هر فردی که نمی‌تواند شرایط لیبرتی را که به گفته ژنرال جیمز جونز اولین مشاور امنیتی پرزیدنت اواما بدتر از گوانتانامو است^{۳۳} تحمل کند هر زمان که خواست می‌تواند لیبرتی را ترک کند.

در همین رابطه من در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ برای کمیسر عالی نوشتم:

”ما بارها به همکاران شما در ژنو و لیبرتی گفته‌ایم که همگان آزادند هر زمانی که خواستند با اطلاع یا بدون اطلاع نمایندگان کمپ یا مسئولان مجاهدین، لیبرتی را ترک کنند و به نزد کمیساریا یا یونامی یا دولت عراق بروند. همکاران شما در لیبرتی به خوبی می‌دانند که سازمان مجاهدین هر چند ماه و از جمله چند هفته قبل، به ساکنان اعلام می‌کند هرکس که می‌خواهد، آزادانه و بدون هیچ محدود اخلاقی لیبرتی را ترک کند... سازمان مجاهدین حتی به این افراد برای تأمین هزینه زندگیشان کمک می‌کند.“

.....

چنان که می‌دانید و ما پیش از این بارها برای شما نوشته و گفته‌ایم، دستگاه حقوق بشر یونامی که توسط فرانچسکو موتا که منصوب کوبلر است اداره می‌شود، یک کارزار شیطان‌سازی علیه ساکنان لیبرتی و سازمان مجاهدین را پیش می‌برد و گزارشهای دروغ به دبیرکل و دیگر مراجع ملل متحد و هم‌چنین به دولت آمریکا و طرفهای ذی‌ربط دیگر می‌دهد؛ این گزارشات زمینه خون‌ریزی و کشتار ساکنان را فراهم می‌کند و ما به طور حقوقی این موضوع را تعقیب می‌کنیم. من چندی پیش این موضوع را در ژنو نیز حضوراً با شما در میان گذاشتم و نقش فرانچسکو موتا را در درج مطالب سراپا مخدوش و مغرضانه در گزارشهای یونامی و دبیرکل، با شما

در میان گذاشتم. گزارشهایی که شما نیز نسبت به عدم صحت و دقت آن اذعان داشتید...

این رویکردها که مشابه زمان دوران کوبلر است عملاً در خدمت به فاشیسم دینی حاکم بر ایران و وزارت اطلاعات آن است و در شأن کمیساریا نیست و ضربه به اعتماد ساکنان است و روی همکاری آنها تأثیرات منفی می‌گذارد. شما به خاطر می‌آورید که ما از پاریس، ساکنان را با چه تلاش فشرده و گسترده‌ای در شرایط بعد از قتل عام اول سپتامبر در اشرف و حین اعتصاب غذای ۱۰۸ روزه و در شرایطی که لیبرتی مورد حملات موشکی قرار داشت، به‌از سرگرفتن مصاحبه‌ها در دفتر کمیساریا در خارج از لیبرتی متقاعد کردیم. شما پیش از این از انبوه نامه‌های اعتراضی ساکنان و وکلای آنها در اعتراض به این‌گونه رویکردهای کوبلر و همکاران او مطلعید. لذا با توجه به حسن نیت کمیسر عالی و شخص شما در حل مسالمت‌آمیز مسائل ساکنان لیبرتی، از شما می‌خواهم به افراد کمیساریا در لیبرتی توصیه کنید که به این‌گونه برخوردها پایان دهند و خود را از سناریوهایی که رژیم ایران در پشت آنها قرار دارد و پیش از این باعث ۶ حمام خون در اشرف و لیبرتی شده است، دور نگه دارند.

نهایتاً شما می‌دانید قضایه فرانسه ماه گذشته بعد از ۱۴ سال تحقیقات در مورد کلیه اتهامات و شیطان‌سازیه‌ها و سناریوهای رژیم ایران علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را که بسیاری از مزدوران اطلاعات آخوندها، شامل برخی از افراد هتل مهاجر در آن به‌عنوان شاهد به‌کار گرفته شده بودند، باطل و حکم منع تعقیب صادر کرد. به این ترتیب دیگر جایی برای سناریوهای شیطنی رژیم ایران که فوقاً اشاره کردم باقی نمی‌ماند.

برخی از شما در جریان هستید که یکی از ترفندهای اطلاعات آخوندی در نامه‌نگاری از هتل مهاجر به لیبرتی، استفاده از جوهر و نوشته‌های نامرئی در لابلای نامه‌های عادی و به اصطلاح خانوادگی برای

کسب اطلاعات و "تماس در زمان مناسب" با شیوه‌هایی بود که در اطلاعاتیه‌های کمیسیون امنیت فاش شده است.

۱۵- بازبچه قرار دادن انتریل علیه مجاهدین و مقاومت ایران

پلیس بین‌الملل یا انتریل، یکی دیگر از سازمانهای بین‌المللی مشابه صلیب سرخ یا یونامی و سازمان ملل است که تا منتهی درجه بازبچه رژیم قرار گرفته است.

صورت مسأله این است که رژیم آخوندی به‌صورت فله‌یی و مانند علف خرس از برگه‌های قرمز انتریل علیه مخالفانش استفاده کرده و آنها را به‌انواع و اقسام اتهامات و جنایتها در داخل ایران متهم می‌کند. این کاری است که رژیم به‌طور فراوان، از سال ۲۰۰۰ دربارهٔ مجاهدین و اعضای شورای ملی مقاومت ایران انجام می‌داد. البته بهایی نداشت، اما در مسافرتها و عبور از مرزهای زمینی و هوایی دردسرساز می‌شد. موضوع هم به یک یا ۱۰ یا ۲۰ یا ۱۰۰ فقره ختم نمی‌شود و تا آنجا که ما می‌دانیم ای بسا که تا آن روز به‌صدها فقره رسیده باشد. هر چند که وکلا با تلاشهای بسیار، تعدادی از آنها را به‌دلیل اثبات تقلب رژیم خنثی و منتفی یا بلوکه کرده‌اند؛ والا مجاهدین در خروج از عراق علاوه بر احکام دستگیری از جانب قضاییه عراق برگه‌های قرمز انتریل برای بازداشت هم جلوشان بود و نمی‌توانستند خارج شوند.

ملخص التهمة :

بتاريخ ٢٠٠٠/٣/١٤ شارك ضمن مجموعة مسلحة شنت هجوماً بمدافع الطاون على مجمع سكني .

الإسماء :

١. مسعود رجوي
٢. فرشته بكاته
٣. زهرة شطبي
٤. ميوان سبوري
٥. مهناز سليمان
٦. حكيمة سادات نراد
٧. دولت نوروزي منكلي
٨. زهرة مرغلي اهدكر كوثي
٩. ليكو عيفي آشكوزي
١٠. مهري حاج نراد
١١. عاطمة داوران
١٢. ليلي دشتي
١٣. معصومة بولو رشدي
١٤. فهيمه آرواني
١٥. علي آقشار كيزي حسيني
١٦. مشكان أمير برسائي
١٧. علي رضا امام جومي
١٨. أمير زارعي

ملخص التهمة :

بتاريخ ٢٠٠٢/٢/٥ كان عضواً في مجموعة مسلحة شنت
اعتداءاتاً بقتال المارن على مجمع سكني ومطبعة ، قتل أثناءه
رجل وجرح أشخاص آخرون .

الأسماء :

١. مريم فاجار عضد أنلو
٢. جلال كنجي
٣. سهيلة شعاعي
٤. يارنيان سرآمد
٥. سيد محمد سيد اخندين
٦. محمد حيائي
٧. بزدان حاج جزوة
٨. بروين مخزني
٩. محمد ابراهيم مازندراني
١٠. بهزاد نظري
١١. عزيز الله باكين زاده
١٢. صالح رجوي
١٣. آزاد رحائي
١٤. حيد رضا أسحالي
١٥. زهرة عطار نمر
١٦. محمود فاجار عضد أنلو

ملخص المهمة :

بتاريخ ١٩٨١/٩/٥ قام بوضع عضو في مجموعة مسلحة
بإطلاق النار على مواطن إيراني قتلته .

الأسماء :

١. شهزاد صدر حاج سيد جواندي
٢. احمد شكواني
٣. جعفر طهراني
٤. قدسي حرساني
٥. قاتر حبات هيممباري
٦. فرهاد آلت
٧. عباس علي داوري قنص بود آذر
٨. ميهن أبرمشجي
٩. كيري طيماسي

ملخص المهمة :

بتاريخ ٢٤/١٠/١٩٨١ كان ضمن مجموعة مسلحة أطلقت

النار على رجل قنبلته .

الأسماء :

١. هاشمته شادرو

٢. عزيزا علوي طالقاني

٣. ميرزا باقر زاده

٤. بتول رجائي

٥. محمد عطالي كاريزي

رسوایی بین المللی بی سابقه رژیم علیه حقوق بشر متحد کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

گفتگو در باره حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر در ایران

ترتیب سخیف رژیم علیه هیأت مقاومت ایران در کمیسیون حقوق بشر رسوایی بیشتری برای آخوندها به بار آورد



رژیم ایران در جریان هیأت حقوق بشر ملل متحد در تهران، اقدام به ارتداد و بی وفایی در برابر هیأت حقوق بشر ملل متحد کرد. رژیم ایران در جریان هیأت حقوق بشر ملل متحد در تهران، اقدام به ارتداد و بی وفایی در برابر هیأت حقوق بشر ملل متحد کرد.

هیأت حقوق بشر ملل متحد در تهران، اقدام به ارتداد و بی وفایی در برابر هیأت حقوق بشر ملل متحد کرد. رژیم ایران در جریان هیأت حقوق بشر ملل متحد در تهران، اقدام به ارتداد و بی وفایی در برابر هیأت حقوق بشر ملل متحد کرد.

گذاختن کمیسیون حقوق بشر
فرهنگ انزیمات و سوسائیت
انتقاد از نقابهای بین المللی
زیر بار آن حسن و جمال اکبر باکم
استکبار بین المللی، علیه همه نقابها
آنست که به تمام نقابهای بین المللی آن
صفت حقوق بشر می‌دهی شانه‌ها را

فرهنگ انزیمات و سوسائیت
انتقاد از نقابهای بین المللی
زیر بار آن حسن و جمال اکبر باکم
استکبار بین المللی، علیه همه نقابها
آنست که به تمام نقابهای بین المللی آن
صفت حقوق بشر می‌دهی شانه‌ها را

فرهنگ انزیمات و سوسائیت
انتقاد از نقابهای بین المللی
زیر بار آن حسن و جمال اکبر باکم
استکبار بین المللی، علیه همه نقابها
آنست که به تمام نقابهای بین المللی آن
صفت حقوق بشر می‌دهی شانه‌ها را

حیثیت و تکرانی همیق سازماتهای بر دوتائی در نامه به مدیر کل ملل متحد در ژنو از آن گذشته ادعای حقوق مالایا بر پایه احکام دستگیری و بازداشتی ارتدادی از ملل متحد در ژنو

حیثیت و تکرانی همیق سازماتهای بر دوتائی در نامه به مدیر کل ملل متحد در ژنو
از آن گذشته ادعای حقوق مالایا بر پایه احکام دستگیری و بازداشتی ارتدادی از ملل متحد در ژنو

حیثیت و تکرانی همیق سازماتهای بر دوتائی در نامه به مدیر کل ملل متحد در ژنو
از آن گذشته ادعای حقوق مالایا بر پایه احکام دستگیری و بازداشتی ارتدادی از ملل متحد در ژنو

حیثیت و تکرانی همیق سازماتهای بر دوتائی در نامه به مدیر کل ملل متحد در ژنو
از آن گذشته ادعای حقوق مالایا بر پایه احکام دستگیری و بازداشتی ارتدادی از ملل متحد در ژنو

حالا با همدیگر نگاهی به اسناد توطئه‌های دشمن‌مان و حکومت عراق
علیه مجاهدین می‌اندازیم:

سند شماره ۱: ملاقات پاسدار دانیایی فر سفیر رژیم در بغداد با حیدر عبادی
نخست وزیر عراق در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ (۲۶ آذر ۹۳)

السلامة ۱۰:۱۰:۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم



((منكرة داخلية))

التاريخ ۱۴/ ۱۲/ ۲۰۱۴

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

تم:
تم اللقاء مع السيد حسن ضايف المتباحث حول المسابقات في
الموضع العراقي والتعليق والتعاون العراقي والبرازيل حيث دار اللقاء حول
١- اكد السيد ضايف على التعاون المستراتيجي بين العراق وايران
بحسب تقوية تلك العلاقات.
٢- اكد ضايف حول امكانية انهاء اتفاقية عسكري استراتيجي
بين العراق وايران عن قرار الارتقاء الامني العراقي الروسي.
٣- اكد ضايف على انه ايران ستحتسب بايرتال الامدادات العسكرية
لان العراق من حيث عدم المقاتلين والعدو.
٤- اكد الدكتور العبادي على انه يكون هناك اتفاق عسكري بين
العراق وايران حول الرتبة القانونية لتفويضها واه الوقت الان مناسب لذلك
٥- اكد الدكتور العبادي انه الامور تجريه بين العراق وايران كجانب
الماء حصة ابي هنكرتة رسميه ولكن بعد الانتهاء من قتال
حدهم ستقوم اتفاقاته الهنيه وعسكريه واستراتيجية واضحة
المعالم بين البلدين.
٦- رفض الدكتور العبادي اية حجة ومن تكون وحق الولايات المتحدة

بشبع



٧- أكد السيد رئيس مجلس أمناء ايرانية مستخدمة الرتب لتزويد العراق بالسلح المتطور انه طلبه الحاجة وبمقتضىات دون مقابل وحتى امتعار اخر من الرتقاء من العمليات العسكرية.

٨- أكد الدكتور العبادي حاجة العراق الى الخبرات البرانية في العمليات الاستخباراتية ونصروا الربام القادرة بسبب المعلومات الواردة عن تسليح الطامات من دامت عبد الرافى السعودى وطهران السيد خندانى العبادى بان كل تفصل ايران مع العراق.

٩- أكد السيد خندانى عن ان يقوم العراق بتسليم المطلوبين من منظمة خلق الرهابية والموجودين حالياً في معسكر الرقة/ ليرق ووالبالغ عددهم ٣٤ والمطلوبين وسما الى ايران.

١٠- كما أكد عن العراق ان يسبح قدر الامكان على اطلاق الرهابيين من منظمة خلق خارج العراق لتفادي اية خطر قد

←
شيع



((متكررة داخلية))

التاريخ ١٤ / ١٢ / ٢٠١٥

الموضوع: تواجه العراق وإيرانية خصوصاً التواجد الاميركي المتنامي في العراق
 ١٥- طالب جنائي العراق ان تقوم بمحاكمة الميرانيسين من منظمة
 تحقت الدلائل الملمة ابيهم بمراد العراقيين والبالغ عددهم
 (١٠٠ شخص). وان ايران مسهمة لمساعدة العراقيين بهذا الخصوص.
 ١٤- اكد الدكتور العبادي على انه العراق ملتزم ومهتم بتلك
 القضايا الخاصة بالامم خاصة في ذات الوقت الموضوع المذكور الين
 وارتباط العراق بعناياته مع الامم المتحدة (يوناني) مسؤول
 اتخاذ القرارات تجاه ساكني لبيرقية... كما اكد العبادي انه
 القوات الامنية جامعة لكنا وافقت من حيث المسود
 في الاجراءات الامنية تجاه قاطني لبيرقية.
 عرضت السيد الدكتور العبادي بعض الوثائق الخاصة بتقسيم
 الحدود وكيفية التعديل على اتفاقية ١٩٦٥. واخر ما توجهت اليه
 اللجنة العراقية الجديدة حول ترسيم الحدود بين البلدين.

استقر اللقاء

الساعة ٥:٠٠ الصامتا

(٢)

جمهوری عراق
دبیرخانه شورای وزیران
ساعت ۱۰:۲۰ صبح
تاریخ: ۲۰۱۴/۱۲/۱۷
یادداشت داخلی

یک ملاقات با آقای حسن دانایی انجام شد که در آن راجع به تحولات جدید، وضعیت عراق و منطقه و همکاری عراق و ایران بین دو طرف بحث شد. این ملاقات حول موضوعات زیر برگزار شد:

دانایی بر روی همکاری استراتژیکی بین عراق و ایران و روشهای تقویت این روابط تأکید کرد.

آقای دانایی گفت در صورتی که نیاز باشد ایران الآن آماده است با قراردادهای نظامی و بدون پول تا اطلاع ثانوی سلاح پیشرفته به عراق بدهد تا این که عملیات نظامی پایان پذیرد.

دکتر عبادی بر روی نیاز عراق به تجارب ایران در زمینه عملیات اطلاعاتی به ویژه در روزهای آینده تأکید کرد زیرا اطلاعات وارده نشان می دهد که صدها نفر از داعشی ها از خاک عربستان سعودی به داخل عراق نفوذ کرده اند. آقای دانایی به عبادی اطمینان داد که ایران با تمام وزن خودش با عراق خواهد بود.

آقای دانایی بر روی این موضوع تأکید کرد که عراق افرادی از سازمان تروریستی خلق را که تحت تعقیب هستند و در حال حاضر در قرارگاه الحریه/البیرتی می باشند، تحویل دهد. تعداد این افراد ۳۲ نفر است و آنها رسماً تحت تعقیب ایران هستند.

دانایی از عراق درخواست کرد که ایرانی های سازمان خلق را که دستشان به خون عراقیان آغشته است و تعدادشان به ۱۰۰ می رسد را محاکمه کند. ایران آماده است که در این رابطه به عراقیان کمک کند.

دکتر عبادی تأکید کرد که عراق به مسائل مربوط به تروریست‌های خلق ملتزم است و به آن توجه می‌کند اما وضعیت بین‌المللی و تعهد عراق در مورد پیمان‌هایی که با سازمان ملل متحد (یونامی) دارد تصمیم‌گیری راجع به ساکنان لیبرتی را به تأخیر می‌اندازد. هم‌چنین عبادی گفت که نیروهای امنیتی از نظر سخت‌گیری‌ها در اقدامات امنیتی در مورد ساکنان لیبرتی پشتیبان این وضعیت هستند.

پایان ملاقات-ساعت ۱۱۴۵ صبح

بسم الله الرحمن الرحيم



وزارة الداخلية

مذكرة داخلية

٢٠١٥/١/١٧

بسمه تعالی

عقد اجتماع مع وزير داخلية الجمهورية الإسلامية السيد عبدلرضا رحمانی فضلی
وقد تمحور في محورين :-

المحور الأول :- حول الوضع السياسي والاستراتيجي والعسكري بين البلدين .
المحور الثاني :- حول منظمة خلق الإرهابية .

به اللقاء الترحيب بالسيد الغبان والوفد المرافق له . وأثنا على الجهود المبذولة
لسيارته في مكافحة الإرهاب رغم الفترة القصيرة وعمل منظمة بدر في
مقاتلتها لداعش بقيادة السيد العامري والبطولات التي تحققت على يد
منظمة بدر . كما أثنوا ورحبوا بالجانب العراقي والبطولات التي تحققت على يد
أستقبل الخبراء الإيرانيين بأرفاد الجانب العراقي من الخبرات العسكرية
والخبرات الاستراتيجية .

أكد السيد فضلي على التعاون بين الجمهورية الإسلامية الإيرانية
والعراق في المجالات العسكرية والاستراتيجية موضحاً أن الحكومة
العراقية بدأت تأخذ منح خارج الأطر السياسية التي كانت قائمة
بين الجمهورية الإسلامية الإيرانية والسيد نوري المالكي وأن هذا المنح
قد تم إتقافه بقوة بعد الحرب على داعش حيث لولا القتال المقاوم
الإسلامية في العراق لاستمرت حكومة الدكتور العبادي بأشهاد
منح أمريكي صرف ونحت نعتقد كما قالها السيد فضلي أن
السيد العبادي عاد من ريشه مرغماً بعد أن وجدنا مناصه من أن يعمل
متعاوناً مع الجمهورية الإسلامية الإيرانية .



أكد السيد العبان الحكومة العراقية بتصرف جلياً . لا تستطيع ان تعمل حالياً أي شيء في مهامها العسكرية والستراتيجية لمقاتلة داعش ومكافحة الارهاب ان لم تحصل على خبرة الجمهورية الرسلمية الإيرانية وان تستمد القوة منها وخصوصاً من تعرف هذا الشيء كبيرين فلولا دعم الجمهورية الرسلمية الإيرانية لما تحقق الانصار على داعش .

أكد السيد العبان على خطورة الموقف في الوقت الحاضر بسبب تدخلت الخارجية التي تؤثر على الحكومة العراقية لفل ارتباطها مع الجمهورية الرسلمية الإيرانية الـ أننا بين حين وأخرى نندارل هنا الموضوع .

أكد السيد قطري نحن نعرف جيداً بأن الظروف التي تقاسم ضد الحكومة العراقية وخصوصاً السيد العبادي ولكن لماصحه من التعاون من اجل اشغال العراق عن الوضع الأمني والوضع السياسي الذي يريد البعض منه عودة الكفر والاحاد بأسم حزب البعث .

أكد السيد قطري ان الجمهورية مستعدة لتطوير القدرات الأمنية والاستخباراتية لوزارةنا ومنها بأجهزة متطورة تعمل على مساعدتنا في الكشف عن العبرات والمتغيرات التي كانت حجمها (عرض السيد قطري علينا مساهم قصير فيه مجموعة من الدورات التدريبية لفانرا في الاخفية) طرح السيد العبان موضوع ان يرسل مجموعة من كوادر الوزارة بهتختلف صنوفها الى ايران لبقاء حريات وبنده القدرات لعمليات استباقية مستعجلة .

تحدث السيد قطري حول خطورة قانون المساءلة والعدالة الجديد وجود خطورة قانون اقامة حوزين وطني في المحافظات العمرة فقط قام بالتحذير لعودة البعث وداعش بصيغ اخرى اذا اقر قانون المساءلة والعدالة الجديد .

واكد نقاً (نحن نعملكم رسالة شفوية من السيد العبادي ان يتوخز الحذر في هذين القانونين لكي لا توجد فرصة سهلة في عودة البعث الى العراق



تم السيد وزير الخارجية الإيراني اوران ومستندات أدلة - وللملحة حول التعميمات التي وجهت من قبل الجمهورية على أعضاء منظمة خلق الرهائبة ومن ضمنها وثائق أسندت عليها الجمهورية بظهور أروابي خلق في التمارن مع تنظيم القاعدة سابقاً ومسابقات دلتن حالياً في العراق وسوريا ولبنان وتزويرهم أو منظمة خلق بغضرم عسكرية هدرية ومن القادة حمراً لتدريب الرهائين كما أعطت الجمهورية أطة بنيت فيها مساعدة جبهة البصرة وتنظيم دلتن على استخدام السلاح الروسي كون أروابي خلق قد استخدموا هذا السلاح سابقاً في الحرب المفروضة على الجمهورية في زمن النظام المقبور.

أكد السيد فضلي أن على العراق أن يقدم وبشكل صريح وفعال على أبعاد أروابي خلق من العراق كجزء من المعجمة الكبرى والتي هي تسليم المشورطين بدعاء الشعب الإيراني الى الحكومة الإيرانية من أجل محاكمتهم .

أكد السيد للضان أن العراق ساعى بها تطبقة أبحاثه أنه أن هناك بعض المعرفات التي يستدل مستقبلاً ولكن ليس بالوقت القريب جداً الأ وهي :-

① للعلم والاطلع ان نسبة المشورطين بسنك دعاء أبناء الجمهورية لله الموفورين في معسكر لبيبرش هم ٧٥ - ٨٠ ٪ .

② هناك اتفاقات وقعت بين رئيس الوزراء (الدكتور العبادي) وبين القوي السنية (لولد فترة الرفقات لما جاء الدكتور العبادي الى السلطة) تجبر السيد الدكتور على تنفيذ الكثير من المتطلبات السياسية الداخلية والخارجية الأ بعد التشاور مع تلك القوي (بين السيد العيان الذمة الحيرة التي حدثت بين القوي السنية والدكتور العبادي بسبب مطالمة الرخيرم) تنفيذ أوراق الدفاق فيما بينهم) .

ان القوي الشيعية وبالجماع يرمون بأخراجهم وهذا ما سيتم فعلاً - وكل من سنك دعاء العراقيين واليرانيين سيحالون الى المحاكم حتى وان كانوا خارج العراق .

أد أن طرح أبعادهم ومحاكمتهم قد طرح بشكل غير رسمي على معرفة بنهن الجهات الرخون فكان ردهم بالترتيب لهذه الحال - كون بقائهم المستفيد من القوي السنية المقتددة (أتم تعرفون طاناً)



أكد السيد الغبان أنه تم طرح معلومات لبعض أدهابي خلق على شرطة الاستراليا ومحكمة العدل الدولية في لهاي من أجل ألقاء القبض على هولاء ومحاكمتهم . وأنتم أعرضه بأن هذا الملف قدم في زمن حكومة السيد نوري المالكي إلا أن الجانب الدولي قد أهمل هذه الطلبات لهذا السبب فمن سننظر . فليس هناك قصور من ناحية الحكومة السابقة والحكومة الحالية .

أكد السيد الغبان أن بيان أن ترسل وفد للاطلاع على ما قام بحقيقته من أمور أدولية ولوجستية تجاه الساكنين في معسكر لبيروت في الكويت . وهذه حقيقة أننا قد وجدنا في تحقيقنا عنهم في المعسكر لأسباب إنسانية فقط لتغيير نفسها فعلمنا بالتشدد أو بالرخاء فيهم تمت قبضتنا بسبب ضغوط الأمم المتحدة والاتفاقيات التي وقعت مع الحكومة السابقة ولم تنفذها تلك الحكومة جعلتنا نتعاون قليلاً بالإنسانيات القانطين في المعسكر .

أكد السيد فخري . فمن لوزيله أن يدخل العراق في أشكاليات مع الدول الحاضنة لهم وأيضا مع الأمم المتحدة في الوقت الحاضر ولكن من زجوا أن يكون هناك أسرع تنفيذ ما تم الاتفاق عليه بين الجمهورية الإسلامية وبين العراق الموضع مع السيد نوري المالكي .

أكد السيد الغبان أن التحقيقات جارية بهذا الصدد إضافة إلى ذلك وبعض من الساكنين في معسكر لبيروت . بدأوا يحاولون تقديم اللجوء إلى العراق أو إلى إيران كونهم لم يفعلوا شيئاً تجاه البلدين سماعاً فقط في هذا التنظيم الإرهابي أن يعودوا إلى إيران . فعلمنا المعصوم قلنا بعزل أعضاءهم الرئيسين بالعودة إلى إيران أو بالبقاء في العراق عن البقية وقد حجبت أسماؤهم عن باقي أعضاء التنظيم الإرهابي .

أكد السيد فخري أنه سيهد العراق بلجان بالسرعة وفق هذا الملف نهائياً ويكون محتمل بجميع الأدلة والبراهين حول ذلك وأكد أن أعضاء منظمة بدر ومنهم السيد الوزير سيكونون عوناً لنا رغم التغييرات المنهجية والمكرية في الحكومة الحالية ...

ثم الحديث حول إمكانية مساعدة الجمهورية الإسلامية بتطوير القدرات الاستخباراتية لوزارة الداخلية .

وزارت کشور یادداشت داخلی ۲۰۱۵/۱/۱۷

یک نشست با وزیر کشور جمهوری اسلامی آقای عبدالرضا رحمانی فضلی برگزار شد. این ملاقات دو محور داشت که در زیر آمده است:

محور اول: در مورد وضعیت سیاسی و استراتژیکی و نظامی بین ایران و عراق محور دوم: در رابطه با سازمان تروریست خلق این ملاقات با خوشامدگویی به آقای الغبان و هیأت همراه وی شروع شد. آنها از تلاشهای آقای الغبان در مبارزه با تروریسم به رغم مدت کوتاهی که سر کار آمده است، قدردانی کردند. هم‌چنین آنها از سازمان بدر در مبارزه‌اش علیه داعش به فرماندهی آقای هادی العامری و قهرمانی‌هایی که به وسیله سازمان بدر انجام شد، قدردانی کردند. هم‌چنین آنها از عراقیان به خاطر پذیرایی از کارشناسان ایرانی برای کمک به عراقیان از بابت تجارب نظامی و استراتژیکی، تشکر کردند.

آقای فضلی بر روی همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و عراق در زمینه‌های نظامی و استراتژیکی تأکید کرد و گفت که کشور عراق مسیری خارج از چارچوبهای سیاسی در پیش گرفته بود. همان چارچوبهایی که قبلاً بین جمهوری اسلامی ایران و آقای نوری المالکی توافق شده بود. بعد از این که جنگ با داعش شروع شد، جلو این مسیر به شدت گرفته شد. به نحوی که اگر جنگهای مقاومت اسلامی نبود حکومت دکتر عبادی به این سمت می‌رفت که یک دولت آمریکایی صرف بشود. همان‌طور که آقای فضلی گفت ما فکر می‌کنیم که آقای عبادی سر عقل آمده است. وی بعد از این که مشخص شد هیچ چاره‌ی ندارد، مجبور شد که با جمهوری اسلامی ایران همکاری کند.

...

وزیر خارجه ایران برگه‌ها و سندهای اثباتی مستدلی را در مورد اتهاماتی که از طرف جمهوری اسلامی به‌اعضای سازمان خلق تروریست زده شده است، ارائه داد. از جمله اسنادی که جمهوری اسلامی به آنها استناد می‌کرد در مورد دست داشتن تروریستهای خلق در همکاری با تشکیلات القاعده سابق و داعش کنونی در عراق و سوریه و لبنان بود و این که سازمان خلق عناصر نظامی و آموزش دیده و به‌طور مشخص فرمانده را برای آموزش تروریستی در اختیار این تشکیلات گذاشته است. هم‌چنین جمهوری اسلامی دلایلی ارائه کردند که در آن نشان می‌داد سازمان خلق به‌جبهه النصره و تشکیلات داعش برای به‌کارگیری سلاح روسی کمک می‌کند. زیرا تروریستهای خلق سابقاً از این سلاحها در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی در زمان رژیم قبلی استفاده می‌کرده‌اند.

آقای فضل‌ی گفت که عراق باید به‌شکل روشن و فعالی اقدام به‌دور کردن تروریستهای خلق از عراق کند و این بخشی از ماموریت بزرگ تحویل دادن کسانی است که دستشان به‌خون مردم ایران آغشته است و به‌دولت ایران برای محاکمه تحویل داده می‌شوند.

آقای الغبان گفت که طرف عراقی در مورد آنچه که خواست ایران است، تلاش می‌کند اما یک سری موانعی وجود دارد که در آینده حل خواهد شد. اما این کار در آینده نزدیک نخواهد بود. این موانع عبارتند از :

- ۱- جهت اطلاع، کسانی که در ریختن خون مردم جمهوری اسلامی دست داشته‌اند به‌میزان ۷۵ تا ۸۰ درصد در لیبرتی حضور دارند.

- ۲- توافقاتی بین نخست‌وزیر (دکتر العبادی) و نیروهای سنی به‌امضا رسیده است که دکتر العبادی را مجبور می‌کند که بسیاری از درخواستهای سیاسی داخلی و خارجی را پس از این که با این نیروها مشورت کرد، اجرا کند (اگر این توافقات نبود دکتر العبادی به‌حکومت نمی‌رسید). آقای الغبان به‌بحران اخیری که بین نیروهای سنی و دکتر العبادی به‌دلیل

وقت کشی سنی‌ها در اجرای برگه‌های توافق ایجاد شده بود، اشاره کرد.

... ..

آقای الغبان گفت که اطلاعات بعضی از گروه‌های تروریست‌های خلق به پلیس بین‌المللی انتربول و دادگاه عدالت بین‌المللی در لاهه داده شد تا آنها را دستگیر کرده و محاکمه کنند. شما می‌دانید که این درخواست در زمان دولت نوری المالکی داده شد اما طرف‌های بین‌المللی این درخواستها را نادیده گرفتند به این خاطر ما منتظر هستیم. لذا هیچ کوتاهی در کار از طرف دولت قبلی و دولت فعلی نبوده است.

آقای الغبان گفت که ایران باید هیأتی را اعزام نماید تا نسبت به آنچه که از نظر اداری و لجستیکی در مورد ساکنان قرارگاه لیبرتی محقق شده است، اطلاع پیدا کند. به‌رغم این مسأله، این نیز حقیقت دارد که ما به دلایل انسانی ولا غیر در این قرارگاه نسبت به آنها سختگیری کمتری کردیم. لذا صرف نظر از این که ما چقدر به آنها سخت یا آسان بگیریم، آنها به دلیل فشارهای سازمان ملل و توافقاتی که با دولت قبلی امضا کرده‌اند تحت کنترل ما هستند. دولت قبلی این توافقات را اجرا نکرده است و باعث شده است که ما در مورد مسائل انسانی ساکنان این قرارگاه کمی تخفیف بدهیم.

آقای فضلی گفت که ما نمی‌خواهیم در حال حاضر عراق با کشورهای که این افراد را در خاک خود پذیرفته‌اند یا با سازمان ملل دچار مشکل بشود. اما خواهش می‌کنیم که در مورد آنچه بین جمهوری اسلامی و عراق توافق به عمل آمده و با آقای نوری المالکی به امضا رسیده، سرعت به خرج داده شود...

بسم الله الرحمن الرحيم



جمهورية العراق
الامة العامة لمجلس الوزراء

((مكررة داخلية))

إفاد حصيد

التاريخ ۱۷/۶/۲۰۱۵

السيد
عقد اجتماع مع السيد رئيس مجمع تشخيص مصالحة النظام
علي أكبر الهادي رفسنجاني ودار الحديث حول حل قضية اعضاء منظمة
خلق الدينانية.
سبح الله السيد رفسنجاني ان اعضاء منظمة خلق افقوا بعبء القضاء عليها
مخضنا لغرضنا كافة السبل حول هذه القضية لئلا الازمة الجانب
العراقى سيد بساط حل هذا ~~المشكل~~ الملف وانما الحل بيد الحكومة العراقية
انما السيد العبادت انما يلزم قاصدون لحل هذه المشكلة فحظا سأتيت
برحة نفس... لقد قمنا بعبء اجراءات حول قضية سكان ليرتي ومنها
ايصال العراق الهم بالان الوجبات الرقمية اجرت اللقائ كثيرا
اضافة الى ذلك هناك منع من قبل سكان ليرتي من اللقائ لعوائلهم
كما قمنا ايضا بوضع حداسة كاملة لزم لهم خارج العراق باقرب فرصة
ممكنة... ان وجههم بدميشير الرقائ لنا ولكم بعد ان انصحت
ان هناك عناصر من منظمة خلق تقابل فعليا مع داعش وتنظيمات
حزب البعث لداخل في الديار والموصل
انما السيد رفسنجاني مخضنا عن هذا استعداد لتسبب كل محفظات

←
يشرح



تصميم خلق وما سيفعله في العراق فمما كانت التنظيم اداة
بيد الطائفة التي هو اداة بيد داعش .
كما انك السيد رئيسي عن ان العراق اذ ان يكون مع امريكا
لوم الحشد و ايران فليس المستطاعة بالجمع بين الاثنين ، ومن
نقوله ليكون العراق والحكومة مع ايران والحشد لتحقيق الربط
اتفق الجميع على
ان استلمت المعلومات الكاملة عن الحقائق من منصفه
التي تقابل مع داعش .
استلمت ايران معلومات كاملة لمراد سكان البصرة
كحرمات هم اعداء واطفحة ايديهم بدماء اليراسمين ايديهم
تجاسرهم .

اتفاق القاء

جمهوری عراق
دبیرخانه کل شورای وزیران
یادداشت داخلی
تاریخ: ۲۰۱۵/۶/۱۷
دیدار کوتاه

جلسه‌یی با آقای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، علی اکبر هاشمی رفسنجانی برگزار شد و صحبت حول حل قضیه اعضای سازمان خلق ایران بود.

آقای رفسنجانی تأکید نمود، اعضای سازمان خلق، آفتی هستند که باید آنان را از بین برد و ما برای حل آن، همه راههای حول این موضوع را در نظر داریم. ولی طرف عراقی شروع به کش دادن حول این پرونده کرده، در حالی که راه حل به دست حکومت عراق است.

آقای عبادی تأکید نمود، ما امروز رو به حل این مشکل داریم و حل آن، به راحتی نفس کشیدن است. ما حول موضوع ساکنان لیبرتی اقدام به چند کار، از جمله رساندن خانواده‌ها به آنان کرده‌ایم، ولی روشهای روتین، این دیدار را بسیار به عقب انداخت، علاوه بر آن، خودداری ساکنان لیبرتی از دیدار با خانواده‌هایشان نیز بوده است.

همچنین اقدام به تنظیم بررسی کاملی برای فرستادن آنان به خارج از عراق، در نزدیکترین فرصت ممکن نمودیم. ولی بعد از این که روشن شد، عناصری از سازمان خلق هستند که عملاً همراه داعش و تشکیلات حزب منحلۀ بعث در انبار و موصل می‌جنگند، وجود آنان، شروع به ایجاد نگرانی برای ما کرده است.

آقای رفسنجانی تأکید کرد، ما آمادگی کامل برای کشف همهٔ طرحهای تشکیلات خلق و هر آن چه در عراق انجام خواهد داد را داریم، مثلاً این تشکیلات ابزاری به دست طاغی بود و اکنون ابزاری به دست داعش است. هم‌چنین آقای رفسنجانی بر این تأکید داشت که عراق، یا باید با آمریکا باشد یا با بسیج و ایران. نمی‌توان این دو را با هم داشت. ما می‌گوییم، عراق و حکومت جهت تحقق پیروزی باید با ایران و بسیج باشند. همه بر موارد زیر توافق کردند؛

۱- دریافت اطلاعات کامل دربارهٔ رزمندگان سازمان خلق که همراه داعش می‌جنگند.

۲- ایران، اطلاعات کامل افراد ساکن لیبرتی را تحویل می‌گیرد تا مشخص کند که کدام آنها دشمن هستند و کدام دستشان به خون ایرانیان آلوده است، تا حسابرسی شوند.

پایان دیدار

سند شماره ٤: نشست فالح فياض مشاور امنیتی حکومت عراق با سردزخيم نظارت
بر قرارگاه ليبرتي در ٢١ ژوئن ٢٠١٥ (٣١ خرداد ٩٤)

بسم الله الرحمن الرحيم



جمهورية العراق
الإمانة العامة لمجلس الوزراء

لقاء قصير ((متكرة داخلية))
التاريخ ٢٠١٥/ ٦ / ٢١

تم:
عقد اجتماع مع السيد خالد إمامها وعضو اللجنة الاستشارية
عك معسكر ليبرتي. وتم التأكيد على ما يلي:
١- جزء من أفراد الضالين سكان ليبرتي قديمي المستوطنين بهم
بأنه لا يريدون ملطحة ببعاء الرافدين وكذلك اشارة الرضاير
المشتبه بهم من اموالهم ~~في~~ المرتفعة بالجانبة ٢٠١١.
٢- تشكيل لجنة خاصة بتسليم تلك الرضاير الى الجمهورية.
٣- تشكيل لجنة سرية من اهل اعداد العوائل والقادة لزيارة
ابناءها الساكنة في ليبرتي.
٤- اعداد اسلوب النقطة الواحدة في اتمام لقاءات العوائل
وتلك اسلوب الروتين واعداد اكثر من نقطة للبحث
والتحقيق في العوائل.
٥- تشكيل لجنة خاصة عن الزمن الوطني والخاصة عن اهل
التفاوض مع اربم بلقعة بشأن ترميم اعداد منظمة خلو.
انتمى اللقاة

ملاقات کوتاه
جمهوری عراق
دبیرخانه شورای وزیران
(یادداشت داخلی)
تاریخ: ۲۰۱۵/۶/۲۱

یک نشست بین فالح فیاض و رئیس کمیته نظارت بر قرارگاه لیبرتی برگزار شد و روی موارد زیر تأکید شد:

۱- لیست برداری وجداسازی پرونده‌های ساکنان لیبرتی و مشخص کردن افرادی که مشکوک به این هستند که دستشان به خون ایرانیان آغشته است. هم‌چنین پرونده‌های کسانی که مشکوک به این هستند که علیه شورش شعبانیه در سال ۱۹۹۱ شرکت داشته‌اند نیز مشخص و جدا شود.

۲- یک کمیته تشکیل می‌شود تا این پرونده‌ها را به جمهوری اسلامی تحویل دهد.

۳- یک کمیته سریع تشکیل می‌شود تا خانواده‌هایی را که برای دیدن فرزندان‌شان به لیبرتی می‌آیند، آماده کنند.

۴- برای پایان دادن به ملاقات‌های خانواده‌ها از شیوه یک نقطه استفاده می‌شود و شیوه روتین و آماده کردن چند نقطه برای جستجو و چک خانواده‌ها به کناری گذاشته می‌شود.

سند شماره ٥: ملاقات نخست وزیر عراق با محمد جواد ظریف وزیر خارجه رژیم در بغداد - ٢٧ ژوئیه ٢٠١٥ (٥ مرداد ٩٤)

بسم الله الرحمن الرحيم



جمهورية العراق

الإمانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكورة داخلية))

التاريخ ١٤١٧/٧/٢٠

السيد الرئيس،
جرحه أعاد مع السيد وزير خارجية جمهورية إيران الإسلامية السيد محمد جواد ظريف والوفد المرافق له،
حيث دار الحديث حول الأوضاع السياسية والأمنية في العراق، والمخاطر وتعزيز العلاقات الثنائية بين البلدين في مختلف المجالات وخطر عصابات داعش الإرهابية على المنطقة،
بارك السيد العبادي العلاقات المتينة حيث أكد أنه العقوبات الاقتصادية جرحه بحق الشعب الإيراني وحق الشعوب وقسمنا نحن العراقيين استمرار العقوبات التي فرضت في السابق،
أكد السيد ظريف أن النجاح الذي تحقق على المستوى العالمي ليس فقط لإيران بل للدول المجاورة، وخصوصاً العراق، والدول التي تقع أنه تتفاعل مع إيران بشكل فعال، وأخيراً من أجل المصلحة العامة والمصالحة الخاصة بين إيران والعراق،
أكد السيد ظريف أن ما من يوم إن كانت العلاقات مبنية على التقدير المتبادل فإن العلاقات المستقبلية بيننا ستكون مهيبة ونافعة على مستقبلنا، وأكد السيد ظريف القصد من الزيارته وبالوجه عمليات داعش

يتبع



السيد: كما طالب السيد طريفه بان يقوم العراق كأحد دولته برفع الحظر
على ممتلكاته واستقراره ايرانية في العراق

أكد السيد العبادي على ايجاله هيئة الحكومة العراقية للقادة ايرانيين
انه من كلفنا انه في عبادات داعش وله الدعم ايرانية المتواصل
هو الفاعل الأساسي في الدفع عن العراق ضد داعش وانه استولى
بغداد على معاندة الجمهوريين للعراق

تضمنت الجابان حول اعفاء منظمة خلق اليرانية حيث تم المستأجر
الكرمي للسيد العبادي شرح مفضل عن عمل اعطاء منظمة خلق
مع داعش وتم تسليم السيد طريفه ملفات داعش المتورطين مع
داعش كذلك تم تسليم اهل من المتورطين من منظمة خلق خلال
الحرب المعروفة على ايرانية

طالب السيد طريفه من العراق اسناد ملف منظمة خلق فيها على
منازل اسفطار البلدين كما طالب ان يكون هناك مباحثه من
العراق لاسناد هذا الملف

الشرح مستأجر الشؤون الخارجية والاطراف الجوانب التي اتخذها

توقيع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهورية العراق
الإدارة العامة لمجلس الوزراء

((مذكورة داخلية))

تاريخ ٢٠١٧ / ٢٧

السيد
المعزات محمد الوبيد الاحويدي لزمته ملتمسة منكحة خلق
السلامة والرفاهية في الحكومة العراقية واثمة من العراق انما ترمي
المصلحة منهم كما جسد طريف ان يبلغ الحكومة العراقية ان الجمهورية
ستكون العراق بأمانة ووظائف كثير قطريا القضاء على ذلك
والتمهات ترمي الدرامي العراقية
انما الجانب العراقي والعراقي بالتمهات سيمتدعة مفعلة قضائية
بالمصلحة والتمهات العراقية في مائة من الناس وانما العراق
الذي جعل عليها الجانب العراقي والعراقي في امانة تامة على اجرامهم
في العراق

انما السيد طريف انما ايران مستعدة ايضا للتعاطف مع العراق
فورا للقضايا السامية منها الكهراء والطاعة البرية في
الصفحة

انتمى النقاد

جمهوری عراق
دبیرخانه شورای وزیران
یادداشت داخلی
تاریخ: ۲۰۱۵/۷/۲۷

یک ملاقات با وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران آقای محمد جواد ظریف و هیأت همراهش برگزار شد.

در این ملاقات راجع به وضعیت سیاسی و امنیتی در عراق و منطقه و تقویت روابط دوجانبه بین دو کشور در زمینه‌های مختلف و خطر گروه تروریستی داعش در این منطقه بحث شد.

آقای عبادی توافق هسته‌یی را تبریک گفت...

آقای ظریف گفت موفقیتی که در سطح جهانی کسب شد، فقط برای ایران نبود؛ بلکه عملاً برای کشورهای مجاور و به‌ویژه برای عراق و کشورهایی که تمایل دارند با ایران همکاری داشته باشند نیز بود...
آقای عبادی گفت که موفقیت ایران، موفقیت عراق و امت اسلام و همه انسانیت خواهد بود...

آقای ظریف دعوت خود از عراق را تکرار کرد و گفت که درهای انبارهای سلاح ایران و اقتصادش برای عراق باز است. هم‌چنین آقای ظریف از عراق خواست که اولین کشوری باشد که محاصرهٔ بانکها و سرمایه‌گذاری در عراق را بردارد...

هر دو طرف راجع به‌اعضای سازمان خلق ایران صحبت کردند. مشاور نظامی آقای عبادی توضیح مفصلی راجع به‌کار اعضای سازمان خلق با داعش ارائه داد و پرونده‌های آن دسته از سازمان خلق را که در جنگ تحمیلی دست داشتند را به‌آقای ظریف تحویل داد.

آقای ظریف از عراق خواست که به‌خاطر ثبات در دو کشور، به‌پروندهٔ

سازمان خلق به‌طور نهایی پایان دهد. وی هم‌چنین از عراق خواست که ابتکار عمل برای پایان دادن به این پرونده را در دست بگیرد. مشاور امور خارجی، اقداماتی را که عراق در مدت اخیر برای پایان دادن به پرونده سازمان خلق اتخاذ کرده است، توضیح داد. آقای ظریف گفت دولت ایران به عراق اعتماد دارد که این کشور می‌خواهد از این سازمان خلاص شود. هم‌چنین ظریف به دولت عراق گفت که ایران به عراق سلاح و هواپیماهای پیشرفته‌ی خواهد داد تا داعش را از بین ببرد و خاک عراق را آزاد کند. هم ایران و هم عراق تأکید کردند که هر دو کشور یک دعوی قضایی ارائه خواهند داد مبنی بر این که سازمان خلق به دلیل پشتیبانی از داعش یک سازمان جنایتکار بوده است و برگه‌هایی که هر دو کشور از این سازمان به دست آورده‌اند، دلایل اثباتی جنایتهای آنان در عراق است.»

در پایان مرور اسناد که در نشستهای قبلی هم به اختصار اشاره کردیم، یک نکته مهم درباره ترفندهای کثیف و ننگین رژیم را لابد خودتان در لابلای دعاوی و حرفهایش علیه مجاهدین دریافته‌اید؛ بنابراین من اشاره‌ی می‌کنم و در می‌گذریم. نکته این است که آن‌چنان در حرف از داعش فاصله می‌گیرد که انگار نه انگار خودش به لحاظ تاریخی و ایدئولوژیک، پدرخوانده داعش است و به لحاظ سیاسی هم داعش و خلافت اسلامی، عکس برگردان سنی مذهب ولایت فقیه به اصطلاح شیعی است. به‌واقع اگر خمینی و رژیم ولایت فقیه در کار نبود، از بازتاب به اصطلاح سنی آن هم خبر و اثری نبود. با این همه، رژیم هم نان داعش را می‌خورد و هم آن را علیه ما چماق می‌کند. دجالیت یعنی همین! مانند همان دجالیت ضد استکباری که نعره‌هایش را خمینی و پاسدارانش کشیدند، اما بمب و برچسب‌هایش نصیب مجاهدین شد!

کلت و کیک سهم خمینی شد، اما سلاح و قرارگاه مجاهدین را گرفتند.

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

در قسمت اول خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال را در ۱۵ محور که بحث شده بود، خلاصه کردیم. واقعیت این است که برخی از این محورها مثل محاصره و قطع ارزاق و دارو و سوخت و آب و برق و خدمات شهرداری، خودش ۵-۶ مقوله است. اما چنان که گفتم بنای کار ما بر خلاصه‌سازی است و خودتان هر محوری را که لازم باشد در نشستهای خودتان باید باز و تشریح کنید.

از طرف دیگر در برخی محورها مثل وارد شدن خودرو یا کامیون انفجاری، اقدامات بازدارنده را هم که لازمه آماده باش در این مورد است، اشاره کردیم. کمالین که در مورد ذخیره ارزاق و سوخت و توزیع فانوس و مجتمع‌های غذایی برای هر یکان صحبت شد. یا عملیات فریب دشمن در پروازهای هوایی با زمانبندیهای متداخل و متفاوت...

در بحث بازرسیهای سرزده و غافلگیرانه هم خطوط قرمز خودمان را معین کردیم و این که در چه صورتی با تمام قوا باید وارد و درگیر شویم و یورش دشمن را پس بزیم یا مهار کنیم. مأموریت یکانهای دفاع متحرک و یکانهای آماده و پشتیبان نیز معین و ابلاغ شده است. برای پخش پارازیت از جانب دشمن نیز باید حداقل آمادگی را داشته باشیم. دستگاههای اشرف را در لیبرتی نداریم، اما وسایل دست‌ساز خودتان کفایت می‌کند.

نتیجه این که وقتی می‌گوییم آماده باش در جمیع جهات برای حرکت سفینه نجات در شرایط و دریای طوفانی، معنی‌اش این است که باید انتظار هر گونه توطئه و ترفندی را از جانب دشمن داشت و قیمت آن را هم داد. در این میان مهمترین موضوع باز هم امنیت و حفاظت مجاهدین در لیبرتی تا آخرین نفر است. توجه کنید که هر چقدر تعداد نفرات کمتر می‌شوند، ریسکها بالاتر می‌رود. به همین خاطر مریم در پاریس و ژنو و

واشنگتن و آلبانی ستادهای حاضر و آماده‌ای را مستقر کرده است که ارتباطات لیبرتی با هر کدام که قطع شد بتوان با دیگری ارتباط برقرار کرد. به نحوی که هیچ مسأله‌ای روی زمین نباید رها شده باقی بماند. گوش کنید! حتی یک برگ سند و مدرک نباید به دست دشمن بیفتد. حتی یک بیسیم یا تجهیزات ویژه دیگر نباید باقی بماند و به دست دشمن برسد. همه مکانها و مقرها قبل از این که نفراشان بروند باید به طور کامل پاکسازی شده باشد. یعنی دشمن به هیچ چیزی دست پیدا نکند.

من الآن نمی‌خواهم وارد سازماندهی سیال دوران انتقال بشوم؛ اما بعد از رفتن خواهر مزگان و خواهر زهره و خواهر صدیقه و هم‌ردیفان و معاونان مسئول اول سازماندهی شما عوض می‌شود. یک ستاد جدید فرماندهی اداره امور را تا بیرون رفتن آخرین نفر از قرارگاه به دست می‌گیرد. عمد داریم که خواهرانمان با توجه به تجربه اشرف دو هفته زودتر لیبرتی را ترک کرده باشند تا اگر در فرودگاه ممانعت کردند یا در لیبرتی درگیر شدید، از همه جهت آماده باشیم.

خلاصه کنم: تشکیلات پولادین برادران این جا باید آزمایش بدهد. معاونت سیاسی، بخشهای روابط خارجی، تبلیغات، ارتباط با سازمانهای بین‌المللی و ارتباطات با سفارتها، مخصوصاً سفارت آمریکا را بر عهده دارد. در قسمتهای ستادی فرماندهی قرارگاه، معاونت عملیات، معاونت امنیت، معاونت پشتیبانی، معاونت بودجه و معاونت ارتباطات مثل همیشه کارشان را می‌کنند. یادتان باشد که اتاق عملیات در هیچ شرایطی تعطیلی نمی‌پذیرد. مانند پست مهندسی و امداد قرارگاه که در معاونت پشتیبانی ادغام می‌شوند. این سیستم شامل ۹ یکان است که به نوبت از لیبرتی می‌روند.

گفتم که مهمترین موضوع از همین الآن تا روز آخر باز هم امنیت و حفاظت یکایک مجاهدین است. بنابراین وقتی از آماده‌باش در جمیع جهات صحبت می‌کنیم، یعنی تضمین امنیت و حفاظت تا رسیدن

به مقصد. هر کسی که دست در آتش یک عملیات ولو کوچک داشته، به خوبی می‌داند که همه چیز دست ما نیست و ما با یک جدول احتمالات پر طول و تفصیل مواجه هستیم. اما مهم این است که از همین امروز در راستای همین امنیت و حفاظت، آنچه از دستمان بر می‌آید، مثل آنچه که تاکنون انجام داده‌اید، انجام بدهیم.

لیبرتی پر از حماسه‌های خاموش است. یک نمونه آن تلاشهای طاقت‌فرسای فرماندهان گردانهای انقلاب در تاریکی شب برای جابه‌جا کردن سنگرها، بازسازی سقفها مخصوصاً سقف سالنهای نشست و اجتماعات، تقویت سقفها طبق محاسبات دقیق مهندسی برای تحمل ضربهٔ موشکی، جابه‌جا کردن اتاق فرماندهی و ستاد زیر ضربات دشمن و در یک کلام چیزی است که به آن می‌گوییم مأموریت بدون خسارت. من نمی‌دانم آیا به آن خواهیم رسید یا خیر؟ البته که ما برای پرداخت هر قیمتی باید آماده‌باشیم. ولی درعین حال، تا آنجا که به‌عزم و خواست خودمان مربوط است، تلاش می‌کنیم مأموریت بدون خسارت، یا با حداقل خسارت باشد.

در مورد حماسه‌های خاموشی که تا به حال انجام داده‌اید ترجیح می‌دهم برخی عکسها و فیلمها را ببینیم. تصاویر گویاست و نیازی به توضیح ندارد. جابه‌جا کردن سنگرها و دیوارهای بسیار سنگین بتونی در زیر چشم دشمن واقعاً کار شاق و فوق‌العاده‌یی بود که انجام دادید و باز هم ادامه دارد.

به خصوص که دور هر محوطه‌یی که کار در آن جریان داشت، ابتدا باید با نصب تیوالهای بلندتر دید دشمن از بیرون را می‌پوشاندیم، تا دوربینهای جاسوسی نتوانند پشت آن را ببینند.





تصاویری از اجرای پروژه ها و «حماسه های خاموش» تاریخ شروع: ۳۱ خرداد ۹۴ - تاریخ پایان: ۳۱ تیر ۹۴





از همان اولین حمله موشکی به بعد، حین ساختن و تقویت سقفها، حرارت فضای بسته زیر سقف که در آن کار می کردند، به ۶۰ الی ۷۰ درجه می رسید. نفس می گرفت و مجاهدان ۳۱۳ مجبور بودند هر چند دقیقه یکبار برای نفس کشیدن بیرون بیایند و این در حالی بود که تمام لباسهایشان خیس عرق بود.



برخی اوقات برادران و فرماندهانتان باید ساعتها به حالت درازکش کار می کردند.









انتقال گونیهها زیر رسقف و آماده کردن برای بردن به بالای سقف





در تاریکی شب هم نباید از هیچ طرف رؤیت می شدند.



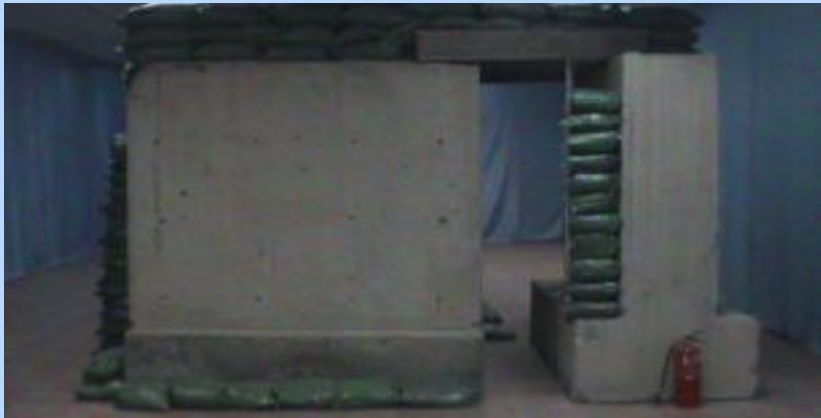












سنگر فرماندهی



فصل هفتم

خطرها بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

۱۷ بهمن ۱۳۹۴

(قسمت چهارم)

اتمام حجت نهایی

قبل از آزمایش بزرگ و اعزام به مأموریت

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۳۴

جز این نیست که مؤمنان و مجاهدان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند و از آن پس شک و شکاف نداشته و بازگشت ناپذیرند، آنان با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کردند، آنانند که صادقند.

برای آمادگی تمام‌عیار ایدئولوژیکی و تشکیلاتی قبل از انتقال بزرگ ترجیح می‌دهم با این آیه از سوره حجرات شروع کنیم. گفتیم که مفهوم و الزامات آماده‌باش در چنین آزمایش بزرگی، همه‌جانبه و در جمیع جهات است. پس ما علاوه بر آمادگی‌های نظامی و سیاسی و امنیتی، در رأس هرم آمادگیها، قبل از اعزام به مأموریت و آزمایش بزرگ، نیازمند آمادگی آرمانی و ایدئولوژیکی هستیم.

یادش به خیر حنیف بنیانگذار که همیشه از جیاب نقل قول می‌کرد که در گرماگرم نبرد دین‌بین‌فو، ما مبارزه ایدئولوژیک را

۳۴-سوره حجرات، آیه ۱۵

فراموش نمی‌کردیم و هم‌چنین انتقاد و انتقاد از خود تعطیل‌ناپذیر بود؛ چرا که لازمهٔ نبرد و پیروزی است...

دربارهٔ اصطلاح «لم یرتابوا» یا شاخص «بازگشت‌ناپذیری»

در یکی از نشستهای قبلی، یکی از برادرانی که در همین سالهای آخر بعد از اشغال عراق، شاید در سال ۱۳۸۷ به‌اشرف آمده، از من قول گرفت که مجدداً معنی اصطلاح «لم یرتابوا» را که در محاورات و فرهنگ درونی مجاهدین رواج دارد، با سابقهٔ آن توضیح بدهم.

ما این کلمه را به‌اختصار و به‌طور خلاصه «بازگشت‌ناپذیر» معنی می‌کنیم که شاخص یک مجاهد حقیقی و عضو واقعی سازمان است. همیشه گفته‌ایم که در سلسله مراتب و رده‌بندی درونی مجاهدین، مرز کیفی، عضویت با برخورداری از ۷ شرط ضروری با خصیصه و شاخص «بازگشت‌ناپذیر» است. این که می‌گوییم، همیشه گفته‌ایم، مبالغه نیست و در تمام بحثهای عضویت در سالهایی که من به‌یاد دارم با همان شاخص «بازگشت‌ناپذیری» روی آن تأکید شده است. از بحثهای مربوط به شرایط عضویت، بعد از ضربهٔ اپورتونیستهای چپ‌نما در زندانهای شاه که در اوین در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ در بحث هویت، فرموله و مکتوب شد، تا بحثهای هویت و عضویت در سال ۱۳۶۴ در پاریس بعد از انقلاب مریم. هم‌چنین در نشستهای ۱۳۶۸ در اشرف و نشستهای مؤسسان دوم در ۱۳۷۴ و سپس در تابستان ۱۳۸۰ در قرارگاه باقرزاده و بعد هم در مؤسسان سوم. این بحث آخرین بار برای اعضای جدید و کاندیداهای عضویت در سال ۱۳۸۹ در نشستهای رمضان در اشرف انجام شد. ملاحظه می‌کنید که سابقهٔ طولانی دارد و همیشه هم تأکید می‌شد.

به توصیهٔ مسئول اول سازمان، عیناً از روی «آیین‌نامهٔ عضویت و رده‌بندی» برایتان می‌خوانم:

«عضویت کیفی‌ترین مرز در سلسله مراتب تشکیلاتی است و با ۷ خصوصیت و شاخص بازگشت‌ناپذیری شناخته می‌شود به‌نحوی که از دست دادن هر کدام از این ۷ ویژگی، عضویت را ساقط و منتفی می‌کند:

(۱) قبول آگاهانه و مختارانه ایدئولوژی اسلام و تشیع مردم‌گرای انقلابی و ضداستثماری با شاخص حضرت علی (ضد خمینی و آخوندهای ارتجاعی) با پایبندی به شعائر.

(۲) قبول آگاهانه استراتژی با پایبندی به ارتش آزادی و سیاستهای انقلابی (ضد شیخ و شاه = ضد استبداد و وابستگی = ضدارتجاع و بورژوازی غارتگر و ضد مردمی)

(۳) تشکیلات‌پذیری و جمع‌پذیری = سانترالیسم دموکراتیک در تشکیلات = فرمان‌پذیری نظامی در ارتش

(۴) شهادت‌پذیری

(۵) مبارزه حرفه‌یی (تمام وقت)

(۶) انتقادپذیری = جهاد اکبر = مبارزه وقفه‌ناپذیر ایدئولوژیک =

عملیات جاری با تضمین جمعی

(۷) انقلاب‌پذیری (ضد ایدئولوژی جنسیت و فردیت) با پایبندی به هژمونی خواهران ذیصلاح مجاهد

تذکره: حداقل تحصیلات کلاسیک برای عضویت، دیپلم است. کسانی که کمبود دارند، باید تحصیلات نظری را تا سطح لیسانس یا دیپلم در داخل سازمان جبران کنند و گواهی‌نامه بگیرند. اگر جنگ با دشمن ضدبشری و مسئولیتهای انقلابی فرصت تکمیل آموزشهای لازم برای عضویت را نداده است، در زیر سوگندنامه باید قید شود آموزشهای نظری لازم در رده تشکیلاتی خود را در اولین فرصت می‌گذرانم و امتحان خواهم داد».

اما خصیصه و شاخص «بازگشت‌ناپذیری» در آرمان و ایمان و مجاهدت، بی‌شک و شکاف، همان معیار صدق و یگانگی است که شرایط عضویت را در خود گره می‌زند و تثبیت می‌کند.

بنابراین تکرار می‌کنم که دیگر با این ۷ شرط و با این خصیصه و شاخص، بین اعضای جدیدالورود تا بالاترین و قدیمی‌ترین مسئولین سازمان و حتی مسئول اول، در مجاهد بودن، تفاوت و مرز کیفی وجود ندارد؛ تفاوت، در مجاهد بودن یا نبودن، یا همان مجاهد ماندن و مجاهد مردن است. بقیه‌اش، تا آنجا که به کار و مسئولیت و سلسله مراتب تشکیلاتی برمی‌گردد، الزامات اداره امور و تقسیم کار و سازمان رزم است که بسته به شرایط می‌تواند تغییر کند. پس در "فرم" (به معنی دقیق سازمان درونی هر پدیده) دعوائی نیست، دعوا در محتوا به معنی عناصر متشکله ایدئولوژیکی و مشخصاً در ماهیت یعنی پایدارترین عنصر محتوایی است. این جاست که هر عضو سازمان، با شاخص و خصیصه «بازگشت‌ناپذیری» مشخص می‌شود. در غیراین صورت معلوم می‌شود که شک و شکاف، حفره و کمبود یا مشکلی در کار بوده است.

در این آیه (شماره ۱۵) که از سوره حجرات خواندم، خیلی جالب است که توجه کنیم این آیه، در ادامه آیه‌یی است (شماره ۱۴) که خدا خودش، خیلی صریح و بی‌تعارف و به‌تیزترین صورت، فرق اسلام آوردن و ایمان آوردن را گوشزد می‌کند. واضح است که مخاطب، همه ما هستیم. گوش کنید:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۳۵

اعراب گفتند ایمان آوردیم، بگو خیر، ایمان نیاورده‌اید بلکه بگویید که پذیرفته‌اید و اسلام آورده‌اید و هنوز ایمان به قلبهائتان وارد نشده و آن را سرشار نکرده است هر چند که اگر خدا و رسولش را اطاعت کنید، از اجر کارهائتان هیچ چیز کم نمی‌کند و همانا که خدا آمرزنده مهربان است...

پس می‌بینید که یکی بحث پذیرش و اسلام آوردن (به معنی عام پذیرش و انطباق) است و دیگری بحث ایمان و بازگشت‌ناپذیری و مجاهدت با تمام توش و توان که این همان مرز کیفی و کیفی‌ترین مرز است.

یکی دیگر از تفاوت‌های پذیرفتن و پذیرش با ایمان و آرمان در دو آیه بعد به‌گویاترین وجه بیان شده است:

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قُلْ لَا تَمُنُّوْا عَلٰى اِسْلَامِكُمْ بَلِ اللّٰهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ اَنْ هٰدَاكُمْ لِلْاِيْمَانِ
 اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۳۶

بر سر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند، بگو بر سر من بخاطر اسلام آوردن و آنچه پذیرفته‌اید منتی نگذارید بلکه این خداست که بر شما منت دارد که اگر صادق باشید شما را به سوی ایمان هدایت کرد.

می‌بینید؟ از این واضح‌تر نمی‌شود! تفاوت قبول و پذیرش با مرحله ایمان را به‌خلاصه‌ترین صورت توضیح داد و شاخص آن را برجسته کرد. هر مجاهد و هر مبارزی که ایمان و آرمان دارد، هرگز به‌خاطر مجاهدت و مبارزه‌اش بر سر کسی منت نمی‌گذارد و به‌قول مجاهدین هیچ‌گاه طلبکار نیست؛ بلکه سراپا بدهکار است. از ناکرده‌هایش می‌گوید نه این که بر سر خلق منت داشته باشد. این چه مجاهد خلق است که بر سر خلقش و سازمانی که او را پرورانده، منت داشته باشد و طلبکار باشد.

به عکس، آن کسی که آرمان دارد و قلب او لبریز و سرشار از ایمان است، با شاخص صدق و صداقت که مبین آرمان و ایمان است، نه فقط در آزمایشات و مصائب روزگار، زبان به‌شکوه و شکایت و طلبکاری نمی‌گشاید، بلکه خدا را به‌این ایمان، شاکر و بدهکار است.

این چنین بود که پیشوا و فرمانده تاریخی ما، امیر مؤمنان می‌گفت که حتی اگر خودش هم تک و تنها در برابر دنیای پر از دیو و دد و مالکی و فالج فیاض و ابن ملجم و خمینی و خامنه‌ای قرار بگیرد... نه می‌ترسد و نه وحشت می‌کند، بلکه یک‌تنه همه آنها را حریف است؛ بر فرقی هم که شمشیر می‌خورد به‌جای آه و ناله می‌گوید به‌خدای کعبه پیروز و رستگار شدم...

برای خیلی از شما، تفسیر آیاتی که خواندم تکراری است. بنابراین خلاصه می‌کنم که من و شما با هم یک بحث ذهنی یا به‌اصطلاح روشنفکری

نداریم و مشغول عبارت‌پردازی نیستیم. قرآن مؤمنین و مجاهدین را با خصوصیت ویژه آنها توصیف می‌کند: صاحب ایمان و آرمان، ارزش و گوهری که خاص انسان است. حیوانات ایمان و آرمان ندارند، به همین خاطر کلمه‌یی به نام وفا یا فدا و کلمه‌یی به نام صدق، اصلاً در دنیای حیوانی مفهوم و کاربرد ندارد.

توجه کنید که خدا نمی‌گوید که مؤمنان و مجاهدانش عیب و ایراد ندارند و منزّه هستند. خیر، اصلاً این‌طور نیست؛ بلکه یک خصوصیت دارند که بر تمام پروسه زندگی و مبارزه آنها سایه افکنده و آن رگ سرخ ایمان و آرمان و مجاهدت آنهاست، **بازگشت‌ناپذیر** هستند؛ در مقابل رژیم و دشمنان خلق و انقلاب، در مقابل ارتجاع و استعمار، **تسلیم‌ناپذیر** هستند، به آغوش ارتجاع و کفر و شرک بازگشتنی نیستند، از این بابت عوض‌شدنی نیستند. به همین خاطر، کارکرد آنها را می‌گوید: *جاهدوا باموالهم و انفسهم...* مجاهدت می‌کنند با دارایی‌ها و جانهای خود. مثل همین مجاهدین که از اموالشان هم در اشرف، وسیله‌یی برای جنگ ساختند و آن را بین‌المللی کردند.

کوبلر از جانب مالکی آمد و گفت بیایید ۵ میلیون دلار بگیرید و رضایت بدهید. مجاهدین گفتند: تف بر تو و مالکی و ۵ میلیون دلار او! آخر این مجاهدین قبل از آن، صدها و هزاران برابر بیشتر، در ایران مال و اموال داشتند که هنوز رژیم دارد ارثیه برخی مجاهدین را مثل خانواده کلثوم شهید و خانواده نعمت (اولیایی) غارت می‌کند و در روزنامه‌هایش هم می‌نویسد و البته باعث افتخار ماست.

پس مجاهد بازگشت‌ناپذیر و صاحب آرمان به جای این که کارش به قول قرآن «يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ» یعنی بهره و لذت بردن از زندگی و خوردن مانند چارپایان و حیوانات باشد، کارکردش مجاهدت در راه خدا و خلق با تمام دارایی و جان و خصوصیت ویژه‌اش بازگشت‌ناپذیری است. این را برای خودش و برای کرسی و مثلاً اسم در کردن و ژست و

قیافه گرفتن نمی‌خواهد، بلکه صادقانه و فی‌سبیل‌الله است. آن چنان‌که در سوره فجر آمده برای یتیم و مسکین و برای کارتن خواب است. برای زحمتکشان و رنجبران و خلق اسیر و میهن در زنجیر است. پس شاخص صدق و ایمان، بازگشت‌ناپذیری در جهاد با مال و جان در راه خدا و خلق است، همین!

حالا برگردید در تاریخ ۵۰ساله سازمان، نفر به نفر را از شهیدان تا کسانی که باقی مانده‌اند، با این معیار ارزیابی کنید. همه چیز روشن می‌شود. در علم پزشکی، از اعضا و جوارح عکس می‌گیرند، یا اسکن یا «ام آر آی» یا شیوه‌ها و فنون دیگر که من نمی‌دانم؛ اما دکتر متخصص با شیوه‌های خودش بالاخره درمی‌آورد که توی جمجمه یا قلب یا امعاء و احشا و کل این پیکر آدمی، چه خبر است. در پهنه^۱ ایدئولوژیک و انسان‌شناسی هم با همین آیه همه این کارها و عکسبرداری‌های ایدئولوژیک را می‌توان انجام داد.

اگر شاخص صدق، بازگشت‌ناپذیری است؛ اگر کارکرد ایمان و آرمان، جهاد با جان و تمام توش و توان است، اگر اینها را ملاک و معیار قرار بدهیم، حالا برگردید و از روز اول که وارد مبارزه و سازمان شده‌اید، همه افراد و همه گروه‌ها و همه مجاهدینی را که دیده‌اید یک به یک از نظر بگذرانید؛ لطفاً روی عیبهای آنها متمرکز نشوید، این جای خود را دارد؛ اما اصل موضوع نیست، لطفاً روی کم و کسری آنها متمرکز نشوید این جای خود را دارد؛ اما اصل موضوع نیست، شاخص را بازگشت‌ناپذیری قرار بدهید. هم‌چنانکه خدا در قرآن گفته است؛ کارکرد را جهاد فی‌سبیل‌الله و مجاهدت در راه خدا و خلق و مبارزه در راه آزادی و عدالت قرار بدهید. آن وقت ناگهان، برای من و شما، یک خط قرمز و مرز سرخ بازگشت‌ناپذیری، به‌گونه‌یی آتشین بیرون می‌زند، پرده کنار می‌رود و معنی صدق و صادق مفهوم می‌شود:

صدق در آرمان و ایمان، با شاخص بازگشت‌ناپذیری که کارکرد آن

مجاهدت با جان و مال در هر شرایطی است؛ زمان و مکان و اشرف و لیبرتی یا آلبانی و غیر آلبانی و داخل و خارج کشور نمی‌شناسد. "واو" شدن و وا رفتن در برابر جاذبه‌های دنیوی و بورژوازی نداریم. مقهور نشوید، مقهور نکنید!

این بازگشت‌ناپذیری، همان «استاتوی رستگاری» است. همان که گفتم، تنها چیز است که در مورد هر مجاهد خلق از سرنگونی هم که جانمایه همه کارهای ماست، مهمتر است.

یک یادآوری ضروری

حالا قبل از اتمام حجت نهایی برای آماده‌باش ایدئولوژیکی، یک یادآوری دیگر هم ضروری است.

یادتان هست در پایان سال ۱۳۹۰ که ابتدای آن قتل‌عام ۱۹ فروردین در اشرف و انتهای آن به‌خاک مالیدن پوزه مالکی و رژیم در ضرب‌الاجل ۳۱ دسامبر بود، وقتی که سرانجام خانم کلینتون وزیر خارجه آمریکا در ۱۰ اسفند ۱۳۹۰ در کنگره آمریکا پیشنهاد خروج از لیست تروریستی در مقابل جابه‌جایی از اشرف به لیبرتی را اعلام کرد، ما دو هفته بحث و جمع‌بندی داشتیم و به این نتیجه رسیدیم که پس از یک دهه پایداری در اشرف، تغییر دوران در چشم‌انداز است.

تغییری که خودمان آن را با گوشت و پوست و استخوان ساخته و پرداخته بودیم. تغییری که اشرفی نخستین (مریم) آن را در کارزار جهانی هدایت می‌کرد.

ستون اول و دوم به لیبرتی آمد و در نشست اشرف در شب عید ۹۱ دوباره به بحث نشستیم.

هنوز پیام لایه عضو و کاندیدای عضو که خواندید در گوشم زنگ می‌زند؛ چون که بحث از سختی‌ها و مشکلات لیبرتی بود که جلو ما قرار داشت. خلاصه پیام این بود که این مأموریتها برای مجاهدین، حلقات زنجیر

سرنگونی است و از ما مجاهدین زالوصفتی و میدان دادن به اپورتونیسیم دور باد! آخرش هم به من نوشتید و گفتید: بتاز، بتاز، بتاز...! که اینها در همان زمان از ماهواره پخش شده است. منظورم از این یادآوری، این قسمت است که ترجیح می‌دهم دوباره قبل از آزمایش و مأموریت بزرگی که عازم آن هستید با هم بشنویم. گوش کنید:

اشرف - نشست عمومی تغییر دوران پس از یک دهه پایداری ۲۷ اسفند ۱۳۹۰

از سال ۹۰ و بعد از این یک دهه می‌دانید با خودم چه می‌گوییم؟ چه در مورد فرد چه در مورد جمع؟ شما به من گفتید بتاز! پس اول به خودمان می‌گوییم و مشخصاً به خودم و به تک‌تک شما؛ همه، چه خواهر و چه برادر حواستان را جمع کنید، شش‌دانگ حواستان را جمع کنید! یا عرضه داریم در این یکی آزمایش هم که بغرنج‌ترینش است، دشمن را سرویس کنیم، یا مجاهدین از پس این آزمایش بر نمی‌آیند و لهیده و چروکیده می‌شوند. دندشان نرم! تا خلق قهرمان از دست اینها خلاص بشود. لابد شما می‌گویید آخر چرا این را می‌گوییم؟ برای این که در این یک دهه رفته و در جایی نشسته‌اید که خیلی جاست! نمی‌دانم با چه کلمه‌یی بگوییم؛ پولادین بگوییم؟ زرین بگوییم یا درخشان بگوییم؟

فقط این کنفرانس‌های بین‌المللی که می‌بینید و کدهایی که از اشرف می‌گویند که من اینها را یادداشت کرده‌ام، یک کتاب می‌شود. باشد تا روزی در فرصتی، نشست، یا پیامی، بتوانم اقلأً یک مقدارش را بیاورم. آن قدر، آن قدر مردم و جوانان ایران، آنهایی که شما را می‌شناسند، آنهایی که ۱۹ فروردین را دیدند، از استرالیا تا کانادا از سوئد تا آمریکا از مصر تا یمن و بچه‌های سوریه به شما ارادت می‌ورزند و احترام قائلند؛ آن قدر جایگاه تاریخی و شأن و مقام پیدا کرده‌اید که شاید خودتان نمی‌دانید. کوربت فقید گفت: شجاعترین شجاعان. درجات و فضیلت‌هایی برای اشرف، یعنی برای مجاهدینش گفته‌اند که من هرگز نگفته بودم. یادتان هست ۳ سال پیش که بحث قدر اشرف را می‌کردیم سقف حرف ما کانون

استراتژیک نبرد بود. بعد جهانی به آن افزوده شد و بهمن‌وار پیش رفت و پیش رفت و دائماً افزوده می‌شود.

باور کنید که وقتی من اطلاعیه اتحادیه جهانی وکلا را دیدم، چون اولین بار در ۱۰ سال گذشته بود که چنین چیزی می‌دیدم، یکه خوردم. چون دو میلیون وکیل، بیش از دو میلیون حقوقدان و وکیل از ۱۱۰ کشور در این اتحادیه هستند. تا به حال ما کانون وکلای انگلستان را دیده بودیم که ۱۴۰-۱۵۰ هزار حقوقدان و وکیل بودند. کمیته بین‌المللی دفاع از اشرف را که ۸۵۰۰ نفر بودند. در عراق هم کمیته وکلای عراقی را داشتیم که یادتان هست ۱۲ هزار وکیل بودند. اما حالا رسیدید به مرز ۲ میلیون حقوقدان و وکیل از ۱۱۰ کشور. یک اطلاعیه کوتاه و خلاصه بود که به‌زندان‌سازی در لیبرتی اعتراض کنید، نیروهای مسلح باید خارج شوند... واقعا یکه خوردم که چگونه حتی وارد زیرساختهای لیبرتی و فاضلابهای لیبرتی و آب و برق لیبرتی شده و از کوبلر می‌خواهد که بیطرف باش! بدون زد و بندها و ملاحظات سیاسی برو به دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی! در مقابل سرکوب دولت عراق سکوت نکن! در مقابل رفتار سرکوبگرانه‌اش برو دنبال حداقلها و بدان که این شرایط برای زنان مسلمان مطلقاً غیرقابل قبول است!

حالا نتیجه‌ام را می‌خواهم بگیرم: در این جایگاهی که قرار گرفته‌اید از این یکی هم سرفرازانه عبور می‌کنید و به‌مداری بالاتر می‌رسید... بنابراین من می‌گویم اگر مجاهدین نکشیدند، دندمان نرم. آیا ما می‌خواستیم در یک چنین جایگاهی قرار بگیریم و خود را به این خلق در زنجیر عرضه کنیم؟ نه، این قابل قبول نیست. اگر عرضه نداریم خدا بهتر از ما را می‌آورد. مگر این که بتوانیم استخوان خرد کنیم، قیمت بدهیم، جنگ ایدئولوژیک را صد روی صد، بدون شکاف و این پرچم (ایستادگی) را بالا و بالاتر ببریم.

شما گفتید بتاز! من هم اول از همه، با جمع خودمان تازیدم! که یا دندتان نرم، بگذارید ملت ایران از دست ما خلاص بشود و بهترش را پیدا کند، یا یک‌به‌یک، در مقام یک سازمان، نه فقط عبور خودتان، عبور دادن این سازمان و جنبش.

دیگر تمام شد، از گهواره اشرف درآمدید، بالغ و پخته و آبدیده شدید. تغییر دوران یعنی این! یا از گردونه تاریخ حذف می‌شوید یا جایگاه خود را نه فقط تثبیت می‌کنید بلکه بالا و بالاتر می‌برید.

راستی بعد از معنی مجاهد بودن و تعریف مرز کیفی عضویت در مجاهدین با شاخص «بازگشت‌ناپذیری» و تسلیم و مغلوب و مقهور نشدن، این یادآوری برای چیست؟

برای همان آماده‌باش ایدئولوژیکی، در رأس هرم آمادگیها قبل از حرکت و اعزام به‌مأموریت، چون هم فرد و هم سازمان آزمایش بزرگی در پیش دارد.

مثل همیشه مجاهدین باید از خودشان شروع کنند؛ زیرا جنگ ما با رژیم و جبهه ارتجاع به‌مدار بالاتری ارتقا پیدا می‌کند. موشکهای دشمن ما را در لیبرتی از پا درنیآورد. اما موشک دنیاطلبی و آزمایش آن در پستوهای نمودور بورژوازی، در پیش است.

حتی روزی که در ۱۹۴۹ انقلابیون چین پکن را تسخیر کردند، مائو هشدار داد که خمپاره‌های آتشین ما را از پا درنیآورد، اما خمپاره‌های شکرین بورژوازی در راه است...

در تاریخ اسلام نیز هم‌چنان که حضرت علی به‌رساترین و فصیح‌ترین بیان در نهج‌البلاغه تصویر کرده است، چه بسیار کسانی که در برابر شمشیر در جبهه جنگ مغلوب و مقهور نشدند، اما در قدمهای بعد طمع و زرق و برق دنیا، آنها را با خود برد :

فَإِنَّمَا هُمْ أَهْلُ دُنْيَا مُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ مَهْطِعُونَ إِلَيْهَا وَ قَدْ عَرَفُوا الْعَدْلَ وَ رَأَوْهُ وَ سَمِعُوهُ وَ
وَعَوَّهُ... ۳۷

همانا که آنان اهل دنیا هستند و با شتاب به آن رو آوردند در حالی که عدل و داد را شناختند و دیدند و شنیدند و دانستند...

در نشست عمومی ۲۸ آذر یادتان هست که گفتم: «بگذارید اگر تابلو هجرت بزرگ، یعنی انتقال همگانی و حرکت به سوی پایگاه امن محقق شود، پیشاپیش به همه اشرف‌نشانها و هواداران مجاهدین که با مشتهای گره کرده و هفت عصا و کفش آهنین سالیان سال، همه جای جهان را با طولانی‌ترین تحصنها و تظاهرات و اعتصابها برای حفاظت و امنیت و سلامت شما، درنوردیدند، بگویم که همراه با خلق در زنجیر، حق دارند هر روز از مسئولین و کادرها و اعضای مجاهدین بپرسند که آیا «هم‌چون خودش» (اشرفی نخستین مریم را می‌گویم) با عزم «جنگ» هر چه بیشتر، از عراق خارج می‌شوید یا «نه جنگ؟» برای رزم یا برای بزم؟ راستی کدام یک؟»

در همان نشست قرار گذاشتیم که ادامه این موضوع حیاتی را به نشست دیگری موکول کنیم که حالا نوبت آن است. در همان نشست در انتهای ماجرای صبرا و شتیلا هم گفتم:

«ای خواهران و ای برادران، علت این که من در این سالها، پیاپی با شما اتمام حجت می‌کنم، علت چراغ خاموش، علت ابلاغیه‌های تصفیه و اخراج، همین است که می‌خواهم در کمال آگاهی و اختیار تصمیم بگیرید. می‌خواهم هیچ مانعی، بر سر راه رفتن برای هرکس که می‌خواهد جان به‌در ببرد، وجود نداشته باشد. بنابراین در حالی که به‌عنصر مجاهد خلق واقعاً برمی‌خورد، این اتمام حجتها و ابلاغیه‌ها را عام و عمومی یعنی از بالا تا پایین و بدون هر گونه استثنا کرده‌ایم تا خاص یک رده یا یک لایه در تشکیلات شما و در سازمان رزم ارتش آزادیبخش نباشد. تا بالا و پایین و

قدیمی و جدیدی نداشته باشد. می‌خواهم حساب این سازمان و حساب این مقاومت، پاک و پاکیزه و روشن باشد.

خوب می‌دانید که این هم از خودمان نیست، بلکه مجاهدین سنت چراغ خاموش و هم‌چنین سنت برافراشتن پرچم فروغ جاویدان را از امام حسین آموخته‌اند. خوب می‌دانید که امام حسین در طول مسیر چندین نوبت چراغ خاموش داد و می‌گفت هر کس می‌خواهد پی کارش برود... در غیراین صورت تابلو عاشورا این‌چنین نمی‌درخشید.

در عین حال، این اتمام‌حجت ایدئولوژیکی و تشکیلاتی ما، تودهنی محکم ایدئولوژیکی و سیاسی و تشکیلاتی به‌رژیم و مستخدمان و همدستان و هم‌خطان است...». همین روش که از پیامبر جاودان آزادی آموختیم، اسطوره‌اشرف و لشکر فدایی ۱۰۰ نفره آن را در ۱۰ شهریور ۹۲، جاودانه کرد. این‌چنین بود که از پس کوبلر و همدستان و هم‌ریشان برآمدید. این‌چنین بود که اتوبوسهای مالکی از اشرف خالی برگشت و کسی به‌هتل یمامه نیروی قدس و فالج فیاض نرفت.

واضح است که شأن و جایگاه مجاهدین بازگشت‌ناپذیر نیز در این اتمام‌حجتها و ابلاغیه‌ها به‌لحاظ تاریخی و ایدئولوژیکی و سیاسی بسا بالاتر رفت و خوشا مردم ایران با این گوه‌ران بی‌بدیل و نوامیس ایدئولوژیکی یک تاریخ و یک خلق و یک میهن. تاریخ ایستادگی و فدای تمام‌عیار در برابر ایلغار خمینی و خلافت ارتجاعی...

به‌راستی که من در تمام ابلاغیه‌ها و اتمام‌حجتهای ۱۳ سال گذشته در اشرف و لیبرتی حتی یک مجاهد بازگشت‌ناپذیر ندیدم که به‌موضوع از ته دره یا از سر ضعف و ناتوانی نگریسته باشد. هر چه بود، در مورد مجاهدین حقیقی و بازگشت‌ناپذیر از نوک قله فتح و پیروزی ایدئولوژیک بود.

بله امروز می‌خواهم قبل از خاتمه نشست، آخرین اتمام‌حجت ایدئولوژیک و تشکیلاتی را در لیبرتی به‌عمل بیاوریم. به همین منظور دوباره خطرات پیش رو را خاطرنشان می‌کنم. ما فهرستی از خطرات را

مرور کردیم؛ اما این، همهٔ خطرات نبود و باید حساب عوامل نامعین و پیش‌بینی نشده را هم کرد. می‌خواهم از جمیع جهات هوشیار باشید و بتوانید تصمیم بگیرید. من هر آن‌چه را می‌دانستم، با فرضیات مختلف جلو شما گذاشتم تا بتوانید انتخاب نهایی خود را در همین لیبرتی با خطراتی که در پیش دارد، به‌عمل بیاورید. دوران موجهای بزرگ و تکانهای عظیم فرا رسیده است. مجاهدین و نسل آنها این افتخار را داشته است که چند نسل پیاپی در معرض بزرگترین و خطرناکترین و مهیب‌ترین و طولانی‌ترین ابتلای تاریخ ایران قرار بگیرند.

الهی لک الحمد که ما را شایستهٔ این آزمایش دانسته‌ای.. نعمت و منتهی که در تاریخ ایران به‌هیچ‌کس دیگر عطا نکردی. خدا کند که شایسته باشیم و مجاهد بمانیم و مجاهد بمیریم...

امروز هم می‌خواهم آخرین اتمام‌حجت را بعد از ۱۳ سال باز هم با تک‌تک شما انجام بدهم. علاوه بر فرد فرد شما، به‌لحاظ سیاسی هم، هدف، مشت محکمی بر دهان دشمن ضدبشری است، قبل از ترک لیبرتی و عراق. یادتان باشد به‌هر کشوری هم که رفتید، طبق سنت مجاهدین آنجا، دوباره اگر خواستید باید درخواست عضویت کنید. طبق سنت سازمان در پایان دورهٔ آزمایشی که من نمی‌دانم در هر کجا و هر شرایطی، چقدر طول می‌کشد، جمع، مخصوصاً هم‌رده‌های خودتان که شما را می‌شناسند، باید عضویت شما را با احراز ۷ شرط عضویت و همان شاخص، مجدداً و در کمال افتخار در مداری زرین و بسا بالاتر، تصویب و ابلاغ کنند. این قلهٔ بالابلدتر دیگری از افتخارات تاریخی و ایدئولوژیکی مجاهدین در این هجرت کبری است. به‌رغم فاصله جغرافیایی، مجاهد را بر سر چشمهٔ صدق به‌پیشوای آرمانی‌اش امام حسین نزدیکتر و با او یگانه‌تر می‌کند. آخر او هم که سیاهی لشکر نمی‌خواست. هفتاد عضو بازگشت‌ناپذیر تا بیکران و جاودان کفایتش کردند.

بله، این همان کیفی‌ترین مرز است. اگر کسی بر سر سوگند جلاله

باقی باشد، معلوم است که مثل نمازهای روزانه به‌غایت از آن استقبال می‌کند زیرا معنی سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی و حتی امنیتی آن را در محیط‌های جدید می‌داند.

از جنبه امنیتی یک خاطره می‌گویم از ۴۲ سال پیش. از مجاهد شهید و والا، فرهاد صفا که سال ۱۳۵۰ دستگیر شد. او از شیراز، مهندس کشاورزی و بسیار با استعداد و محکم و جاافتاده بود.

در سال ۵۱ در زندان قصر، بعد از این‌که بسیاری از کادرهای سازمان را به‌زندانیهای شهرستانها مثل مشهد و شیراز و سایر نقاط تبعید کردند، فرهاد با موسی و من مرکزیت آن روز زندان شد. اما چون مدت محکومیت او اگر اشتباه نکنم، ۳ سال بود، خیلی رعایت می‌کردیم که لو نرود و بتواند آزاد شود و زودتر بیرون برود و به‌سازمان بپیوندد. یکی از ترفندهای ساواک در آن ایام نفوذ دادن افرادی در میان گروههای مبارز در زندان بود تا از کارهای ما سر در بیاورد. ما هم قرار گذاشته بودیم که با هر تغییر و جابجایی در زندانها، برای هر فردی که جدید وارد می‌شود، هر سابقه و رده‌یی هم که داشته باشد یک دوره آزمایشی بگذاریم و خلاصه سر ضرب در معرض همه اطلاعات قرار نگیرد، تا اگر خدای ناکرده در کار او شلیه پیله‌یی هست، ضربه نخوریم.

یکی دو ماه بعد فرهاد را از پیش ما که حبس ابد داشتیم به‌زندان قزل حصار بردند که در آنجا زندانیان با حبس‌های کمتر بودند. سال بعد، فرهاد را قبل از آزادی‌اش دوباره پیش ما به‌زندان قصر آوردند. شاید که می‌خواستند چک کنند و البته ما هم از این فرصت برای انتقال آخرین تجارب دستگیریها و بازجوییها به‌او و سایر بحثهای سیاسی و تشکیلاتی آن روزگار و هم‌چنین جاسازی و ارسال مدارک و اطلاعات به‌بیرون، حداکثر استفاده را کردیم. اما نکته جالب این بود که در اولین نشست در گوشه اتاق ۷ که من و موسی می‌خواستیم بحثها را با او شروع کنیم، همان ابتدا گفت این نشست فول است و شما دو نفر نباید با من بنشینید! با تعجب

گفتم چرا؟ گفت مگر قرار این نبود که وقتی کسی به زندان دیگری می‌رود و برمی‌گردد و در هر گونه انتقال و جابجایی یک دوره آزمایشی داشته باشد؟ گفتم بله درست می‌گویی ولی...

گفت: «ولی شما دارید این را در مورد من نقض می‌کنید!»
از این حرف او به خاطر این که مطلقاً به او اعتماد داشتیم، خنده‌مان گرفت، ولی بعد دیدیم او خیلی جدی می‌گوید و چندین نمونه از ترفندهای ساواک در زندان قزل حصار را برای ما گفت که واقعاً جدید بود.
منظورم از این مثال، جدیت فرهاد به لحاظ امنیتی، در قراری بود که از قبل در سازمان گذاشته شده بود.

دو نکته مهم

قبل از این که آخرین ابلاغیه اتمام حجت را برایتان بگویم، این نکته را هم بگویم، که در آلبانی یا هر کجای دیگر که ابتدا وارد کمپهای پناهندگی می‌شوید، موقع ترخیص از این کمپها، طبق سنت مجاهدین، یکبار دیگر هم شما را مخیر خواهند کرد که اگر می‌خواهید در خارجه، به دنبال زندگی مطلوب خود بروید. هدف، آببندی درخواست عضویت است تا هیچ شک و شبهه و شکافی در آن باقی نماند. طبق همان آیه‌یی که خواندیم، مجاهد بودن من و شما، اگر آرمانی و صادقانه و بازگشت‌ناپذیر است، منتهی است که خدا بر سر ما گذاشته، نه این که منت ما بر سر خلق و سازمان مجاهدین خلق باشد.

هشدار آخر: در ماههایی که در پیش داریم جماعت شمر و یزید زمانه، اگر راه ما را بستند، یا حتی اگر مانع خروج یک نفر از مجاهدین، مخصوصاً خواهران و برادران مسئولمان شدند، مجاهدین می‌مانند و تا نفر آخر می‌جنگند و در ارض امام حسین و خاک پای او به شهادت می‌رسند. اگر هم زور دشمن نرسید و راه باز شد و انشاءالله مجاهدین به سلامت منتقل شدند، باز هم هر مجاهد خلق، در هر کجا که باشد، در رکاب امام

حسین، یک افسر ارتش آزادی در چارچوب مؤسسان چهارم است. اینها را می‌گوییم که خوب و بدون هر گونه شک و شبهه و شکاف فکرهایتان را بکنید. فکر نکنید من نمی‌فهمم که این حرفها برایتان فشار و حتی شوکه‌کننده است. باور کنید می‌فهمم و حس می‌کنم که در اندرون دل هر مجاهد خلق در این لحظات چه غوغایی است؛ اما توجه کنید که من دارم تک‌تک شما را از یک آبشار ناباوری بر روی خون شهیدان، به خط آتش دیگری پرتاب می‌کنم که می‌دانم آزمایش سخت و بزرگی است.

ابلاغیه مجدد ترک لیبرتی

با تشکر از برادران و خواهرانی که صحبت کردید، جای خوشوقتی است که اغلب، با ادراکات عالی و فوق‌العاده عالی، گفتید که این واجب‌ترین اتمام‌حجت در همه این سالهاست.

در عین این که من و شما هنوز نمی‌دانیم که طرفهای مقابل ما، چه زمانی پای این انتقال، آن هم به شکل سالم و امن و سازمان‌یافته و متمرکز که ما می‌خواهیم می‌آیند. ولی پیشاپیش می‌خواهیم برای آن آماده بشویم و کارمان را انجام بدهیم تا عقب نیفتیم. توجه کنید که هر روز عقب افتادن به‌مثابه فرصت دادن به دشمن و توطئه‌های آن است (اخبار موثق و خبرهایی که باید تحقیق شود، در این باره زیاد داریم که می‌گذارم برای بعد).

از طرف دیگر تا آخرین روز و تا آخرین ساعت و آخرین دقیقه‌یی که در لیبرتی هستید، مبدا مبدا از حفاظت اضلاع و مسائل امنیتی و حفاظتی گرفته تا رسیدگی به مسائل گوناگون قرارگاه و شهرداری و موضوعات روحیه و رفاه، کوتاه بیایید.

حالا من برای این که هیچ ابهامی نباشد، شما، یعنی همه شما را تک‌به‌تک در برابر ابلاغیه مجدد ترک لیبرتی قرار می‌دهم.

گزینه اول: هر کس خواست از لیبرتی، با این همه خطراتی که در پیش دارد برود، او را خودمان به کمیساریا معرفی می‌کنیم تا حقوق قانونی

را هم مراعات کنند. فعلاً نیم‌میلیون دینار هم کمک مالی برای کسی است که می‌خواهد برود. کاش بیشتر می‌داشتیم، اما وضعیت را می‌دانید. شاید در جمع مجاهدین گفتن این حرف زشت باشد که اگر کسی خواست، می‌تواند به ایران و نزد رژیم برود. می‌تواند نزد خانواده یا زن و بچه‌اش برود یا می‌تواند با موقعیت پناهجویی و پناهندگی که سازمان با هزینه گزاف برای او گرفته از کمیساریا بخواهد که او را به کشورهای خارجی که مطلوب اوست بفرستند. این دیگر بسته به خود فرد است. اما من باید حرف را به صورت کامل و جامع بگویم تا چیزی ناگفته نماند. کاش این کمیساریا جای جداگانه‌یی از خودش می‌داشت. اما زیر بار این چیزها نمی‌رود و متقاضیان را به هتل مهاجر بغداد می‌فرستد و هر کس را هم که تابه‌حال ما گفته‌ایم بیا و با خودت ببر، می‌گوید طبق قوانین عراق که کمیساریا به آن التزام دارد، فرد باید به مقامات عراقی معرفی شود و به محل اقامتی که آنها تعیین می‌کنند برود و سپس کمیساریا سراغ او می‌رود.

گزینه دوم: اگر کسی در خارجه به هر دلیل در تشکیلات مجاهدین نمی‌گنجد و می‌خواهد به دنبال زندگی مطلوب خودش برود، ما او را تا آلبانی و کمپ پناهندگی می‌رسانیم و از آن پس دیگر حل و فصل کلیه مسائل فرد مربوطه، به عهده خود اوست. حال اگر فرد با رژیم مرز دارد و می‌خواهد هوادار مجاهدین باقی بماند در این صورت می‌تواند صادقانه اعلام هواداری کند؛ به شرط این که به مرزبندی‌های سیاسی و امنیتی و اخلاقی مجاهدین ملتزم باشد و از هر گونه کار غیرقانونی که برای مجاهدین مرز سرخ است، پرهیز کند.

گزینه سوم: این گزینه، خاص مجاهدین با پرچم فروغ جاویدان حسینی در استراتژی هزار اشرف به معنی هزار کانون شورشی است. همان عهد و پیمانی که در عاشورای ۹۳ پرچم آن را بر دوش کشیدید. قبل

از آن هم در تشکیل مؤسسان چهارم ارتش آزادی و قبل از آن هم در سالهای پایداری پرشکوه در اشرف. همان ایمان و آرمان بی‌شکاف و مجاهد بازگشت‌ناپذیر با تمام توش و توان. همان مجاهد ماندن و مجاهد مردن و جاودانگی و رستگاری...

در پایان من در آستانه ۱۹ بهمن، عاشورای مجاهدین، ۳ ماه پس از حمله موشکی ۷ آبان، فقط شما را قسم می‌دهم که عجله نکنید و صادقانه انتخاب کنید. به خاطر خودتان و به خاطر سازمان و خلق قهرمان با آزادی و اختیار کامل، انتخاب نهایی خود را انجام دهید.

ابلاغیه مجدد اخراج و ترک لیبرتی

۱۷ بهمن ۹۴

در آستانه ۱۹ بهمن، سالگرد عاشورای مجاهدین و ۳ ماه بعد از آخرین حمله موشکی به لیبرتی، در شرایطی که سازمان بر روی دریای رنج و خون شهیدان و مجاهدان آزادی ایران، با هزینه و وقت و انرژی کلانی، برای من موقعیت پناهندگی به دست آورده است و در شمار اشخاص مورد نگرانی، برخوردار از حمایت بین‌المللی و مشمول اصل نان رفولمان ثبت‌نام شده‌ام:

سازمان در یک آتشباری درخشان سیاسی و ایدئولوژیک دیگر، در برابر دعوی دشمن ضدبشری و مزدوران اطلاعات آخوندی، مجدداً با ابلاغیه اخراج و ترک لیبرتی، بار دیگر مرا مخیر کرده است به هر کجا می‌خواهم بروم.

گزینه‌هایی که به‌عنوان آخرین اتمام حجت در برابر من است، به شرح زیر است تا هر کدام را که می‌خواهم با آزادی و اختیار کامل انتخاب کنم:

گزینه اول، ترک لیبرتی با معادل نیم‌میلیون دینار کمک مالی و معرفی به کمیساریا برای رفتن به هر کجا که می‌خواهم.

گزینه دوم، اعلام صادفانه هواداری در صورت نداشتن شرایط عضویت در تشکیلات مجاهدین و درخواست اعزام به آلبانی که بعد از آن حل و فصل کلیه مسائل قانونی و مالی و استقراری، بر عهده خودم است.

گزینه سوم، هم‌چنان که سال گذشته هم‌زمان با عاشورای حسینی نوشتیم، با پرچم فروغ جاویدان و استراتژی هزار اشرف، بر سوگند مجاهدی خود استوارم و در هر شرایطی، مانند نمازهای روزانه، پیمان مجاهدت می‌بندم و درخواست مجدد عضویت می‌کنم و آن را مشت محکمی بر دهان دشمن ضدبشری و همدستان و پشتیبانان و مزدوران آن می‌دانم.

گزینه و جواب من این است:

نمونه های پاسخها که در موزه مقاومت نگهداری می شود

با کمال افتخار و اوج آگاهی و به عنوان عضو کوچکی از خانواده مجاهدین، گزینه سوم را انتخاب می کنم و با عمق وجودم نسبت به این نعمت راه یافتگی شاکر هستم و گواهی می دهم که مجاهدین به یمن رهبری پاکبازشان در ۴ دهه مبارزه با رژیم ضدبشری آخوندی از هیچ فدا و از خود گذشتگی فروگذار نکرده اند. با خون اشرف و موسی راه خود را باز کرده و به جلو پیش رفته اند و همواره با ذبح عظیم و با شاخص «کس نخارد» از همه توطئه ها و ابتلائات با سربلندی عبور کرده اند. همراه با بقیه هم سنگرانم، غزل خوان و پاکوبان، برای جنگیدن هر چه بیشتر و برای فدای خالصانه تر، این مسیر را انتخاب می کنم. هیهات منالذلة!

۱۳۹۴/۱۱/۱۷

مجاهد می مانم، مجاهد می جنگم و مجاهد می میرم، سرم بلند است که در لشکر فدایی ۳۱۳، در هر کجا که لازم باشد، با نیازمندی مطلق و بدهکاری مطلق، انجام وظیفه کنم و یقین دارم که با سلاح درخشان انقلابم و با تکیه به سلطان نصیر جمعی در برابر هر ابتلا و آزمایشی، مستحکم و با صلابت هستم و در اثبات هزار اشرف و تکثیر ارزشهای ناب مجاهدی ام کوتاهی نخواهم کرد و برای پرداخت هر بهایی، حاضر، حاضر، حاضر! ... هیهات منالذلة!

سلام بر مریم پاک رهایی! زنده باد ارتش آزادی!

۹۴/۱۱/۱۷

اینک وارد دوران جدیدی می‌شویم که ابعاد ناشناخته‌ای دارد، ولی ما هر جا که باشیم، برای فدای حداکثر و باز کردن راه به هر قیمت آماده هستیم و با این آمادگی از هر تنگه‌ای عبور خواهیم کرد. من هم سوگند می‌خورم مجاهد بمانم، مجاهد بجنگم و مجاهد بمیرم.

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران! مرگ بر اصل ولایت‌فقیه! درود بر رجوی! زنده باد آزادی! مجاهد ۳۱۳

گزینه‌ام گزینه سوم است. گزینه شرافت، گزینه وفاداری به سوگند مجاهدی‌ام، گزینه عشق به خدا و خلق و رهبران آرمانی‌ام، آری این زیباترین گزینه است و من با تک‌تک سلولهای وجودم هر لحظه و تا ابد، گزینه مجاهدی‌ام را فریاد می‌زنم. گزینه من به‌عنوان زن مجاهد خلق، گزینه زینب کبری علیها سلام می‌باشد و سوگند یاد می‌کنم که مجاهد بمانم، مجاهد بجنگم، مجاهد عشق بورزم و مجاهد بمیرم.

هیئات منا الذله! عاجزانه از سازمان محبوبم درخواست می‌کنم مرا برای بار دیگر عضوگیری کند و این درخواستی است که روزی هزار بار آن را تکرار می‌کنم. متعهد می‌شوم مجاهدی باشم که همیشه پا در راه و آماده فدای همه چیز باشم. عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران، افتخاری است که هرگز آن را از دست نمی‌دهم مجاهد می‌مانم و مجاهد می‌میرم، اللهم لک الحمد و لک الشکر!

۹۴/۱۱/۱۷

گزینه سوم را با تمام عشقم به آرمان و آزادی خلق اسیرم انتخاب می‌کنم و خودم را به‌عنوان عضو لشکر فدایی ۳۱۳ در لیبرتی ثبت‌نام کرده و سوگند می‌خورم. مجاهد ماندن و مجاهد مردن با تمام ارزشهای انقلاب مریم رهایی و اصول تشکیلاتی سازمان، بالاترین شرفم است. در سالگرد عاشورای مجاهدین، با سمبل فدا و صلابت زن مجاهد خلق، شهید اشرف پیمان می‌بندم؛ با آگاهی و سرشارتر از همیشه، در جنگی صد برابر، پیروزی را محقق خواهیم کرد. سلام بر آزادی! سلام بر شهیدان مجاهد خلق!

۹۴/۱۱/۱۷

من یک مجاهد خلق کم‌بیرتابوا، مجاهد مریمی و عضو لشکر فدایی ۳۱۳ هستم و برای هر شرایطی که بعد از این پیش بیاید، آماده‌ام و برای تحقق آرمان والای مجاهدین که همان اسلام انقلابی و جامعه بی‌طبقه توحیدی است و آزادی میهن اسیر و خلق در زنجیر، آماده و حاضر حاضر می‌گویم. دشمن ضدبشری باید بداند که با شورای مرکزی و تشکیلات پولادین برادران، ریش و ریشه ولایت فقیه و ارتجاع و بنیادگرایی را بر خواهیم کند. هیئات منا الذله! زنده باد ارتش آزادیبخش ملی!

۹۴/۱۱/۱۷

تار و پود من با نام سرخ مجاهد خلق پیوند خورده، بالاترین منتهی که خدا بر من گذاشته است، افتخار شناخت عضویت در سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران به‌عنوان گنجینه ملی و میهنی است. مجاهد ماندن

و مجاهد مردن، هویت من است. زندگی برای من یعنی جنگ و نبرد برای آزادی، فقط همین! حالا دیگر بعد از این ۱۳ سال پایداری، بعد از عبور از طوفانها و ابتلائات مختلف، بعد از پرکشیدن همه آن یاران قهرمان و دلآوری که از کنارم رفتند و شهید شدند، بیش از پیش پیروزی را لمس می‌کنم. پیروزی در نام مجاهد خلق خلاصه می‌شود. حال با استراتژی هزار اشرف چه باک از زنده بودن یا افتخار شهادت و رستگاری، آن هم بر خاک مقدس امام حسین، من و ما در این آرمان زنده و جاودان هستیم. مجاهد اشرفی از لشکر فدایی ۳۱۳-

۱۷/بهمن/۹۴

با تک تک سلولهایم بر سوگند جلاله مجاهدی خود استوارم، نیازمندتر از همیشه، سرشارتر و استوارتر و بدهکارتر از همیشه، تقاضای عضویت در سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران را دارم تا دوشادوش مجاهدان قهرمانی که افتخار هم‌رزمی با آنها را دارم، تحت مسئولیت شورای مرکزی سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران، هر نقطه از جهان را به کانون مقاومت و مجاهدت تبدیل کنم؛ تا چنان ریشه رژیم آخوندی را بسوزانیم که اثری از ارتجاع و بهره‌کشی در ایران نماند. سوگند می‌خورم که مجاهد بمانم و مجاهد بمیرم و هرگز نعمت راه یافتگی را که به خاطرش در دنیا و آخرت مدیون مسعود و مریم هستیم، از کف ندهم.

۹۴/۱۱/۱۷

در سالگرد عاشورای مجاهدین، در خاک پای امام حسین (ع) فریاد می‌زنم که مجاهد خلقم، مجاهد می‌مانم، مجاهد می‌جنگم و مجاهد می‌میرم! و چه افتخاری بالاتر از این و آن را هر روز و هر لحظه تجدید می‌کنم. بالاترین افتخار همواره برایم بودن زیر چتر این رهبری و در تشکیلات پاک و مقدس مجاهدین است و خدا را به خاطر داشتن چنین نعمتی شکر گزارم. در سازمان از روز اول فراتر از ظرف و مکان مبارزه، آموختم که با چنگ و ناخن و دندان و به هر قیمت باید جنگید و جنگید و این دشمن خدا و خلق را سرتگون کرد و این دیگر تبدیل به یک تعهد و آرمان ملی و میهنی شده است. الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا

۱۷ بهمن ۹۴

پاسخ به ابلاغیه ترک لیبرتی
گزارش معاونت پرسنلی ارتش آزادیبخش
بهمن ۱۳۹۴
آمار نهایی ابلاغیه ها

گزینه اول: بریده متقاضی ترک لیبرتی [به منظور تسلیم و رفتن به هتل مهاجر بغداد تحت کنترل قاسم سلیمانی] = یک نفر

گزینه دوم: بریده متقاضی خارجه [با هزینه و امکانات مجاهدین] با اعلام هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران و التزام به مرزبندیهای سیاسی و امنیتی و اخلاقی مجاهدین و پرهیز از هر گونه کار غیرقانونی = ۸ نفر

گزینه سوم: درخواست عضویت مجدد در سازمان مجاهدین خلق ایران و قبول دوره آزمایشی با پرچم فروغ جاویدان حسینی در مأموریت، با استراتژی هزار اشرف در چارچوب مؤسسان چهارم ارتش آزادی = تمامی نفرات و مجاهدان باقیمانده در لیبرتی

اتمام حجت پرچم فروغ و ابلاغیه ترک لیبرتی

نمونه‌های عهد پرچم در لیبرتی
و ابلاغیه «چراغ خاموش»
در آستانه فروغ جاویدان حسینی
۱۱ آبان ۱۳۹۳

محمد پرچم در تبريز و با به نيجه چراغ خاموشيه، در آستانه فروغ جاويدان حسينيه

مشنگ خاكي كه تحت اسر خفيقه ارتجاع به نام دى مجاهدين كسر بسته بود، رفت، من و سائيم - جاويدان عشق در اين خرد گاريفر بودز آشنه، با چا چاى پرنگه در دوايهات، هشتونقاوه و سايس و باهون پرانگ و رنگ دوايه ارباب، اشعرت لودنگه عليه مديان، در عين و طارح از موق... مجاهدين هله عطرط، خاربه خراسان و زمان ساري از تبريز در مرمز مين نام حسين و در كتاب ادوا به چن خوبه. مجاهدين به خود با پشوايه آهنگ و بزاده قاربنه عوف و عوف شويان و آهنگون، و ناگرون.

آخيه مجاهدين كونه سايه آراس خلق در جيل خود بود و با ميسان نيادت اخواب ايج نو لوكي، ايراني و پرچمده طومرم ايكه خيوشه كه در سرحله جبر با پرچم فروغ و خوار اشرف به تشكيل شوراى كورنى سائسان بايع الله و ناس ما عكار مجاهدين و رنگن آهنگه را در عين خوبه.

دو ساله پيشتر در عين قيام ميسان... من تشكيله و از مرمز ايج نو كونه تشكيله سولام تا طلعه سحاب عدم: صحت در اين ماهه چند بار تيم به خودم و ششم - سيزوشم. لما ائقون پس به جنگ بايه، با پرچم فروغ، هزراى با فروغ جاويدان حسين، سائسان بار آيه به صفت خاوشن ائقون چلي تو رنگ نام حسين، ايره نيايه انام صحت داده و من لا به كره، رنگه لرسته، مخيوشه كه است تا اگر تيم خدام، در صرع وقت صحرانكه كه خوام بوم.

ميدام كنه طه سائسان هر يريقه بوايه كه نيمدهو كنه رزم و نورالهدايات آن، در زو خانه خود در صحت ثوابه ز كيه و لينيت، و مودارت مشيت و اذانت دستوي بيون صوكونه كز اول و رنگون است.

ميدانم كه مجاهدين با اير اشرف آهنگه شها، خوردا داد، و در مرمز ايه خيه و اذيت چراغ خاموشيه به آشنه، و رنگن در مهران، ميارت كيه، برايان، و ائق، اير نو كيه خود به نام و سئيه و صفت، و اذت نه بيز.

اچنين ميدانم كه خيوشه نو سائسان رنگن و رنگن خود با نونه ويست و سائسان در اين سولام بيوج مكد و سئونه موداد داشت.

جواب من و انام صحت پرچم فروغ و ايه خيه كره بيري اير است:

من، جاويدان عشق در عين و حسين بود، صم و صمام بود، بوايه من هوشه كنه و خواسيه و مراهبه، مرمز نگاه بيري در سيز و رنگن مجاهدين كه در اير نام حسين ايج اواه و صفت، عود و صلات و خوار و اذت، اير است، تو طه خاوشن

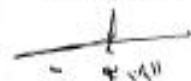
و خول آن در مرمز كيايه و ائقون كه باشه را به سعه بوي كرم و ديكن و ششم بوم، با ايج ائقون و ائقون... دره ديه و صمام بوايه مازان، بوايه اير ايره، اواي طومرم و اشكاشان بر تيه و با اشكوب خاويدرم تا نه ندين، جاده كنه كنه، بوايه،

به كنگ و به بوم و نكزه و صم كونه ايج ائقون بوم بود، كنه و ششم بوم ايجون در اشكوشن اير صحت بوي و فين اير ايره خوام شكست و بوي كرم كنه كنه كه خوام كشت، اكه بوم كشت.

ا لقمه لك ائقون حور اشكاشان ائقون ائقون، صابم ائقون الله عليه خليم زديتي اللهم اذقني شفاقه العيسين بوم خورود و كيت ايج كدم عوق و ائقون مع العيسين و اصحاب العيسين

ايرين با لوا صابم دون العيسين عليه السلام

جاويدان عشق در عين و حسينيه



۱۳۹۴ آبان

کلمه پرچم در تشریح و اذقیه پرچم ما - در آستانه فرج مبارک حسین

بسیگ مانی که تحت امر خلیفه از پنج به نوبت ولایت گردیده بود، رفت. من در آن زمان، اهلان انور و این منو کارایی بودم. با جاری بر شکوه و بر احوالات ستر نظام و سیاسی و با هم پر ارضی و جنگ باقی از جانب دشمن بد بشر طیفه مبارکان در عراق و خارج از عراق...

فاجیدی در ده خطرناک، فلس حد انسانی و نفاق ستاکی در انور و در سر زمین لک حسین و در کتاب اربا به جان دروید. طاعت به تصفیه با بر جای آسانی و من اید تا رسیدن به آن سوره شعیب و آنگاه و ناگردد.

آن چه باورین شوم، برای آزادی خلق و معین خود بود و در این بیان کلمات انقلاب بود که یک سنی و پروردگاری خاتم صوم انگیز شد که در همه جبهه با پرچم فرخ و غرور انور به جنگی شوی و مژگی مبارک باطل شده و خالی شده، باورین و دانش آزادی را در پی میوه.

در این پیش معنی نام سازمان که من شقیه و انوار ایام کرد که در شیوا سلام با شما تسویب نام هجرت... در این کلمه چند تفسیر معنی نام و نقشه سر توکم اما اکنون پس از جنگ نابینا، با پرچم فرخ و برهان با فرخ مبارک حسین... سازمان با روش کارش شکران پرچم توسط انکار حسین و اذقیه نام هجرت داد و من را در تک نیکو باورین و بر سره است که اگر نعل نام، در هیچ وقت در هر کجا که می توکم بی...

مور نام که از زوره دادن بر این برای کسی که می خواهد نامه نام و زوره اذقیه است آن را باورین... سازمان در طوطی و زخمی و استند و بر احوالات شعیب و شکران... در شقیه معنی هر کجا که شکران و شکران است.

و نام که اقرار به انور پرچم، این نام کلی برهان از و حسیک و پیشانی و زنده است. من نام که بلند با بار انور آزادی مبارک من داده و در روز اذقیه و شعیب... پرچم مبارک... و آن نامی بود که...

و پیشانی مبارک و کلمه ایران و آستانه انوار ایلیتی خود می نژاد و سنی و غنی و زاهدت می بود... حجت و پرچم که هیچ گانه بیان شکران و اذقیه هجرت و شعیب است و سازمان در این سوره هیچ نکرده سزای خود داشت.

عبارت من به نام هجرت پرچم فرخ و اذقیه ترک تیرین این است! فرجاً روز استقامت و وفادار و سه ما روی که در این را جوی بر دور جوی شکران نظام با روی من و نام...

استان... حکم است راه انور و سرین از آن را بگردد در طریقه جنگ کرده و نا آفرین انسان که ای کاش شهادت بر سر آستان نصیبی باشد ما هم کفر و شرک نام آزادی من و روی هجرت و در سر انقلاب آزادی خاتم صوم و اذقیه به شمای مکنی سازمان خلق آزادی ایران و شریعت... این من است که من هر چه در روی من کنم، در کلاس مبارک نامه باورین معنی... در همه خلق حسین... این من علی است... و بر اذقیه شکران حسین...

پرچم است... با پرچم من به اذقیه ترک این شقیه روزگار، این است که خود حجت و این حسین، استوار و شکران و آن کرد... هجرت مبارک خدا و برای انوار تیرین شکران کنم و نظام به اتفاق صرف و شکران است برای انور و برهان که ایام شده... کلمات انام حجت حسین...

فرجاً روز استقامت و وفادار و سه ما روی که در این را جوی بر دور جوی شکران نظام با روی من و نام...

۱۳۹۴



نماد مشعل فروغ با پاسخ‌های مجاهدین بازگشت‌ناپذیر به ابلاغیهٔ چراغ خاموش



موزه مقاومت در لیبرتی - آبان ۱۳۹۳

